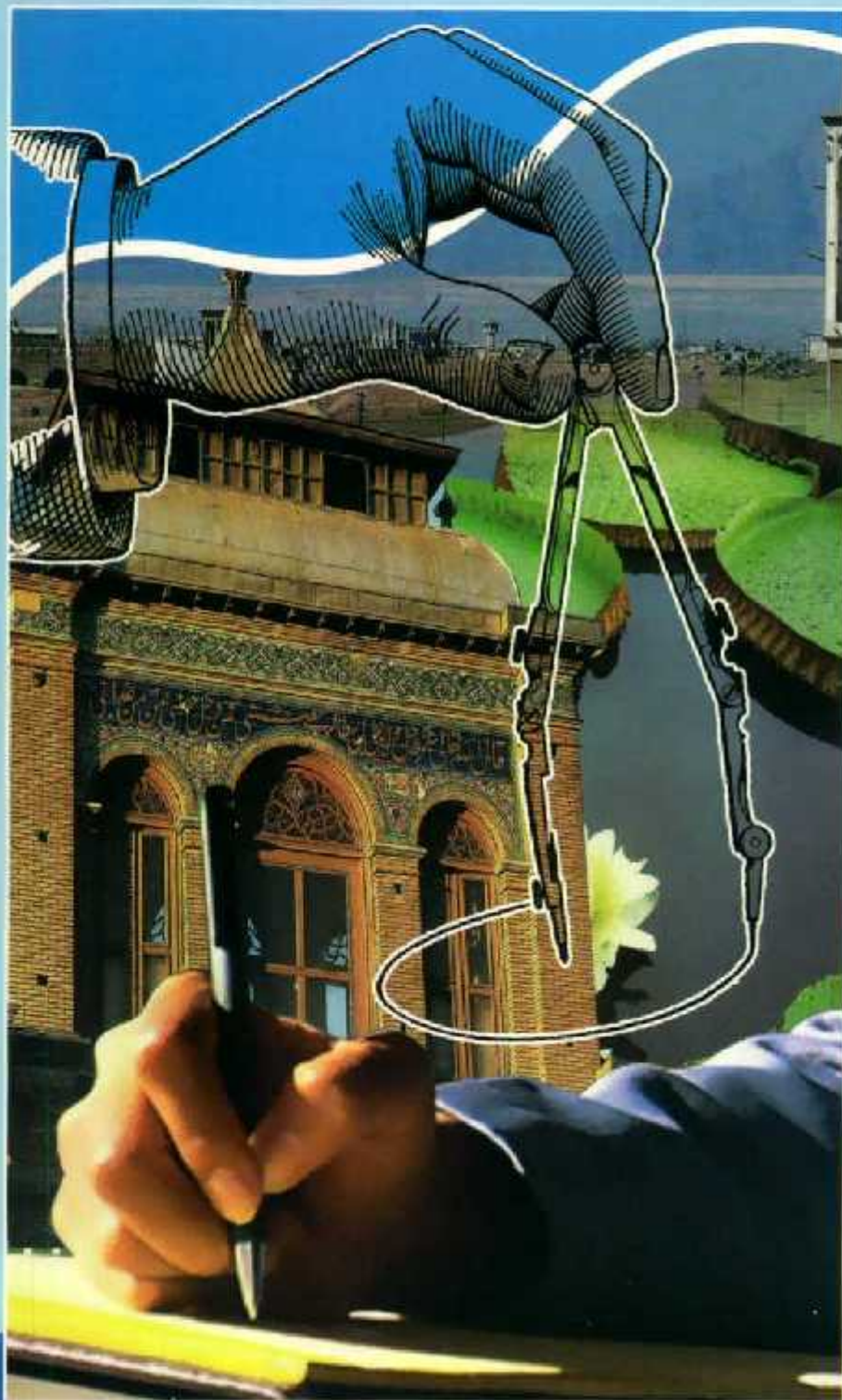
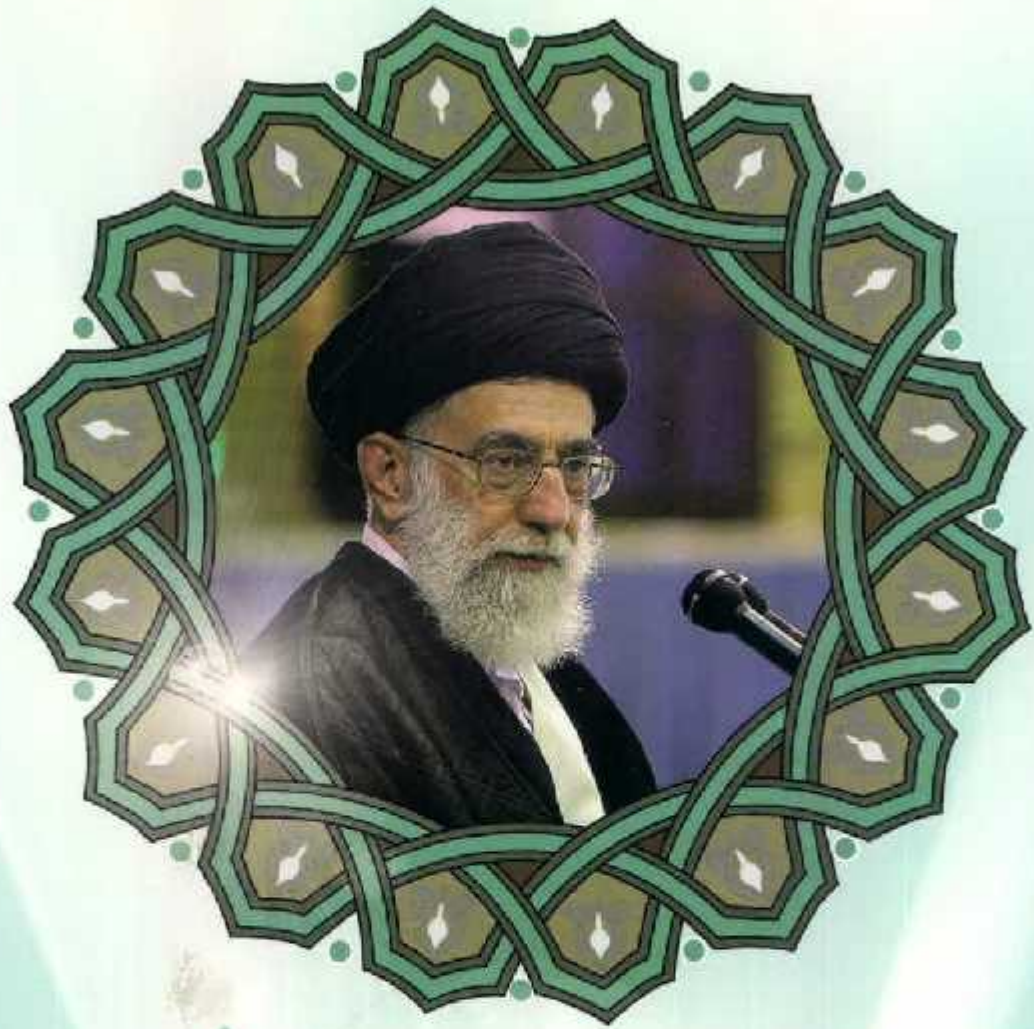


شماره ۸۸

ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی
برنامه ریزی و مدیریت شهری
دوره جدید - سال هشتم - شماره ۸۸ - اردیبهشت ماه ۱۳۸۷
۱۳۷ صفحه - ۵۰۰۰ ریال



- مهندسی فرهنگی و شهرداری‌ها
- مهندسی فرهنگی، شهر، مشارکت
- مقدمه‌ای بر توسعه پایدار محله‌ای
- اهمیت فضاهای شهری در راهبری
- کنشهای فرهنگی و مشارکتهای مردمی
- نامه‌ای یکصد ساله از اکتونیان
- بررسی نقاط ضعف و قوت
- شوراهای مدیریت شهری
- اصول حاکمیت مردمی و مدیریت شهری
- همایش صد سال بلدیة در ایران



آنچه در مقوله فرهنگ
بر عهده حکومت است عبارت است از:
نظارت بر ششمندان، متفکران، آگاهان،
مراقبت از هرزروی نیروها و هرزروی
طاق هرزه‌ها، هدایت جامعه
به سمت درست، کمک به رشد
و ترقی فرهنگی افراد جامعه.

ما می‌توانیم

محور اصلی: شهر و مهندسی فرهنگی

طرح روی جلد مربوط به محور اصلی
 عکس پشت جلد فراتمه باالت توان نهگده آندر
 پورت دشامپاین خورانه ای از سده های میانه

- ۱- مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً پیمانگی نینگده های سازمان شهرداری ها و دهیاری ها نیست.
- ۲- ماهنامه در ویرایش و تکمیل مطالب آزاد است.
- ۳- مطالب ارسالی به هیچ وجه بازنگر داننده نخواهند شد.
- ۴- استفاده از مطالب و طرح های مختلفه تشبیه تا نکر عاخذ مجاز است.
- ۵- مقالات باید با دیسکت یا لوح فشرده در محیط (فارسی Word XP) همراه باشند.

صاحب امتیاز: وزارت کشور-سازمان شهرداری ها و دهیاری ها
 مدیر مسئول: سید مهدی هاشمی
 سر دبیر: عبدالملکی صاحب محمدی
 زیر نظر: حسن ناصری پور
 هیئت تحریریه:

علیاس جلالی، مصطفی رستمخانی، مهدی فاضل فکور
 بهزاد تیمور پور، محمد رحما جمشیدیان، آرش سرایی
 طراح و صفحه آرایی:
 امیرشریفه- آلیه موسسه فرهنگی برای عقاید و مباحث
 حروف چین: معصومه توانا
 ویراستار: فرحناز توپخت
 همکاران این شماره: جواد پروژن، امیر وفاپی، حدیثه
 کرشایی، عمار داودی، نانا قسبی
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
 ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری ها

۴	یادداشت گزارش اصلی
۵	مهندسی فرهنگی و شهرسازی ها / حسین لائی اندیشه و پژوهش
۱۴	مهندسی فرهنگی، شهر، مشارکت، مصطفی رستمخانی
۱۷	مقدماتی بر توسعه پایدار محله های احسین حاتمى نژاد، معصود احمدین
۲۳	اهمیت فضاهای شهری در راهبردی کنشهای فرهنگی و مشارکتهای مردمی / اسماعیل صالحی
۳۷	سرمایه اجتماعی، حلقه مفقوده مدیریت شهری / محسن نیازی، محمد کرکنان
۴۰	مشاور حقوقی / جمشید رضایی، فرهنگ قبه لاریجانی
۴۳	مشاور اداری مالی / جمشید رضایی شهرداری ها به روایت استاد
۴۴	لبنای یکصد ساله از اکتوبرن عباس جلالی شورا و مشارکت
۴۶	بررسی نقاط ضعف و قوت شوراهای مدیریت شهری / حسین حتمی نژاد، معصومه عموزاده
۵۲	مفهوم پایداری در شهرهای امروز / جهان / محمد اکبر پورسمانه سوندم شهردار موفق
۵۹	شهرداری که حاضر بود
۶۰	چه کسی کلیددار لندن می شود؟ / محبوبه جوقساری
۶۲	تجربیات جهانی اسول حاکمیت مردمی و مدیریت شهری / رحمة قی اسکری
۶۷	یک شهر ایمن، یک شهر متعلق شهرها و شهرداری های جهان
۶۸	تهران، لندن در یک نما، مدیریت شهر به شکل مشارکتی / کاتلدا و سیاست های برای توسعه جوامع شهری آموزش
۷۳	اصول بودجه نویسی شهرداری ها / علی داداش زاده رهاورد سفر
۷۷	شهرداری بر تپه گان زمین / آرش نورآفرین دیدگاه
۷۹	مسجد، رویکردهای فرهنگی اجتماعی / حسن غفاری گزارش
۸۱	خانه های برای خشمور /وا / زهره بیانی - «میلش صد سال بلنیه در ایران» / مصطفی رستمخانی - گلرزه، نوشتش بهان برای ... / علیاس جلالی ... اخبار کوتاه
۹۷	سازمان شهرداری ارومیه موزه می شود / افتتاح ۳۵ پروژه شهری / کنشخانه شهرداری سنندج / فخر اسفندیار / شهرداری مینرعیس ارومیه و فضاهای فرهنگی / «عالی های» / فرهنگی اجتماعی شهرداری ساری / اخبار سازمان
۱۰۳	رئیس جمهور: شهر خوب باید زمینه پیشرفت / ارتباط / احداث باغشهرها هلاوه بر ... / بزرگوری یک شهر، یک نگاه
۱۰۵	ارومیه بندر عباس / تهران / ساری / قزوین واژگان شهری
۱۰۶	چشم انداز فرهنگی / جواد پروژن با مخاطب
۱۰۷	معرفی پایگاه شبکه
۱۰۸	نازدهای نشر
۱۰۹	ناقص های شهری برای مدیریت شهرها / بان جلالی
۱۱۱	بخش عمومی / محمد حسین سعیدی
۱۱۶	بخش انگلیسی / جواد پروژن



یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی شهری در کشورهای پیشرفته، حضور در عرصه‌های فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی در شهرها می‌باشد که قانونگذار بخش عمده‌ای از آنها را به شهرداری‌ها واگذار کرده است. مسائل فرهنگی و اجتماعی شهرها از مقولات زیربنایی هستند که توجه به آنها سهمی عظیم در توسعه و پیشرفت جوامع شهری خواهد داشت.

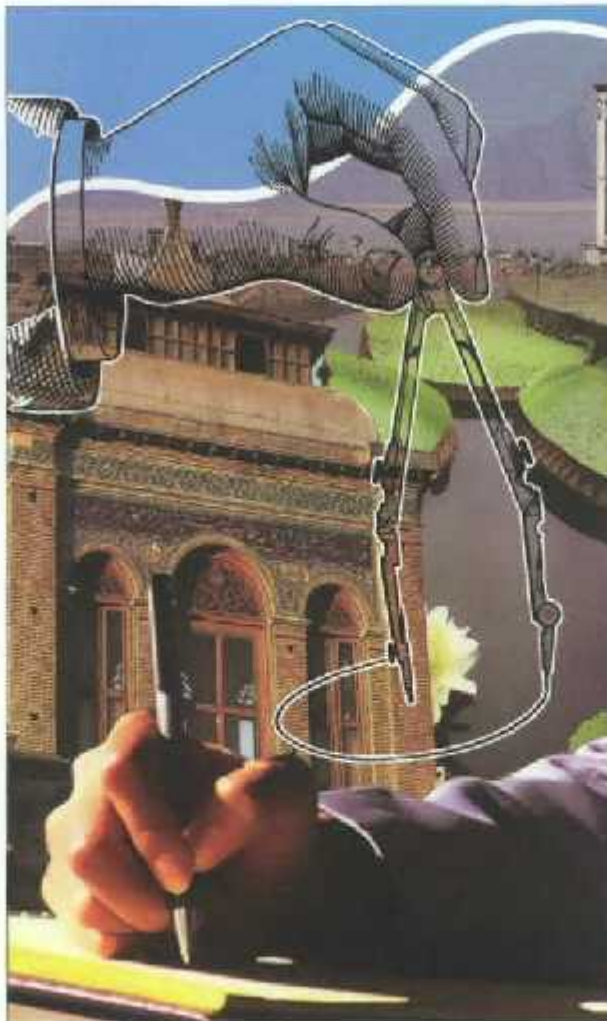
برای ارتقای زندگی شهروندان و تبدیل آنان به شهروند راهی جز اصلاح مسیر فرهنگ و رفیع ناهنجاری‌های اجتماعی متصور نیست. تئودور صاحب‌نظران شهرسازی و مدیریت شهری بیتگر این مهم است که تنها ساختن فیزیکی ساختمان‌ها و ابنیه و توسعه‌کالبدی شهر راهبرد دستیابی به شهر ایده‌آل نیست و نحوه‌ی استفاده شهروندان از شهر تأثیر بیشتری در ارتقای زندگی شهری با توجه به تمامی ابعاد غیر ظاهری آن دارد. آموزش اصول شهرنشینی (شهروندی) و هدایت در مسیر صحیح ما را به شهر اسوه با شهروندانی منضبط راهنمایی خواهد کرد. در کشور ما نیز چند سالی است که شهرداری‌ها به عرصه‌های فرهنگی اجتماعی شهر پا گذاشته‌اند. متأسفانه این حضور سلیقه‌ای و وابسته به افراد بوده است. آنچنان که امروز بسیاری از شهرداری‌ها فاقد حوزه فرهنگی اجتماعی هستند و بسیاری از آنها نه به عنوان یک دغدغه‌ی جدی و وظیفه‌ی قانونی بلکه تنها برای رفع تکلیف به انجام برخی امور کلیشه‌ای در سطحی نازل و کم‌رنگ پرداخته‌اند. بر این اساس نگاه به شهرداری‌نگاهی خنثی و صرفاً به دریافت عوارض و ارائه‌ی خدمات سطحی - حتی در حوزه‌های فرهنگی - شهر محدود شده است. نظر به حجم ارتباط مردم و شهرداری‌ها می‌بایستی اصلاح این نگاه صورت پذیرد و شهرداری‌ها می‌بایستی با توانمندسازی خود در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، ضرورت حضور خود را به شهروندان بقبولانند.

با عنایت به طرح بحث مهندسی فرهنگی از سوی مقام معظم رهبری و احاله مسئولیت این بحث به شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضروری به نظر می‌رسد که در حوزه‌ی مدیریت شهری نیز با توجه به مطالب پیش گفته این برنامه‌ریزی و هدایت به صورت جدی و قانونی مطرح و پیگیری شود.

شهرداری‌ها به عنوان صنف مقدم ارتباط با شهروندان و سازمان شهرداری‌ها به عنوان دستگاه متولی در هدایت، پشتیبانی و نظارت بر فعالیت شهرداری‌ها - در مباحث فرهنگی و اجتماعی - می‌بایستی طرح‌های اجرایی و برنامه‌های راهبردی را تهیه و با تصویب و نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی به سرانجام برسانند. با توجه به تجرب این سازمان بدون شک طرح‌ها و برنامه‌های عملیاتی این حوزه پس از تأیید در مراجع بالاتر برای شهرداری‌ها به عنوان دستورالعملی جامع، راهگشای فعالیت کلان فرهنگی و اجتماعی خواهد بود. خلاء نهاد مسئول این فعالیت در سازمان شهرداری‌ها نقیصه‌ای بارز در شکل معسوب سازمان شهرداری‌ها بود که بحمدلله با تشکیل مؤسسه فرهنگی، اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی سازمان، این ضعف برطرف و به زودی شاهد فعالیت گسترده این مؤسسه در هدایت، حمایت، پشتیبانی و نظارت از فعالیت شهرداری‌ها در این گستره عظیم و بس با اهمیت خواهیم بود.

مهندسی فرهنگی و شهرداری‌ها

حسین تائبی



موضوع مهندسی فرهنگی با تاکیدات مقام معظم رهبری در حال تبدیل شدن به یکی از گفت‌وگوهای غالب در سطح جامعه است. شورای عالی انقلاب فرهنگی متولی اصلی این بحث در سطح کشور و احتمالاً مشخص کردن جزئیات در حوزه‌های مختلف می‌باشد.

تعریف مهندسی فرهنگی خود بحث سهل و ممتنع‌ای است که به راحتی نمی‌توان از آن گذشت. مگر آنکه آن را به عنوان مفهومی اولیه و پایه‌ای بینگاریم، چرا که معنی و مفهوم این عبارت بسیار راحت‌تر از تعریف لغوی در ذهن جای می‌گیرد. اگر فرهنگ را محیط انسانی بدانیم که همه انسان‌ها در آن غوطه‌ور و اثرگذارند و از این محیط اثر می‌پذیرند، آنگاه می‌توان مهندسی فرهنگی را شکل‌دهی، پالایش، بالندگی و نوآوری برای محیط فرهنگی قضا دانست.

از آن‌جا که مهندسی امری مادی و کالبدی برای قضا است، تفسیر مهندسی فرهنگی ماهیت کالبدی می‌یابد که می‌بایستی به مفاهیم غیر مادی آن بیشتر پرداخت و شاید کلمه ساماندهی معنای نشسته در ذهن را ملموس‌تر نماید.

اما آن‌چه مورد بحث ما خواهد بود، شهر و مهندسی فرهنگی و ارتباط شهرداری‌ها با این حوزه می‌باشند که در پی روشن شدن آن هستیم. لازمی تحقیق مهندسی فرهنگی شناخت کامل فرهنگ موجود و برنامه‌ریزی



برای دست‌یابی به فرهنگ مطلوب در حوزه‌ها و محیط‌های خاص است. با این مقدمه به طرح موضوع در میزگرد با حضور دو تن از کارشناسان حوزه‌ی مدیریت شهری و مباحث فرهنگی می‌پردازیم. گفتنی است که دوستان دیگری نیز در این جمع وعده دیدار داده بودند که در آخرین ساعات عدم حضور را به اطلاع رساندند و ما به احترام دوستان حاضر جلسه را تشکیل دادیم.

آقای دکتر ناری ایبانه، مدیر کل آموزش و مشارکت‌های شهروندی شهرداری تهران
آقای دکتر حمید صارمی، شهردار کرمانشاه

تعریف مهندسی فرهنگی

موضوعی به نام مهندسی فرهنگی مقوله‌ای کلی است و همین کلیت ابهام به همراه دارد. در پیوند این دو مقوله، این ابهام و پیچیدگی دو چندان می‌شود. در ابتدا اگر تعریف مشخص و روشنی در این باره دارید، بیان فرمایید.

ناری: فرهنگ تعاریف بسیاری دارد. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ در مورد فرهنگ می‌فرمایند: فرهنگ مثل هواست که با همه‌ی ابعاد زندگی ما ارتباط دارد. یعنی فرهنگ اتسفری است برای زندگی و فضایی که تمام پدیده‌های اجتماعی در بستر این اتمسفر شکل می‌گیرد.



حمید صارمی شهردار کرمانشاه
مدیر کل آموزش و مشارکت‌های شهروندی شهرداری تهران

ایشان می‌فرمایند: «به عبارت دیگر ما به دنبال این هستیم که در حوزه‌ی اندیشه و خردورزی فرهنگ را اصل و اساس همه‌ی پدیده‌های اجتماعی قرار بدهیم. بنابراین من فرهنگ را مجموعه‌ای از گمانه‌زنی‌ها و برداش و

گزینش یک جامعه در همه‌ی سطوح می‌دانم. ما برای انجام هر اقدامی در شهرها نیاز به این داریم که در برابر هر پدیده‌ای که قرار می‌گیریم برای انتخاب آن کردن و یا نکردن آن گمانه‌زنی‌هایی کنیم و بعد برداش تعریف و در آخر اصلاح را انتخاب کنیم. به این روش اندیشه و برخورد با پدیده‌هایی که منجر به انتخاب یا عدم انتخاب ما می‌شود فرهنگ می‌گوییم. که در زمینه سیاست، فرهنگ سیاسی و در زمینه اقتصاد، فرهنگ اقتصادی گفته می‌شود».

ما در جامعه قوانین و مقررات داریم و برای اجرای مقررات زمان صرف می‌کنیم هنگامی که مخاطب شروع می‌کند به پردازش فضایی که در جامعه و در هر حوزه شکل می‌گیرد چنین روندی در واقع می‌شود فرایند فرهنگ. بحث مهندسی تعیین مختصات هندسی یک پدیده نسبت به سایر پدیده‌هایی است که در جامعه وجود دارد. مهندسی مدیریت نسبت‌های اجزای یک پدیده است به نحوی که بهره‌وری و کارآمدی آن ارتقا پیدا کند. مهندسی فرهنگ یعنی این که جامعه در حوزه‌ی گمانه‌زنی‌ها و برداش‌هایی که دارد، باید چگونه عمل کند تا در مورد قضاوت‌هایش در زندگی اجتماعی، با شکل و کیفیت بهتری تصمیم بگیرد. ناری ادامه می‌دهد: «متأسفانه از نظر بهره‌وری ما

سطح پایینی داریم. مهندسی فرهنگ یا سه مؤلفه‌ی اساسی تعریف می‌شود. ۱. فرایند فرهنگ ۲. ساختار فرهنگ و ۳. مقیاس فرهنگ. در فرایند فرهنگ موضوع گمانه‌زنی فرهنگ و برداش مطرح است. در مقیاس، شهر، شهروندان و امکانات مطرح می‌شود. و در ساختار مدیریت، کارشناسی و اجرا مطرح می‌گردد. یعنی اینکه فرایند گمانه‌زنی، اجرا و گزینشی که در باره‌ی شهروندان انجام خواهد گرفت همزمان باید مدیریت شود. یک جا باید نظام کارشناسی آن فعال شود. فعالیت‌های فرهنگی ما در حال حاضر اجزای مباحث است. برای مهندسی فرهنگ قطعاً نیاز به یک منطق شبکه‌ای داریم تا کاملاً فرهنگ تعریف شود. قابل چینش و قابل مدیریت باشد. اگر بتوانیم مهندسی فرهنگ را در قالب مدل فرهنگ بگیریم، موضوع آسان‌تر خواهد شد.

اینجا اینجا یا تعریفی دیگر روبرو هستیم که می‌خواهیم در مورد آن توضیح دهید. راجع به مهندسی اجتماعی است در این تعریف گفته می‌شود که مهندسی اجتماعی، یعنی برنامه‌ریزی تغییرات اجتماعی بر اساس یک برنامه کار به جای آزاد گذاشتن نهادهای اجتماعی که به شیوه‌ای اتفاقی تکامل باید. یعنی اینکه ما باید در آن دخالت کنیم.

ناری: وقتی ما بحث مهندسی فرهنگی را داریم اینجا جزو زیر شاخه‌های آن محسوب می‌شود. همان‌طور که می‌دانید تعریف فرهنگ یک تعریف جامع است. زمانی که می‌خواستیم تمدن را تعریف کنیم می‌گفتند فقط محصولات ملای و معنوی را در برمی‌گیرد. یعنی دامنه فرهنگ را به تمدن وصل می‌کردند.

اما آن چه مورد بحث ما خواهد بود شهر و مهندسی فرهنگی ارتباط شهرداری‌ها با این حوزه می‌باشد که در مورد روشن شدن آن هستیم

صارمی: با تجربه‌ای که در شهرداری‌ها داریم می‌گوییم که چرا به مهندسی فرهنگی رو آوردیم و چرا می‌خواهیم روی مهندسی فرهنگی کار کنیم. مضمناً عرض می‌کنم که ایران به لحاظ موقعیت توپوگرافی کشور دارنده‌ی گاز و ششمین دارنده‌ی نفت در جهان است. ۵۲ عنصر معدنی در ایران وجود دارد. بعضی از آن‌ها مثل سیلیس قیمت گرانی هم دارند. کشور ما به لحاظ موقعیت طبیعی در کنار دو دریا قرار دارد. موقعیت راهبردی کشور ما و بسیاری از ویژگی‌های طبیعی آن در دنیا منحصر به فرد هستند. وقتی به عقب نگاه می‌کنیم هویت کشور ما هویتی نبوده است که تازه بخواهیم شروع به توسعه‌یافتگی کنیم.

در حال حاضر با این ویژگی‌ها و شاخص‌های توسعه‌ی مشکل داریم. مثلاً چین با یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر این ویژگی‌ها را ندارد. افراد بیکار آن کمتر از شش درصد است و بسیاری از ناپسمانی‌های اجتماعی را از میان برداشته‌اند. صارمی ادامه می‌دهد: «به اعتقاد عالمان علم فرهنگ مشکل کشور مبنای کالبدی نیست یعنی این طور نیست که کشور ما امکانات توسعه‌یافتگی نداشته باشد. متأسفانه در جاهایی اتفاقات افتاده است که از توسعه عقب مانده‌ایم. حال باید برنامه‌ای تدوین شود که بر اساس آن کشور توسعه پیدا کند».



محمول این فناوری و فرهنگ مهندسی فرهنگی نامیده شده و سبب تغییر و تحولات در رفتارهای اجتماع می شود. نازی: دانشی بحث از یک فضای فرهنگی به فضای دیگری کشیده شد. مهندسی فرهنگی در واقع نقشه راه توسعه‌ی همه جانبه‌ی یک کشور است.

اگر ما بپذیریم که مهندسی فرهنگی نقشه راه توسعه است و مهندسی اجتماعی مبتنی بر راه باشد، تعریف در خودش یک تضاد دارد. یعنی برنامه‌ریزی براساس یک برنامه دیگر. تعریف که نمی‌تواند خودش را معطل یک برنامه دیگر بکند. باید از نظر منطقی مباحث طوری پشت سر هم چیده شود که موضوع بین زمین و هوا نیفتد.

بنابراین اگر قرار است که اجتماعی صورت بگیرد، نیازمند یک نقشه راه است. موضوع دیگر تغییر رفتار در محیط است. تغییر انگیزه، برهمکنش و رفتارها در محیط مینا می‌خواهد. شما از کجا می‌دانید که وقتی یک رفتار را تغییر می‌دهید نتیجه‌ی مثبت خواهد داد؟ بر چه اساسی این تغییر را مثبت یا منفی تحلیل



می‌کنید؟ این به امکانات تغییر رفتار، صحت و سقم آن و به شاخص‌های مثبت و منفی در آن برمی‌گردد. به مهندسی اجتماعی شما و مهندسی اجتماعی که من در صحبت‌هایم گفتم که در واقع وابسته به مهندسی فرهنگ است.

بنابراین، زمانی که مقام معظم رهبری اشاره می‌کند مهندسی فرهنگ موضوع جدی است و باید به آن بپردازیم، به خاطر این است که جریان چشم انداز مملکت یا جهت‌گیری توسعه کشور در همین جاست و این نقطه ایده‌آلی است که تمام فعل و انفعالاتی که می‌خواهد در کشور اتفاق بیفتد باید با نگاه به آن و براساس رسیدن به آن طراحی شود.

پس بدون این که به مصادیق بحث مهندسی فرهنگ که یک بحث بنیادی است وارد شویم، باید به مصادیق فعالیت‌های فرهنگی دقت شود. فعالیت‌های فرهنگی در واقع خروجی‌های

در میانی فرهنگی جامعه با سه عنصر در شهر سر و کار داریم. ۱. شهروند، ۲. شهر، ۳. ارتباط این دو گزینه در بحث فرهنگ.

امروزه در دنیا هر روز به علوم مختلفی دست پیدا می‌کنند. اما امکان استفاده از این تحولات، ابتکارات و نوع‌آوری‌ها به نفع جامعه ایرانی وجود ندارد. به اعتقاد من: بخشی از این عدم توانایی بحث فرهنگی است. این بحث به کالبد شهر و ابعاد محیطی شهرها و ابعاد زندگی مادی، به مباحث اجتماعی، به رفتارهای اجتماعی و به عقیده‌های اجتماعی ارتباط دارد. آیا باید آدم‌های جامعه را مدرن کرد تا جامعه مدرن شود، یا جامعه را تغییرات اجتماعی در کالبد لازم است یا در رفتارها؟

در بحث مهندسی فرهنگی معتقدم همین که مباحث فرهنگی در جامعه پیش می‌آید سطحی‌نگری می‌کنیم و جزرات نداریم که موضوع را عمق ببخشیم زیرا به میانی فرهنگی اگر عمق ندهد شود که می‌توان حرف‌ها را زد.

ما می‌خواهیم از فرهنگ دیگران برای توسعه استفاده کنیم. اما میانی فرهنگ این اجازه را نمی‌دهد - یعنی میانی فرهنگیمان یکی نیست. زندگی اجتماعی ما از درون خانواده تا محل کار یا بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تفاوت دارد.

برای ما میانی مشخصی وجود ندارد تا با آن توسعه پیدا کنیم. کدام را باید تعمیق داد؟ آیا جامعه در بحث فرهنگی این بحران را پشت سر خواهد گذاشت؟ به چند مطلب نیاز دارید. از طرفی فناوری توسعه در دست ما نیست. ورود فناوری را پشتیبانیم. اما میانی خودمان را نشناخته‌ایم تا توسعه را با آن تطبیق دهیم ما فقط وارد کننده محض بوده‌ایم.

ورود اینها باعث برخی تلخیرات محیطی و فرهنگی می‌شود، چه بخواهیم و چه نخواهیم - یعنی ما نمی‌توانیم جلوی آن را بگیریم. ورود اینها طبیعی است. نیازمند تعریفی هستیم میان ارتباط فناوری، آدم‌ها و رفتار آدم‌ها. ما واقعاً رفتار آدم‌ها را براساس حرکت فرآیند فناوری تعریف می‌کنیم یا براساس میانی فرهنگی؟ از این جاست که چالش‌های ما اندک اندک شروع می‌شود. ما میانی داریم اما روی میانی کار نکرده‌ایم تا آنها را تطابق بدهیم. وقتی به بحران می‌رسیم، شروع می‌کنیم برای معلول چاره کردن که به نتیجه هم نمی‌رسد.

امکان تغییر رفتار وجود دارد اگر شما بخواهید جامعه و فضای مدرن داشته باشید - که البته طبیعی است. اگر فضاهای مدرن می‌خواهید باید تعمیم بخشی فرهنگی براساس میانی دینی هم داشته باشید. این میانی فرهنگی را چه کسی باید در کشور تدوین کند؟

در میانی فرهنگی چه کسی می‌آید برای شما مینا تدوین کند که مثلاً در فضاهای مدرن دقت لازم را داشته باشید؟ یعنی تغییر رفتارهای اجتماعی از یک واحد ساختمانی شروع و بعد به شهر ختم می‌شود. این را می‌پذیریم که برخی از میانی فرهنگی نیاز به کالبد ندارد. نیاز به تحلیل کالبدی فضا دارد. این موضوع می‌تواند پایه‌ای باشد برای تعریف ارتباط فناوری، جامعه و تدوین میانی که ممکن است میانی کشوری، ملیتی، دینی و یا میانی عرفی باشد. معمولاً پایه‌های فرهنگی همجوشی است از این عوامل و



مهندسی فرهنگ است. اما در مرحله‌ی اجرا چون کار مهندسی نشده است هر کسی آسار می‌دهد و احساس می‌کند که با اینها کار جلو می‌رود. تصور من این است که نداشتن مهندسی موجب نوعی سردرگمی در حوزه‌ی تصمیم‌سازی و اجرای مدیریت کشور است. می‌خواهم بگویم با تغییر رفتارهای شهروندان باید شهر را مدیریت کرد. تغییر رفتارهایمان در شهر و کشور به گونه‌ای بوده که نیازهای اجتماعی مدیریت نشده و به حدود ۷۰ میلیون دلار کالا در سال ۸۶ انجامیده است. یعنی ما محصولی که جواب نیازها را در کشور بدهد نداشتیم و مجبور به واردات شدیم. ثروت ملی در واردات از مملکت خارج می‌شود. یعنی مهندسی اجتماعی صورت نگرفته است. دلیلش هم این است که مهندسی فرهنگ در کشور وجود ندارد. موضوع مهندسی فرهنگ موضوعی نیست که به سرعت بشود از آن عبور کرد و به سمت مدیریت رفتار و تغییر رفتارها رفت. کسی می‌تواند تغییر رفتار و تغییر نیازهای اجتماعی را انجام بدهد که در واقع «متعلق آن را شناسایی کرده و صحیح انجام دهد».

سوال: از نظر جایگاه شهر، مدیریت شهری و شهرداری‌ها مهندسی فرهنگی چیست؟ جایگاه ما جایگاه شورای انقلاب فرهنگی نیست. نمی‌خواهیم به جای آن شورا صحبت کنیم. با جایگاهی که خودمان داریم ببینیم چه باید بکنیم؟ برخی مهندسی فرهنگی شهر را ساختن قالب‌هایی می‌دانند که مدیریت فرا دست شهری بی آن که به مشارکت یگان‌ها یا واحدهای سازنده‌ی اجتماعات شهری مثل محله، بافت اجتماعی آن توجهی بکنند آن را طراحی کند و پیش می‌برد. به نظر شما چنین چیزی هست؟

ناری: ما نمی‌توانیم یک تحول یا یک تغییر را بدون نسبت دادن آن با تغییر شهروندان، فعالیت‌های جاری در شهر و امکان تحلیل کنیم. بنابراین مهندسی فرهنگی در شهر دقیقاً مبتنی بر آزادی شهر است. شهر مجموعه‌ای از انسان و فضا است. شهر شامل انسان‌ها، فعالیت‌ها و امکان شهری است. و رویکرد اجتماعی براساس تعریف به این سه جز مشروعیت پیدا می‌کند. بحث در مهندسی فرهنگی در شهرها و شهرداری‌ها عمدتاً کالبد محور هستند. اگر ما سه جز انسان، فعالیت و مکان را داشته باشیم، در شهر عمده فعالیت‌های شهرداری‌ها بیشتر فعالیت کالبد محور است. بحث شهروند مداری در شهرداری‌ها اخیراً رواج پیدا کرده، رویکرد بحث مشارکت و بحث مهندسی فرهنگ بیشتر رویکرد انسانی است. اگر ما از کالبد نام می‌بریم روی آن برنامه ریزی می‌کنیم. به جهت نگاه انسان‌گرایانه‌ای است که داریم، به همین خاطر است که جایگاه شهرداری‌ها از لحاظ قالب بودن بحث‌های کالبدی و نسبتشان با مهندسی فرهنگی شهرها تا نقطه مطلوب فاصله بسیاری دارد. یعنی از پرداختن به امور فرهنگی و امکان فرهنگی خیلی غفلت شده است.

سوال: آقای دکتر چه کسی باید این مباحث نظری را برای شهرداری‌ها تدوین کند و براساس آن عمل نماید؟
ناری: بحث این است که هر نهادی برای خودش دانشکده‌ای دارد. دانشگاه‌های ما از لحاظ ساختاری با محیط عمل فاصله

بسیار دارند. ما باید رشته‌ی مدیریت شهری داشته باشیم. اما براساس نیازهای امروزی در حوزه فرهنگ شهری دانشگاه و دانشکده نداریم. و اساساً شهرداری‌ها باید در موضوعات مختلف دانشگاه و دانشکده داشته باشند. یعنی موضوعات مهمی وجود دارد که سرمنشأ فکری در شهرداری‌ها را باید بر اساس آنها تبیین کرد. به نظر من شهرداری‌ها در حوزه مباحث نظری پشتیبان دارند. اما دانشگاه‌ها و بخش‌های علمی جامعه نتوانسته‌اند قضای مدیریت شهری را در این جامعه درک کنند و نتیجه این که فعالیت فرهنگی شهرداری نهایتاً در حوزه ساخت‌وساز است. یعنی باز نگاه کالبدی است. نگاه حاکم سیمانی، بتون و تیر آهن و نفاست. هیچ وقت به سمت نرم‌افزار فرهنگی حرکت نشده است. در بحث مهندسی فرهنگی باید نظام گمانه‌زنی، پردازش و گزینش‌های مردم شهر را مدیریت کرد که در همه‌ی زمینه‌های مورد نیاز زندگی بتوانند خوب قضاوت کنند. حال باید دید که این بحث کالبدی که در مدیریت شهری و شهرداری‌ها وجود دارد، چقدر تغییر جهت داده است. حرکتی شروع شده اما تا رسیدن به وضع مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد.

سوال: آقای دکتر صارمی شما به عنوان شهردار از این قضیه دفاع کنید. مطالبی را که آقای دکتر تازی بیان کردند آیا شما به راحتی می‌توانید به آنها عمل کنید؟ اصلاً امکان عمل به آن هست؟

صارمی: با تأکید بر این نکته که آیا امکان عمل به مطالب بیان شده وجود دارد یا خیر، این بحث‌ها نوعی توجیه است. اول باید جداسازی کنیم. ۱۱۰۰ جایی را که سازمان شهرداری‌ها، شهر می‌داند، ما به عنوان شهر نمی‌شناسیم. ما برای شهر ویژگی‌هایی قائل هستیم. شهر باید کارکرد شهر داشته باشد. این که بایسیم محلی را به سه هزار نفر جمعیت به صرف این که برایش شهرداری گذاشته‌ایم، بگویم شهر، کافی نیست. ما برخی از این مصدق شهر را که برای شهر قرار داده‌اند، قبول نداریم. شهر را باید بر مبنای نوع کارکرد و عملکرد آن تعریف کرد. با این تعریف شهرهای ما شهرهای محدودی خواهد بود نه ۱۱۰۰ شهر. سابقه شهرنشینی ما فراز و فرود داشته و دقیقاً به عوامل تمدن آن زمان بستگی داشته است. یعنی اگر زمانی شهر فراز داشته، ادبیات هم فراز داشته، هنر هم فراز داشته و همچنین فرودها.

شهرهای ما ناخواسته چند تحول برایشان به وجود آمد نمی‌توان گفت شهرهای ما کالبد محور هستند. می‌بایست از ۳۰ سال پیش تحولات را که در زمینه‌ی ساخت جمعیتی کشور به وجود آمده بررسی کرد تا تغییرات را دید. جمعیت کشور در سال ۱۳۲۵، پنج میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بود. ۳۰ درصد کل جمعیت ایران در شهر زندگی می‌کردند. سال ۱۳۸۵ جمعیت شهری ما ۴۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر شد. هر ۱۰ سال تحولی جمعیتی شکل گرفته که ممکن است بنا بر عوامل دیگری این شدت در بعضی از شهرها نمود بیشتری داشته باشد. این ارتباطی به کالبد ندارد. مباحث اجتماعی بوده که این کالبد را شکل داده است.



نمی‌توانید منتظر مهندسی فرهنگی در مهم‌ترین جای کشورتان که شهرها است، باشید.

تحلیلاً آقای دکتر ناری، بیخشدید نسبت به پیشینه‌ای که از شما سراغ داریم باز به طرف شما می‌آییم. آقای دکتر صارمی گفتند که شهردار و شهرداری سرنوشت محتومی دارد، محض اطلاع عرض کنم آقای دکتر ناری از کسانی هستند که در بخش‌های فرهنگی شهرداری کار می‌کنند. می‌خواهم که یک مقداری از تهران فاصله بگیرید و جواب آقای دکتر صارمی را بدهید.

ناری: در بحث مهندسی فرهنگی و نسبت آن با مدیریت شهری بنا نداریم جوابگوی مشکلات زمینه‌ای باشیم که بیشتر آن حاکمیتی است- مثل مهاجرت، نابسامانی‌های اقتصادی و انبوه‌سازی مسکن. بحث این است که شهرداری‌ها در آن بخشی که اهداف و وظایف و مأموریت داشتند، چه کردند؟ فرآیندی و بزرگ کردن و گسترش دایره موضوع به گونه‌ای که کرانه‌هایش قابل تحلیل نباشند، روشی است که هیچ کمکی به حل مسئله نمی‌کند. باید از درون موضوع به تحلیل موضوع پرداخت. در شهرها افراد در مکان‌ها فعالیت‌هایی انجام می‌دهند. این سه جزء با هم روابط، مناسبات و نسبت‌هایی دارند که در واقع زندگی شهری را شکل می‌دهند. قانونگذار بخشی از این نسبت‌ها و این

روابط و مناسبات را در شهرها به شهرداری‌ها داده و در پایتخت، حاکمیت هم فعالیت می‌کند. وزارت ارشاد هم وظیفه‌ی فرهنگی دارد و هم سازمان تبلیغات وظیفه‌ی دینی دارد. سازمان تربیت بدنی متولی ورزش است. بنابراین بحث این است که آیا شهرداری‌ها در

اهداف و وظایف و مأموریت‌هایی که قانونگذار به آن‌ها داده، توانسته‌اند فرهنگ‌سازی در مهندسی کلان فرهنگی را شکل بدهند؟ من نمی‌خواهم به سمت بحث‌هایی بروم که مأموریت مدیریت شهری نیست. می‌گویم در شهرداری تهران حدود ۳۰۰ مأموریت استحصال شده است. یعنی قانونگذار ۳۰۰ وظیفه در اختیار مدیریت شهری قرار داده است. این ۳۰۰ مأموریت برای این که به تغییر رفتار بینجامد کافی است در واقع دو این ۳۰۰ سرفصل براساس مأموریت‌هایی که دارد رفتار جامعه را به سمت تغییر مثبت میل دهد تا بتواند هدف‌های خود را در شهر پیدا کند. تغییر رفتار بدون تغییر نگرش و تغییر افکار میسر نمی‌شود. بنابراین سرفصل‌هایی که برای پیاده کردن اهداف نیاز به تغییر نگرش و افکار شهروندان دارد نسبت آن را با مهندسی فرهنگ معلوم می‌کند. شهرداری‌ها متکفل ایمان شهر، ورزش و فرهنگ شهر نیستند، پس متکفل چه هستند؟ متکفل فرهنگ‌سازی آن سرفصل‌هایی هستند که با آن بتوانند اهداف، وظایف و مأموریت خود را توسعه دهند. یکی از آنها فرهنگ ترفیق است. دیگری آلودگی، بافت فرسوده، فضای سبز شهری، زباله و پسماند است. برای اینکه در حوزه‌ی زباله تغییر

وقتی تحولات جمعیتی شکل می‌گرفت به آن توجهی نشد که منجر به اسکان غیررسمی و بعد هم ساخت و ساز بدون ضابطه گردید. مثلاً در برنامه‌ی دوم گفته شد کوچک سازی، انبوه سازی. اصلاً نمی‌دانیم چکار کردیم. این موضوع ربطی به شهرداری نداشت. شهرداری مدیریت می‌کرد. کسانی که در کشور سیاستگذاری می‌کردند در کشور، اصلاً نگاه به این نداشتند. که این شهرها باید فردا محل زندگی و مدنیت خواهد بود فکر می‌کردند فقط جای زنده‌مانی و اسکان ماست- یعنی خوابگاه زندگی ماست. شهرداری‌ها تنها باید این تغییر و تحول را در جامعه اداره می‌کردند. الآن هم تعادل به وجود نیامده. یعنی هم اینک نیز از این پدیده‌ی تحولات جمعیتی کشور گنور نکردیم. ببیند ما از چه تحولاتی داریم جا می‌افتیم. همین‌ها می‌شود تغییرات کالبدی ما در ۱۰ سال آینده، در حال حاضر چه بخواهیم چه نخواهیم ورود الکترونیک دولت الکترونیک، شهر الکترونی، تجارت الکترونی دامن شهرها را گرفته است. از وقتی که ورود پیدا کرده، کالبد آن هم گسترش یافته است. این اتفاق در کشورهای پیشرفته اتفاق افتاده (وقتی می‌توانند کنفرانس خود را در هر جایی انجام دهند، وقتی می‌توانند هر کاری را با ابزار الکترونی انجام دهند، خود به خود این اتفاق افتاده است). البته ممکن است طی دو تا سه سال چالش‌های آن در کشور ما نیز شکل بگیرد. ظرف ۱۰ سال آینده باز باید شهرهای گسترده‌ای را

در حول و حوش خود پیدا کنیم. این رخداد واقعاً چه ارتباطی به شهرداری دارد؟ شهرداری چرا مدیریت کالبد محور نمی‌کند؟ چرا ناخواسته مدیریت بخش‌های ساختاری کشور را به دوش گرفته است و مشکلاتش را تحمل می‌کند؟ مشکلاتی همچون تحولات

موضوع مهندسی فرهنگ موضوعی نیست که به سرعت بشود از آن عبور کرد و به سمت مدیریت رفتار و تغییر رفتارها رفت

اقتصادی و جمعیتی را که نمی‌توانیم ساختاری برایش گرفته بریزیم، برای شهرهایمان رتبه و اندازه نداریم. مقیاسی برای زندگی در شهر نداریم. شهرها باید رتبه و اندازه داشته باشند. با این اوضاع و احوال شهرداری‌ها چگونه می‌خواهند اداره شهر را مدیریت کنند. در برنامه سوم و چهارم، ماده ۱۳۶، ۲۳ نهاد که عمده‌ی مبنای فرهنگی شهر را اداره می‌کنند، قرار است به شهرداری واگذار شوند که هنوز درصد کمی از آن هم اتفاق نیفتاده است، فقط هر سال می‌گویند که قانون الزام کرده که این ۲۳ نهاد را به شهرداری‌ها بدهند. شهرداری‌ها ناخواسته با معلولی برخورد کردند به نام شهر که فقط مباحث کالبدی را مدیریت کنند. ما مشکلاتمان در حوزه عملکرد کالبدی شهر یک معلول است و از جاهای دیگر نشأت می‌گیرد. مشکلات درون این کالبد هم به فرهنگ برمی‌گردد. ۵۰ درصد مشکلات ترفیقی ما مربوط به کالبد شهر و معابر نیست، به نوع رانندگی ماست و استفاده از ماشین و ساختارهای اداری جامعه برای زندگی کردن است. شهرداری‌ها ناخواسته فقط و فقط مدیریت می‌کنند. امروزه در مدیریت شهری تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به دست شهرداری نیست. با این وضعیت شما



حسین میرزایی
شهردار کرمان

رفتار به وجود بیاید، قطعاً باید در بحث فرهنگی، روی فکر و انگیزه مردم کار شود. بر چه اساسی باید کار شود؟ نظام کلان شهرداری و مهندسی اجتماعی آن چیست؟ در اهواز باید چگونه راجع به زیاده صحبت کرد؟ در تهران چطور؟ ضمناً نظام کلی که می‌خواهد اهداف مدیریت شهری را پیش ببرد یعنی بستر فرهنگی و مستثنی با مهندسی فرهنگی کلان جامعه چیست؟ اگر اینها با هم ارتباطات منطقی نداشته باشند، جزایری می‌شوند که اگر ارتباطات ارگانیک با هم نداشته باشند، جاسمه را دچار تضاد بین انگیزه و رفتار می‌کنند- مثل این که همه می‌دانند دروغ بد است، اما می‌گویند.

قرار است روی مهندسی فرهنگ و شهرداری‌ها کار شود باید تغییر رفتار شهروندان، هزینه‌هایی به همراه داشته باشد. موضوع مشارکت مطرح می‌شود و بحث مشارکت‌های اجتماعی نسبت مستقیم با مهندسی فرهنگ دارد.

صارمی فرهنگ فضایی است که همه اختیارات و همه اجزای ما در آن شکل می‌گیرد. اگر قرار است شهرداری فرهنگ سازی کند یکی از اجزای مهم شهر، شهروند است. شهروندهای هدف در شهرداری کجا هستند؟ باید جایی با مردم تعامل برقرار کرد، نخست این که میانی فرهنگی داشته باشیم، دوم، این میانی فرهنگی را انتقال بدهیم و وارد فرهنگ این سرزمین کنیم.

ناری: شهروند باید در یک فرایند آموزش ببیند. وقتی اعداد و ارقام آن در کشور ملاحظه شود اعداد نجومی است. وقتی در تهران میلیاردها تومان خرج جمع‌آوری زباله می‌شود، اگر قرار باشد سه

بار جمع شوند، یعنی باید سه بار در ۲۴ ساعت هزینه داده شود. در صورتی که در کشورهای پیشرفته شبانه‌روزی هم جمع نمی‌کنند- هفته‌ای یک بار یا چهار روز یک بار. این فرهنگ‌سازی را کجا باید انجام داد؟ هر جایی که انسان‌ها هدف بوده‌اند از شهرداری گرفته شده، نه در آموزش، نه در پرورش و نه در فرهنگ نقش دارد. مهندسی که می‌خواهد ترافیک را فرهنگ‌سازی کند ابزار ندارد.

صارمی: یکی از مصادیق فرهنگ زبان است. اگر کسی در تهران متولد شود فارسی یاد می‌گیرد، در تبریز ترکی یاد می‌گیرد و غیره. من باید ابزارهای فرهنگی برای اجبار در اختیار باشد. تمام فرهنگ‌سازی در کشورهای پیشرفته انجام شده و ما امروز از آن الگو می‌گیریم که براساس ابزارهایی شکل گرفته است. برای اجبار باید ابزار داشت. برای فرهنگ‌سازی باید انسان‌های هدف در اختیار شهرداری باشد. آن وقت مشارکت شکل می‌گیرد. هیچ ابزاری دست شهرداری نیست. شهرداری می‌خواهد ترافیک را کنترل کند قانون آن را در دست ندارد. شوراها و شهرداری‌های کشور نتوانستند یک قانون مصوب کنند. تازه دقیقاً عکس آن در حال شکل گرفتن است یعنی قوانینی که شهرها را اداره می‌کند، مصیبت است. اکثر قوانین شهرداری مثل مواد ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۱ از قوانین

منسوخ شده است و در تمارض با دیگر قوانین کشوری شکل گرفته است و به همین دلیل به هیچ عنوان نمی‌توان به شهرداری گفت که باید این اتفاق بیفتد. چه کسی می‌تواند مدیریت شهری را هدایت کند؟ این کار فرهنگ‌سازی می‌خواهد و در صورتی که فرهنگ‌سازی شده، ابزار هم می‌خواهد. اگر ابزار مهیا شد حوزه‌ی اختیار و عملکرد می‌خواهد. وقتی اینها وجود ندارد هر حرفی بزنید روی هوا و بنون نتیجه می‌ماند.

ناری: من از طرفداران مدیریت واحد شهری هستم اما نه به معنای کوچک‌سازی دولت و بزرگ شدن شهرداری‌ها. این طور نیست که کوچک شدن دولت منجر به بزرگ شدن یک بخش دیگر شود. اگر بزرگی چیزی مانع شده است که کارایی وجود نداشته باشد، اگر جای دیگری را به همان میزان بزرگ کنیم، دچار مشکل می‌شویم. معتقدم که سده‌ی ۲۱، سده‌ی برهمکنش‌های اجتماعی است. یعنی ما باید در شهرها زندگی جمعی داشته باشیم. فعالیت‌های شهرداری آورده‌های مشارکتی است. طرف مقابل هم باید در این مشارکت برای شهرداری کار کند. همان‌طور که شهرداری پنج درصد بودجه آموزش و پرورش و بودجه‌ی تجهیز و توسعه مدارس را می‌دهد و این آورده‌ی شهرداری در مشارکت است. نظام آموزش و پرورش هم باید دانش‌آموزان را در

ما باید مأموریت‌های خودمان را تبدیل به یک ضابطه‌ی قانونی در حوزه‌ی قراردادهای اعتباری و اجتماعی در بستر توسعه‌ی محلی و تعلق اجتماعی و هویت‌سازی بکنیم

حوزه‌ی آموزش و فرهنگ‌سازی زندگی در شهر، در مجموعه مفاهیمی که شهرداری می‌خواهد قرار دهد. شهرداری‌ها دارای رسانه‌های مستقل هستند، مثل روزنامه همشهری یا ضمایم مختلف با تیراژ خوب داریم که

نه تنها در یک شهر بلکه در کل کشور دارای نقش آفرینی است. این که ابزار در اختیار ما نیست، بحثی است که باید راجع به آن فکر کرد، اما بعضی اوقات شهرداری از ابزاری که در اختیار دیگران است در مدیریت خود استفاده می‌کند. شهرداری است که باید ظرفیت به کارگیری بخش‌های مختلف را داشته باشد و به کار گیرد. بنابراین یک سری از فرهنگ‌سازی‌ها هست که مخصوص شهرداری‌هاست. کسی غیر از شهرداری روی زیاده کار نمی‌کند. یک رشته از مفاهیمی که شهرداری دارد، مأموریتی است که قانونگذار فقط برای مدیریت شهری گذاشته است. بنابراین شهرداری است که باید روی آن کار کند. شهرداری‌ها خیلی از امکانات اثر بخش اجتماعی را در شهرها دارد که دیگران ندارند، مانند تلویزیون‌های شهری، بیلبوردها و غیره. منظور از کف خیابان، مشکلات روزمره است. بحث من از فرهنگ معنای حاکمیتی آن نیست. بحث ما از نسبت شهرداری‌ها با مهندسی کلان فرهنگی فقط مأموریت‌ها، وظایف و اهدافی است که قانونگذار به عهده ما گذاشته است. ما اگر می‌خواهیم این اهداف را پیاده کنیم باید فرهنگ‌سازی آن اهداف را هم انجام بدهیم.

ناری: مدیریت شهری رسالتش در حوزه‌ی کتابخوانی رسالت وزارت ارشاد نیست. رسالت شهرداری‌ها در ارتباط با فرهنگ شهروندمانی است. می‌بینم در کتابخانه‌هایی که اکثر



شهرداری‌ها افتتاح کرده‌اند، کتابی در این زمینه نیست. کتاب‌هایی که انتشارات سازمان شهرداریها چاپ کرده است، باید در تمام کتابخانه‌ها که شهرداری‌ها احداث می‌کنند، این کتابها در صدر باشند. اما موجود نیست- بسیار تلاش شده است که این موضوع جا بیفتد. وظیفه فرهنگ‌سازی در حوزه‌ی مدیریت شهری و وظیفه‌ی انتشارات است، اما جدی گرفته نشده و توزیع مناسبی ندارد.

اگر ما به ورزش نگاه می‌کنیم، این نگاه، دید سازمان ترتیب بدنی نیست، نگاه به این است که در این ورزش رویکرد یک رویکرد اجتماعی شود. بنابراین در همه سطوح، نکته‌ای که در مهندسی فرهنگ و مدیریت شهری به آن تکیه داریم، این است که شهرداری‌ها با تمام توان در حوزه‌ی مسایل اجتماعی و فرهنگی ورود پیدا کرده‌اند.

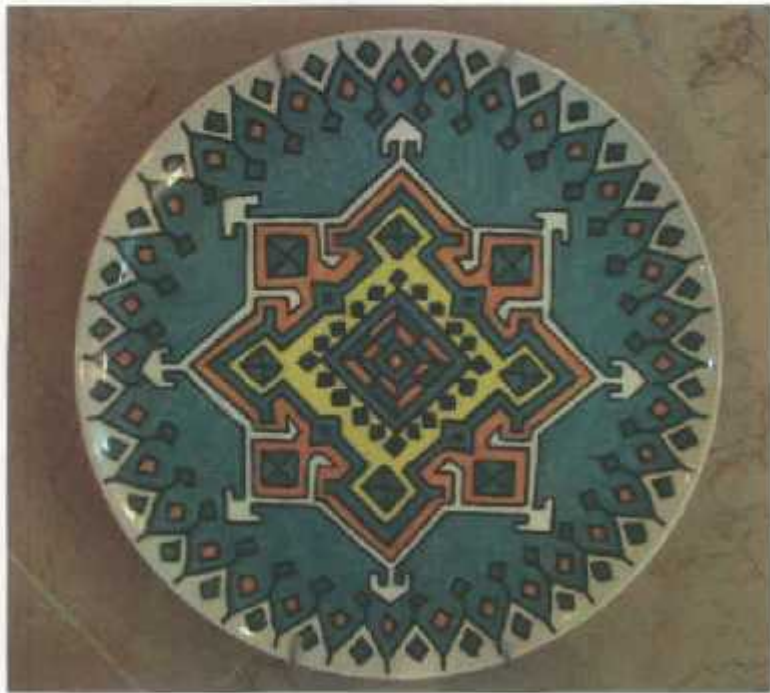
اما تجربه چند سال گذشته نشان می‌دهد که به لحاظ این که مهندسی دقیق فرهنگی در این‌جا وجود نداشته است، عمدتاً به راه‌های سهل‌الوصول دست انداخته‌اند. یعنی این که ماموریت سایر نهادها را انجام داده‌اند. آموزش کامپیوتر، زبان انگلیسی و غیره، به شهرداری‌ها چه ربطی دارد. کجا از آنها خواسته شده که آموزش موسیقی، آموزش خطاطی، نقاشی و غیره داشته باشند. در همین سطح اهدافی را که می‌خواهیم در شهرها پیاده بکنیم، این اهداف مشارکت مردم را می‌خواهند، مشارکت مردم بدون آگاهی آنان از چیزی که ما مشارکت در آن را می‌خواهیم میسر نیست. مردم در چیزی مشارکت می‌کنند که آن را بشناسند.

چه باید بکنیم؟ ببینم چه سرشکل‌هایی از این ماموریت‌ها نیاز به آگاهی پایه اجتماعی دارد. دقیقاً فرهنگ‌سازی ما باید به اهداف و وظایف و ماموریت‌ها معطوف شود. آن وقت ما شاهد خواهیم بود که منزلت اجتماعی شهرداری‌ها از یک سازمان خدماتی به یک نهاد اجتماعی سوق داده می‌شود اما در این بین در میان پره‌مکنش‌ها با نهادهای دیگر هم کمک می‌کند و کار بسیار خوبی است. اما، مطالعات اجتماعی که ما در شهر تهران انجام داده‌ایم حاکی از این است که شناخت مردم از اهداف و وظایف و ماموریت شهرداری، شناخت سطح بالایی نیست، تمام توان مدیریت شهری که در عرصه فرهنگ آمده به لحاظ کمبودهایی که در سرائه‌ها بوده، رویکرد کالبدی داشته است. تعداد فرهنگ‌سراها، کتابخانه‌ها، نگارخانه‌ها، خانه‌های فرهنگ بدون توجه به این که در آن‌جا چه می‌کنیم، روبه افزایش گذاشته است.

آیا فرهنگ‌سازی معطوف به مدیریت شهری صورت می‌گیرد یا دوباره کاری است.

کتاب به نظم کاملاً تفکیک شده است و تداخلی نیست.
 اتفاقاً من معتقد هستم که بیشتر قوانین و کارهای اجرایی ما در حوزه‌ی قراردادهای اعتباری اجتماعی قرار دارد، یعنی بحث تکلیف زور و اجبار نیست. مردم می‌توانند ساعت ۹ زبانه‌هایشان را بیاورند و یا این که ساعت ۲ بعد از نصف شب بیاورند. کسی

نمی‌تواند به آنها حرفی بزند. اساساً باید موضوع را در حوزه‌ی مشارکت که در بستر رفاهت اجتماعی و مدیریت اجتماعی شکل می‌گیرد، مدیریت کنیم. بنابراین، ما باید در همین حوزه با ادبیات مشارکت با مردم حرف بزنیم و می‌توانیم جواب خواهد داد. در شهرداری تهران چشم‌انداز کاملاً هویدا شده و ما روی این موضوع کار می‌کنیم. ما باید ماموریت‌های خودمان را تبدیل به یک ضابطه‌ی قانونی در حوزه‌ی قراردادهای اعتباری و اجتماعی در بستر توسعه‌ی محلی و تعلق اجتماعی هویت‌سازی کنیم. باشیم یا نباشیم مردم کار لازم را انجام دهند. ما باید روی گمانه‌زنی و پردازش مردم کار کنیم. می‌توانیم به مردم بگوییم که باقت فرسوده را احیا کن، و در حوزه شناخت کار اجرایی گفتمان صادقانه‌ای داشته باشیم که به ما اعتماد کنند و موقعی که اعتماد کردند ضوابط و مقررات را در پاداش‌های اجتماعی، تراکم مجانی و اشکال مختلفی که شهرداری می‌تواند کمک کند، نرم‌سازی کنیم.
 اگر می‌خواهیم شهرداری را از یک نهاد خدماتی به یک نهاد اجتماعی تبدیل کنیم، سازوکار خروج ساختاری آن را باید ایجاد کنیم. البته من خیلی هم به این ساختارها اعتقاد ندارم. در قالب پروژه کاملاً قابل تعریف است.
 صراحتاً: من می‌گویم ورزش مشارکت باید تعریف شده باشند. ما باید باور کنیم کشوری مسلمان هستیم که برای سند چشم‌انداز و توسعه‌یافتگی می‌خواهیم گام برداریم و بعد وارد این



کارها می‌شویم. همه‌ی آمارهای شاخص‌های ما واقعی نیست. با این وضعیت نمی‌توان سند چشم‌انداز را محقق کرد. من هم دلم می‌خواهد کشورم توسعه پیدا بکند ولی کسی این را باور نمی‌کند. شاخص‌های توسعه‌یافتگی ما خیلی پایین است. در



بیان شده واگذار کند. من نگران این نداشته‌ها نیستم چون اگر بنا باشد ما روی کاغذ چیزهایی داشته باشیم و نخواهیم به آن عمل کنیم، باز مشکلی از ما حل نمی‌کند. من استیلاطم این است که هر بخشی از مدیریت شهری متکفل فرهنگ سازی پیاده شدن اهداف، وظایف و مأموریت خودش است. یعنی در شهرداری‌ها چه معاونت اجتماعی باشد و چه نباشد ما مکلف هستیم، هدف‌مان را پیاده کنیم. مأموریت‌مان را انجام دهیم و وظیفه‌مان را به نفع شایسته‌ای ایفا نماییم. بسیاری از این مأموریت‌ها و وظایف نیاز به آگاهی پایه و فرهنگ سازی اجتماعی دارد چرا؟ چون این آگاهی‌ها با بحث مشارکت هزینه‌های ما را کم می‌کند و فوایدی ما را تبدیل به حاصل می‌کند. زندگی را در شهر تسهیل می‌کند، فضایی را به وجود می‌آورد که مردم راحت‌تر بتوانند (مثل سیستم‌های ارتباطی که وجود دارد) فعال بشوند. من اگر بخواهم موضوع بحث را مروری بکنم، مهندسی فرهنگی کلان و نظام به عنوان یک نقشه راه بسیار حائز اهمیت است. جایگاه شورای انقلاب فرهنگی نظام بهترین جاست. به تناسب آن مهندسی فرهنگی که ما اشاره‌ای به آن داشتیم. در واقع بخش‌های مختلف کشور باید خودشان را تعریف کنند و نسبتشان را با موضوع تعیین بکنند که چه نقشی یا سهمی در فرآیند مهندسی فرهنگی کشور دارند.

معتقد هستم که همه نقش مشابه ندارند، هر کسی بر اساس اهداف، وظایف و مأموریت‌هایی که دارد، در مهندسی فرهنگی کشور نقش دارد. هدف مهندسی فرهنگی این است که مأموریت‌ها باید به انجام برسد. فرهنگ سازی شهرداری، ظرفیت سازی است. برای پیاده شدن بینه مأموریت یعنی مهندسی فرهنگ باید تدوین بکند که شهروندان یا خودشان امکانات شهری و فعالیت‌های شهری چه روابطی دارند. آن دسته از روابط و مناسباتی که دارند باید توسط شهرداری‌ها مورد تحلیل قرار بگیرد، ایفای نقش بشود و بخش‌های دیگری به نهادهای دیگر واگذار شود و کار خودشان را انجام دهند.

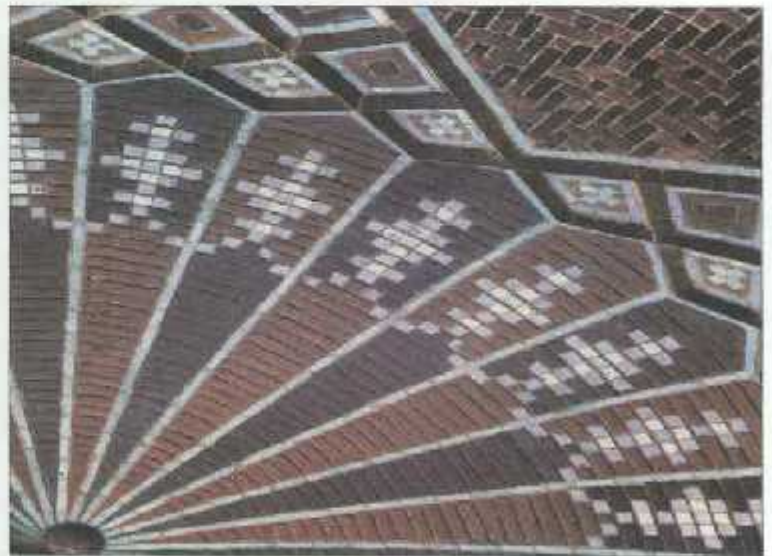
اعتقاد دارم اکثر حوزه‌های مدیریت شهری و شهرداری‌ها در حوزه قرارگاه‌های اعتباری و اجتماعی هستند که می‌بایست در حوزه مشارکت تحلیل شوند. تمام انرژی‌مان باید با صداقت و تبادل اطلاعات و اعتماد مردم در جهت جذب مشارکت و ایفای نقش مردم در عرصه به نفع خودشان باشد.

صارمی: نمی‌توانیم بگوییم که می‌خواهیم مدیریت شهری را انجام دهیم بعد مهندسی فرهنگی و بخشی که مربوط به شهرها است، تدوین کنیم. حوزه‌ی اختیارات شما همین است. بیشتر از این نمی‌توانید فکر و ورود پیدا کنید. در صورتی که امروز مسائل اجتماعی به گونه‌ای شکل گرفته است که بسیاری از موارد آدم فکر می‌کند که اینها اعداد ریاضی هستند و این نسبت‌ها به هم ارتباط دارند. شما برای بخش هویت‌بخشی باید اول بروید سراغ محله ولی وقتی آدم‌ها تعلق خاطر مکانی ندارند، چگونه می‌خواهید تعلق محله مجوری را شکل دهید. وقتی تعلق خاطر پیدا کرد، مشارکت هم می‌کند. ولی وقتی تعلق خاطر نداشته باشد، مشارکت معنی ندارد. با تعمق بخشی به معارف دینی نتایج

کشورهای توسعه‌یافته سطوح فرهنگ جامعه به گونه‌ای شکل گرفته است که زندگی اجتماعی برای شما آرامش بخش است. و وقتی میانی آنها را نگاه می‌کنیم بخش‌هایی از آن میانی را نداریم. مثال می‌آورم هر روز جلوی شهرداری وین مراسم است. امروز جشنواره غذاست، فردا جشنواره فیلم و غیره. فرهنگ سازی کرده و به مشارکت وزن داده‌اند. ولی اگر کسی مشروب بخورد و رانندگی کند بالاترین جریمه را می‌پردازد. به یک رشته از هنرچهارا اعتقاد دارند.

ما باید از زاویه‌ای نگاه کنیم که محل تمدن و توسعه شهرها هستند اگر می‌خواهیم شهرهای ما شهرهای توسعه یافته شوند. براساس سند چشم‌انداز باید حرکت کنیم. ما نه کمبود بودجه داریم نه زیرساخت‌ها ضعیف است. نه عوامل محیطی و نه عوامل طبیعی. ولی وقتی به میانی مهندسی فرهنگی می‌رسیم، خلأها نمایان می‌شود. برای توسعه‌یافتگی هیچ کجا یک سند تدوین شده برای توسعه شهر نداریم. هیچ کسی نمی‌داند در شاخص‌های توسعه‌یافتگی در چه وضعیتی هستیم و می‌خواهیم به کجا برسیم. به عوامل اجتماعی چه جایگاهی بدهیم، به عوامل فرهنگی چه وزنی بدهیم، به عوامل سیاسی، به عوامل اقتصادی و غیره. اگر اینها را تعریف کنیم این می‌شود نقشه راه.

راجع به بحث‌هایی که وجود ندارد، حتماً باید کار شود و در واقع اگر نقشه راهی بود استفاده می‌کردیم. اما حالا که نیست نمی‌توانیم زندگی را تعطیل کنیم. باید تحقق مهندسی فرهنگی هم به خاطر این که خودش یک پدیده اجتماعی است، شکل گیرد



و رفتارهای نا به هنرچهار اجتماعی تغییر باید. همه چیز رفته رفته و گذر زمان شکل درست را می‌گیرد.

تر فضایی که شما می‌فرمایید، امکانات نیست. باید همین امکانات محدود مدیریت شهری را بیاوریم و مواظب باشیم که همین توان آندک هنر نرود. اصلاح ساختاری می‌خواهیم که در برخی از شهرداری‌ها به بحث‌های فرهنگی ورود پیدا کنند. باید قانونگذار شرایط تکفل فرهنگ شهر به شهرداری را در حدود



داشته‌های ما خیلی کمتر است. ما با همین چیزهایی که داریم ارتباط خیلی قوی با سرمایه‌های اجتماعی نمی‌بینیم. از آنجایی که



خوبی حاصل خواهد شد. یکی از مشکلاتی که در بحث شهرها، من به عنوان یک شهردار عرض می‌کنم، این است که در بحث مبانی فرهنگی ما و مهندسی فرهنگی ما و مبانی دینی ما باید مشخص شود. دوم این که پیاده‌سازی اینها به چه گونه‌ای باشد. من هم قبول دارم یک شبه درست نمی‌شود. این مشکلاتی که برای کشور به وجود آمده است برای شهرها یک شبه به وجود نیامده است. ولی آیا این بیمار رو به بهبود است یا هیچ تغییری نمی‌کند؟ آیا شاخص‌هایی ما روی به توسعه یافتگی است؟ آیا اسسال نسبت به سال گذشته توسعه یافته است. یا نه سرجای خودش ایستاده است. این کار هم چاره‌ای ندارد جز این که مبانی مهندسی فرهنگی به زودی تدوین شود و در اختیار مجریان قرار داده شود تا بشود براساس آن عمل کرد.

سپاس راجع به تعلق که شما می‌گویید تعلق محلی را ما باید با مجموعه اقداماتمان ایجاد کنیم. در واقع تعلق اجتماعی که ما می‌گوییم، بخش اعظم آن در دست ماست. تعلق اجتماعی چیزی نیست که مردم از خودشان در بیاورند. ما هستیم که با اقداماتمان هویت می‌دهیم.

صارمی: ما شهرها را براساس سه طرح اداره می‌کنیم. طرح آمایش، طرح جامع و تفصیلی که ملاک عمل مدیریت شهری در کلید شهر است. و تا قبل از برنامه‌ی چهارم توسط وزارت مسکن طراحی شده است. تحلیلی سازمان مدیریت انجام داده است که در بهترین وضعیت است. هیچ کدام از شاخص‌ها به ۲۰ درصد نرسیده است. منزلت اجتماعی، تعیین نسبت اقدامات شهرداری با سرمایه‌های اجتماعی هر شهر. سرمایه اجتماعی هر شهر آگاهی‌ها، اعتماد و مشارکت مردم آن شهر است.

در مطالعات اجتماعی وقتی نگاه می‌کنید سرمایه اجتماعی شهر این ۳ تا است. آگاهی، اعتماد و مشارکت است. ناری: منزلت اجتماعی یا در واقع تغییر جایگاه شهرداری از یک نهاد خدماتی به یک نهاد اجتماعی دقیقاً ارتباط مستقیم دارد که اقدامات شهرداری با این سه جز سرمایه اجتماعی چه نسبتی را برقرار می‌کند. چقدر در این حضور دارد. سهم تاثیر شهرداری‌ها در آگاهی چقدر است. در اعتماد شهر چقدر شهرداری‌ها نقش دارند و نهایتاً در سبب مشارکت شهرداری‌ها چه سهمی را به خودشان اختصاص می‌دهند.

در تمام اقدامات خدماتی شهرداری‌ها ما نیاز به رویکرد اجتماعی داریم. ما به متعلق اجتماعی کردن همه‌ی اقدامات شهرداری دست پیدا کرده‌ایم. می‌خواهید یک پل، یک پارک و یا یک خیابان بسازید و یا این که یک چاله را آسفالت کنید این را به ما اطلاع بدهید ما با منطقی که یافته‌ایم (و می‌یابیم) کار خدماتی شما را تبدیل می‌کنیم به یک پدیده اجتماعی. در واقع مهندسی فرهنگ تمام مأموریت‌ها را در یک نظام هماهنگ اجتماعی به صورت منطقی برقرار کرده‌است.

صحبت من این است که تمام نداشته‌های ما از همدی

نمی‌توانیم ارتباط برقرار کنیم. می‌گوییم کم است. آیا همینی که داریم می‌تواند اجتماعی‌اش بکنید.

بنابراین چیزی که بیشتر از همه در دنیا مهم است همان منطبق اجتماعی کردن است. این منطبق از کجا می‌آید از مهندسی فرهنگ و مهندسی اجتماعی وقتی شهرداری می‌خواهد یک پل بزند این پل را چگونه بزند که منزلت اجتماعی مدیریتی شهری را ارتقا دهد. ببیند اقدام یک اقدام خدماتی است اما چون ارتباط اجتماعی با مردم نداشته نمرد منفی می‌گیرد. ارتباطاتی که به نظر می‌تواند در نظام هماهنگ ایجاد شود مهم است. مشارکت معنا دارد و مردم را جلب می‌کند. من پیشنهاد می‌کنم بحث اجتماعی شدن شهرداری‌ها را در دستور کار بگذارید. از نهاد خدماتی سازمان خدماتی تا نهاد اجرایی.

اگر می‌خواهیم شهرداری را از یک نهاد خدماتی به یک نهاد اجتماعی تبدیل بکنیم، سازوکار درون ساختاری آن را باید ایجاد بکنیم

به نظر می‌رسد تعیین نقشه راه در حوزه امور فرهنگی و شاخص‌های آن در بحث شهر و مدیریت شهری نیازی ضروری است که بایستی به آن پرداخت. اما اداره امور شهر در ایام مختلف که وابستگی زیادی به هم دارند را نمی‌توان متوقف و به زمان پس از تعیین راهبردهای کلان سپرد و می‌بایستی با کلیات امر و به هدایت مسائل جاری پرداخت. آنچه اهمیت دارد شناخت وضع موجود و ارائه راهکارهای کوتاه مدت و میان مدت توسط مجریان امور اجرایی و راهبردهای بلند مدت توسط مراکز نظری مرتبط می‌باشد که می‌بایستی ارتباط منطقی میان این دو نیز برقرار باشد.

سپاس یا سپاس و تشکر از شما که وقتتان را در اختیار ماها نامه گذاشتید.

مهندسی فرهنگی شهر، مشارکت

مصطفی رستمخانی

در حوزه شهر، شهرها و شهرداری‌ها از جنبه‌های مختلفی با فرهنگ در ارتباط هستند. زندگی در شهر مستلزم رعایت رفتارها و اخلاقیات ویژه‌ای است. این رفتارها ساکنان شهر را از روستا متمایز می‌کند و ایجاد این فرهنگ به مدیریت شهری در انجام وظایف محوله یاری می‌رساند. ایجاد زمینه‌های مناسب برای مشارکت مردم در مدیریت شهری و نگهداری تاسیسات شهری و ایجاد اماکن و فضاهای شهری از اهداف عملکرد شهرداری‌هاست که هدف فرهنگی تلقی می‌شود. هر چه توسعه یافتگی حوزه شهری بیشتر باشد مشارکت‌جویی مردم نیز رشد و توسعه بیشتری خواهد یافت. آنچه شهرها را از هم متمایز می‌کند و به آن‌ها هویتی مجزا از ساکنان دیگر می‌دهد فرهنگ ساکنان شهرهاست.

آنچه شهرها را از هم متمایز می‌کند و به آن‌ها هویتی مجزا از شهرهای دیگر می‌دهد فرهنگ ساکنان شهرهاست.

مجموعه اعتقادات و نظام‌های ارزشی شهروندان آن است و تا زمانی که اعتقادات و اخلاقیات شهروندان در مسیر تعالی پیش رود شهر همواره پا برجا می‌ماند و وقتی شد ارزش‌ها جای ارزش‌ها را می‌گیرند این عمود فرو می‌ریزد و شکل شهر از بین می‌رود. در سال‌های اخیر مشارکت اجتماعی^(۱) به عنوان راهبرد اصلی در امر توسعه اجتماعی کشورها به طور جدی مطرح شده است. باید خاطر نشان کرد که شیوه‌های مشارکت اجتماعی را نمی‌توان در قالب فرآیندها و مراحل خشک و انعطاف‌ناپذیر نسخه‌پیچی و الگوبرداری کرد و کاربرد عملی چنین راهبردهایی باید براساس شرایط خاص حاکم بر مردم هر سرزمین مطرح شود. در شهر فرهنگی دو نوع اعتماد وجود دارد: اعتماد شهروندان به یکدیگر و اعتماد متقابل میان آنان و مدیران شهری. سرمایه اجتماعی^(۲) برخاسته از این منابع اعتماد، نوین مدیران را در پیاده کردن اهداف افزایش می‌دهد و هزینه‌های اداره امور را به سبب مشارکت و حضور مردم می‌کاهد و در مقابل شهری که دارای فضیلت فرهنگی نیست به اتئامادی بنیادین میان عناصر تشکیل دهنده جامعه موجب می‌شود تا هزینه‌های حکمرانی شهری افزایش یابد و جریان اداره امور به مسئله پیچیده بدل شود. اساس فرهنگ شهر را شهروندان تشکیل می‌دهند و نه شهروشنیان. پیمایش‌های صورت گرفته در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران بیانگر آن است که سطوح اعتماد، فراتر از خانواده و خویشاوندان نزدیک، وضعیت رضایت بخشی ندارد. فرهنگ شهری ضعیف می‌تواند بر مدیریت شهری اثر بگذارد و کلرایی و

فرهنگ ملای و فرهنگ معنوی دو روی سکه مجموعه‌ای فعالیت‌های بشری‌اند. فرهنگ ملای به دستاوردهای مادی، ابزار، اتوات و فناوری مربوط می‌شود و فرهنگ معنوی شامل اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌ها و به طور کلی دستاوردهای غیر مادی بشر است. پیشرفت‌های مادی جوامع معلول و عامل دستاوردهای فرهنگی آنان است. واژه شهر در زبان‌های عربی و لاتین برخاسته از ریشه مدنیت است.^(۳) این هم خالوادگی زبانی نشان‌دهنده پیوند استوار و دیر پای شهر یا تمدن و فرهنگ است. آنچه شهرها را از هم متمایز می‌کند فرهنگ‌هایی است که هر شهر در خود دارد.

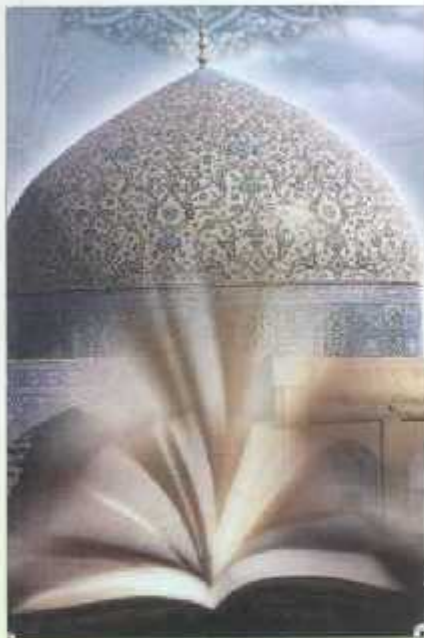
شهرهای امروز به واسطه مهاجرت و افزایش جمعیت دستخوش تغییرات جدی شده‌اند و بیش از ۶۰ درصد جمعیت در شهرها ساکنند. این نسبت به نفع شهرها در حال تغییر است و تغییرات به دنبال خود

تحولات اساسی در عرصه کالبدی و فضایی شهرها دارد که دیگر گونی‌های مختلف ساخت‌افزایی و ترم‌افزایی شاهد این مدعی هستند. در این میان از مواضع‌های اصلی مدیریت شهری مقوله فرهنگ می‌باشد و جهانی که دائم در حال تغییر و تحول است نیاز به شناخت عمیق از مبانی این تغییرات دارد. در فرآیند این تحولات جهان معمولاً ناچار به دو گونه تغییر است. تغییری که منجر به افزایش بی‌نظمی می‌شود (جهان فیزیکی) و تغییری که منجر به کاهش بی‌نظمی می‌شود (افزایش آگاهی). این دو نوع تحول و تغییر از پایه‌ای‌ترین و اصولی‌ترین تقسیم‌بندی در حوزه تحولات هزاره سوم هستند. در این میان فکر مسلم مهم کالانشهرها به خاطر پیچیدگی مسائل آن‌ها به ویژه در حوزه فرهنگ بیشتر به چشم می‌آید زیرا گستره زندگی در یک کالانشهر براساس ترکیب محتوایی و دامنه‌ای فرهنگ خاص آفریده می‌شود. شهروندان در این محدوده با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و هر چه زندگی شهرنشینی از شناخت بیشتری بهره‌برد، طبیعتاً نظم مقبول‌تر بر آن جریان دارد. مک‌لوهان می‌گوید: فرهنگ عبارت است از گونه‌ای نظم که آدمی به ذهن خود می‌دهد تا بتواند با محیط ارتباط برقرار کند. به تعبیری دیگر می‌توان گفت فرهنگ اجتماعی که ضرورت زندگی شهرنشینی است نوعی ساخت مشترک براساس اطلاعات و جهان‌بینی اخذ شده توسط شهروندان است.





و ساخت تولیدی قطع شود، عارضه توقف رکود و عدم توسعه در آن ظهور می‌کند. به عبارت بهتر عارضه از خود بیگانگی در نظم اجتماعی یا فرهنگ عبارت است از سستی یا قطع ارتباط افراد



اجتماع و جامعه شهری با پدیده‌های شناخت و تولید. مناسبانه برنامه‌ریزان شهری ما به جای درک و شناخت ضرورت مقوله فرهنگ مولد در پی صورت بخشنامه و آیین‌نامه و یا اجرای برنامه‌های نمایشی و پوسته‌ای هستند. مدیران شهری باید متوجه باشند که پدیده توسعه نیازمند تقلم جدید است و تحول فرهنگی در آن بسیار طبیعی است. ما در دوران توسعه با تحول کیفی فرهنگی در دوران رشد با تحول کمی فرهنگی روبه‌رو هستیم. اگر فرهنگ را عبارت از ظرفیت آگاهی توزیع شده در جامعه بدانیم، می‌توانیم بگوئیم فرهنگ تعلیمی است که هر فردی به ذهن خود می‌دهد تا با جامعه ارتباط برقرار کند. از همین روی فرهنگ دارای دو نمایش در اجتماع است. نخست سنت‌ها یا اطلاعات قبلی

و دومی نوآوری و اطلاعات جدید که معمولاً سنت‌ها به صورت عادت، هويت ملی و نظیر اینها بیان می‌شود و نوآوری گاهی به صورت مد و گاهی به صورت عادت جدید و از این قبیل ظاهر می‌شود. در جامعه شهری معمولاً تقلم جدید اجتماعی یا تحول در فرهنگ شهری، زمانی حادث می‌شود که میزان دانش و نظام مولد جدید یا ساخت قدیمی در معرض قرار گیرد. در اینجا نباید اشتباه کرد و باید به خاطر داشت که جریان تحول فرهنگی، به معنی شی گذشته نیست و آن چه مهم است تاکید بر آمیزش این دو از طریق راهیابی به قلمرو وسیعتر است. در نتیجه متولیان مدیریت شهری و به ویژه دست اندازان حوزه فرهنگی آن متوجه باشند که جنال نو با کهنه و سنت با مدرنیته در عرصه فرهنگ شهری زمانی آرزوشند خواهد بود که تقلم نوین به ساختارهای مولدی و حامل دانش بیشتری منتهی شود. لذا یک

فرهنگ مولد و پربار در زندگی شهری دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد: (۱) برای روابط منجر به تقلم بهتر به دانش و تولید متکی است. (۲) برای دوری در برابر اثر خود بیگانگی به سمت تولید و دانش می‌رود. (۳) تقلم پویایی و... فرهنگ

مولد شهری متکی بر پژوهش است. (۴) ایمان آسمانی و روح خداپرستی و ارزش‌های اخلاقی در آن جاری است.

اما آنچه باعث عدم دستیابی به اینها در عرصه فرهنگ (عموماً) و فرهنگ شهری (به طور خاص) می‌شود در چند نکته خلاصه شده است: - فقدان نقشه استراتژی فرهنگی و پراکندگی و تعدد سازمان‌های فرهنگی- عدم بازدهی مطلوب اقتصاد

اثر بخشی آن را نازل کند.

در واقع حیات فرهنگی در شهرها از طریق فضاهای فرهنگی تبلور کالبدی می‌یابد زیرا که حیات فرهنگی بر مبنای عرصه‌های عمومی قرار دارد و بنیادی‌ترین مفهوم جامعه فرهنگی وجود عرصه‌های عمومی حائل میان فرد و حکومت است و در این عرصه‌هاست که امکان اجتماع، برخورد‌های رودررو، کنش متقابل، برخورد آراه و اندیشه‌ها و... در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد. این گونه فضاها سبب رونق حیات مدنی و اجتماعی شهر می‌شوند و به تبع آن اساسی‌ترین نیاز انسان‌ها یعنی نیاز به زندگی اجتماعی و کنش متقابل مرتفع خواهد شد. چنین فضاهایی امکان کالبد یافتن اندیشه‌ها، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری مشارکت مردمی را فراهم می‌آورند و روابط شهروندی را تسهیل می‌کنند. توجه به برنامه‌ریزی و احداث فضای گفتگو و تعامل در شهرها از آن جهت اهمیت خاص می‌یابد که در شهرهای کشور عرصه‌های جمعی و فضاهای شهری یا از بین رفته‌اند و یا چهره از کف داده‌اند. به عبارتی انسان از برنامه‌ریزی‌ها و طراحی فضاهای شهر حذف شده است.

برای دستیابی به توسعه پایدار شهری، نظر و رویکرد امروز غالب شهرها استواری مبنای وجود شهرداریها به عنوان نهادی اجتماعی می‌باشد. برای رسیدن به این نهاد اجتماعی مشارکت معنی‌دار، تمرکز زدایی و گسترش فعالیت در حوزه‌های عمومی ابزارهای انتخابی هستند. در یک نهاد اجتماعی مهمترین عامل سرمایه‌های اجتماعی است و مهم‌ترین سرمایه اجتماعی اعتماد مشارکت و آگاهی است.

جلب اعتماد مردم یکی از راه‌های جذب سرمایه اجتماعی است. خرد جمعی باید در خود شهروندان برای مشارکت شکل بگیرد. شیوه‌های مشارکت اجتماعات را به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد (الف) مشارکت اجتماعی به صورت خود انگیخته، (ب) مشارکت اجتماعی از طریق ابتکار عمل نهادهای دولتی، (ج) مشارکت اجتماعی از طریق ابتکار عمل سازمان‌های غیر دولتی، (د) مشارکت اجتماعی از طریق شیوه‌های خلاق مشارکتی. آشنایی شهروندان با حقوق و تکالیف سبب بهبود امور است و برای توانمندسازی نهاد اجتماعی شهرداری باید سرمایه‌های اجتماعی به سمت این نهاد جلب شود.

تملی فعالیت‌های این حوزه برای یک تولید اجتماعی است و برای اجرا و عملیاتی کردن برنامه‌ها نیاز به مباحث نظری کافی است تا در کنار کارهای میدانی و عملیاتی براساس نقشه راه کام برداشته

در واقع حیات فرهنگی در شهرها از طریق فضاهای فرهنگی تبلور کالبدی می‌یابد زیرا که حیات فرهنگی بر مبنای عرصه‌های عمومی قرار دارد

بر این اساس می‌توان فرهنگ را از مقولات ساخته شده درون اجتماع دانست که به عنوان واسطه‌ای میان شناخت و تولید اجتماعی قرار گرفته و به صورت عامل تنظیم‌کننده روابط اجتماعی نقش ایفا می‌کند. تحول آرزوشمند در فرهنگ شهرنشینی تابعی از دو مقوله شناخت و تولید اجتماعی است. بدین ترتیب هرگاه رابطه اجتماع با ساخت شناختی (پژوهشگران و متفکران)



فرهنگی - تعبیر، برداشت و تصمیم حرکت‌های فرهنگی هماهنگی و انسجام لازم را نداشته و از مبنای مشترک برخوردار نیستند و مهمترین عامل اینکه برنامه‌های فرهنگی عمدتاً تناقضی و انفعالی بوده و در جهت رویکردها و اتفاقات دیروز و امروز هستند و نه فردا، در حالی که در ترسیم نقشه راه و استراتژی فرهنگی باید اتفاق فردا را دانست و برای مواجهه با آن و دفاع از موجودی خود قدم برداشت.

در شهرسازی نگاه هماهنگ برخاسته از مهندسی فرهنگی

نیاز است و می‌بایستی جلوه‌های این مهندسی در شهر نمایان باشد. با این نگاه هر تصمیم مدیریت شهری و شهرداری رجوعی است به ارتقاء سطح فرهنگی شهروندان که شادابی، خلاقیت... را در خود خواهد داشت.

با توجه به فعالیت‌های مثبت فرهنگی اجتماعی شهرداری‌ها، تجارب گزافی در این حوزه وجود دارد، اما فقدان تبدیل اطلاعات و دانسته‌های پیرامون مهندسی فرهنگی به راهبرد و استراتژی‌ها به ویژه در مراکز مربوطه این فعالیت‌ها را دچار پراکندگی، تشتت و فراموشی کرده است.

مدیران شهر و شهرداری‌ها می‌بایستی با اصول و مبانی مهندسی فرهنگی آشنا و توجیه شوند و با ورود نهاد مرتبط در حوزه فرهنگی اجتماعی و رفع

سریع مشکلات، قالبونی ساختاری بودجه... خلا‌های می‌باید فرهنگی اجتماعی زندگی شهری و شهروندان به سرعت و با برنامه‌های جامع و کاملی جبران شود. شاید بتوان گفت امروز شهرداری‌ها ملزم به حضور در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی هستند و ارتقاء شهرها در گرو ارتقاء شهروندان در تمامی ابعاد با زیربنای توسعه فرهنگی اجتماعی می‌باشد و شهروندان سهمی عمده، مهم و غیرقابل اغماض در این عرصه دارند. فقدان دانش

هماهنگ مدیران شهری و تعریف مشترک شاخص و راهبرد هماهنگ و اقدام منسجم نقائصی است که با هنایت نظارت و حمایت نهادی جامع در این حوزه می‌بایستی رفع گردد. مرکز و مدیریتی که با بهره‌گیری از راهبردهای کلی شورایی انقلاب فرهنگی در حوزه شهرداری‌ها و مدیریت شهری عرصه حضور فرهنگی در عرصه شهرها را جنبه عملیاتی و اجرایی ببخشد. اما فراموش نکنیم که در جامعه فعلی ما مفاهیمی چون شهر، شهروند فرهنگ شهروندی، مشارکت و حقوق شهروندی مفاهیم مدرنی هستند که هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند. امروز نوعی مدرنیزاسیون شهری به وجود آمده که وجه مادی آن



تا حدی تأمین شده، اما بعد فرهنگی آن که برای ادامه حیات این ارگانسیم لازم است، تا حدود زیادی مغفول مانده و تا هنگامی که ارتقاء سطح آگاهی و آموزش و توجه به مطالبات مردم در راس کار قرار نگیرد، دست‌یافتن به مشارکت‌های شهروندان در فضای شهری که هنوز بسترسازی فرهنگی و آموزشی کاملی صورت نگرفته است، کاری است بی‌دستوار.

اگر یافته‌های ما بر مشارکت ضعیف شهروندان دلالت دارد به این دلیل است که در برنامه‌ریزی‌های شهری جایی برای شهروند در نظر گرفته نشده است. در حالی که آنها قادر هستند ضوابط را تعیین و نیازهایشان را به عنوان یک شهروند اوبت‌بندی کنند. پس می‌توان گفت که تحقق مشارکت مستلزم فراهم آوردن برخی پیش‌نیازهاست که عمده آن‌ها عبارتند از: آموزش فرهنگ شهروندی و اطلاع‌رسانی بهره‌گیری از امکانات، توانمندی‌ها و استعدادهای موجود در شهروندان-استفاده از تجربیات کشورهای دیگر که با استفاده از انجمن مشارکت مردم به سیزده با مسائل و مشکلات شهری برخاسته‌اند-آگاهی از نیازها و خواسته‌های شهروندان-تلاش در جهت تمرکززدایی-تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار- وجود مدیریت مشارکت جویانه و تحقق اهداف توسعه شهری-اجرای سیاست‌های اساسی در حمایت از محله‌های شهری- بهبود شرایط زیست‌محیطی خانواده‌ها در محله- استفاده از تجربیات مدیریت محلی و شوراییان-ارتقاء سطح امنیت اجتماعی در شهر-بهره‌گیری از NGOها و سازمان‌های مردم‌نهاد-توسعه رویکرد شهروند مداری در جامعه و توسعه اعتماد اجتماعی بین مردم-ارتقاء نقش تعاملی و حمایتی شهرداری‌ها از گروه‌ها و پایگاه‌های مردم‌نهاد-ارتقاء آموزش‌های شهروندی فراگیر و اطلاع‌رسانی اثر بخش از طریق حوزه‌های تخصصی در راستای مأموریت‌های ذاتی شهرداری-پاسخگویی به نیازها و مطالبات اجتماعی.

مشاهده می‌شود که مهمترین ابزار برای مدیریت شهری موفق، بهره‌گیری از مشارکت مردم است و این مهم از طریق آرایش‌گذاری بر دیدگاه‌های مردم در موضوعات مختلف شهری که تعلق اجتماعی و اعتماد را ایجاد می‌کند به وجود آمده و با مشارکت اجتماعی همه گروه‌های شهری که به عنوان راهبردی

رویکرد امروز غالب شهرها استواری مبنای وجود شهرداری‌ها به عنوان نهادی اجتماعی می‌باشد. برای رسیدن به این نهاد اجتماعی مشارکت معنی‌دار، تمرکز زدایی و گسترش فعالیت در حوزه‌های عمومی ابزارهای انتخابی هستند.

جهت تغییرات شهری است می‌تواند تأثیر گذار باشد

در نهایت اینکه برای گرایش به هر پدیده فرهنگی باید زمینه‌های درونی آن فراهم شود چرا که تلاش‌های بیرونی اثری پایدار ندارد و ماندگاری هر حرکت فرهنگی و اجتماعی در گرو سه عامل، قانون، مدیریت و مکان (کتاب، رهبری، بیت) می‌باشد که فضاهای فرهنگی اجتماعی (بیت)، مهندسی فرهنگی (کتاب) و مرکز فرمان و راهبری (رهبری) تبلور این سه عامل در حوزه فعالیت شهرداری‌ها هستند که می‌بایستی به تمام آنها کاملاً توجه شود.

پایوست
استیلا از رشته‌شن و شن
City vs Civilization
Community participation
Social Capital
منابع و مآخذ
مشارکت شهروندان (فردا، زمستان ۲۵۶۸)
شهر و فرهنگ بوند (تلف، بهار ۱۳۸۶)
جعبه اجتماعی (مجموعه، تابستان ۱۳۸۶)
مخارجه شهرزاده، ۲۰ و ۲۲
hanshukhtaria.ir/4447_4320
telarshumoox.ir/25)



مقدمه ای بر توسعه ی پایدار محله ای

حسین حاتمی نواد

استاد بازرگانه جغرافیا دانشگاه تهران

مسعود احمدیان

دانشجو کارشناسی رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری

تا کید برنامه ریزی و مدیریت شهرها بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است. چنانکه پژوهش ها و مطالعات زیادی در یکی دو دهه اخیر صورت گرفته است که همه به نوعی سیاستگذاری- برنامه ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد یعنی "محله" در شهر هدف قرار داده اند. با مطرح شدن محله به عنوان سلول "زندگی شهری"، تحقق توسعه پایدار نیز تنها در قالب توسعه محله ای و در مقیاس محلی و در ادامه تفکر "جهانی بیندیش؛ محلی عمل کن" دنبال شد.

به طور کلی؛ نظریه "توسعه پایدار محله ای" در چند دهه اخیر تفکر نوینی در شیوه توسعه محلات شهری ارائه نموده است.

توسعه پایدار و توسعه شهری:

گر چه اصطلاح توسعه پایدار در هنگام اعلامیه کوپنهایک در خصوص محیط زیست و توسعه در اوایل دهه ۱۹۷۰ به کار برده شده و نیز ریشه این اصطلاح به رویکرد توسعه آکولوژیک بر می گردد که در راهبرد حفاظت جهان آورده شده است (Barrow, ۱۹۹۵, p.۲۷۰)؛ لیکن شکل گیری آن به تشکیل کمیسیون مستقل جهانی در زمینه محیط زیست و توسعه و ارائه گزارش اصل توسعه پایدار قرار دارد. این کمیسیون توسعه پایدار را این چنین تعریف کرد: "رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی های نسل های آینده برای رفع نیازهایشان" (شکویی و کاظمی، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

هدف از ایجاد چنین توسعه ای ایجاد محیطی است که در آن همه مردم بتوانند ظرفیت و توانایی های خود را بسط دهند و نیز بتوانند فرصتهایی را برای نسل های کنونی و آینده ایجاد نمایند (چلودارنو، ۱۳۸۳: ۳۷).

توسعه پایدار مفهومی است که ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با

یکی از نظریات مطرح در سالهای اخیر جهت حل مشکلات شهرها توسعه پایدار می باشد که تأکید آن بر پاسخگویی به نیازهای جوامع انسانی در حد ظرفیتهای محیط و بدون کاهش سرمایه های طبیعی برای نسل های آتی است.

در سالهای اخیر دیدگاه غالب زیست محیطی در توسعه پایدار تضعیف شده و در مقابل اثرات این دیدگاه در تمام زمینه های اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی و سیاسی دیده می شود. در زمینه شهری نیز با بهره گیری از این دیدگاه مباحث و قلمروهای نوینی گشوده شده است. همانطور که هیچ شهری نمی تواند بدون آنگاه به منابع و ظرفیت محیطی اطرافش پایدار بماند بدون توجه به اجزاء درونی خود یعنی محلات شهری نیز این پایداری تحقق نمی یابد. بر این پایه است که رویکرد توسعه پایدار محله ای پدیدار شد. در این مقاله نیز به این رویکرد پرداخته شده؛ ابتدا تعاریفی از محله ارائه شده و به مشخصه های آن در حیطه برنامه ریزی شهری پرداخته شده و در ادامه با پرداختن به مفاهیم سازمان محله ای- سرمایه اجتماعی- ظرفیت سازی توسعه محله ای- هویت محله ای- یوبایی و سازگاری- واحدهای همسایگی پایدار- محورهای کلی آنها را تبیین نموده و دو زمینه ساختار فضایی- هویت مکانی و سرمایه های اجتماعی را از اهداف توسعه پایدار محله ای دانسته و در انتها پیشنهادهایی در راستای ایجاد توسعه پایدار محله ای ارائه شده است.

از دیدگاه مکاتب مختلف تعاریف متعدد و متفاوتی در مورد توسعه محلات شهری وجود دارد. در این ارتباط گاه تلاش می شود تا از مفهوم "توسعه محله ای" که بیشتر به دنبال انسجام در اهداف و روش های مطالعاتی و اجرایی گروههای صنفی و غیر صنفی است و موضوع توسعه از پلین به بالا را مورد نظر دارد زمینه لازم برای "توسعه محلی" را که در آن ارتباط بین محله و شهر تعریف و تبیین می گردد تجویز نمایند. در این میان توجه و



زیست شهری و تمامی مؤلفه های آن دارد. این ارتباطات گنگانگ از آن روست که برقرار اصلی توسعه در زندگی امروزی، شهرها می باشند. با در نظر گرفتن موقعیت شهر در بستر شکل دهنده آن تعیین اجزاء تشکیل دهنده یک شهر پایدار کار ساده ای نیست. عملاً شهری پایدار است که درصدد حرکت به سوی کارایی بیشتر در استفاده از منابع- کیفیت زیست محیطی- عدالت اجتماعی و سرزندگی بوده و در عین حال تلاش نماید تا از محیط زیست حمایت کند. از طرف دیگر توسعه شهری پایدار را می توان به عنوان توسعه ای تعریف کرد که سلامت اجتماعی و اکولوژیکی بلند مدت شهرها را بهبود بخشد (کرامتی زیدی، ۲۲۲: ۱۳۸۲).

بطور کلی همانطور که هیچ شهری نمی تواند بدون اتکاء به منابع و ظرفیت محیطی اطرافش پایدار بماند بدون توجه به اجزاء درونی خود یعنی سلول های شهری نیز این پایداری تحقق نمی یابد.

با مطرح شدن این نظریه در مقیاس جهانی مشکلات اجرایی در نیل به این نوع توسعه در جوامع مختلف پدیدار گشت که مشکل اصلی آن عدم توجه به ویژگیهای محلی و بومی هر محدوده بوده است. به موازات این دیدگاه و حتی قبل از آن؛ دیدگاهی که توجه به محلات شهری را به عنوان سلولهای حیات شهری (از جمله مکتب محیط گرایان فرهنگی) مطرح می کردند توسعه یافت. این دیدگاه حل مشکلات شهری را استفاده از نیروهای توانمند درونزا در محلات شهری یعنی گروهها و اجتماعات محلی به عنوان سرمایه های اجتماعی که از جایگاه و کارکرد ویژه ای از لحاظ حفظ و توسعه تنظیمات اجتماعی در کلانشهرها برخوردار هستند، می دانست. این دو نظریه در کنار یکدیگر منجر به تعیین دیدگاهی با عنوان (توسعه پایدار محله ای) گردید (هودسنی، ۱۳: ۱۳۸۲).

فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس می کند (چپ من، ۱۹۰۰: ۱۳۸۳) سازمان و استخوانبندی محله می تواند یکی از محورهای کلیدی در تعریف محله باشند. وجود و تداوم محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده شبکه ای از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آن را باید چارچوب و استخوانبندی اصلی محله دانست. ترکیب عملکردها و قابلیتها برای ایجاد وحدت فضایی وجود نشانه ها و عرصه های مختلف نیمه خصوصی؛ نیمه عمومی و عمومی به عنوان بستر اصلی در تعاملات و روابط اجتماعی نیز از ویژگی های محله محسوب می شوند (حبیبی، ۳۳: ۱۳۸۲).

در رابطه با جایگاه محله در شهر می توان گفت که محله ها ساخت و بافت اصلی شهرها را تشکیل می دهند. زندگی روزمره مردم در مقیاس محله به طور محسوس قابل درک بوده و آن را تحت تأثیر قرار می دهد. این تأثیر از طریق نوع زیست ساخت ها، تجهیزات و خدمات شهری موجود در مقیاس محله؛ فاصله سفرها و تعاملات اجتماعی ساکنین و همسایگان شکل می گیرد. تصمیمات برنامه ریزی و طراحی شهری در مقیاس محله اتفاق می افتند. برای مثال؛ پروژه های توسعه شهری- طراحی معابر- اندازه بلوکها- کاربری های مختلط- مکان پارک ها و فضاهای عمومی به عنوان عناصر تعیین کننده می توانند بافت محله ها را شکل دهند. سطح عیانت موجود در مقیاس محله می تواند از دیدگاههای مختلف بسیار متفاوت باشد. برای برخی؛ قرار گرفتن بلوکهای ساختمانی در یک محدوده و برای برخی دیگر اندازه و مساحت محله مطرح می شود. اما این دیدگاه که فضای فرهنگی و اجتماعی مردم و ساکنین محله که در کنار یکدیگر زندگی می کنند شاید غلبه داشته باشد (Wheeler, ۲۰۰۴, ۱۸۱).

مشخصه ها و ویژگی ها

مشخصه ها و ویژگی های بسیاری را می توان برای توسعه پایدار در مقیاس شهر و محله مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، از جمله می توان به نقش مشارکت های مردمی- نقش سازمان های محله ای (CBO) نقش نمادها و نشانه ها در مناسباتی محلات- مدیریت محلی- هویت محله ای- تنوع- خوانایی و ... اشاره نمود. نگرش محله ای در توسعه پایدار شهری (برنامه ریزی و طراحی) در حیطه مداخلات توسعه ای دارای مشخصه ها و ویژگی هایی است که می تواند:

- طرح ها و برنامه هایی ارائه دهد که وابستگی بیشتری با نیازها و شرایط محلی داشته باشد.
- منجر به افزایش مشارکت در تأمین خدمات عمومی گردد.
- به افزایش کنترل مردم بر زندگی و معیشت خود منجر گردد.
- مطالعات مختلف در خصوص ویژگی ها و مشخصه های نگرش محله مینا دارای اندک تفاوتها و اختلافاتی هستند اما عمده آنها در موارد ذیل اتفاق نظر دارند:
- الف) مردم گرا بوده و مشتریان/ شهروندان در مرکز و کانون توجه آن قرار دارد.
- ب) مشارکت جویانه و پاسخگو است.

تعاریفی از محله

در تعریف یک محله یا در واقع برای تشکیل یک محله پیش شرطهای زیر لازم است:

- ۱) دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر یا وسعت کم یا زیاد
 - ۲) پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر
 - ۳) وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم (شکویی، ۴۹: ۱۳۶۵).
- بطور کلی محله جزئی از سازمان فضایی شهری است که در آن روابط افراد بصورت رودرو می باشد. محله ممکن است با توجه به هر کدام از جنبه ها و معیارهای زیر تعریف گردد:

الف) مناسبات اداری: به وسیله مرزها و محدوده ها با آریایی شناسی؛ به وسیله ویژگی های بارز و قدمت توسعه (ج) اجتماعی؛ از دید و نگاه ساکنین در منطقه (د) عملکردی؛ به وسیله محدوده خدماتی (و) زیست محیطی؛ به وسیله فضاهای با ترافیک آرام و روان و کیفیت بالای زیست محیطی (۱۷-۱۶: ۲۰۰۳، Barton).

لینچ محله را در قالب عناصر پنج گانه راه- گره- نشانه- محله و لیه دیده و از محله تعریف مشخصی را ارائه می کند. به اعتقاد وی محله؛ منطقه وسیعی است که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص قابل شناسایی است به گونه ای که



یا موقعیت های محلی ایجاد می شوند- اغلب مربوط به محیط یا فصل - و معمولاً فعالیت های گوناگون برای بهبود شرایط منطقه ای را حمایت می کنند (حقایق خراسانی، ۱۹: ۱۳۸۳). این سازمانها بخشی از جامعه مدنی و برخاسته از خود مردم هستند که می توانند در حل مسائل و معضلات شهری در ایجاد مختلفی دارای فواید گسترده ای باشند. برخی از فواید این سازمان ها عبارتند از:

- از لحاظ فرهنگی: سازمان های محله ای باعث ایجاد تفاهم نمادین- گسترش خدمات آموزشی و فرهنگی و ... در محله های شهری می گردند.
- در بعد اجتماعی: سازمان های محله ای عامل مهمی در تنظیم اجتماعی- گسترش روابط محله ای- جلوگیری از انزوا و از خود بیگانگی افراد- افزایش امنیت اجتماعی و ... هستند.
- در حوزه اقتصادی: این سازمانها نقش مهمی در تعمیم

ج) کل تکر بوده و به جای نگرش های بخشی و سازمانی همه جنبه های زندگی مردم را مورد ملاحظه قرار می دهد.

د) متکی بر توان ها و فرصتهای موجود بوده و نه لزوماً متکی بر نیازها است (ظرفیت سازی).

ه) استفاده از رویکرد همکاری و شریک مساعی بین دولت/ بخش خصوصی و با همستانها (محلات).

و) هر نوع اقدام ملاحظه ای در این نگرش با ملاحظه جنبه های پایداری (اقتصادی- زیست محیطی- اجتماعی و نهادی) صورت می گیرد.

ک) پویاست: انعطاف پذیر است و فعالیت برنامه ریزی را به عنوان یک نگرش فرایندی و یادگیری را مدنظر قرار می دهد (حاجی پور، ۴۰۰: ۱۳۸۵).

ظرفیت سازی توسعه محله ای

(ظرفیت سازی) و (سرمایه اجتماعی) دو مفهوم کلیدی دیگری هستند که بسیاری از صاحب نظران در نگرش جدید به برنامه ریزی و مدیریت شهری بر آن تأکید جدی دارند. ولکاکه سرمایه اجتماعی را آن دسته از شبکه ها و هنجارها می داند که مردم را قادر به عمل جمعی می کند (Woolcock, 1998, 151). به نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد (Fukuyama, 1999). بر اساس این تعریف مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی می گردند. بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده ای می داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده



- ساختاری- گسترش عدالت- مبارزه با فقر- بیکاری و ... دارند.
- در بعد سیاسی: این سازمانها باعث گسترش دموکراسی- جامعه مدنی و مشارکت سیاسی مردم- افزایش مشروعیت سیاسی- سازماندهی مطالبات مردم و ... می گردند.
- این سازمانها از یار مسئولیت و تعهدی گزی شهرداری ها و دولت به میزان زیادی می کاهند.

اصطلاح (سرمایه اجتماعی) به موضوعات مربوط به ساختار اجتماعی مربوط می شود از جمله شبکه ها، ساختار و تعاملات اجتماعی که سبب ارتقاء پتانسیل های اجتماعی می گردند.

است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. اصطلاح (سرمایه اجتماعی) به موضوعات مربوط به ساختار اجتماعی مربوط می شود از جمله شبکه ها، ساختار و تعاملات اجتماعی که سبب ارتقاء پتانسیل های اجتماعی می گردند. در بحث محله آن نوع گروهی که مهم است

(قجری، ۱۸: ۱۳۸۳).

در این راستا جهت ظرفیت سازی توسعه پایدار محله ای می توان به راهکارهای زیر اشاره نمود:

۱) کارآمدی و خود کفایی نهادهای محله ای- تقویت همبستگی محله ای و در نهایت زمینه سازی ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان باید از اهداف اصلی ظرفیت سازی توسعه محله ای باشد.

۲) تمام فعالیت های اجتماعی- اقتصادی- سیاسی و کالبدی در سطح محله بعنوان ابتکار توسعه قلمداد شود. بدین ترتیب این ابتکارات که موضوعات و برنامه های ظرفیت سازی هستند توسط

گروه اجتماعی است. محله (یا ساکنان محله) ملزم است به منظور دستیابی به خواسته های خود افراد را به یکدیگر نزدیک کند. روابط آنها را قانونمند نماید و اهدافی برای خود تعریف کند که این اهداف طبیعتاً مربوط به محله است. تشکلی که این وظایف را به عهده دارد. سازمان محله ای نام دارد (احترامی، ۶: ۱۳۸۳) و به این صورت تعریف می شود: "سازمان هایی هستند که محوریت آنها اجتماعات منطقه ای و محل فعالیت آن، محله است (همسایه ها یا بلوکها) به طور معمول غیر انتقالی (غیر دولتی) هستند که توسط اعضای اجتماع و برای اجتماعات محلی عمل می کنند. اصولاً در پاسخ به برخی نیازها



تعامل با رفتار انسان در محیط، خود به عنوان نمادی برخاسته از سنت رایج در محل و ابزارهای جهت بازخوانی هویت محلات مورد بررسی قرار می گیرد. (راضیه: ۴، ۱۳۸۳).

پویایی و سازگاری:

همراه با تلاوم زندگی انسانها و زنده بودن طبیعت، محله های شهری نیز با حالت ارگانیک و پویا مسیر تاریخی خود را سبزی می کنند. فشارهای اجتماعی و اقتصادی می توانند به تدریج تحول و دگرگونی کالبدی محله را فراهم کنند. این دگرگونی ها را می توان در تغییر در الگوی ساختمانها در قطعات خود (برای مثال، جامایی ساختمانهای جدید در بین ساختمانهای موجود ایجاد تراس و بالکن) بلند مرتبه سازی، تغییر کاربری ها، فرسایش و نابودی درختان و فضاهای سبز، فرسایش زیست محیطی از طریق افزایش ترافیک فرسودگی تجهیزات شهری و از دست دادن کارایی آنها (کتابخانه ها- درمانگاهها- فضاهای آموزش و غیره) مشاهده کرد. در حالیکه چنین تغییراتی گاه به عنوان یک تهدید خودنمایی می کنند، تکامل محله در قالب تغییرات فوق ادامه دارد. برای مثال، همچنانکه خانواده ها و فرصتهای شغلی رشد و افول دارند مهاجرتها تعادل محلی را برهم می زنند و نیازهای جدید مطرح می شوند (عزیزی: ۳۸، ۱۳۸۵).

در پاسخگویی به نیازهای جدید که حاصل تغییرات اجتناب پذیر محله های شهری هستند راهبردها و سیاستها و برنامه های مختلفی تجربه می شوند اگر موضوع توسعه محله ای را که در میان فعالیتها متفاوت اقتصادی سیاسی و ... همانند سیستمی از عملیات آزادی در میان سیستم های فراگیر دیگر (محیط موجود) اعم از تاریخی و یا جغرافیایی تصور کنیم آن وقت به چهار استراتژی مهم برای دستیابی به آینده ای سالم و پایدار از طریق سازگاری میان این دو خواهیم رسید که چنین خواهد شد:

- در نوع اول سازگاری یعنی سازگاری دیگری- دیگری: سیستم یا تبدیل و اصلاح محیط نسبت به تغییر خارجی عکس العمل نشان داده و یا پاسخ آنرا آماده می سازد. در این نوع استراتژی بهینه سازی وضع موجود ملاک نظر می باشد. تغییر محیط و حفظ ارزشهای سیستم در این تفکر مهم تر از فاکتورهای دیگر است. در موضوع مورد بحث پرداختن به زیر ساختها و توانمند سازی مراکز محلی برای پاسخگویی به نیازهای مردم محله از جمله ساخت و ساز قضایی مورد نظر می باشد.

- در استراتژی نوع دوم: سیستم از طریق تبدیل و یا اصلاح خود به تغییر خارجی عکس العمل نشان داده و یا پاسخ مناسب آنرا جستجو می کند، این نوع سازگاری را دیگری- خودی نامگذاری نموده اند. در این نوع استراتژی مهاجرت به مکان و زمان مناسب محور اصلی توسعه می گردد و اسراری برای بهینه سازی وضع موجود نیست لذا پرداختن به پدیده مهاجرت افراد- شناسایی ساخت و ساز آنها و مسائل مربوط به اشتغال

نهادهای محلی کارآمد به کارایی شهرداری و سایر سازمانهای عمومی در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان به توسعه (کارآمدی) پایدار شهر منجر خواهد شد.

۲) مؤسسات نهادی محله در راستای سیاستها و برنامه های ساختاری توسعه شهر و تحت حمایت و پشتیبانی مدیران شهر ابتکارات توسعه محله ای را طرح و اجرا می کنند. بعنوان مثال، برای احداث یک پارک محله مؤسسات نهادی مربوطه در محله ابتکار عملی را برعهده خواهند داشت. این مؤسسه نهادی همانند الگوی سنتی آن یعنی هیأت امنا مساجد که مسئولیت طرح ریزی توسعه مسجد- جمع آوری اعانه- اجرای طرح های توسعه- نگهداری- تعمیرات و نهایتاً مدیریت امور مسجد را برعهده دارند، این امور را در خصوص پارک محله به انجام می رسانند و این الگو در سایر موضوعات مربوط به محله مانند انجام انتخابات مختلف پروژه های عمرانی و ... بعنوان ابتکارات توسعه محله ای مصداق خواهد داشت (پیریایی: ۱۶، ۱۳۸۳).

جستجوی هویت در محلات شهری:

ساختار محلی شهر و سیستم حاکم بر آن، خود می تواند بعنوان یک نشان شهری مطرح شود (مانند فرم شعاعی یا بافت شطرنجی یا خطی شکل گیری شهر). ساختار کالبدی و تملوکه محلات شهر بر روابط نهادینه شده جامعه استوار شده و با آن ارتباطی دو سویه می یابد. ساخت شهر، دهکده و ... با قوامی که در طول سالها می یابد برای همه دارای



معنایی ویژه است و در کلیت ساخت و عناصر سازنده برای مردم متضمن معناست.

پنا برین پیوسته تقابلی معنی دار میان شهروندان و ساختار نظام های شهری برقرار خواهد بود (راضیه: ۲، ۱۳۸۳). خلق نشانه ها و نمادهای شهری در سطح محله- در نقاط مکت- مرکز اصلی- مراکز اصلی- میادین و یا در امتداد محورهای پیاده و سواره به کنش متقابل بین آنها می انجامد و به این ترتیب نیروهای سازمان دهنده قضا را در سطح محله به جریان می اندازد. این گونه نشانه ها که غالباً ارتفاعی بلندتر از سایر عناصر پیرامون خود دارند رابطه ای ساختاری بین عناصر کالبدی- فضایی ایجاد می کنند که پیش از این استقرار آنها مستقل و بی نظم به نظر می رسید (حبیبی: ۳۵، ۱۳۸۳).

فضاهای شکل دهنده ساختار محلات در رابطه با یکدیگر نمادی از فرآیند حیات در محلات را می سازند. بخش های مختلف محلات که به ساختار آن شکل می دهند عبارتند از: سلسله مراتب دسترسی- فضاهای باز- مراکز خدماتی و واحدهای مسکونی. رفتار انسان شکل دهنده روابط میان این اجزا در محلات و در نهایت شکل گیری ساختار محلات می باشد که در محلات قدیم و جدید با یکدیگر تفاوتهای محسوس دارند. در این نگاه نحوه شکل گیری رابطه میان اجزای مختلف یک محله در

دفاع در شرایط متفاوت بسازد. (اسلامی، ۱۴: ۱۳۸۳-۱۵-۱۶).

اهداف ایجاد محله پایدار:

با بررسی دیدگاه توسعه پایدار محله ای می توان دو زمینه اصلی در محلات شهری را مورد هدف توسعه پایدار محله ای دانست:

- ۱) ساختار فضایی و هویت مکانی
- ۲) سرمایه های اجتماعی

بطور کلی هدف توسعه پایدار محله ای بهبود ساختار فضایی و تقویت هویت مکانی از طریق نهادهای اجتماعی و در راستای استفاده از سرمایه های اجتماعی می باشد (جنول الف). ترکیب این دو جنبه با بکارگیری عناصر شاخص هویت دهنده به مکان و ایجاد زمینه مأموس شدن مکنه جدید با محله از طریق بالا بردن خوانایی سیمای آن، استفاده از عوامل وحدت بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه و تأمین فضای مناسب جهت برقراری تعاملات اجتماعی و برگزاری اجتماعات محلی و ایجاد نزدیکی و پیوند و امکان تبادل آراء و نظریات در میان ساکنین یک محدوده در قالب فضاهای باز محلی - فضاهای فرهنگی و تفریحی و ... می تواند سبب تحقق اهداف توسعه پایدار محله ای گردد.

آموزش و ... سامان دهی مالکیت ها و ساخت وسازها و ... که همه نشان دهنده تغییر است در سیستم؛ با هدف تطبیق با سیستم های فراتر یا محیط مورد نظر می باشد. در این روش؛ استراتژی - محور - روش تحقیق و برنامه های منتج از آن نتیجه گرا می باشد.

- در استراتژی نوع سوم: سیستم در قبال عکس العمل و پاسخ به تغییر داخلی محیط را تبدیل یا اصلاح می کند این نوع سازگاری خودی - دیگری نامگذاری شده است.

- در استراتژی نوع چهارم؛ در پاسخ به تغییر داخلی، سیستم با اصلاح و تبدیل خود عکس العمل نشان می دهد و فارغ از محیط بیرونی است. در این مورد خودکنایی و خودکفایی سیستم اهمیت بیشتری از نحوه سازگاری آن با سیستم های دیگر و محیط پیرامون دارد. این سازگاری، خودی - خودی نامیده می شود. جریان توسعه از سیستم به محیط است و مدل درون را با چنین سازگاری همراه می باشد. موضوعاتی از قبیل خود سازماندهی - خودکنترلی - خودکنایی - خودتوسعه ای و ... در این استراتژی بیشتر مورد توجه قرار می گیرند. بهر حال هر یک از انواع استراتژی های بیان شده می تواند برای توسعه محله ای کارآمد باشد. با این حال در استراتژی خودی - خودی، سیستم مسلح به ابزارهایی می شود تا پادتن های لازم را برای

جدول الف: اهداف اصلی ایجاد محله پایدار.

اهداف	راهبردها
بهبود و ارتقاء سطح فعالیت اجتماعات محلی	- ایجاد فرصتهای لازم برای تشکیل گروهها و شبکه های اجتماعی محلی - ارتقاء سلامت روانی افراد جامعه از طریق ایجاد محیط زیست اجتماعی سالم - تقویت زندگی اجتماعی و فرهنگی در سطح محله
ارتقاء دلبستگی و عدالت اجتماعی	- ایجاد نوع در خانه سازی در راستای قابل استطاعت بودن آنها برای ساکنین از لحاظ اقتصادی - ارتقاء دسترسی به تسهیلات و تجهیزات محلی - بالا بردن تنوع در انتخاب شیوه های حمل و نقل و اولویت دهی به پیاده دوچرخه و حمل و نقل عمومی
بهبود امنیت و ایمنی	- افزایش حس تعلق خاطر شهروندان به محیط مسکونی و در نتیجه کاهش میزان تخلفات و جرم و جنایت - کاهش احتمال تصادفات - کاهش احتمال تخلفات و جرم خیابانی
افزایش آزادی در انتخاب	- ایجاد تنوع و افزایش حق انتخاب تسهیلات و تجهیزات محلی، کار و اشتغال و روابط اجتماعی - افزایش الزامات و حق انتخاب در شیوه زندگی و حمل و نقل و غیره
افزایش تصمیم سازی محلی	- ایجاد سرمایه های اجتماعی محلی از طریق فرآیند مشارکتی - ایجاد همکاری و اعتماد محلی و امکان کنترل ساختار محلی توسط کاربران (ساکنین)
بهبود و افزایش درآمدهای محلی	- افزایش تنوع فر فرصتهای شغلی جدید در سطح محله - ایجاد جرحش های در منابع محلی - بهبود سیستم بازسازی و نوسازی شهری
بهبود اشتغال	- تضمین فرصتهای شغلی متنوع محلی - بهبود و ارتقاء فرصتهای آموزشی و کارآموزی - تضمین حمل و نقل عمومی مناسب مسیرهای پیاده و دوچرخه

مأخذ: (Barton, ۲۰۰۳, ۴)



منابع:

- ۱) استادی، مهرداد (۱۳۸۲). ۱۳۸۲. سازمان اجتماعی پایدار در مقیاس محله ای - همانجا توسعه محله ای چشمه قنار توسعه پایدار شهر تهران مرکز فرهنگی هنری شهرداری تهران
- ۲) اسماعیلی، سیداحمد (۱۳۸۳). "تحلیل و اجزای توسعه درون و بیرون از مرزهای محله و شهر". همایش توسعه محله ای چشمه قنار توسعه پایدار شهر تهران مرکز فرهنگی هنری شهرداری تهران
- ۳) پناغی، جواد (۱۳۸۲). "توسعه پایدار و عناصر تشکیل دهنده آن در زمینه زیربنای شهری". محله سپهر، تهران، ش. ۵۱
- ۴) میرزایی، محسن (۱۳۸۷). "شرفیت سازی توسعه محله ای". همانجا توسعه محله ای چشمه قنار توسعه پایدار شهر تهران مرکز فرهنگی هنری شهرداری تهران
- ۵) جید، مین (۱۳۸۲). "آفرینش محلات و مکان ها در محیط انسان ساخت". توسعه شهرزاد ارومیه و مدیریت طبیعی استازاد دانشگاه تهران
- ۶) دانی، بویه خلیلی (۱۳۸۵). "برای زوی محله شما". ریاضی کارات در نگاه مدیریت شهری پایدار. نشر پوه هنرهای زیاده دانشگاه تهران
- ۷) حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲). "چگونگی (کوتاه و بلند مدت) ایجاد ساختمان بدون محله". نشر هنرهای زیاده دانشگاه تهران، ش. ۳۳
- ۸) حقانی، حرمساز (تول). (۱۳۸۲). "اجتماعات کوچک شهری و روستایی". تاریخچه و چارچوب محله ای
- ۹) دهن، یسگری و آسو، عیاد سوسل (ترجمه). تهران: نشر
- ۱۰) حقیقی، نادر (۱۳۸۲). "واحد های همسایگی پایدار، راهی به سوی توسعه پایدار محله ای". همانجا توسعه محله ای چشمه قنار توسعه پایدار شهر تهران مرکز فرهنگی هنری شهرداری تهران
- ۱۱) زاهد، مراد (۱۳۸۳). "توسعه محله ای در شرایط منطقه و شبکه های محله ای در شهر تهران". همایش توسعه محله ای چشمه قنار توسعه پایدار شهر تهران مرکز فرهنگی هنری شهرداری تهران
- ۱۲) ستوری، حسین (۱۳۶۵). "جغرافیای اجتماعی شهرها". آفرینش اجتماعی شهر. جلد دانشگاه تهران چاپ اول
- ۱۳) کسبوس، حسین و ... (۱۳۸۳). "تولید های اجتماعی". دانشکده توسعه پایدار شهری مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری تهران، شهرداری
- ۱۴) تیرینی، حسن (۱۳۸۲). "سازماندهی محلات". نشر دانش آفرین، تهران
- ۱۵) عزیز، محسن (۱۳۸۵). "توسعه محله ای"

رویکردی انسانی به توسعه محله ای :

دو رویکرد اصلی در توسعه محله ای قابل بررسی است. رویکرد سنتی و رویکرد نو عملکردی و انسانی (جدول ب). رویکرد سنتی توسعه را مقوله ای می داند که از طریق عوامل مؤثر بیرونی صورت می پذیرد. این رویکرد به علائق مشتری و ارزشهای حرفه ای معتقد بوده و در ماهیت خویش خردگرا است. توجه خود را به محصول نهایی توسعه متمرکز ساخته و

تنها بر نیازهای زیربنایی شناختی طراح و یا مشتری تأکید می ورزد. و از اینرو تنها به ابعاد کالبدی توسعه می اندیشد. رویکرد انسانی در دیگر سوی به تمامی نیازهای انسانی می پردازد به توسعه از درون متوجه است و بر توسعه پایدار محیطی - به مشارکت بهره وران - کیفیت محیطی و کیفیت زندگی فردی و جمعی و خواست های مردم یا بهره وران واقعی تأکید دارد.

جدول ب) مدار از رویکرد سنتی به رویکردی انسانی و نو عملکردی به ارائه روی توسعه محله

رویکردهای موجود در توسعه محله ای

رویکرد سنتی	رویکرد انسانی و نو عملکردی
توسعه از بیرون	توسعه از درون
شهری گری	بایباری
نیازهای زیربنایی شناختی فردی	نیازهای مشترک انسانی
ظاهر خارجی محیط کالبدی	کیفیت محیطی
محیطی که به آن نظر کنند	محیطی که در آن زندگی کنند
مستی بر سلیقه روشنفکران	مستی بر ارزشهای بهره وران
خرد گرایی	تجربه گرایی
حرفه ای گرایی	حرفه مندی
لهاج	مشکل گشایی
محصول	فرآیند
طراحی فردی	طراحی گروهی
خواست های مشتری	خواست ها و مشارکت مردم

مأخذ: (طنبی، ۱۳۸۳:۴)

(مطلبی: ۲: ۱۳۸۲).

واحد های همسایگی و توسعه پایدار محله ای :

نظریه کلرنس پری در سال ۱۹۲۳ منتشر شد. پری معتقد بود خدمات عمده و اساسی باید در نزدیکی خانه مسکونی مستقر شود و مسیرهای دسترسی به خدمات نباید خیابانهای اصلی را قطع کند. وی برای هر واحد حداقل یک دبستان، چند مغازه و چند قطعه زمین برای پارک و ورزش و برای محلات مسکونی پر درآمد علاوه بر خدمات بالا یک کلیسا - سالن اجتماعات - کتابخانه - باشگاه و استخر شنا در نظر گرفته بود. او معیار دو هزار نفر جمعیت را برای یک واحد همسایگی پر تراکم بیان می کند. (حنیقی، ۲: ۱۳۸۲).

در قرن بیستم برنامه ریزان از واحدهای همسایگی برای نایل شدن به اهداف مختلفی سود برده اند. می توان به چهار مرحله عمده در توسعه ایده واحدهای همسایگی اشاره نمود:

- ۱- استفاده از واحدهای همسایگی بعنوان واحدهای دارای زندگی مستقل شهری با تأکید بر پتانسیل اداری شان.
- ۲- استفاده از واحدهای همسایگی مسکونی برای بهبود زندگی شهروندان.
- ۳- در نظر گرفتن ارتباطات شخصی در بین ساکنین یک واحد همسایگی.

- ۴- تأکید بر هویت و مفهوم در مکانهای شهری.
- مشکل مهم متخصصین امور شهری این است که در مورد اندازه و وسعت واحدهای شهری مثل واحد همسایگی - محله - ناحیه - منطقه و غیره بین آنها اختلاف نظر وجود دارد

مدیریت محلی - دسترسی و غیره اندازه های متفاوت به دست می آید. جاکوبز می گوید: یک واحد محله ای وقتی می تواند مستقل و خودپایا باشد که جمعیت آن بیشتر از یکصد هزار نفر

مشکل مهم متخصصین امور شهری این است که در مورد اندازه و وسعت واحدهای شهری مثل واحد همسایگی - محله - ناحیه - منطقه و غیره بین آنها اختلاف نظر وجود دارد

باشد.

الکساندر می گوید: روابط اجتماعی در جوامع محلی فقط در گروه‌های کوچک بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر امکان پذیر است. (شیراتی، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

اهمیت واحدهای همسایگی در برنامه ریزی شهری اهمیت دادن به خانواده و تأمین نیازهای آنست. واحدهای همسایگی پایدار یکی از رویکردهای جدید در تئوری واحدهای همسایگی می باشد. یکی از مفاهیمی که از بطن واحدهای همسایگی پایدار درآمده است واحدهای همسایگی قابل زندگی می باشد که هدف آن ارتقای زندگی در این واحدها می باشد. واحدهای همسایگی قابل زندگی مستلزم این است که شهر و مراکز واحدهای همسایگی کانونی برای تأمین اشتغال - کالاها و خدمات - فعالیتهای اوقات فراغت و فرصتی برای ملاقات و اجتماعی شدن باشند. بطورکلی واحدهای همسایگی قابل زندگی که هم شهروند را تعریف می کنند و هم بوسیله شهروند تعریف می شوند و در اداره آنها شهروند و ابتکارات خصوصی وی نقشی اساسی دارد و با طبیعت و چشم انداز بواسطه ترکیب فضاهای عمومی و خصوصی و پیوستگی فضاهای سبز ارتباط تنگاتنگ دارند، می توانند از خود چشم انداز بصری و کالبدی مطلوبی را به نمایش بگذارند و با القای هویت به شهروندان و تقویت مفهوم شهروند مناری در نبل به اهداف برنامه ریزی شهری و دستیابی به توسعه پایدار محله ای موثر واقع شوند (حقیقی، ۱۳۸۲: ۸).

با توجه به مواردی که ذکر آن رفت به وضوح اهمیت اجتماعات محلی و محلات مسکونی در چارچوب مفهوم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری معلوم می گردد. در برنامه ریزی برای هر شهر معمولاً روی برنامه ریزی از پایین به بالا یا برنامه ریزی با مردم به جای برنامه ریزی برای مردم تأکید می شود. شاید یک دلیل برای این نوع برخورد آن باشد که هر نوع برنامه ریزی برای رسیدن به اهداف خود باید ارتباطی تنگاتنگ و هماهنگ با اجزاء و عناصری که بر روی آنها تأثیر می گذارد و از آنها تأثیر می پذیرد داشته باشد که در سطح شهر نیز محلات به عنوان بنیادی ترین عناصر شهری و حلقه ارتباطی بین شهر و شهروندان نقش انکار ناپذیری در سیستم شهری ایفاء می نمایند. واقعیت امر اینست که توسعه پایدار شهری بدون بنیان نهادن پایه های خود بر شاووده محلات شهری در رسیدن به اهداف خود با مشکل مواجه خواهد شد و این محلات شهری هستند که خصلت پایداری را در بطن خود نهفته دارند که نیازمند بالفعل کردن پتانسیل های بالقوه آنها می باشد.

سخن پایانی:

وجوه اشتراک اجتماعی و فرهنگی می تواند مهمترین زمینه در تعریف محله باشد. همچنین وجود فضاهای فرهنگی و اجتماعی بعنوان مراکز و قلب تپنده محله ها در انسجام محله ای تأثیر بسزایی دارد. باید از طیفاتی شکل گرفتن محله ها پرهیز کرد و در کنار آن برنامه ریزی برای آنها را بر مبنای

گسترش شرایط فرهنگی و صمیمیت اجتماعی بین ساکنان مورد توجه قرار داد. با عنایت به مطالب مطروحه در این مقاله پیشنهادهای زیر در راستای نبل به توسعه پایدار محله ای ارائه می شود:

- خروج یا کاهش کاربری های مزاحم از داخل شهر و همجواری کاربری های سازگار در محلات.
- شبکه راههای داخلی محلات طوری طراحی و تحت ساختمان قرار گیرند که حجم کم ترافیک را تأمین کنند و دسترسی راههای اصلی به همذیگر از داخل محلات امکان پذیر نباشد.
- تقویت ارتباطات کالبدی بخش های متصل شده بافت محله ای از طریق تقویت ارتباطات عملکردی درون بخش های جدید شهری پس از انفصال محله ها و تقویت ارتباطات پیاده بوسیله دسترسی های غیر هم سطح.
- رفع اغتشاشات بصری در معابر و محله ها.
- تعدیل عدم تجانس کالبدی و اجتماعی بافت های قدیم با بافت های جدید.
- انسجام بخشی به گسست فضایی - اجتماعی فضاهای باز عمومی در محله.
- کارآمدی سازوکارهای مدیریت و اداره امور شهری بر پایه امکان سنتی بازسازی محله های شهری بوسیله تقویت الگوهای مدیریت توسعه محلی و الگوهای مشارکتی مردم.
- ایجاد فضاهایی برای کنش های متقابل اجتماعی و جریان یافتن انواع فعالیت های اجتماعی جهت ایجاد ظرفیت فضایی لازم برای توسعه روابط محله ای.
- رعایت ملاحظات زیست محیطی در اجرای پروژه ها در محلات.
- مکان یابی فضاهای پارکینگ نسبت به ساختمان های مسکونی در محلات.
- ساماندهی و توانمند سازی ساکنان غیر رسمی.
- ایجاد واحدهای همسایگی که زندگی جمعی نوام با مشارکت را تشویق می کند.
- توجه به بخش غیر رسمی در زمینه های اشتغال آفرینی و بهبود شرایط کسب و کار در محلات شهری.
- ظرفیت سازی محلی و توسعه سازمان های محله ای.
- توزیع متعادل و متوازن کاربری های شهری در سطح محله ها.



محله مسکونی پایدار. مورد نامرکز
شهره هنرهای زیبا، ش ۲۳
[۱۵] تجربی حسینی (۱۳۸۲) "الفن
سازشهای محله ای (CBO) به مثابه
بخشی از جامعه محلی از نظر اجتماعی
عاشق توسعه محله ای چشم انداز
نوسه پایدار شهر تهران مرکز فرهنگی
هنری شهرتاری.
[۱۶] کریمزاده و جلیلی (۱۳۸۲) "توسه
کرت توسعه محیطی پایدار با تکیه
بر مفاهیم اقتصادی و اجتماعی.
پایان نامه تحصیلی، اردت دانشکده
هنرهای زیبا دانشگاه تربیت مدرس.
[۱۷] محلی (۱۳۸۲) "DITAT" رویکردی
انسانی به توسعه پایدار محله ای
عاشق توسعه محله ای چشم انداز
نوسه پایدار شهر تهران مرکز فرهنگی
هنری شهرتاری تهران.
[۱۸] هوشیار، علی (۱۳۸۲) "توسه
ساختاری" فصلی محلات شهری
تهران، چاپ توسعه محله ای پایدار توسعه
مردمان محله جلفا تهران، خانه
فرهنگی اردت دانشکده هنر، دانشکده
آرشد علوم.

19)Barrow, C.J.(1995),
Sustainable development: concept, value and practice. Third
world planning review, 13(4):
160-181.
20)Barrow, Hugh(2001), et al.
"shaping neighborhoods",
New York:Apex Press.
21)Putnam, Robert (1999),
"Social capital and civil society",
"Conference on Second
Generation Reform",
www.int.org/external/pubs/br/
m/naar/1999/relcom/fukuyama.
htm
22)The World Bank Group,
"Social capital for development:
What is social capital?"
www.worldbank.org/external/
publications/relcom/fukuyama.
htm
23)Waddock Stephen M.(2004),
"Planning for sustainability",
Routledge, London and
New York.
24)Alderson, Michael (1996),
"Social capital and economic
development", "Toward a
Theoretical synthesis and policy
framework. Theory and society
23(2): 151-208.
AN Introduction to commodity
sustainable development





اهمیت فضاهای شهری در راهبری کنش‌های فرهنگی و مشارکت‌های مردمی

• اسماعیل صالحی
دکتر در شهرسازی

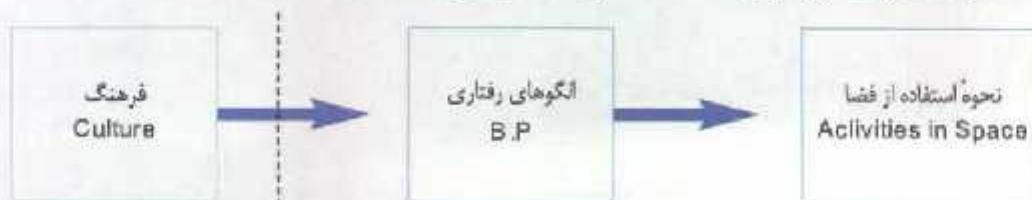


مقدمه

سیاست‌ها و مذاهب همگی در پدیده‌ی اساسی هستی بشر، یعنی شهر، ریشه دارند [پارک، ۱۳۵۸، ۶۹]. از این رو... هر فعالیتی که توسط انسان [در شهر] صورت می‌گیرد اساساً متکی به فرهنگ است و... معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارند که انواع فعالیت‌ها در چارچوب‌های متفاوت در آنها اتفاق می‌افتد و در حقیقت به این فضاها معنا و مفهوم می‌دهند. این فعالیت‌ها تابع خصوصیات فرهنگی جامعه‌ای است که صاحبان این فعالیت‌ها بدانها تعلق دارند. این امر در مورد فضاهای شهری به خصوص خیابان‌ها و میادین به شدت مطرح است، زیرا وجود یا عدم وجود فعالیت‌های خاص در خیابان به طور مشخص، می‌تواند دال بر استنباطی باشد که جامعه در مورد خیابان، به طور کلی و عناصر و جزئیات آن، به طور خاص دارد. براساس این تعریف است که شخص رابطه فردی و اجتماعی خود را با فضاها و عناصر و اجزای آن مشخص کرده و به استفاده از آنها می‌پردازد... [بحرینی، ۱۳۷۵، ۲۰]

شهرنشینی که امروزه به بویشی فراگیر تبدیل شده است در کلیه کشورها پرازترین نمود تکامل جوامع انسانی به شمار می‌آید. در واقع شهر به عنوان یکی از انواع مجتمع‌های زیستی، متمرکزترین نقاط استفاده بشر از زمین است و اهمیت آن به حدی است که صاحب‌نظری به نام گوپور آن را این چنین توصیف می‌کند: "سرنوشت بشر نه در میان ستارگان و نه در روستا، بلکه در شهر تعیین خواهد شد." و این در حالی است که شهر را به عنوان یک محدوده‌ی فرهنگی که به واسطه‌ی نوع خاص فرهنگش مشخص می‌شود و فضاهای شهری را به منزله‌ی یک محصول فرهنگی می‌شناسیم.

بنا به گفته آشننگر: "... این واقعیتی است کاملاً مسلّم، اما هرگز به طور کامل شناخته نشده است که همه‌ی فرهنگ‌های بزرگ زاده‌ی شهرند. انسان ممتاز نسل دوم، یک حیوان شهرساز است. این معیار واقعی تاریخ جهان است. ملت‌ها، دولت‌ها،



فضا تمام خصوصیات مربوط به آن
Space with all its Attributes



یا تغییر نظام‌های فرهنگی و روابط اجتماعی بسیار مؤثر باشد. اساساً باید در نظر داشت که فرهنگ محصول نوع و میزان روابط اجتماعی آحاد جامعه است و روابط اجتماعی نیز در خلأ رخ نمی‌دهند بلکه عرصه‌ی تجلی آن فضاهای شهری است. از این رو همواره تلاش شده است در تنظیم روابط اجتماعی، فضاها و فضاهای شهری را در هر شهر و جامعه‌ی منطبق با سلیقه و علایق اجتماعی همان جامعه شکل دهند و بنابراین بخش مهمی از تاریخ شهر و شهرسازی متوجه رفتار انسانیت و با بررسی و شناخت رفتار انسانی براساس بینش فرهنگی و مردم‌شناسانه می‌توان به زیربنای تمدن شهری پی برد... [پارسونز، ۱۹۷۴، ۲۰۹].

در جهان امروز که نقش و نیروی اجتماعی فرهنگ نسبت به گذشته به مراتب افزون‌تر شده است، ضرورت هماهنگی و همسویی صاحب‌نظران و کارشناسان و برنامه‌ریزان کشور یا نیازهای فرهنگی جامعه نیز بیشتر احساس می‌شود. جامعه‌ی

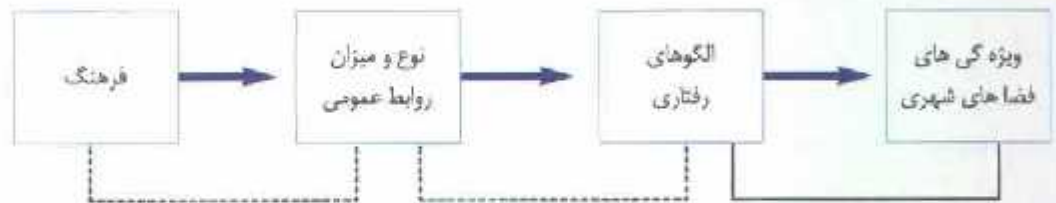
از سوی دیگر، از آن‌رو شهر را محدوده‌ای فرهنگی و فضای شهری را محصولی فرهنگی تعبیر می‌کنیم، که به راحتی بتوانیم تظاهرات کالبدی و فضایی فرهنگ را در شهر ببینیم.

در واقع اگر ظواهر مدرنیسم... [سبکی که با اعتقادات خالص گریانه پائیان آن شناخته می‌شود. تزیینات رنگ‌آمیزی، استماره، نمادگرایی و رسوم، فهرست‌بندی شده‌اند، تماسی فرم‌های تزیینی و مراجع تاریخی در آن حرام اعلام شده‌اند. در واقع مدرنیسم را می‌توان سبکی جهانی و بین‌المللی دانست که از واقعیت ابزارهای سازه‌ی جدید و مطابق با جامعه‌ی نوین صنعتی به پا خاست و هدفش دگرگون‌سازی جامعه هم در اخلاق و هم در ساختار اجتماعی‌اش بود. بنابراین، تمایزات فرهنگی در آن کاملاً نادیده گرفته می‌شود... [چنکز، ۱۹۷۴، ۲۲۳].] را که طی قرن بیستم، به یکسان‌سازی و شبیه‌سازی تظاهرات کالبدی و فضایی از طریق معماری و شهرسازی مدرن انجامید، از شهرها حذف کنیم، نمودهایی جلوه‌گر خواهد شد که به طور مستقیم، از



رشد جامعه‌ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت اجتماعی بازشناخته، از تظاهرات و تمایلات کاذب یا کترا تفکیک کند و قدرت پاسخگویی به این نیازها و بهره‌گیری از آنها را برای رشد و کمال مصنوعی و هادی دارا باشد... [دفتر طرح و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱]. در این راستا، امروزه برای صاحب‌نظران فضاهای شهری نیز کاملاً ثابت شده است که کمیت و کیفیت

فرهنگ یا محیط طبیعی تأسی جست‌اندک از همین روست که تظاهرات کالبدی و فضایی شهرهای پکن، اصفهان و شی‌کانگو در قرن نوزدهم کاملاً با یکدیگر متفاوت و قابل بازشناسی بوده است. در واقع نظام فرهنگی متفاوت و متمایز این شهرها، هویت کالبدی و فضایی بدان بخشیده است. اما نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به هم پیوسته‌اند. از یک طرف فرهنگ محصول رابطه‌ی اجتماعی است که



فضا، متقابلاً نقش مستقیم و مؤثری در تنظیم نوع، میزان و کیفیت روابط اجتماعی دارد. در واقع فضا به ویژه فضاهای شهری می‌تواند با تغییر الگوهای رفتاری افراد نوع و میزان روابط اجتماعی را تغییر دهند. به عنوان نمونه، کامپلوسیته^۱ این نظریه را مطرح کرده است، که... اندازه فضا بر ایجاد روابط اجتماعی تاثیر دارد. در ایجاد کوچک‌تر فضا، روابط صمیمانه‌تری برقرار است... بنابراین، ما در این مقاله به تبیین تاثیر متقابل فرهنگ و روابط اجتماعی پارسونز^۲ که نمودار آن رسم شده است، می‌پردازیم.

شدت این رابطه بر فرهنگ تاثیر می‌گذارد. بدین معنا که برقراری و تعدوم روابط اجتماعی باعث تقویت ارزش‌ها و هنجارها با فرهنگ می‌شود و از طرف دیگر فرهنگ شرایط و نحوه‌ی شکل‌گیری روابط اجتماعی را تعیین می‌کند... [تولایی، ۷۱، به نقل از پارسونز، ۱۹۷۴، ۷۶۴].

براساس این دیدگاه ما معتقدیم که تظاهرات کالبدی و فضایی می‌تواند، متأثر از نظام‌های فرهنگی و روابط اجتماعی باشد، اما این تاثیر صرفاً یک تاثیر یک سویه و یک جانبه نیست، بلکه ویژگی‌های کالبدی و فضایی نیز می‌تواند در یوایی، قوام و



آگاهی از فضا از حوزه‌ی فعالیت مغز فراتر می‌رود و ممکن است کلیه احساسات انسان در ادراک فضا درگیر شود.

فضا یک مقوله بسیار عام است، تمام جهان هستی را پر می‌کند و ما را در تمام طول زندگی احاطه کرده است. [یازوسکی، ۱۳۷۰، ۶۷]

فضا ماده‌ای مانند چوب یا سنگ است. اما ماهیتاً بی‌شکل می‌باشد. شکل بصری، کیفیت توری، ابعاد و مقیاس آن بستگی کامل به حدودش دارد... [چینگ، ۱۰۸]. فضا اگر به گونه‌ای نیرومند فرض شود، یک تشخیص و نشان و نیز اختراع ایجاد می‌کند. یونانیان به این موضوع پی بردند و آن را به عنوان عنصری مهم در مذهب و هنر خود دانستند... [Bacon، ۱۹۸۰]

معمولاً در تحلیل نظری، فضاها را بر سه نوع زیر تفکیک می‌نمایند:

۱. فضاهایی که ترکیب ثابت دارند: منظور فضاهایی است که طرح و ترکیب آنها به وسیله‌ی داده‌های فیزیکی مانند دیوار یا نرده مشخص و ثابت است.

۲. فضاهایی که ترکیب نیمه ثابت دارند: در تشریح این دسته از فضا به برخی ویژگی‌های معماری جغرافیایی مانند گردهم آوردن^۱ و پراکنده کننده^۲ استناد می‌شود. این ویژگی‌ها، سازمان و ترکیبی نیمه ثابت به فضاها می‌بخشند.

۳. فضاهایی که از نظر ترکیب متغیر هستند: مهم‌ترین ویژگی این نوع فضاها در این است که به وسیله‌ی الگوهای رفتاری سازمان داده می‌شوند، طرح و ترکیب آنها ثابت نیست. زیرا با تغییر رفتار دگرگون می‌شوند... [مرتضوی، ۱۳۶۷، ۵۵۵۴]

همچنین... فضا می‌تواند چنان نازک و وسیع به نظر آید که احساس وجود بعد از بین برود و یا چنان معلو از سه بعدی باشد که به هر چیزی در حیطه خود مفهومی خاص بخشد... [یازوسکی، ۱۳۷۰، ۶۷].

در هر صورت، آنچه که بحث فضا را به موضوع این مقاله یعنی، اهمیت فضاهای شهری در راهبری کنش‌های فرهنگی و مشارکت‌های مردمی نزدیک می‌کند، تبیین اهمیت روابط در فضا است. چرا که بنا به اظهار نظر آنتونی گینتز^۳: "... روابط در فضا... اتفاق می‌افتد. فضا مجموعه‌ای از روابط... میان گروه خاص و مکان خاص (نقطه‌ای در فضا) را در برمی‌گیرد. این روابط عدت خاصی دارد، بنابراین [روابط]... در فضا و زمان واقع شده و به وسیله آنها محدود می‌شود... [تولایی، ۱۳۷۱، ۷].

با این اعتبار، فرهنگ در چارچوب قلمرو و فضا (که می‌تواند، خانه، محله، شهر یا فضای شهری باشد)، نوع و میزان روابط اجتماعی را تعریف و تنظیم می‌کند، ولی از سوی دیگر تاثیر و نافر کنش‌های اجتماعی (که خود برخاسته از فرهنگ هستند) می‌تواند در قالب‌های فضایی متفاوت، اثرات فرهنگی بعضاً متنوعی ایجاد کند. به این ترتیب در بحث مشارکت فرهنگی و تنظیم سازوکارهای اجرایی آن ضرورتاً نمی‌بایست به موضوعات و محورهای نرم‌افزاری چون تبلیغات، ترویج و آموزش... بسنده کرد، بلکه می‌توان با توجه به برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری پیش‌اندیشیده، روابط اجتماعی و الگوهای رفتاری مردم را به سمت کنش‌های فرهنگی و مشارکت، راهبری کرد. در این میان، آن‌چه که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، شناخت مفاهیم و انگاره‌های فضاهای شهری به عنوان کانون‌های فضایی شهرها است.

تبیین مفهوم فضا و فضاهای شهری

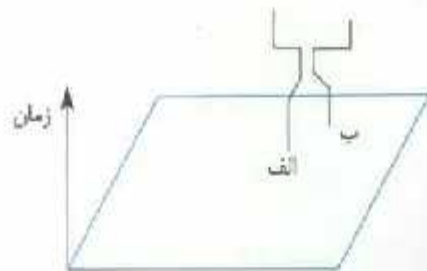
درک و شناخت فضا و سپس ساماندهی ارگانیک یا هدفمند آن، از انگاره‌های مهم بوم‌پیش‌های زندگی در مجتمع‌های زیستی است، که به ویژه در شهرها، به جهت پیچیدگی مسایل آن، اهمیت و ضرورت بیشتری می‌یابد. آدموند بیکن^۴ در کتاب طراحی شهرها^۵، اظهار می‌دارد که یکی از مهمترین مقاصد شهرسازی و معماری بالابردن سطح زندگیست. بنابراین باید فضاهای مختلف را برای فعالیت‌های مختلف پیش‌بینی و در چنان راهی مفصل بندی کرد که کارگردهایی که در آنجا انجام می‌شود را تقویت و راهبری کند. زندگی جریان پیوسته‌ای از تجربه است، هر عمل یا هر لحظه از زمان را از طریق تجربه قبلی به پیش می‌بریم، که این خود آستانه‌ای برای تجربه آینده می‌شود. اگر ما تصدیق کنیم که زندگی جریانی پیوسته از انجام تجربیات موزون است، در آن صورت نسبت فضاها به یکدیگر، آن گونه که در زمان تجربه می‌شود، یک مسئله مهم در طراحی می‌شود. از این دیدگاه می‌بایست... [شهرسازی و معماری] در خلق فضاها، مانند شعر و موسیقی عمل کنند. که در آنها هیچ بخش مفرد و جداگانه‌ای ملاحظه نمی‌شود... [Bacon، ۱۹۸۰] برای این منظور قطعاً شناخت و درک فضا اولویت ویژه‌ای خواهد یافت.

الف - تبیین فضا

مفهوم فضا، یک مفهوم گسترده و بحث‌انگیز است. ادراک فضا از زمین تا آسمان را در برمی‌گیرد، همچنین

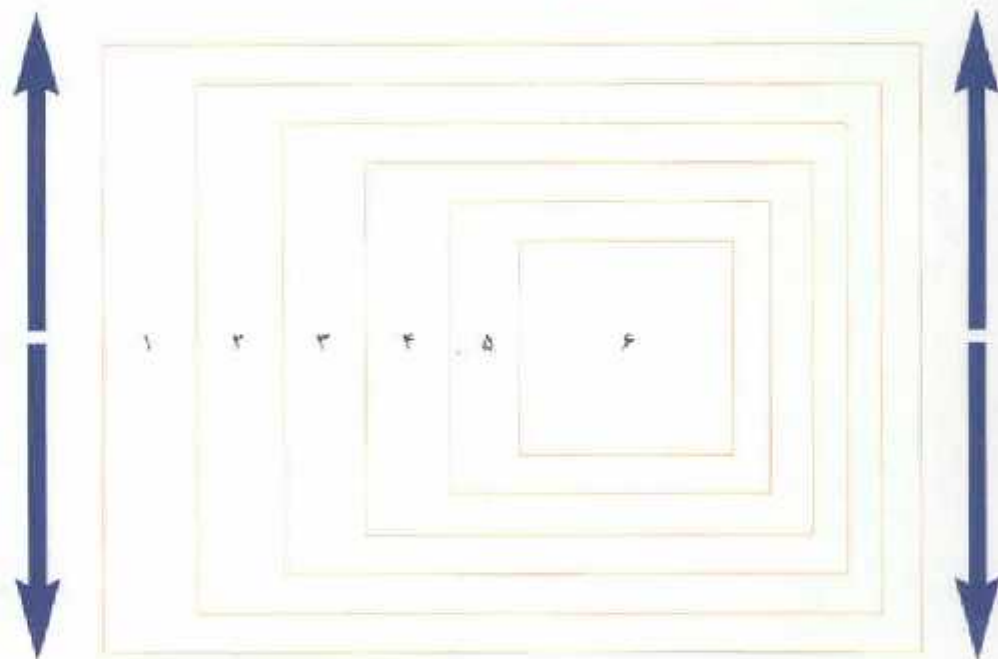
گرفتن اثرات فرهنگی سایر فضاها)، همان فضاهای عمومی است که ما آن را تحت عنوان فضاهای شهری تعریف می‌کنیم. فضاهای شهری جزئی یا عنصری از ساخت کالبدی شهر هستند... اهمیت فضاهای شهری چنان است که کاهیلو سیتة آکلپهار می‌داند:

شخصیت و هویت یک شهر در فضاهای شهری [عمومی] است که به شهروندان عرضه می‌کند... [بحرینی، ۱۳۷۵، ۱].
یا این اوصافه ملاک‌های تعریف فضاهای شهری متعدد و متنوع هستند. به عنوان نمونه "راب کریپر": صاحب‌نظر به نام فضاهای شهر، معتقد است: اگر بخواهیم مفهوم فضای شهری را بدون توجه به ملاک‌های زیبایی‌شناسی مشخص کنیم، در آن صورت مجبور می‌شویم، همدی انواع فضاهای ما بین ساختمان‌ها را در



و از این روست که در ادامه، به تبیین مفهوم فضاهای شهری به منظور تنظیم کانون مبادلات اجتماعی و فرهنگی شهرها خواهیم پرداخت.

ب. تبیین مفهوم 'فضا' در شهر (فضاهای شهری)



شهرها و سایر مناطق به عنوان فضای شهری معرفی کنیم. در واقع، این فضاها بر حسب موقعیت هندسی با انواع ساختمان‌ها محصور شده‌اند و با یک منطبق روشن از ویژگی‌های هندسی و کیفیات زیبا شناسی فضا است که به ما اجازه می‌دهد آگاهانه فضای خارجی را به عنوان فضای شهری ادراک کنیم... [کریپر، ۱۳۷۵].

اما علاوه بر ملاک‌های زیباشناسی و ویژگی‌های هندسی، سایر صاحب‌نظران فضاهای شهری، به ویژگی‌های دیگری از جمله 'بویایی'، 'دسترسی'، 'هموار کننده ارتباطات اجتماعی' و ... اشاره می‌کنند [کریپر، ۱۳۷۵].

به طور کلی، فضای شهری یکی از عناصر ساخت فضای شهر است که همراه با تاریخ یک ملت در ادوار مختلف به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. این عنصر که فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی همواره در آن جریان داشته، همیشه با قلب تاریخ شهر می‌پیوندد

فضا در شهر نظام سلسله مراتبی خاص دارد که به طور مستقیم از فرهنگ الگو می‌جوید. در همدی فرهنگ‌ها این سلسله مراتب به نوعی وجود دارد، اما کمیت و کیفیت آن در واقع، ویژگی‌های فرهنگی جوامع را آشکار می‌کند. سلسله مراتب فضا در شهر... به شش دسته تقسیم می‌شود: [جرمایف و الکساندر، ۱۳۷۱].

۱. فضاهای عمومی شهر
۲. فضاهای نیمه عمومی شهری
۳. فضاهای عمومی خاص یک گروه
۴. فضاهای خصوصی خاص یک گروه
۵. فضاهای خصوصی خانواده
۶. فضاهای خصوصی فرد

تأثیر و ناثر، کنش و واکنش، حریم و قلمرو... این فضاها دو سویه است و بسته به نوع فرهنگ، کمیت و کیفیت آنها تغییر می‌یابد. آنچه که در این مقاله بیشتر مدنظر است (در نظر



و واگرایی فعالیت‌های ناسازگار در فضاهای شهری برای فراهم ساختن شرایط مناسب عرضه فعالیت‌های فرهنگی بسیار حائز اهمیت است. این در حالی است که در بافت‌های تاریخی شهرها، نقش و کارکرد فرهنگی فضاهای شهری به صورت از گلیکه شکلی سازگار یافته دارد.

نقش و کارکرد فرهنگی فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی شهرها

بررسی فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی حاکی از این است که اکثر قریب به اتفاق آنها، به علت چگالی عناصر فرهنگی در حاشیه بلافاصل (نظیر مسجد تکیه، حسینیه، مدارس علمیه و جز اینها) کارکرد فرهنگی، اجتماعی داشته‌اند. به عبارت بهتر، فضای هر یک از کاربری‌های مذهبی، آموزشی و فرهنگی، به ازای معنویت و پویایی آنها اهمیت یافته و پویایی اجتماعی فضاهای شهری نیز به کاربری‌های مزبور رونق بیشتری بخشیده است. این امر از فضاهای شهری بزرگ‌تر نظیر میدان نقش جهان اصفهان که در آن مساجد به فضای میدان هویت فرهنگی می‌بخشد گرفته تا میدانچه‌های محلات که بعضاً مساجد کوچکتر و یا سقاخانه‌های مشرف به فضا داشته‌اند مشاهده می‌شود. هر یک از این فضاها برای مردم ارزشمند و مقدس بوده است و بسیاری از مراسم فرهنگی، اجتماعی، نظیر مراسم عزاداری محرم در این فضاها اجرا می‌شده است. به عبارت بهتر، پویایی فرهنگی مراکز مذهبی و فرهنگی به فضاهای شهری هویت فرهنگی و معنوی بخشیده و پویایی اجتماعی فضاهای شهری نیز موجب رونق فعالیت‌های مراکز مذهبی و فرهنگی می‌شده است.

و سرگذشت شهر را رقم می‌زند است... [نوسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ۹].

ما در این مقاله فضاهای شهری را به عنوان کانون‌های اجتماعی شهر تعبیر می‌کنیم که به سهولت می‌توان تظاهرات روح فرهنگ جمعی مردم شهر را در آن جست و کنش‌های اجتماعی، فرهنگی مردم را در آن از طریق تمهیدات فضایی و کالبدی راهبری کرد. در واقع فضاهای شهری، عمومی‌ترین و زنده‌ترین فضاها در شهرند و با توجه به این‌که شهرها نیز متمرکزترین نقاط استفاده بشر از زمین‌اند، می‌توان گفت فضاهای شهری مناسب‌ترین حوزه‌ی تبلور کنش‌ها و تظاهرات فرهنگ جمعی بشر هستند. به این ترتیب سیاست گذاران بلندنظر اجتماعی و فرهنگ عمومی، با همکاری مدیران و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند مکان و زمان را مقتضی شمارند و پویایی فضاهای شهری را با رونق بخشیدن به جنبه‌های مثبت فرهنگ جمعی و جذب و راهبری مردم، تقویت و تحکیم نمایند. و از این طریق، شرایط مناسبی را برای جلب مردم به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به وجود آورند. سیاستگذاران و مدیران برنامه‌ریزان حتی می‌توانند با انتقال امور فرهنگی از سالن‌های سرپوشیده به فضاهای شهری باز، هر یک از کشورهای اجتماعی، نظیر تلاش آموزش، جوانان، سالمندان و یازدهستان‌ها و غیره را به عرضه‌ی محصولات فرهنگی خود (چون روزنامه‌ی دیواری، تئاتر خیابانی، نمایشگاه آثار هنری و جز اینها) در فضاهای شهری (در چارچوب‌های قانونی و شرعی) راغب سازند.

برای این منظور شایسته است فعالیت‌ها و فضاهای شهری با یکدیگر سازگار شوند. به عبارت بهتر سازگاری فرم فضا و کارکرد آن



نابین - مرکز محله سنگ (حسینیه ۱، مساجد ۲ و ۳ خانه ۵، محل یک چوچاق [بافت‌های] ۱۳۷۰)



چهرم - میدان مسجد نو (میدان در محل تقاطع راه) [سازمان نقشه برداری کشور]

حسینیه‌ها و تکیه‌ها نیز در مسیر معابر به صورت فضاهای باز یا



شیراز، موقعیت مناسبت شهری دوره ابرکان فارس
[پوشه ۱۳۶۱]

سرپوشیده‌های بودند که در ایام سال به ویژه محرم فعال بودند. در بیشتر این فضاها به همت اهالی محله مراسم مذهبی سناه و مردمی برگزار می‌شد. همچنین کار معرکه‌گیری، تزیین حیوانی، پرده خوانی و مراسم سترکشون در عید قربان، در این فضاها بسیار رایج بوده است. در برخی دیگر تجار بزرگ یا دولت خود مراسم مفصلی بر پا می‌کردند. امروزه در مسیر گذرهای اصلی شهرهایی مانند یزد، تاین، کاشان و زواره، بیشتر این حسینیه‌ها به صورت فضاهای باز و میدانه‌های کوچکی باقی مانده‌اند که در برخی از آنها در ایام محرم مراسم مذهبی بر پا می‌شود و در سایر روزهای سال نیز به صورت فضای نشستن در کنار بازارچه زمین بازی بچه‌ها و پارکینگ ماشین مورد استفاده قرار می‌گیرد. [همان، ۱۳۶]

به این ترتیب مسجد در بافت‌های تاریخی (در شهرهای دوره‌ی اسلامی) در مرکز شهر جا داشت و در رابطه‌ی مستقیم با بازار و مراکز اجتماعی بود و به ندرت به صورت عنصری منفرد عمل می‌کرد. در مجموعه‌های شهر در مسیر معابر، فضاهای باز و میدان‌ها به صورت حسینیه و تکیه قرار داشتند که در مقیاس محلات و گاهی شهر عمل می‌کردند و به ویژه در ایام محرم فعال بودند. از این رو به علت مجاورت با فضاهای شهر (و در بسیاری مواقع ترکیب و تلفیق فضاهای شهری و فضاهای فرهنگی) خود به عواملی برای جلب کشش‌های فرهنگی مردم تبدیل شده بودند.



تعداد مساجد در بازار طای از تفرق و پیوستگی فضای عام و فرهنگی و اجتماعی در مرکز شهرهای قدیم ایران است [طرح جامع شهر خوی]

از همین رو راه‌هایی که در کنار مسجد جامع و سایر مساجد بزرگ و مدارس علمیه و سایر فضاهای مذهبی قرار داشتند نسبت به سایر راه‌های شهر، دارای جنبه‌ی مقدس بودند و به ویژه در دوره‌هایی که علما و روحانیون از قدرت و نفوذ زیاد برخوردار بودند، برخی از فضاها با فعالیت‌های منکره و حرام در کنار آنها استقرار نمی‌یافت. برای مثال، دکان‌هایی که مشروبات الکلی یا کلاه‌های منکره مانند برخی از انواع یوز و آلات موسیقی را به فروش می‌رسانند، در این گونه معابر احداث نمی‌شدند. [سازمان یزد، ۱۳۷۰، ۳۷]

این در حالی است که به طور عمده در بافت‌های تاریخی شهرها، علاوه بر فضای مقابل مساجد، صحن و حیاط مساجد نیز به علت کارکرد اجتماعی و عمومی آن، یک فضای شهری پویا و زنده محسوب می‌شد.

..... بحث اساسی در اینجا بر مساجد حیاط‌داری است که گنرهای اصلی و فرعی بدان‌ها راه دارند. این خصوصیت فضایی عالی‌رغم وجود درها به قدری قوی است که حیاط مساجد را همانند تکایا و حسینیه‌ها در شمار فضاهای عمومی قرار می‌دهد. این شکل ارتباط حیاط مساجد با گنرهای عمومی بهترین صورت بیان‌گانه‌ی مفهوم مسجد به عنوان خانه‌ی خدا، خانه‌ی متعلق به همه بوده است و می‌توان نمونه‌های آن را در شهرهای مختلف ایران دید. از جمله حیاط مسجد جامع بازرگان تهران که به صورت معبر است و یا حیاط مسجد امام در مدخل بازار تهران که از سه طرف با بازار بین الحرمین و بازار کفایش‌ها و خیابان بوذرجمهری سابق ارتباط دارد و یا حیاط مسجد جامع سمنان که از دو جهت با بازار مربوط می‌شود و یا حیاط مسجد جامع یزد که از سه طرف با گذرهای اطراف رابطه دارد و نیز ورودی‌های مختلف که از گنرهای اطراف به حیاط وسیع مسجد جامع اصفهان راه پیدا می‌کند و حیاط مسجد جامع تلنگر که راه ارتباطی میان دو محله است. [توسلی و بنیادی، ۳۶، ۳۷]

به طور کلی، فضاهای شهر مرتبط با مساجد جامع در هر شهری از مهم‌ترین فضاهای شهری محسوب می‌شود. چرا که اسلام از آغاز، عنصر پر اهمیت و مشخص [مسجد جامع] را به شهر افزود. این عنصر به عنوان مرکز مذهبی و سیاسی در دل شهر جا گرفت. علاوه بر آن، مساجد مهم‌ترین مرکز آموزشی را تشکیل دادند، زیرا در مسجد بود که از تعلیمات ابتدایی تا پیچیده‌ترین مسائل علمی و فلسفی تدریس می‌شد، مدارس عمدتاً در کنار مساجد بنا شده بود و هر مسجدی دارای کتابخانه‌ی مخصوص خود بود. در مساجد قضاوت نیز انجام می‌شد. کاتبان و نویسندگان کار پررونق خود را در مسجد انجام می‌دادند. از لحاظ روحی تمام زندگی مردم به طور روز افزونی به مسجد ربط پیدا می‌کرد و مسجد از لحاظ فیزیکی نقش عمده‌ای را در زندگی شهری بازی می‌کرد، به عبارت دیگر مسجد مرکز نقل فعالیت‌های اجتماعی بود و با فعالیت‌های گوناگونی که در آن انجام می‌گرفته نقطه تفکر شهر را تشکیل می‌داد و به عبارتی مسجد را باید قلب تپنده‌ی شهر دانست که به خوبی وضع اجتماعی شهر منعکس می‌کرد، چنانکه شادی و غم و هیجانات اجتماعی را از جریان‌ات آن می‌شد تشخیص داد. [جلال‌الدینی و کاظمی، ۱۳۶۵، ۱۲، ۱۳۶]. بنابراین، معماری و شهرسازی از گلیک در بافت‌های تاریخی برای فضاسازی مجموعه‌های مقابل مساجد و نیز حیاط آن، اهمیت ویژه‌ای را قایل می‌شد.



در بافت‌های قدیمی شهرهای ایران بازارها و بازارچه‌ها از مهم‌ترین و پویاترین فضاهای شهری محسوب می‌شوند، فضای بازار تنها به داد و ستد و بازرگانی اختصاص نداشت بلکه به عنوان مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر، از یک سو برخی از عناصر شهری مانند مسجد جامع، مدرسه‌های مذهبی، خانقاه و غیره [مراکز فرهنگی] را در خود جای می‌داد و از سوی دیگر با مراکز اداری حکومتی ارتباط داشته به همین جهت محوری مهم و به عبارت بهتر، مهم‌ترین محور فضایی در حیات اجتماعی شهر بود. این محور که بین مراکز مهم سه گانه‌ی مذهبی، اقتصادی و سیاسی پیوند فضایی ایجاد کرده بود، توسط عامل چهارم، یعنی نیروی حاصل از تجمع گروه‌های صنفی و روحیه‌ی فتوت و اخوت موجود میان آنان به قلب شهر تبدیل شده بود که جریان حیات اجتماعی از درون کفاله‌های آن به کالبد شهر دمیده می‌شد و هر گونه نقص و عیبی که در آن پدید می‌آمد بلافاصله به تمام شهر سرایت می‌کرد. افراتق نخواهد بود اگر گفته شود، امروزه هیچ فضایی در شهرها نیست که از نظر کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قدرت، وسعت و دامنه‌ی نفوذ آن در حیات اجتماعی شهر، مانند بازار در شهرهای قدیم باشد. ویژگی‌های کارکردی بازار موجب جلب همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی به خود می‌شد. در ایام نوروز و عیدهای مذهبی و جز اینها بیشتر چهار سوهای بزرگ را برای استقرار جایگاه و مرکز بساط جشن برمی‌گزیدند. در ایام سوگواری و عزای نیز در بازارها مراسمی انجام می‌شد. علاوه بر آن در برخی از ایام مجالس وعظ در بعضی از خان‌ها و تیم‌های بازار برگزار می‌شد. در هنگام بحران‌های اجتماعی، به ویژه در اوقات مقلبه با عوامل خارجی یا دستگاف حکومتی، بازار به عنوان سنگر اجتماعی مردم، فعال می‌شد و از مسجدها و سایر فضاهای عمومی واقع در آن برای تجمع استفاده می‌کردند. بستن و تعطیلی مغازه‌های بازار در چنین ایامی، نوعی اعتراض عمومی بر علیه حکام و اوضاع حاکم بر شهر، به شمار می‌رفت. ... [سلطانزاده، ۱۳۶۷].

این در حالی است که فضای مدارس نیز تنها به درس و بحث منحصر نبود، بلکه اهالی هر شهر و محله در ایام و مناسبت‌های خاص، از آن استفاده می‌کردند، برخی از مجالس وعظ، سوگواری و مجالسی که به مناسبت فوت یکی از علما یا سرشناسان شهر برگزار می‌شد، در مدرسه‌ها برگزار می‌گردید. نمازخانه و مسجد متعلق به هر مدرسه در وقت نمازهای روزانه، علاوه بر طلاب، در خدمت اهالی محله و شهر نیز قرار می‌گرفت. در دوره‌ی قاجاریه، علاوه بر آن که مجالس عزاداری در ایام محرم در برخی از مدرسه‌ها تشکیل می‌شد، در تعدادی از آنها مراسم تعزیه نیز برگزار می‌شد. به همین دلیل، باتیان این مدرسه‌ها، پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین وسایل و هزینه‌ها و سفارش‌های لازم را در وقتنامه ذکر می‌کردند. ... [همان، ۱۳۷۹].

اساساً سنت "وقف" در فراروند بررسی تاریخی شهر و شهرنشینی، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فضایی و کالبدی مشارکت فرهنگی تعبیر می‌شود، که ناشی از نیاز فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و امور عام المنفعه به فضاست. به عبارت

بتر، به گمان ما "وقفه یکی از خالص‌ترین و محرزترین نوع مشارکت‌های فرهنگی محسوب می‌شود. ... وقفه یکی از نهادهای اسلامی است که نقش بسیار مهمی در عمران و توسعه شهرها داشته است. بر اساس نهاد وقفه اصل یک شش [عالمی] فضا و مکان] به منظور استفاده در امور دینی و خیریه در نظر گرفته شده و خرید و فروش آن ممنوع می‌شود. بر پایه‌ی عرف و سنتی تاریخی، بیشتر بناهای دینی و فضاهای فرهنگی؛ مانند مسجد، مدرسه‌ی علمیه، مزار، خانقاه و حسینیه از طریق نهاد وقفه ساخته می‌شده‌اند. ... [سلطانزاده، ۱۳۷۴، ۴۶].

"نهاد وقف نه تنها موجب می‌شد که بناهای عمومی هر شهر توسط افراد خیر و اعیان شهر ساخته شود و به این ترتیب عمران شهر تضمین شود بلکه بر اساس یک روال عمومی، بسیاری از افراد و کسانی که بخشی از املاک و دارایی‌های خود را وقف می‌کردند، نحوه‌ی اداره موقوفات و نیز چگونگی کاربرد و درآمدهای حاصل از موقوفات را برای برخی از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در وقتنامه قید می‌کردند. ...

برخی از فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی نیز علاوه بر نهاد وقف از طریق نوعی مشارکت عمومی انجام می‌شد. برای مثال احداث و توسعه و تعمیر حسینیه و همچنین برخی دیگر از بناهای عمومی هر محله یا مشارکت افراد محله صورت می‌گرفت و هنوز نیز بعضی از اقدامات عمرانی یا اجتماعی به همین ترتیب انجام می‌شود. ... [همان، ۴۶]. در حال حاضر، بسیاری از فضاهای فرهنگی در بافت‌های تاریخی شهرها؛ نظیر مساجد، حسینیه‌ها، خانقاه‌ها، تکیه‌ها، مدارس، کتابخانه‌ها و کاروانسراها و غیره وقتی هستند این در حالی است که متأسفانه این سنت پست‌دیده در بافت‌های شهری جدید به فراموشی سپرده شده است.

از این روست که بخش عمده‌ای از زیبایی و جذابیت مراکز قدیم شهرهای ما، در این است که سندیک نحوه زندگی مقدس، پاک و ساده است و بخشی دیگر از اقتصاد تولیدی و غیر مصرفی آنها ناشی می‌شود، بی‌شک در آن نوع از زندگی سطح درآمد کمتر ولی ارزش والای انسان محفوظ بود. در حالی که زندگی مدرن و ابزارها و فضاهای معماری شهری آن حداقل به گونه‌ای که در کشور ما رایج است، انسان را دچار از خود بیگانگی کرده و از ارزش‌ها تهی می‌کند. ... [مرازی، ۱۳۶۸، ۱۵۰]. از همین روست که، زیبایی، هویت، سازگاری و خصلت انسانی فضاهای شهری بافت‌های قدیمی شهرهای کشورمان را به عنوان پدیده‌های فرهنگی تعبیر می‌کنیم چرا که تماماً به نوعی برابندی از کنش‌های فرهنگی جامعه بودند. اهمیت ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی فعالیت‌های عمومی در فضاهای شهری، در دنیای غرب نیز در گذشته بیشتر از امروز جاری بوده است، به طوری که این امر را کاشیلو سیتة معمار بزرگ اتریشی، با دیدی "هجرتان زده" به صورت زیر توصیف می‌کند:

"... در آن زمان [عهد یونان و روم باستان]، میادین یک ضرورت اولیه بودند، چون که آنها مکان نمایش برده‌های اصلی زندگی عمومی بودند، آن زندگی که امروزه در تالارهای سرپسته جریان دارد. ..."



میلان مانند که عناصر مختلف را در شهر و در مرکز آن به هم پیوند می‌دهند واجد خصوصیات پویایی و ایستایی هستند. بدین معنی که از لحاظ شکل، میدان، میثاقچه چهارسوق و مانند آن ایستادگن و خیابان پویا هستند. قرار گرفتن برخی عناصر ویژه شهری و محله‌ای مجاور میلان (فضایی در مسیر گذر اصلی که ناگهان باز می‌شود)، از لحاظ کارکردی به آن معنی توقف می‌بخشد. ساده‌تر این که در مقابل فضای میلان مانند به شکل مربع که خصوصیت ایستاد دارد، فضای مستطیل مانند و کشیده قرار می‌گیرند که در جهت طولش، خصوصیت پویایی و حرکت پیدای می‌کند [توسلی و بنیادی، ۱۳۶۹، ۳۹].

در این میان به تفرق می‌رسد، فضاهای شهری ایستاد نسبت به فضاهای شهری گردش آورنده دارای مساحتی کوچک‌تر و فضایی محدودتر هستند، اما ویژگی‌های ماهیت فضایی هر دو، یکسان است. به عبارت بهتر، فضای شهری ایستاد نیز یک فضای شهری گردش آورنده تعریف می‌شود، اما مساحت و بعد فضایی آن کوچک‌تر است. فضاهای شهری گردش آورنده می‌تواند، فضاهای شهری بزرگی باشد که مردم را برای اجتماعات بزرگ فرهنگی و اجتماعی جذب و جلب می‌کند (به عنوان مثال، احداث تکیه‌ی دولت در زمان ناصرالدین شاه قاجار به تعزیه خوانی رونق زیادی بخشید، به طوری که در تعزیه‌هایی که در تکیه‌ی دولت برگزار می‌شد، چندین هزار نفر گرد هم می‌آمدند). در حالی که فضاهای شهری ایستاد فضاهای کوچک و دنجی محسوب می‌شوند که به علت گنجايش فضایی معبر، در صورتی که به میلان شهری تجهیز شده باشند، رهگذران را برای مکثی کوتاه جذب خواهند کرد (در واقع فضا

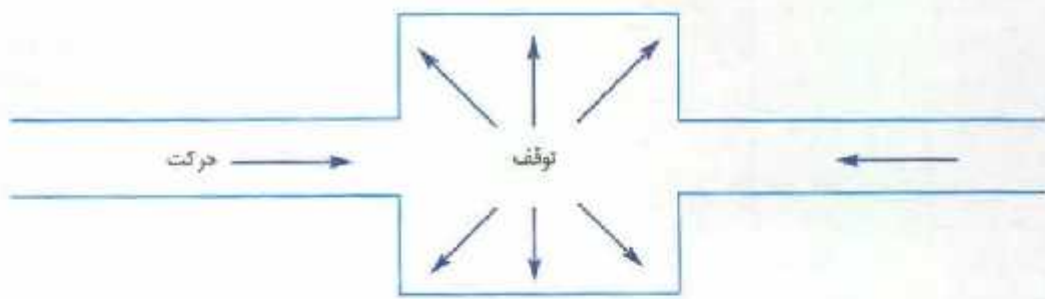
... در روزگار ما از میادین عمومی به همان اندازه کم برای ایجاد بزرگ مردمی استفاده می‌شود که برای زندگی روزمره... [شوائی، ۱۳۷۵، ۲۵۷].

و در فزون وسطی و در زینتس، میادین بیشتر برای اهداف عملی به کار گرفته شده و با بناهایی که آنها را احاطه کرده بودند بیانگر یک کل بودند. امروزه، میادین بیشتر بی‌هیچ ارتباطی با خانه‌های اطرافشان، به محلی برای توقف ماشین‌ها تبدیل شده‌اند. ... به یک کلام، زندگی مشخصاً از مکان‌های نزدیک بناهای عمومی رخت پرسته است؛ مکان‌هایی که در عهد پستان، حرکت در آنها مترکیم می‌بود. بنابراین ما بخش اعظم آن چیزی را از دست داده‌ایم که شکوه و عظمت میادین قدیمی را رقم می‌زد [همان، ۲۵۷].

اما آنچه که بیشتر از همه در فضاهای شهر معاصر (چه غربی و چه شرقی)، به علت غلبه‌ی ماشین بر انسان (در فضا)، تضعیف شده است نوع فضاهای شهری گردش آورنده است که از نوع فضاهای شهری هستند که به سبب کنش‌های فرهنگی و اجتماعی درون خود، موجب پویایی اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌شوند.

تبیین خصوصیت انواع فضاهای شهری گردش آورنده و پراکنده کننده در کنش‌های فرهنگی

در تبیین خصوصیات فضاهای شهری، دو مفهوم جغرافیایی فضا و پویایی و ایستایی فضا اهمیت بسیاری دارد. ... پژوهشگری به نام آزمونند در سال ۱۹۷۵ به دو نوع کیفیت فضایی تحت عنوان گردش آورنده و پراکنده کننده



انباره می‌کند، گردش آورنده به معنی هموار کننده ارتباطات اجتماعی، برای مولودی به کار می‌رود که ویژگی‌های معماری جغرافیایی فضا، راه برقرار شدن روابط اجتماعی را هموار سازد. به عنوان مثال، یک میزگرد با چند سندی دور آن دارای چنین خصوصیتی است و در برقرار شدن روابط اجتماعی همه جانبه بین کسانی که دور آن نشستند سودمند واقع می‌شود. ... پراکنده کننده، به معنی کیفیتی از جغرافیا یا معماری فضاست که از برقرار شدن روابط اجتماعی ثابت جلوگیری می‌کند. مانند راهروهای طولی و باریک زنان که منبع تجمع قرار می‌شود. ... [عزتضوی، ۱۳۶۷، ۶۷].

خصوصیات گردش آورندگی و پراکنده کنندگی فضاهای شهری را می‌توانیم با به کارگیری دو مفهوم ایستایی و پویایی به گونه‌ای دیگر تبیین کنیم:

رشته فضاهای ارتباط دهنده، یعنی گذرهای اصلی و فضاهای

مدیران شهری نیز به سهم خود می‌توانند با تزریق کارکردهای فرهنگی و فراهم ساختن شرایط فضاهای شهری



ایستاً را به عرصه‌های پویای فرهنگی در شهر تبدیل کنند. البته فضاهای شهری ایستاً، در صورتی که از نظر فضایی و کالبدی مناسب تعریف شده باشند، خود به خودی، کارکردی اجتماعی خواهند یافت، اما تزریق کارکرد فرهنگی به فضاهای شهری مزبور، مستلزم در پیش گرفتن تمهیدات و تجهیزات متناسبی است. فضاهای شهری گردهم آورنده نیز که به علت ماهیت فضایی، گره ارتباط اجتماعی شریان اجتماعی شهر تعبیر می‌شوند، در صورتی که به عنوان فضای شهری انسان، نه صرفاً به منظور و مقصود ماشین تعریف شده باشند می‌توانند گردهم آورنده مشارکت‌های مردمی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی باشند.

بنابراین، ضروریست در هر شهر کوچک حداقل یک فضای شهری گردهم آورنده انسانی به عنوان فضاهای فرهنگی مردم شهر تعیین و تعریف شود. در شهرهای بزرگ نیز [مانند تهران]

حناقل در هر منطقه از شهر، یک چنین فضایی به منظور راهبری فضایی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آزاد مردم (مثل ارائه نمایش‌ها و تئاترهای خیابانی، مراسم مذهبی، اجتماعی، موسیقی محلی، مهارت‌های هنری، برگزاری کلاس‌های آزاد نقاشی و غیره) مورد نیاز است. بدین ترتیب فضاهای فرهنگی مردم شهر عرصه‌های مناسبی برای جلب مشارکت‌های فرهنگی مردم و گذران اوقات فراهم خواهد ساخت.

فضای شهر انسان و فضاهای شهری ماشینی و جانمایی کاربری‌های فرهنگی
در شهرهای معاصر با اتومبیل می‌توانیم فضاهای شهری را به دو بخش مجزا تقسیم کنیم:

۱. فضاهای شهری انسان
۲. فضاهای شهری ماشینی

فضاهای شهری انسان، آن بخش از فضاهای شهری را تشکیل می‌دهد که خاص کارکردهای انسانی است. مسیرهای پیاده‌روی خیابان‌ها و میدانی، میدانچه‌های محلات و بازار و غیره از جمله شاخص‌ترین فضاهای شهری مزبور به شمار می‌روند. این فضاها به علت این که مکان مناسبی را برای برقراری روابط چهره‌به‌چهره فراهم می‌سازند از مهم‌ترین عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی هر شهر محسوب می‌شوند و در واقع، کانون میلالات اجتماعی و فرهنگی شهر هستند و نقش بسیار موثری در شکل‌گیری و قوام الگوهای رفتاری در جامعه دارند.

فضاهای شهری ماشینی، آن بخش از فضاهای شهری را تشکیل می‌دهد که خاص کارکردهای ماشینی (اتومبیل) است. مسیرهای ویژه عبور خودرو در خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها، که مطلقاً خاص عبور خودرو با حداکثر کارایی و سرعت می‌باشند، از این نوع فضاهای شهری محسوب می‌شوند. این فضاها، به علت غلبه‌ی کارکردهای ماشینی و عدم امکان برقراری روابط چهره‌به‌چهره‌ی انسانی اساساً امکان مناسبی برای نیلادات اجتماعی و فرهنگی فراهم نمی‌آورد.

با این شرایط، راهبری مشارکت فرهنگی در فضاهای شهری زمانی میسر است که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فرهنگی یا برنامه‌ریزان و طراحان شهری، در خصوص، فضاهای شهری انسانی به تفاهم مشترکی برسند. در صورتی که مراکز فرهنگی در حاشیه‌ی بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها جانمایی گردند در برنامه‌های فرهنگی آن مراکز چندان نمی‌توان بر مشارکت مردم اتکا کرد. به عنوان مثال، جانیان فرهنگی استان‌ها و کتابخانه‌ی ملی در حاشیه یکی از عبوری‌ترین

بزرگراه‌ها در شهر تهران از این نظر، مطلوب ارزیابی نمی‌شود. این در حالی است که اگر هر یک از این مراکز مهم فرهنگی در مرکز شهر و یا حاشیه یکی از میدانی و خیابان‌هایی که فضای شهری انسان محسوب می‌شود و در آن پویایی و سرزندگی اجتماعی موج می‌زند جانمایی می‌گردیدند و در مقابل بنای آنها نیز فضای باز از نوع فضاهای شهری گردهم آورنده طراحی و اجرا می‌شد، قطعاً سهولت دسترسی و نیز پویایی اجتماعی مقابل آنها، می‌توانست نقش بسیار ارزنده‌ای در جلب مشارکت در برنامه‌های فرهنگی آن مراکز داشته باشد. جین جیکوب^۱ منتقد بزرگ



معماری و شهرسازی در زمینه ماشینی، نقطه نظر جالب و قابل استنادی به شرح زیر دارد:

... طرح‌های مراکز فرهنگی یا شهری [نور از فضاهای شهری گردهم آورنده]، نتایج فاجعه‌آمیزی در شهرها به بار می‌آورد. آنها تعداد مشخصی از کارکردها و کاربری‌ها را از شالوده‌های [اجتماعی] شهر جدا می‌کنند، کاربری‌هایی که با این حال به این شالوده‌ها نیاز حیاتی دارند... [شواهی، ۱۳۷۵، ۳۷۵].

بنابراین مراکز فرهنگی باید در جایی باشند که در آن زندگی انسانی (نه زندگی ماشینی) موج می‌زند جایی که در آن، کار و فعالیت‌های روزمره‌ی زندگی تلاطم دارد.

به این اعتبار، بدترین مراکز فرهنگی که از نظر جذب مردم در فعالیت‌های فرهنگی با مشکل روبه‌رویند آنهایی می‌باشند که



در حال حاضر، بهترین و محترمتین مصداق چنین فضایی در تهران، محوطه اصلی برگزاری نماز جمعه در دانشگاه تهران می‌باشد. این فضا (البته نه به عنوان یک فضای شهری)، پس از انقلاب اسلامی به مهم‌ترین کلون فضایی اجتماعات مردمی تبدیل شده است (در حالی که پیش از انقلاب یک فضای ورزشی عادی بود). برگزاری مستمر مراسم فرهنگی، مذهبی و سیاسی نماز جمعه در طول سال‌های انقلاب، موجب تبدیل آن به فضایی برای «انباشت فرهنگی» تاریخی انقلاب اسلامی شده و بنابراین فضای مزبور در حال حاضر به فضایی «نمادین» تبدیل شده است. در صورتی که بنا به ضرورت‌هایی، محل برگزاری نماز جمعه تهران تغییر کند، فضای پیشین بنا به همان انباشت فرهنگی قبلاً محترم باقی خواهد ماند و قطعاً از فضای مزبور جز برای فعالیت‌های فرهنگی استفاده دیگری به عمل نخواهد آمد. مصداق فوق از این نظر مطرح شد، تا توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری و سیاستگذاران امور فرهنگی را به این نکته جلب سازد که در صورتی که فعالیت‌های فرهنگی را در یک فضای شهری معین و یا بخش‌هایی ویژه از فضاهای شهری با پویایی استمرار بخشند، می‌توانند موجبات انباشت فرهنگی آن فضا و یا بخش‌هایی از آن فضا را فراهم کنند و به آنها حالتی «نمادین» بخشند. در این صورت مردم به صورت مستمر و بدون هیچ تمهیدی (همانند نماز جمعه)، در وقت و مکان خود (معین) جذب فعالیت‌های فرهنگی فضا خواهند شد.

اساساً گذشت زمان و پویایی مستمر فضا (زنده و جاری بودن آن) به فضا هویت می‌بخشد. فضا در یک مقطع خاص از زمان [توران‌های اولیه تشکیل فضا] یک تولیدی ماندگار است، اما به محض این‌که از این مرحله عبور کند و به اعصار دیگر برسد دیگر تولید مادی نیست و تولید فرهنگی است (مثل میدان نقش جهان اصفهان)، چون مبانی نمادین و سمبلیک پیدا می‌کند. در واقع به محض این‌که فضای شهری بار تداوم می‌گیرد، آنجاست که فضای شهری فرصت خاصی برای انباشت فرهنگی می‌یابد و در تحول تاریخی خود از یک معنای مادی به یک معنای غیرمادی و هویتی متحول می‌شود... [حیبی، ۱۳۷۰، ۶۹]. از همین رو زمانی که بنا بود سیزه میدان شهر تهران تبدیل به یک پاساژ تجاری بزرگ شود، مخالفت‌های محافل علمی و افکار عمومی مانع این امر شد، چرا که به رغم آن‌که کارکردهای اجتماعی سیزه میدان در طول دوران معاصر، مغلوب کارکردهای اقتصادی بازار شده است، اما سوابق تاریخی و فرهنگی گذشته‌ی میدان، سبب نوعی «انباشت فرهنگی» تاریخی برای آن شده است و بنابراین آن فضا از سوی محافل عمومی به منزله‌ی یک «محیط کالبدی» که بتوان با بی‌تفاوتی از کنار آن گذشت، محسوب نشده بلکه به درستی از آن به «محصول فرهنگی» تعبیر شده است، اما قطعاً قضایای واجد ارزش نمادین و «انباشت فرهنگی» خواهد شد که آن فضا را از نظام مکانی و زمانی خاص به جامعه‌ی بختند. به طوری که فضای منتظم می‌تواند رفتار منظمی را در پی داشته باشد و رفتار منتظم نیز جامعه و فرهنگ را انتظام بخشد.

در مکان‌هایی که مردم از کنار آنها نمی‌گذرند و تمایل به چنین کاری را نیز ندارند، واقع شده‌اند. یک مرکز فرهنگی که در چنین مصیبتی گرفتار آمده است، درست مانند یک فروشگاه بزرگ در یک موقعیت بد اقتصادی است. در حالی که اگر فضای شهری خصالت انسانی خود را حفظ کند و پویایی اجتماعی و فرهنگی آن فضا طی مدتی تداوم یابد، کنش‌های فرهنگی آن فضا هویت نمادین می‌یابد و تداوم آن به «انباشت فرهنگی» در فضا سبب خواهد شد.

تبیین انباشت‌های فرهنگی فضاهای شهری

از آنجا که شهر را یک عرصه‌ی فرهنگی تعبیر می‌کنیم، فعالیت‌های عمومی و فرهنگی را می‌توانیم مطروف فضاهای شهری تلقی کنیم و بدین ترتیب موجب راهبری مردمی در فعالیت‌های فرهنگی از یک سو و پویایی فضاهای شهری از سوی دیگر باشیم. این در حالی است که مصداق‌های این امر را می‌توان، هم اینک در فضاهایی که از نظر «انباشت فرهنگی»، نمادین شده‌اند، سراغ گرفت. به طور کلی... در طول روند تکاملی جوامع بشری، فرهنگ‌های محلی توانسته‌اند، به کمک نمادهایی که در بطن دارند، تداوم داشته باشند. نمادها یا سمبل‌های جامعه، به نسبت بیشتر در شرایط زندگی کهن و به مقیاس کمتر در روال زندگی‌های خاص دوران صنعت، توانسته‌اند در انتقال اندیشه‌های جمعی انسان‌ها، از نسلی به نسل دیگر، نقش منحصر به فرد داشته باشند. آن‌گاه که از راه خط، حفظ اندیشه‌های میسر نبوده، یا خط هنوز وجود نداشته، یا برای توصیف و توجیه فکر و فضای ادراک توانا به نظر نمی‌رسید، نمادهای کالبدی، از ساخته‌های دست و عناصر طبیعی توانسته است زنده ماندن احساس و تفکر اجتماعی را در طول زمان تضمین کند. چه سمبل در پی کمترین جست‌وجو و بیشتر بر مبنای اشتراک سلیقه‌ها و احساس‌ها نزد گروه‌های اولیه برگزیده شود یا در پی جست‌وجوها و کنکاش‌های منظم و حتی از راه برگزاری مسابقات عمومی، گزینش طرح و بنای سمبلی از زندگی عامه‌ی شهروندان مطرح شود و با طی گذران زندگی روزمره، از نقطه خاصی از فضای کالبدی شهر مورد مراجعه و یا موضوع تفکر عمومی قرار گیرد، در همه حال نمادی تازه می‌شود و با دلرا شدن بل فرهنگی، اجتماعی مختص به خود، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند... [فلامکی، ۱۳۵۶، ۷۲].

با همه‌ی این احوال، فضا در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند، ولی به محض آن‌که یک گروه انسانی فعالیت را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می‌شود. از این پس فضا بستری برای بیان فعالیت و رفتارهای انسانی می‌شود. محلی برای تخیل و واقعیت [حیبی، ۱۳۷۵، ۱]. بدین اعتبار در صورتی که «مطرح ساختن فعالیت» در فضا استمرار یابد و در عین حال که فعالیت مزبور واجد ارزش‌های اجتماعی، معنوی و فرهنگی نیز باشد (فعالیت‌های فرهنگی) در طی زمان، انباشت فرهنگی، برای فضا به وجود می‌آید و از این رو، فضا کرامت یافته و نمادین می‌شود.



پانویس:

- 1-Sette Corallo
- 2-Thersons
- 3-Bacon.E
- 4-Design of Cities
- 5-Giddens Anthony
- 6-Koerin

۷- سببیت شهری، برخی از مسلمانان جامع قمی شهرها به سبب بود که بخشی از فضای باز یا حیاط آنها در مسیر راههای شهر قرار داشت و مردم با یک فضای پروای وارد می شدند و پس از عبور از سطح مسجد از در دیگر خارج می شدند مانند مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع سلطان (امام) تهران، مسجد امام قزوین، مسجد امام بروجرد و مسجد جامع تبریز. این قسمت از یادگار در داخل مسجد قرار داشته و مسلمانان سمرقند شده است و بر اساس اقدام نامی، فرد مسلمان که از آن عبور می کند، باید از طرز شرفی پاک باشد، در غیر این صورت عبور از فضای مسجد حرام است، مگر در مواردی که قانونگذار پیشتر بر می گوید... [استان زاهد ۱۳۷۱: ۳۸]

۸- البته باید توجه داشت که مرکز مردمی در فضای فضای باقی می ماند از استفاده از آن است. فضایی مردمی آورده می آید. آن قدر وسیع باشد که افراد بتوانند همبستر را ببینند و با در هنگام انجام فعالیت مشترک به صورت گروه های مجزا از هم عمل کنند و مانع از همبستگی افراد نباشد. جسی نظریه ای است که می گوید که مانع از همبستگی های اجتماعی شود و حالتی خاص می باشد که در این رابطه وقتی نگارنده نظریه های مشترک را در محفلت یافتند شهر (بزرگ) یا در مورد مشخصی نظریه های مشترک پیدا شد. همبستگی های مشترک برای فضای شهری را در رابطه با نوع فعالیت و ترکیب جمعیت استفاده کننده و نحوه حرکت و ترافیک و ترکیب و اهمیت رابطه اجتماعی و فرهنگی (مثلاً در رابطه با مراسم سوگواری) ارزیابی می کنند. برخی از افراد بیشتر نگاه کنند به مسائل اقتصادی، فضاهای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی دانشگاه هنری

- 9-T.Hall,Edward
- 10-The Hidden Dimension

تبیین اثر نظم فضاهای شهری در انتظام فرهنگی و اجتماعی

اساساً سیستم های نظم دهی خاص خصیصه کلی ذهن بشری؛ یعنی نیاز به نظم بخشیدن به جهان و معنا و مفهوم دادن به آن است. اما آنچه که حایز اهمیت است، شکل انواع نظم است که بر اساس خاستگاه زمانی و مکانی و فرهنگ ها، متفاوت و متنوع می باشد. این در حالی است که... به یک مجتمع زیستی، نه بر اساس ویژگی های خارجی بافت آن یا حتی مجموعه ای از عناصر، بلکه بر اساس کارکردی خاص که همان بخشیدن نظم به یک منطقه و ایجاد فضای مفید می باشد می توان واژه ی شهر اطلاق کرد. ظاهراً امروزه این نظریه مورد قبول صاحب نظران واقع شده است. بنابراین هر تعریفی از شهر که از اعتبار فرهنگی برخوردار باشد، باید از مجتمع زیستی یاد کند که به طریقی سرزمین و یا منطقه وسیع تری را به نظم در آورد... [راهپورت، ۱۳۷۰]، چون طبق تعریف کوین لینچ " (شهرساز معاصر)، "قوم" هر شهر می تواند هدفمند باشد، می توان برای نظم شهر (و به تبع فضاهای شهری)، در چارچوب ارزش های فرهنگی اهداف را متجلی ساخت.

از نظر آگس راهپورت، انگاره های فرهنگ عوامل سازماندهی فضا هستند و تفاوت های محیط های کالبدی ناشی از تفاوت های فرهنگ هاست بر این اساس، ... نظمیدهی محیط زیست در واقع نظمیدهی چهار عامل زیر می باشد:

۱. فضا، ۲. مفهوم، ۳. ارتباط و ۴. زمان.

شهرسازان و طراحان همیشه به کار نظمیدهی فضا مشغول

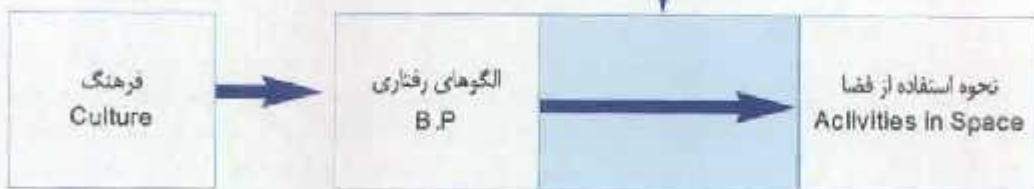
می شود، چرا که به قول آلدوارد هال " برنامه ریزان شهری باید در خلق فضاهای شهری مانوس که محدوده های فرهنگی را ترغیب و تحکیم می کند، بسیار بیشتر گام بردارند... " [Hall, ۱۹۶۵, ۱۷۳]

به عبارت دقیق تر،... در حالی که امکان هر گونه تغییر در فرهنگ و یا در الگوهای رفتاری به طور مستقیم در کوتاه مدت وجود ندارد، ولی می توان با استفاده از طراحی فعالیت های نامناسب را تجدید کرد. بر این اساس می توان در طراحی خیابان ها با استفاده از عوامل و عناصر فضایی، کالبدی و ادراکی مناسب فضاهایی به وجود آورد که انجام فعالیت های مطلوب را تسهیل کرده و از انجام فعالیت های نامطلوب جلوگیری به عمل آورد.

... حال این که چه رفتارهایی مطلوب و چه رفتارهایی نامطلوب اند، بستگی به عوامل گوناگون از جمله فرم های قبول شده جامعه، موقعیت و شخصیت فضای مورد نظر و هدف های جامعه (که صد البته می تواند مشارکت های اجتماعی و فرهنگی مردم در چارچوب های انتظام یافته باشد) و طراحان و برنامه ریزان در ارتباط با فضاهای شهری دارد... [بحرینی، ۱۳۷۵: ۵]

از همین روست که برخی از صاحب نظران به ویژه مانوئل کسترل " معتقدند که: " فضای شهری دارای ساخت است و به طور اتفاقی سازمان نیافته است و جریان های اجتماعی در آن دخالت دارد. انسان از طریق روابط اجتماعی به فضا، فرم و کارکرد، اهمیت

طراحی شهری



فیلتر فضا ها و عناصر موجود (خاص یا بازنارنده)

اجتماعی می دهد... سازمان دهی فضایی جریانی باز تولید و تغییر شکل روابط اجتماعی در ساخت شهر است. رابطه متقابل عناصر شهری محتوای اجتماعی خاصی به آن می بخشد. به عبارت دیگر ایدئولوژی شهرسازی را باید در این جمله خلاصه کرد: (تعبیر محیط به معنای تغییر دادن روابط اجتماعی است). از این رو... سمبل ها" در شهر اهمیت دارد و اگر جامعه و فضا در رابطه متقابل باشند، سازمان آکولوژیکی، گرایش به بیان و تقویت این همبستگی را از طریق تمرکز سمبل ها و سیستم ارتباطات بر مبنای مشارکت فضایی در ارزش ها می سازد. بنابراین اشکال فضایی باید به عنوان اشکال فرهنگی تلقی شوند و در نتیجه مبنای آیدئولوژی های اجتماعی باشند.

بوده اند و به طور کلی نظم فضایی و نظم مفاهیم را تنها می توان به صورت ذهنی از هم تفکیک کرد. مفاهیمی که به وسیله ی محیط زیست و زمینه ی آن القا می شود، می تواند ارتباطات اجتماعی مردم را تقویت کند. [در واقع]، از طریق روابط فضایی و مفهومی می توان بر نظام ارتباطات تاثیر گذارد و آن را بیان کرد و بالاخره محیط زیست حاوی زمان بوده و به عنوان نظام زمان نیز می توان بدان نگریست... [راهپورت، ۱۳۶۸].

به این ترتیب، می توان از طریق نظمیدهی هدفمند فرم و فضاهای شهری، جنب و جوش های اجتماعی را رونق بخشید و مردم را به سمت کنش های فرهنگی راهبری کرد.

در این میان نقش طراحان و برنامه ریزان شهری بسیار عمده



از در همین زمینه به عنوان نمونه در بررسی‌ای که از چهار محله مختلف شهر بزرگ فعل آمده است، مکان تجمع (فضاهای گروهی) مشخص شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که در محلات مختلف شده، امکانات تجمع مردم در نقاط عمومی خاصی فراهم آمده است. محقق تجمع‌های مکان‌های که مردم به‌طور طبیعی به منظور تأمین چنانچه آن حضور پیدا می‌کند، همین نوعی است. این مکان‌ها به معنای آن است که مردم در آن با راحتی و سهولت بیشتری ارتباطات را برقرار می‌کنند.

- مکان‌های تجمع مردم در محلات
- نوعی بورس به نوبت اولویت
- محله‌ها اولویت
- مجموعه وقت استراحت
- مختص فعالیت
- محل چهار ستار
- حسبه
- بازارچه
- طایفه
- کافه
- مدرسه
- حسبه
- بازارچه
- بانه سنتی
- کافه

مطابق این مطالعه مردم از فضاهای شهری (تجاری) استفاده می‌کنند. این مکان‌ها با عملکرد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و هنری این مکان‌ها، مطالعه شده است که برای مثال به ارتباط با مکان‌ها و به طرف فضاهای از نظر اجتماعی، هنر و تفریح است. این مطالعه نشان می‌دهد که این مکان‌ها در واقع بورس فرهنگی هستند. این (آمین ولایی، ۱۳۷۷)

12-Jacobs Jane
به عنوان نمونه در یک بررسی در شهر زادگاهش شد فضای شهری را از نظر خاص در سطح محله می‌تواند مورد بررسی قرار دهد. فضاهای شهری را از نظر مطالعه در سطح محله با شهر است. (آمین ولایی، ۱۳۷۷)

14-Lynch Kevin
در طبقه‌بندی این محله، محله‌ها و محله‌ها در سطح شهر، فرد شهر می‌تواند از نظر مردمی (۱۳۷۵، ۱۳۸۱) Kevin

16-Hall Edward
17-Castells Manuel
این مطالعه از نظر محله و محله‌ها در سطح شهر، فرد شهر می‌تواند از نظر مردمی (۱۳۷۵، ۱۳۸۱) Kevin



۳. عناصر کالبدی نمایان‌گر ارزش‌ها و مفاهیم اجتماعی فرهنگی، به گونه‌ای یک وسیله تبادل فکر بین ساکنان شهرها کار می‌کنند و ناشی کمتر و یا بیشتر، بر حسب فضای شهر و میزان دور ماندن از آن وسایل جدیدتر می‌توانند با وسایل ارتباط جمعی قیاس شوند. معرک بودن این امر و قبول این که فضای ساخته شده (چه در سطح عناصر متشکله‌ی واحدهای ساختمانی و چه در سطح خود واحدها و یا شالوده‌های شهری) بتواند به عنوان یکی از وسایل ارتباط جمعی موثر به کار آید، موضوعی است شایان توجه و گشاینده راهی برای بحث در فضای ساخته شده که نقد و تاریخ‌نگاری کلاسیک معماری و مکتب‌های رسیونالیستی فوتکسیونالیستی، نتوانسته‌اند به صورت کامل آن را طی کنند. (فلامسکی، ۱۳۶۵، ۵۴)

۴. کاربرد مظاهر و علائم مربوط به فرهنگ‌های گذشته‌ی مردم شهرها در فضاهای نوساز شهری، مشابه امر به وجود آوردن علائمی نو که نتوانند حاکی و گویای ارزش و مفهوم خاصی در فضای کالبدی نوساز شهرها باشند موضوعی است که از طرف بعضی محققان معماری مدرن پیگیری شده است و طبیعت‌های دانشی را ساخته که به مجموعه‌ی عناصر کالبدی فضا توجه دارد و به خود تویید می‌دهد تا این عناصر را با تمیز آنها از یکدیگر و تعیین رابطه متقابلشان، همراه رده‌بندی‌ها و کارکردهای خاص، به مثابه یک زبان و طبق اصول و روش تازه بکار برد... (همان، ۵۵)

از این روست که هر شهر کهن، با سیمای ظاهری و شکل‌های خاص خویش می‌تواند با کتابی یا نگارش خاص خویش، زبان «بسته» خویش و خلاصه یا سبک خود مقایسه شود... (شوی، ۱۳۷۵، ۷۴)

به گمان ما، این زبان در فضاهای شهری و بافت‌های مسکونی را می‌توان یک الگوی فرهنگی تفسیر کرد، چون شهر یک مخلوطه و حوزه‌ی فرهنگی است. در این صورت، فضاها و بافت‌های شهری می‌توانند نوعی مدل فضایی و کالبدی فرهنگی تعبیر شوند. الگوی فرهنگی در واقع طرح کلی، مرجع و الگوی رفتاری است که بر پایه‌ی فرهنگ پذیرفته و جا

پس شهر یک ساخت سمبلیک است. مجموعه‌ای از علائم که رابطه میان فضا و جامعه است و طبیعت را به هم ربط می‌دهد. بنابراین باید زبان اشکال را کشف کرد و ارتباط آنها را با روابط اجتماعی در یک واحد شهری مشاهده کرد... (تولایی، ۱۳۷۱) و سپس آن را با هدفمندی فرهنگی باز تولید کرد. اما این امر بدون شناخت و کنکاش درپاره‌ی معانی فضایی و کالبدی ارزش‌های فرهنگی (که در هر جامعه می‌تواند منحصر به فرد باشد) میسر نیست.

به این دلیل، مطلب مربوط به جست‌وجوی معانی و مفاهیم در فضا... در اینجا مطرح می‌شود:

۱. هر بخشی از فضای ساخته شده و یا هر واحد معماری شهری، بدون توجه به شکل و اندازه‌اش، قابلیت آن را دارد که مفهوم (یا معانی و مفاهیم) خاصی را منعکس سازد. وجود معانی و مفاهیم در فضای معماری آنجا بیشتر متراکم می‌شود که فرهنگ معنی‌تر و سازندگان متعهدتری در امر شکل دادن به فضا دخالت داشته باشند. یا به عبارت دیگر، مردم سازنده شهر، هر گاه نتوانسته‌اند فرصت آندیشیدن بیشتری داشته و سلیقه‌های خاص خود را چه در زمینه‌ی روابط کاربردی فضا، چه در زمینه تناسبات سه بعدی و برداشت‌های روانی، چه در زمینه مصالح ساختمانی و شالوده بنا و تطابق آن با نیازهایی از قبیل حس آرامش، پناه داشتن از ناآشایان و یا حفاظت یافتن به همراه پاران، امکان تمرکز فکری و تلاش‌های ذهنی داشتن، تجمع یافتن و غیره روی بناهای خویش بیشتر انعکاس دهند، شهری ساخته‌اند که مظاهر و علائم بیشتری را از بافت فرهنگی ساکنان در خود آندوخته است. (فلامسکی، ۱۳۵۴، ۹۷)

آجست‌وجو و شناخت مظاهر و علائم فرهنگی موجود در کالبد شهرها، آن‌گاه که بتواند متکی بر سایر دانش‌های انسانی، به فضای زمانی قابل توجهی در گذشته شهر و بناهای آن دست

یابد، نمی‌تواند به تعیین ارزش‌ها و مفاهیم خاصی که بین مردم شهر وجود داشته و هنوز وجود دارند، منتهی نشود. پاره‌ای از ارزش‌ها و مفاهیم موجود در زندگی روزمره مردم شهر از عناصر کالبدی یا قابل لمس و یا قابل انتقال به دیگران هستند و خود پیوندهای اجتماعی - فرهنگی تعیین‌کننده‌ای به شمار می‌آیند که از راه ذهنیات افراد





محصول فرهنگی هستند. نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به هم وابسته هستند. از یک سو فرهنگ محصول رابطه‌ی اجتماعی است و از سوی دیگر، فرهنگ تعیین‌کننده‌ی شرایط و نحوه‌ی شکل‌گیری روابط اجتماعی است.

روابط اجتماعی در قضا شکل می‌گیرد و قضا تظاهرات کالبدی فرهنگ است و این رابطه، رابطه‌ی بعضاً دو سویه است و از این رو می‌توان با تمسک به برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری هدفمند (که می‌تواند الگوهای فضایی کالبدی فرهنگ نیز تعبیر شوند)، روابط اجتماعی و الگوهای رفتاری مردم را به سمت کنش‌های فرهنگی راهبری کرد.

به عبارت دیگر، فضاهای شهری (عمومی) کانون‌های اجتماعی شهر تعبیر می‌شوند و سیاست‌گذاران اجتماعی و فرهنگی با درک اهمیت فضاهای شهری در راهبری کنش‌های اجتماعی و فرهنگی، می‌توانند با همکاری برنامه‌ریزان شهری، از کنش‌های اجتماعی و پویایی فضاهای شهری، بهره‌برداری فرهنگی کنند.

این امر، مشروط به آن است که فضاها و بافت‌های شهری را به عنوان الگوهای فضایی، کالبدی فرهنگی ببینند. عناصر، مظاهر و اصول آن را بشناسند، مولفه‌های آنها را در سیاست‌گذاری‌های جامع در نظر بگیرند و در اجرای برنامه‌ها به کار برند.

به این ترتیب سازوکاری ایجاد خواهد شد (همانند بیشتر شهرها در دوران پیش از مدرنیسم)، که مردم را به طور طبیعی و خود انگیزانه در کوچه و بازار با کنش‌های فرهنگی مانوس می‌سازد.



افتاده در یک جامعه پدید می‌آید و به صورتی تقریباً خودپسند خود توسط هر یک از اعضای که در آن جامعه حیات می‌گذرانند، کسب می‌شود. هر جامعه به هر صورت که باشد در یک رفتار و از طریق آن به متصه‌ی ظهور می‌رسد. فرهنگ محیط فراگیر و مرجعی کلی است که رفتارها را طبق الگوهای تنظیم می‌کند و قضاوت‌های ارزشی را با توجه به ارزش‌های ممتاز آن جامعه، برحسب مرتبت لتفام می‌بخشد.

همنویایی در برابر این نظم پذیرفته است که به خلق الگوهای فرهنگی که نباید از الگوهای رفتاری، متمایز تلقی شوند، می‌انجامد. اصطلاح الگوهای فرهنگی صرفاً برای رسانیدن اهمیت و نقش فرهنگ در شکل‌یابی و استقرار رفتارها و کردار به کار گرفته می‌شود. به رغم کورت لوین^(۳۳) برهمکنش بین فرد، جامعه و فرهنگ است که شکل‌گیری اغلب الگوهای رفتاری وی را موجب می‌شود و حتی عمیق‌ترین پاسخ‌های عاطفی او را تعیین می‌کند.

برای آن که یک جامعه، با برخورداری از معنایی و داشتن ثلثی برای حیات به کار خود ادامه دهد، حضور الگوهای فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است. حتی نظام سازمانی این جامعه از آن نظر که برای داشتن معنایی خاص، ساخت پذیرفته، خود امری فرهنگی است. از این روست که الگوهای فرهنگی، آرمان‌هایی مجرد نیستند بلکه قبل از هر چیز شناسایی رسمی و ملموس صورت سازماندهی را می‌رسانند و این خود متضمن مشارکت در کارکرد آنان است. به بیان گیتن^(۳۴)، یک الگوی فرهنگی واقعی مظهر تعداد محدودی رفتار است که پاسخ‌های اعضای یک جامعه معین در برابر وضعی معین در درون آنان جا دارد. با این همه، می‌توان به درستی سخن از الگوهای آرمانی فرهنگ برای مشخص ساختن عقیده‌ی منفق همگان در مورد شیوه‌ی رفتاری در فلان وضع و با مجموعه‌ای از اوضاع و شرایط، به میان آورد. چنین الگویی دارای ارزش دستوری است... (ایبرو، ۱۳۶۴، ۷۶، ۷۷). بنابراین می‌توان نظام فضاهای شهری (محلات، گذرگاه، معابر، میدان، کوچه‌ها و غیره) را به نحوی از طریق انطباق با اوضاع و احوال فرهنگی جامعه، الگوسازی کرد که فعالیت‌های روزمره مردم (به ویژه در ساعات گذران اوقات فراغت) به نوعی به کنش‌های فرهنگی میند شود.

با این شرایط، مگر نه این است که... نحوه‌ی مشارکت در مظاهر فرهنگی و انتقال آن نشان دهنده‌ی میزان نفوذ فرهنگ در بین مردم است... [همان، ۱۷۸]. پس چرا کنش‌های فرهنگی جامعه را در فضاهای شهری که کانون‌ها و شویان‌های اجتماعی فعالیت‌های روزمره‌ی مردم هستند، با تجلی مظاهر فرهنگی، جانیایی عرضه‌های فرهنگ‌پذیری و عرضه‌ی خدمات فرهنگی به سمت عمومی‌تر ساختن بیش از پیش فرهنگ و مشارکت فرهنگی راهبری نکنیم؟

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شهر یک عرصه‌ی فرهنگی است و فضاهای شهری یک

۱۹ به نقل از
Análisis Del Lenguaje
Arch. Ittonico, Giovanni C.
Koenig L.E.F. 1964
20-Larwin,K
21-Linton,R

- منابع:
۱. بحرینی، حسین. تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری... دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
 ۲. ایبرو، آرن. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر سلطانی، انتشارات گویان، سال ۱۳۵۵.
 ۳. بحرینی، حسین. مبانی نظری طراحی مجتمع‌های روستی ۳ اهدت زیست‌ساز، دانشگاه هنرهای بیا.
 ۴. نیلسن، محمود. اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای سکونی در ایران، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۶۴.
 ۵. نیلسن، محمود. شناخت مبانی طراحی فضاهای شهری (فضاهای شهری و جایگاه آن در زندگی و معیاش شهری)، جلد اول، مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۲.
 ۶. بارک، آرن. نظریات تجربه‌ی مدرنیسم شهری، رفتار انسانی در محیط شهری، لاکس، مفهوم شهر ترجمه گیتن انتشارات گروه مطالعات شهری و منطقه‌ی ۱۳۵۱.
 ۷. لایون، لورن. فضاهای شهری و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی، انتشارات هنرهای بیا، سال تحصیلی ۱۳۷۱.
 ۸. نیلسن، محمود. فرهنگ شهری و ارتباطات اجتماعی، طرز و طرح و برنامه‌ریزی زیارت فرهنگ از راه اجتماعی و شورای عالی فعالیت فرهنگی، ۱۳۷۱.
 ۹. جرماف، و اشتلتن، عرضه‌های فرهنگی، نیلسن و نیلسن، محمود، ترجمه دکتر مریم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.
 ۱۰. گیتن، لورن. فضاهای شهری، ترجمه دکتر خسرو گلشنی، دانشگاه تهران.



سرمایه اجتماعی

حلقه‌ی مفقوده مدیریت شهری

(شهرداری‌ها)

• دکتر محسن نیازی

استادیار و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده کاشان

• محمد کارکنان نصرآبادی

دانشیار ارشد جامعه‌شناسی و پژوهش‌های دانشگاه کاشان



مفهوم شهروندی فرای مقوله سکته بودن (ساکن در شهر بودن) است. متأسفانه به دلیل عدم رشد کفای فرهنگ شهروندی در کشور، بیشتر شاهد وجود ساکنان شهری هستیم نه شهروندان اجتماعی. در همین راستا شاهدیم که در بسیاری از مناطق شهری جهان، طرح‌های مقصود و گسترده‌ای برای ارتقای فرهنگ شهری و شهروندسازی مردم تدوین و اجرا شده است که می‌توان به سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری به ویژه شهرداری‌ها به عنوان یکی از راهکارهای مهم اشاره کرد.

اگر خوب به محیط زندگی و مجموعه اجتماعی‌مان توجه کنیم می‌توانیم مسائلی بهم پیوسته را ببینیم که همه اینها مجموعاً و به صورت از گانیک، اقدامات و راه‌های را زنده نگه داشته تا فعالیت کند و به کمال و شکوفایی برسد. آن اقدامات و راه‌ها جامعه انسانی نام دارد. این مسایل بهم پیوسته در چند بخش اقتصادی، فرهنگی، زیر بنایی، ارتباطی و اجتماعی قرار دارند.

در حال حاضر در اکثر کشورهای قدرتمند و پیشرفته برای حفظ و تقویت سرمایه‌های به نام سرمایه اجتماعی تلاش می‌کنند. در سیستم‌های حکومتی این کشورها سرمایه اجتماعی در کانون اجتماعی و سیاسی قرار دارد. این سرمایه زمینه ثبات و قدرت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. این سرمایه از متن اجتماع و از مجموع روابط بین افراد جامعه حاصل می‌شود که سبب قدرت و انسجام می‌شود. این سرمایه شخصی نیست بلکه متعلق به تمام افراد

متناسب با رشد و توسعه شهرها در کشورهای مختلف جهان مدیریت شهری نیز به مرور تکامل یافته است. به طوری که امروز شاهد ظهور سبک‌های نوین و خلاقانه فرولونی در این حوزه هستیم. روند تغییرات جهانی و منطقه‌ای چنان پرشتاب گشته که امروز بحث‌های فرولونی در میان متخصصان، ساختنظران و آئین‌سازان جهان در زمینه شهرهای آینده نیز مطرح است. این مطالعات حاکی از دغدغه‌های جدی مدیران ملی و شهری برای برنامه‌ریزی علمی و کارشناسی شده در رویارویی با مسایل آینده به طوری که بتوانند شاهد توسعه پایدار کیفیت زندگی شهری مردم باشند. بنابراین امروز چگونگی الگوی مطلوب مدیریت شهری یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های پیش روی مدیران است. مطالعه ساختار مدیریتی شهرهای مختلف جهان نشانگر این نکته است که توسعه مستمر شهر و ارائه خدمات کیفی، در گرو وجود یک ساختار مدیریت شهری یکپارچه و آینده‌نگر و وجود شهروندانی فرهیخته و دغدغه‌مند است. باید بتوان حوزه‌های مختلف و بهم پیوسته زندگی شهروندان را در سایه ساختاری یکپارچه و بهینه سامان داد. متأسفانه به وفور، شاهد عدم کارآمدی اقدامات پراکنده (و بعضاً حتی بسیار دانش‌زده) مدیران هستیم که این خود دلیلی مستند بر مدعای صاحب‌نظران است.

از طرف دیگر، اهمیت وجود شهروندانی آگاه، متعهد و دلسوز، تأثیری کمتر از عامل قبلی ندارد. توجه به این نکته ضروری است که



هنوز مردم شهرداری را به عنوان نهاد مستقل و مدنی پذیرفته‌اند که این موضوع دو جای خود باعث تضعیف آنها شده است. از طرف دیگر با وجود پیشرفت هایی که در زمینه تمرکززدایی انجام شده است همچنان شهرداری‌ها را به سوی انجام وظایف مرسوم یعنی ارائه خدمات شهری و انجام برخی فعالیت‌های عمرانی سوق می‌دهد. البته این موارد نارسایی‌هایی است که در میان برخی کشورهای توسعه یافته نیز مشاهده می‌شود.

یکی از اصول اساسی برای واکناری وظایف جدید به شهرداری‌های کشورهای در حال توسعه تناسب وظایف با امکانات است. در این کشورها، با توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای، ناهمبستگی در توسعه ناچسب، تمرکز امکانات و منابع درآمد در شهرهای بزرگ انتظار نمی‌رود که تمام شهرداری‌ها از توان یکسانی برای اجرای وظایف برخوردار باشند بنابراین ساز و کارهایی باید شناسایی شود تا وظایف شهرداری‌ها متناسب با توان مالی و اجرایی آنها باشد. یکی از مهمترین برنامه‌ها و راهکارها ارتقاء و افزایش سرمایه اجتماعی است. امروز، در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی، از نوع دیگری از سرمایه به نام سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه که به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. سرمایه اجتماعی که صبغای جامعه شناسانه دارد به عنوان یک امرم توفیق آفرین مطرح و مورد اقبال فرولان نیز واقع شده است. سرمایه اجتماعی، بستری مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای رسیدن به موفقیت قلمداد می‌شود. مدیران و کسانی که بتوانند سرمایه اجتماعی سازمان را کشف کنند، راه ارتقای شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند. امروزه سرمایه اجتماعی به زندگی فرد مدنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذتبخش‌تر می‌سازد. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی شاید به مراتب مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، اثربخشی سایر سرمایه‌ها کاهش پیدا می‌کند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناممکن و دشوار می‌شوند. در دیدگاه‌های سنتی مدیریت توسعه سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را ایفا می‌کردند اما در حال حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی، نیازمندیم، زیرا بدون سرمایه اجتماعی استفاده از دیگر سرمایه‌ها به طور بهینه انجام نخواهد شد (کارکتنان نصر آبادی، ۱۳۸۶).

از نظر کلین سرحایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شئی واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که در ویژگی مشترک دارند. همه‌ی آنها شامل جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در ترون ساختار هستند آسان می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معین را که در ترون آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویق پذیر نیست اما نسبت به فعالیت‌های به خصوصی تعویض پذیر است. شکل معینی

وجود در جامعه است و اگر خدشه‌ای در آن وارد شود، همه‌ی افراد جامعه و کل سیستم جامعه آسیب می‌بیند و اگر تقویت شود همه راضی و منسجم و رویه پیشرفت خواهند بود. سرمایه اجتماعی مولد است و بسیار مولدتر از سرمایه انسانی، اقتصادی و سیاسی است. چرا که همه اینها به مثابه گدلی با گل‌های زیبا و خوشبو هستند که روی میزی قرار دارند. نام آن نیز "سرمایه اجتماعی" است و اگر یکی از پایه‌های این میز شکسته شود، گلستان ثبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را از دست می‌دهد. اصلی‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی است که خود این شاخص‌ها به مصداق‌هایی مانند تعاون، همیاری، نوع‌دوستی، حس ارزشمندی، آرامش روانی و ذهنی، کارگروهی، اتحاد گذشت یستیی، برداری، صفا و صمیمیت تلاش برای رسیدن به هدف گروهی و مثل اینهاست که هر کدام به صورت مؤثر و کلیدی در تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام کلی جامعه و نه‌لینا ثبات، پیشرفت و رشد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تأثیر مثبت دارند.

مدیریت شهری و سرمایه اجتماعی

وظایف شهرداری‌های جهان، روز به روز گسترده‌تر می‌شود و شهرداری‌ها به عنوان نهادهای مدنی، محلی، عمومی و غیر انتفاعی وظایف بیشتری را بر عهده می‌گیرند. وظایفی که بر توش دولت‌ها قرار گرفته هم به این نهادهای محلی واگذار می‌شود. در حالی که زمینه‌های این تغییرات به نژگی در شهرهای کشور ما به گوش می‌رسد و با تغییر مدیریت جدید در شهرداری‌های کشور تغییر در ساختارهای شهرداری‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است. این امر در کشورهای مختلف جهان که امروزه آنها را در دسته‌های مختلف از نظر توسعه یافتگی تقسیم کرده‌اند متفاوت است. گستردگی وظایف شهرداری‌ها در کشورهای توسعه یافته علاوه بر قراردادهای پذیرفته شده در آن کشورها، ناشی از نگرش نویی است که به شهرداری‌ها به عنوان سازمان‌های مسئول مدیریت شهری وجود دارد. امروز دیگر در دنیا به شهرداری به عنوان بیمان کاری بزرگ که باید برخی از فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهر را انجام دهد، نگریسته نمی‌شود. بلکه شهرداری مؤسسه‌ای مدنی و پرخواسته از مردم است که وظیفه

فعالیت به سمت توسعه پایدار و توسعه انسانی را بر عهده دارد. به همین دلیل است که شهرداری‌ها باید در کنار فعالیت‌های سنتی و مرسوم خود به فعالیت‌های فرهنگی، بهزیستی و زیست محیطی بپردازند. وظیفه شهرداری‌ها در کشورهای در حال توسعه تا حدودی متفاوت است. شهرداری‌های این کشورها کوشیده‌اند تا با افزایش گسترده وظایف خود، نقش بیشتری بر عهده بگیرند و به عنوان مؤسسه‌های محلی مستقل از دولت مطرح شوند. این شهرداری‌ها اگر چه موفقیت‌های زیادی را به دست آورده‌اند اما پیشینه نظام اداری و حکومتی این کشورها، بیشتر به گونه‌ای است که ایجاد تحولات در ساختار مدیریتی آنها، زمان بیشتری را طلب می‌کند. در این کشورها





از سرمایه اجتماعی که در سهیل کنش‌های معینی ارزشمند است. ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی، نه در بازار فیزیکی تولید بلکه در افراد قرار دارد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۲۷).

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجزا است در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۳).

سرمایه اجتماعی را می‌توان مناهمی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را آسان می‌کنند. این منافع که از طریق اجتماعی شدن مناسب حاصل می‌شوند، در برگزیده‌ی اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی از پیوند اجتماعی هستند که موجب گرد هم آمدن افراد به صورتی منسجم و با ثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌شوند. صاحب‌نظران در ارتباط با عوامل مؤثر بر ارتقای سطح سرمایه اجتماعی به مؤثری از قبیل آموزش و پرورش (اسمیت بیلیو و سرائین، ۱۹۹۵)، بهداشت (اسمیت، ۱۹۹۷)، اطمینان و اعتماد به نهادهای سیاسی (بریم و رهن، ۱۹۹۶) و رضایت از دولت و تعهد سیاسی (پوتنام، ۱۹۹۳) اشاره کرده‌اند (زاهدی سازنداری، ۱۳۸۳: ۱۲). سرمایه اجتماعی در بعد عینی بر قابلیت جامعه برای ایجاد انواع انجمن‌های داوطلبانه دلالت دارد که افراد را به همکاری با یکدیگر تشویق می‌کند (هاگمن، ۱۳۸۳: ۵۹).

همانطور که در تعریف فوق به سرمایه‌ی اجتماعی اشاره شده است، این مفهوم در بردارنده‌ی شاخص‌ها و معیارهایی چون اعتماد، مشارکت، انسجام و همبستگی اجتماعی در سایه آگاهی اجتماعی می‌باشد که در زمینه‌ی مدیری شهری می‌توان به تأثیر عوامل اعتماد، انسجام و آگاهی اجتماعی در افزایش و کاهش مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری اشاره کرد. زیرا مشارکت اجتماعی فرایندی است که طی آن فرد از طریق احساس تعقی به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن به طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می‌یازد. مشخص بودن امال و اهداف مشارکت کننده از رهگذر آگاهی وی نسبت به عواقب کنش خویش سبب مشارکت فعالانه، داوطلبانه و ارادی مشارکت کننده می‌شود. بنابراین مشارکت کنشی است که از رهگذر آن افراد یک جامعه شرایط تحقق نظرات خود را مهیا می‌سازند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۱). بر این بنا مشارکت تعهدی فعالانه، آزادانه و مسئولانه است که به عنوان یکی از سازوکارهای اعمال قدرت از درون جامعه بر می‌خیزد (کاتورتی، ۱۳۷۹: ۱۶). در مجموع وجه مشترک تعریف ارائه شده عنصر آگاهانه و ارادی بودن مشارکت در کنار تصمیم‌سازی و کنترل افراد بر امورات مربوط به خویش از طریق مشارکت می‌باشد. بر این اساس در مناطقی که سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر است:

۱. توجه مردم نسبت به فعالیت‌های مدنی، مشارکتی و گروهی بالاست.
 ۲. وجود هنجارهای ترویج کننده‌ی فعالیت جمعی و کارگروهی به روشنی قابل مشاهده است.
 ۳. اعتماد مردم نسبت به نهادهای عمومی و افراد وابسته به آن بالاست.
 ۴. توسعه اقتصادی متوازن رو به پیشرفت است.
 ۵. مسئولان نسبت به مردم خود پاسخگو هستند.
 ۶. حس اعتماد به افراد منتخب و دفاع مردم از منتخبان بسیار زیاد است.
- اگر ما بخواهیم محیط اجتماعی اطراف

خود را تحلیل کرده و مشکلات و مسایل اساسی و زیربنایی را یافته و برای حل آن تلاش کنیم تا به رشد و پیشرفت و توسعه برسیم باید به این مسایل توجه و راه درست را پیدا کنیم.

در اینجا چند نمونه از فواید یا فرصت‌ها و چالش‌ها یا تهدیدهای سرمایه‌های اجتماعی در جامعه خوزستان را مرور می‌کنیم:

۱. هر چه اعتماد و حس ارزشمند بودن افراد در جامعه‌های بالاتر باشد جامعه پویاتر شده و فعالیت و مشارکت و گذشت در آن جامعه بیشتر خواهد شد. اما متأسفانه مشاهده می‌شود که بعضی از شهروندان دچار نوعی انزوای اجتماعی شده‌اند که نشانه رکود سرمایه اجتماعی است.

۲. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی بالا باشد مدیران دارای همکاری و مشارکت با یکدیگر هستند تا به هدف طراحی شده برسند و مردم نیز تقریباً دارای رضایت‌مندی و حمایت هستند که این مسئله خود به خود باعث افزایش اعتماد مردم نسبت به یکدیگر و مدیران خود است که جای بسی تفکر و اندیشیدن دارد زیرا مردم به رفتار نخبگان و مدیران با یکدیگر کاملاً توجه داشته و از رفتار آنها تأثیر می‌پذیرند و عمل می‌کنند.

۳. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی دچار رکود شود، هر کس به دنبال این است که فقط جایگاه خود را بالاتر ببرد و توجه او نسبت به دیگر افراد جامعه‌اش بسیار کاهش می‌یابد که این حس خود به خود باعث گسست و انفصال اجتماعی می‌شود.

۴. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی بالا باشد، افراد آن جامعه به علت داشتن پیوند و حس همیاری و روحیه کارگروهی، سرمایه اقتصادی خود را برای جامعه خود در جریان و گردش قرار می‌دهند تا هم خود از سرمایه و ثروتنان بهره‌مند شوند و هم دیگر افراد جامعه از این سرمایه‌گذاری بهره ببرند تا آن جامعه در مسیر رشد سریعتر حرکت کرده و به توسعه‌ی پایدار برسد.

نتیجه گیری

با توجه به نکات ذکر شده و نکاتی که مجال شرح آن نیست در می‌یابیم که بدون توجه به سرمایه‌های اجتماعی و صورت‌های مختلف آنها، پایداری نظام اجتماعی و رسیدن به اهداف توسعه‌ی شهری غیر ممکن است. این موضوع باعث بی‌نظمی، شکستن هنجارها، خلط ارزش و خندارزش می‌شود که مردم این اجتماع دچار نوعی سردرگمی، تعارض، گسستگی، بی‌تفاوتی، افسردگی و آسیب‌های دیگر خواهند شد که محترمین و اساسی‌ترین نتیجه آن کاهش مشارکت اجتماعی شهروندان می‌باشد. بنابراین با توجه به چنین شرایطی می‌توانیم با ایجاد نوعی حس همیاری، مشارکت و اعتماد و پیوند و گوش کردن به نظرات و حرف‌های مردم و با کنار گذاشتن مسایل صرفاً سیاسی و سهم خواهی در مدیریت و نیز با فعال کردن کمیسیون‌های تخصصی در مدیریت شهری و استفاده از متخصصان دلسوز مردم در مدیریت، باعث ارتقای سرمایه اجتماعی‌مان در ابتدا و ثبات رشد و ثبات اقتصادی و ثبات سیاسی و نهایتاً رشد و توسعه شهری شویم. تا هم از خطرات اساسی و زیربنایی مسون و محفوظ مانده و هم از قافله رشد و ترقی و پیشرفت عقب نمانیم.

پانویس:

- 1-Social Capital
- 2-Social Trust
- 3-Social Participation
- 4-Social Chocion
- 5-Social Capital

منابع:

اجیک محمدریاد تاجیک مشارکت مدنی در توسعه اجتماعی، تهران: نشر آریا، ۱۳۸۴.

زاهدی سازنداری، محمد جواد توسعه و مدیریت شهری، تهران: انتشارات مایند، ۱۳۸۳.

فوکویاما، فرانسس، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: لاجمانی لویس، تهران: نشر جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.

کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: سعیدی، تهران: نشر آریا، ۱۳۷۷.

کوش، پروین، فراموشی بر جامعه فلسفی، ترجمه: محسن تالان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.

گازران، سحر آبتن، محمد نکویی شهروندان مدینه شهری در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده پیافویو مرکز تهران، ۱۳۸۷.

کاتورتی، حسین، مشارکت در توسعه، ترجمه: مهدی غیوری و دژد نیلکی، تهران: نشر روزگار، ۱۳۷۶.

هاگمن، استیو، دموکراسی در تغییر، ترجمه: رحمتی، کتاب و علم انتشارات، شماره ۸۹، ۱۳۸۳.



مشاور حقوقی

• جمشید رشایی
• فرهنگ فقیه لاریجانی

۹۹ قانون شهرداری در رسیدگی به احداث بنای بدون پروانه، رأی به تخریب بنای احداثی صادر نموده است. اعلام فرمائید اجرای رأی تخریب بر عهده کدام دستگاه می باشد؟ (برحسب این که بنای احداثی در کجا و کدام محدوده احداث شده باشد دستگاه مجری رأی تخریب متفاوت خواهد بود. در صورتی که مرجع صدور پروانه و نظارت و کنترل ساخت و ساز مرجع باشد که مطابق ماده ۶ آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب سال ۱۳۵۵، توسط استانداری تعیین شده باشد مرجع یاد شده به عنوان نهاد ذیصلاح و ناظر رأی مذکور را به مالک ابلاغ می نماید در صورتی که مالک در مهلت مقرر اقدام به تخریب ننماید اقدام به تخریب می نماید و در صورتی که احداث بنا در محدوده روستا باشد به استناد ماده ۳ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن ها مصوب ۱۳۸۴، دهبیاری می باشد. زیرا در صورتی که برای اجزای تخریب مکانیسم و مرجع خاصی پیش بینی نشده باشد مرجع اجرای آن مراجعی خواهند بود که وظیفه نظارت و کنترل ساخت و ساز و همچنین جلوگیری از تخلفات ساختمانی را برعهده دارند. با توجه به این که در ما نحن فیه مرجع و سازوکار مشخصی در تبصره ۲ بند ۳ الحاقی به ماده ۹۹ قانون شهرداری برای اجرای رأی کمیسیون تعیین نگردیده لذا مرجع آن دهبیاری یا مرجع تعیین شده توسط استانداری خواهد بود.

ماده ۶ آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها، صدور پروانه ساختمانی و اعمال نظارتی های لازم برای این که ساختمان طبق مشخصات و شرایط و ضوابط مندرج در پروانه بنا گردد و ضوابط مقرر در ماده ۴ این آیین نامه در مورد آن ها رعایت

• (مطابق ماده ۱۳ تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان ها، شهرستان ها و مناطق کشور مصوب سال ۱۳۷۲ یکی از منابع مالی شوراهای مناطق برای هزینه های جاری و عمرانی عبارت است از: "تا پنج درصد عوارض صدور پروانه های ساختمانی، تفکیک زمین ها، پذیره و نوسازی علاوه بر عوارض مذکور را که شهرداری ها دریافت می کنند. از آن جا که در ماده یاد شده عبارت تا پنج درصد به کار رفته لطفاً بررسی و اعلام فرمائید مرجع تعیین عوارض یاد شده از یک تا پنج درصد کدام است و آیا شهرداری مجاز به اخذ عوارض کمتر از پنج درصد می باشد یا خیر؟

(همان گونه که می دانید مطابق ماده ۱۰ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان ها، شهرستان ها و مناطق کشور، شهرداری ها موظفند با تعیین آیین نامه ها و اتخاذ روش های لازم نسبت به وصول عوارض مصوب در این قانون و واریز آن به حساب معین خزانه اقدام نمایند. در واقع شهرداری ها ذینفع در استفاده از عوارض موصوف نیوده بلکه صرفاً وصول کننده آن می باشند بنابراین شهرداری ها تا زمانی که میزان دقیق عوارض یاد شده از یک تا پنج درصد توسط مرجع ذیصلاح تعیین نگردیده می بایست سقف تعیین شده توسط قانون گذار (پنج درصد) را وصول نمایند. اما این که چه مرجعی می تواند میزان عوارض را بین حداقل و حداکثر تعیین نماید باید گفت در این خصوص تصریحی در قانون وجود ندارد اما به نظر می رسد ذینفع عوارض (شوری آموزش و پرورش) می تواند این میزان را تعیین نماید.

• (کمیسیون موضوع تبصره ۲ ذیل بند ۳ الحاقی به ماده



شود، در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها به عهده مرجعی خواهد بود که در هر ناحیه توسط استانداری تعیین می‌گردد. مناطقی که صدور پروانه ساختمان و اعصال نظارت در آنها الزامی است به شرح زیر می‌باشند...

ماده ۲ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها... دهبانها کنترل و نظارت بر احداث هر گونه ساخت‌وساز در داخل محدوده را عهده‌دار خواهند بود.

اسلامی کشور و انتخاب شهرداران) و مورد ایراد وزیر کشور قرار نگردد. عوارض مذکور قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد. حال اگر در تعرفه عوارض یاد شده صراحتاً دفتر اسناد رسمی را مشمول پرداخت عوارض نموده باشند دفتر یاد شده می‌بایست نسبت به پرداخت آن اقدام در غیر این صورت پرونده جهت تعیین تکلیف و رسیدگی به اختلاف می‌بایست به کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ارجاع گردد.

◆ (شخصی مرتکب تخلف ساختمانی شده و پرونده تخلفات انجام شده در کمیسیون بدوی ماده صد مطرح و منجر به صدور رأی می‌گردد و سپس با اعتراض متخلف، پرونده به کمیسیون تجدیدنظر ارجاع و عین رأی بدوی تأیید می‌گردد. ذینفع به دیوان عدالت اداری شکایت نموده و رأی تجدیدنظر توسط دیوان لغو و جهت رسیدگی به کمیسیون هم عرض ارجاع شده است. لطفاً تعیین نمائید که کمیسیون هم عرض در این جا کدام کمیسیون است؟

◆ (ایا با توجه به حکم تبصره ۳ ماده ۵ قانون تجنیم عوارض که کلیه قوانین و مقررات مربوط به تخفیف و معافیت از پرداخت عوارض و سایر وجوه به شهرداری‌ها را لغو نموده است، شامل نهادهای انقلاب اسلامی از جمله ستاد اجرائی فرمان امام (ره) می‌گردد یا خیر؟

در صورتی که کمیسیون‌های ماده صد که در شهرداری تشکیل می‌شود به بلوی و تجدیدنظر تقسیم‌بندی شده باشند کمیسیون هم عرض کمیسیون تجدیدنظر دیگری خواهد بود که اعضای آن غیر از اعضاء کمیسیون صادر کننده رأی نقض شده باشد. در غیر این صورت کمیسیون هم عرض کمیسیون دیگری خواهد بود که اعضای آن غیر از اعضاء کمیسیون صادر کننده رأی باشند. چنانچه در یک شهر صرفاً دو کمیسیون ماده صد وجود داشته باشد و هر دو کمیسیون نیز در موضوع پرونده رأی صادر کرده باشند کمیسیون هم عرض کمیسویی خواهد بود که در نزدیک‌ترین شهر تشکیل می‌گردد.

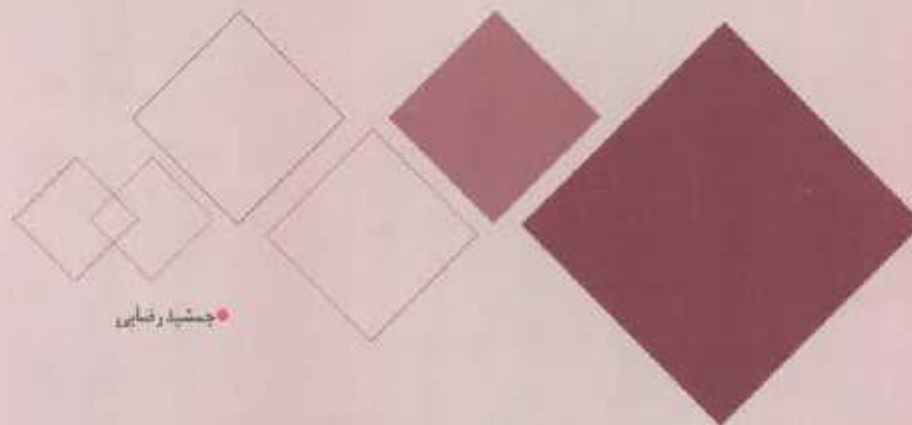
(بارها و بارها به سوالات مشابه با این سوال در ماهنامه پاسخ داده شده است. در این جا نیز باید گفت که حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی (موسوم به قانون تجنیم عوارض) حکمی عام و کلی است و براساس آن کلیه معافیت‌ها و تخفیفات لغو شده است. قانون‌گذار در این راستا هیچ گونه استثناء خاصی قائل نشده و این یک مبنا و فلسفه قوی نیز داشته است و آن حمایت از استقلال و خودگردانی شهرداری‌ها و عدم اتکال آن‌ها به کمک‌های دولتی بوده است. با توجه به این که قانون مذکور کلیه مراحل مربوط به تأیید اعتبار را گذرانیده و به تصویب شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر بر عدم مغایرت قانون با شرع و قانون اساسی نیز رسیده است، بنابراین هیچ گونه شکی در مورد اعتبار عام آن وجود ندارد. بزرگی است چنانچه شبهه در این خصوص قوی باشد تنها راه حل قطعی استفسار از مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد وضع قانون است.

◆ (با توجه به این که در لیست عوارض پیشنهادی شهرداری به شوراهای اسلامی شهر، دفاتر اسناد رسمی نیز لحاظ گردیده‌اند و عوارض مذکور پس از تصویب شورای اسلامی شهر به تأیید استانداری نیز رسیده است. اینک دفاتر اسناد رسمی از پرداخت عوارض سالیانه خود استنکاف نموده و ادعای این را دارند که دفاتر اسناد رسمی جزو صنوف نیستند این سوال مطرح است که آیا دفاتر اسناد رسمی جزو صنوف شهر بوده و مشمول عوارض می‌گردند یا خیر؟

◆ (براساس قانون صدور مجوز احداث بنا (پروانه ساختمان بر و کف) برای فضاهای آموزشی و ساخت مدارس و حوزه‌های علمیه از پرداخت هر گونه عوارض و هزینه‌های صدور پروانه به شهرداری‌ها معاف می‌باشند در صورتی که برخی از شهرداری‌ها چنین عنوان می‌نمایند که موضوع مورد اشاره و معصومه قانونی با عوارض نوسازی ارتباطی نداشته و مطالبه عوارض نوسازی از مدارس می‌نمایند. آیا عوارض نوسازی شامل معافیت موضوع قانون مذکور می‌شود یا خیر؟

در خصوص این که دفاتر اسناد رسمی صنف محسوب می‌گردند یا خیر؟ باید گفت این دفاتر مطابق ماده یک قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران به عنوان واحد وابسته به وزارت دادگستری بوده و از قانون نظام صنفی تبعیت نمی‌نمایند و بدین لحاظ صنف محسوب نمی‌گردد. اما این که آیا مشمول پرداخت عوارض می‌شوند یا خیر؟ برای پاسخ قطعی به این پرسش می‌بایست نوع عوارض و مبنای محاسبه آن ارائه تا امکان بررسی و اظهارنظر میسر گردد. به طور کلی پس از این که عوارض به تصویب شورای اسلامی شهر می‌رسد (مستند به بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای

(همان گونه که در ماده واحد قانون صدور مجوز احداث بنا برای فضاهای آموزشی تصریح شده است معافیت آموزش و پرورش و حوزه‌های علمیه از پرداخت عوارض صرفاً ناظر به عوارض ساخت و ساز و هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی است. بنابراین معافیت مزبور به سایر عوارض شهرداری از جمله عوارض نوسازی تسری ندارد.



چشم‌اندازهای

شهرداری‌های کشور استخدام شوند....

تبصره ۳. شهرداری‌هایی که قبلاً خاتمه خدمت یافته‌اند و از خاتمه خدمت آن‌ها بیش از یک سال می‌گذرد و می‌توانند با رعایت سایر بندهای این ماده تا مدت یک سال از تاریخ تصویب این آیین‌نامه درخواست استخدام خود را به آخرین شهرداری مربوط یا شهرداری‌های کشور تسلیم نمایند.

تبصره ۴. در صورت عدم وجودیت سازمانی در شهرداری‌ها، وزارت کشور می‌تواند به پیشنهاد شهرداری متقاضی استخدام یا موافقت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسبت به ایجاد پست با نام مطابق با مندرک تحصیلی متقاضی تحت یکی از عناوین کارشناس، کارکن و کمک کارشناس اقدام نماید.

♦ (احتراماً همانگونه که استحضار دارند در قوانین بودجه سالانه کشور حکمی دایر بر ممنوعیت به کارگیری اشخاص بازنشسته در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها تحت هر عنوان وجود داشت اما در قانون بودجه سال ۸۷ چنین حکمی تکرار نشده است. لطفاً بررسی و اعلام نمایید آیا عدم تکرار حکم یاد شده به معنی اجازه به کارگیری

♦ (با تبصره یک ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی شرایط احراز سمت شهردار در خصوص استخدام شهرداری‌هایی که از بین کارکنان شهرداری‌ها انتخاب می‌شوند هنوز به قوت خود باقیست؟

(موضوع تبصره یک ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی شرایط احراز سمت شهردار اولاً صرفاً ناظر بر آن دسته از شهرداری‌هایی که از بین کارکنان شهرداری انتخاب شده‌اند، نمی‌باشد بلکه در مقام بیان حکمی کلی در خصوص شهرداران خاتمه خدمت یافته است. ثانیاً پس از تصویب این آیین‌نامه در ماده ۱۵ آیین‌نامه استخدامی کارکنان شهرداری‌های کشور مصوب ۱۳۸۱ و تاسیر آن احکامی به شرح زیر پیش‌بینی شده ولی همان‌طور که می‌دانید آیین‌نامه مذکور مورد ابراد کمیسیون تطبیق مصوبات هیأت دولت با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی واقع شده است و اجرای آن تا رفع ایرادات قانونی نیست.

ماده ۱۵. شهرداری‌هایی که بعد از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ به سمت شهردار منصوب شده باشند و خدمت آن‌ها خاتمه یافته باشد با رعایت ماده ۱۱ این آیین‌نامه و دارا بودن شرایط زیر از شرط امتحان و مسابقه معاف هستند و می‌توانند در یکی از



اشخاص بازنشسته در شهرداری می‌باشد یا خیر؟

(مطابق ماده ۸ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی مصوب ۱۳۶۶/۱۰/۲۷، اشتغال به کار کلیه بازنشستگان و نیز کسانی که سنوات خدمت آنان براساس قوانین و مقررات استخدا می‌پار خرید شده است در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها ممنوع است و در صورت نیاز دولت به تخصص بعضی از این افراد، اشتغال آنان به صورت غیر رسمی و برای مدت معین یا تصویب هیأت وزیران مجاز خواهد بود. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمائید ممنوعیت اشتغال به کار بازنشستگان در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها کماکان ادامه داشته و در صورتی می‌توان از خدمات اشخاص مورد نظر در شهرداری استفاده نمود که مصوبه هیأت وزیران اخذ شود.

۱) مطابق تبصره ۳ ذیل ماده اول لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷، شرکت‌های تعاونی در امور مربوط به تعاون از این قانون مستثنی شده‌اند. اما در تبصره ۲ ماده ۹ این‌نامه بند (ه) ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات تصریح شده که تعاونی‌های کارکنان و صنوف‌های بازنشستگی نمی‌توانند با دستگاه‌های ذیربط خود قرارداد منعقد کنند. بنابراین براساس مقرر اخیر اذکار و به نظر مشورتی دفتر حقوقی سازمان شهرداری‌ها و دهیاریهای کشور، شرکت تعاونی یاد شده مجاز به عقد قرارداد با شهرداری نمی‌باشد. ۲. همان‌گونه که گفته شد شرکت تعاونی مورد سوال حق انعقاد قرارداد در معاملات شهرداری را نخواهد داشت چه از طریق رعایت تشریفات مناقصه یا عدم رعایت آن.

منظور از معاملات به استناد تبصره ۳ ماده اول لایحه قانونی فوق عبارتند از:

۱. معامله‌کاری (به استثناء محصولات کشاورزی و ولو آن‌که از طریق مقاطعه انجام شود).
 ۲. حق العمل کاری
 ۳. اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری (به استثناء معادن طبقه اول مندرج در قانون معادن و همچنین نمک طعام که معادن مذکور در ملک شخصی آن‌ها واقع است)
 ۴. قرارداد نقشه‌برداری و قرارداد نقشه‌کشی و نظارت در اجرای آن.
۵. قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی
۶. شرکت در مزایده و مناقصه
۷. خرید و فروش‌هایی که باید طبق قانون محاسبات یا مزایده یا مناقصه انجام شود.

● **شهرداری‌ها موظفند به هنگام صدور پروانه‌های ساختمانی و تفکیک زمین‌ها به استناد بند ۳ ماده ۱۳ قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور تا پنج درصد عوارض صدور پروانه‌های ساختمانی، تفکیک زمین‌ها، پذیره و نوسازی علاوه بر عوارض مذکور را که شهرداری‌ها دریافت می‌کنند، از متقاضیان وصول و به حساب خزانه واریز نمایند. آیا منظور از نوسازی در بند ۳ همان عوارض نوسازی موضوع ماده ۳ قانون نوسازی و عمران شهری است یا منظور نوسازی و تجدید بنای ملک است؟**

(با عنایت به این‌که به هنگام صدور مجوز جهت تجدید بنا و نوسازی ملک عوارض گوناگونی از جمله عوارض صدور پروانه پذیره و... از متقاضی دریافت می‌گردد لذا واضح و مبهم است که منظور قانون‌گذار از کلمه "نوسازی" همان عوارض نوسازی است.

● **در مزایده‌ای که شهرداری به صورت فروش نقدی برگزار نموده بعد از تعیین برنده در کمیسیون معاملات آیا شهرداری می‌تواند بهای مورد مزایده را به صورت اقساط از برنده مزایده دریافت نماید؟**

(با عنایت به این‌که پرداخت وجه نقد توسط برنده مزایده به شهرداری در شرایط مزایده اعلام گردیده لذا شهرداری نمی‌تواند پس از برگزاری مزایده و تعیین برنده در کمیسیون معاملات، بهای مورد مزایده را به صورت اقساط دریافت نماید. زیرا این امر موجب برهم خوردن شرایط مزایده شده و تالی فاسد دارد.

● **(اگر یکی از کارمندان دولت در طول یک روز به دو مأموریت جداگانه در شهرهای مختلف پروود یک روز مأموریت برای وی محسوب می‌گردد یا دو روز؟**

(همان‌گونه از اسم مأموریت روزانه پیدایش منظور مأموریتی است که در طول یک روز انجام می‌شود و صرف‌نظر از نحوه تردد و شهرهای محل مأموریت، چنانچه در طول یک روز کارمندی به دو مأموریت جداگانه بروود، یک روز مأموریت منظور خواهد شد.

(برخی از شهرداری‌ها برای کارکنان تحت امر خود مبادرت به ثبت شرکت تعاونی چند منظوره نمودند و این شرکت در زمینه اجرای کارهای خنثیاتی و عمرانی با شهرداری مبارزت به انعقاد قرارداد می‌نمایند. اظلاً بررسی و اظهارنظر نمائید آیا شهرداری می‌تواند برای انجام امور خنثیاتی و عمرانی خود یا شرکت تعاونی کارکنان خود قرارداد منعقد نماید؟ در صورتی که جواب مثبت باشد اعلام فرمائید آیا رعایت تشریفات مناقصه در انعقاد قرارداد لازم و اجباری است یا خیر؟

● **(مطابق تبصره ۳۰ قانون بودجه سال ۱۳۳۹، در دعای که دولت محکوم له واقع می‌شود حق مطالبه خسارت حق الوکاله را مطابق این‌نامه قانون وکالت از طرف دعوی دارد و دادگاه‌ها مکلفند این حق را به نقاضای نماینده دولت یا صدور حکم اعلام دارند. آیا شهرداری‌ها نیز مشمول این حکم می‌شوند یا خیر؟**

(با توجه به ماهیت غیر دولتی شهرداری‌ها، حکم این تبصره شامل شهرداری‌ها نمی‌شود.

نامه ای یکصد ساله از اکتونیان



حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا ناصر ی پور دامت اقیاله

با سلام و احترام، قبل از آغاز سخن بر خود وظیفه می‌نمایم که از حضرت‌عالی و دیگر دست‌اندرکاران زحمتکش ماهنامه وزین شهرداری‌ها از بیلت معرفی کتاب «تیریز شهر اولین‌ها» در شماره ۸۰ این نشریه به قلم شیوا و پرمحتوایی جناب پهن جلالی تشکر و سپاسگزاری کرده و از درگاه ایزد متان برایتان در این راه مقدس و پر افتخار آرزوی توفیق و سرزندگی نمایم. پس از برگزاری جشن یکصد سالگی تأسیس اولین شورا و شهرداری ایران در تبریز، در اردیبهشت ۱۲۸۶، برخی از شهرهای میهن اسلامی آن ایرون اعلامیه‌ای مبنی بر داشتن بلایه در دوران قبل از مشروطیت و پیش از تصویب قانون بلایه، از جمله بنتر لنگه مطرح گردانند. در حالی که ما تیریزی‌ها صحبت از بلایه‌ای را مطرح می‌کنیم که ملحق قانون و براساس مشارکت مستقیم مردم در سرنوشت سیاسی-اجتماعی خود برای نخستین بار در سال ۱۲۸۶ شمسی در تبریز تأسیس یافته و شهروندیان تیریزی، تبدیل به شهروندی شدند که سرنوشت شهرشان را خود به دست گرفته‌اند. در حالی که قبل از این تاریخ شهرهای ما نه تنها بی‌حاجب بودند بلکه بیشتر آنها از جمله تبریز دارای ارگانی به نام بلایه بودند. برای روشن شدن مطلب لازم است که به تاریخچه مدیریت شهری از منظر اسلام تا انقلاب مشروطیت اشاره‌ای داشته باشیم. پیش از ایجاد بلایه، دولتی تحت عنوان احتساب وجود داشت که امور مربوط به شهرداری‌ها را انجام می‌داد. در دوره معروف فارسی آمده است:

احتساب یا حسبه، نگاهداری نظم اجتماع اسلامی در معاملات و مزایعات و جلوگیری مردم از تخطی به جنود و حقوق یکدیگر. دیوان احتساب یا حسبه در بلاد اسلامی قدیم کارهایی انجام می‌داده که اکنون در اختیار ادارات شهرداری‌ها و شهرداری و دادگستری است. در این زمینه کتاب «معالم القره فی احکام الحسبه» تألیف محمدبن احمد بن قرشی (پراخوه) بهترین مرجع می‌باشد که به قلم جعفر شعار تحت عنوان «آیین شهرداری در قرن هفتم هجری» به فارسی برگردانده شده است. مترجم در مقدمه‌اش می‌نویسد: «موضوع کتاب، بیان احکام حسبه است و حسبه در اصطلاح اداری اسلامی، رسیدگی به کار بازار و کوی و برزن و خرید و فروش و منع از نقایات کسبه و اصناف و کارهایی نظیر اینهاست که از لحاظ تشکیلات اداری جدید، قسمت‌هایی از وظایف شهرداری و دانشمندی و شهریاری را در بر می‌گیرد و به همین مناسبت است که عنوان ترجمه فارسی را «آیین شهرداری در قرن هفتم هجری» قرار دهم. حال آن که ترجمه تحت اللفظی آن «شماره‌های قرابت درباره احکام حسبه است» است. از محصلت کتاب این است که مؤلف تنها به بیان حکم قضایی (قضوری) بسنده نمی‌کند بلکه وارد موضوعات و مسائل می‌شود و موارد عملی آنها را نشان می‌دهد. وظیفه محاسب را در آن موارد یاد می‌کند. از این رو در این کتاب درباره مسائلی مربوط به دانش اقتصاد یعنی کسب و کار و پیمانه و تراز و اوزان و مقادیر و غیر خواص انواع گیاهان دارویی و سایر مواد دارویی و همچنین علم اجتماع یعنی رفتار عمومی و مناسبات مردم با یکدیگر و حسن معاشرت و منع از تجاوز و تعدی افراد به همدیگر و حتی منع از آزار رسانیدن به ستور و سرانجام درباره بهداشت عمومی گفت‌وگو شده است و حاصل سخن آن که از

صمد سرداری‌ها (تیریز ۱۳۲۶، همدان ۱۳۸۷ خورشیدی) نویسنده و پژوهشگر تاریخ در زندگانش برآمد. در دانشگاه تبریز تاریخ خواند و فلسفه‌ای کارشناسی گرفت (۱۳۵۰). از جوانی به نو زبان فارسی و ترکی می‌نوشت و از نویسندگان مجله‌ی «ولریق» (هستی) شد. در صدا و سیما به کار پرداخت و در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) تهران حقوق قضایی خواند و در ۱۳۵۷ دانشنامه کارشناسی را دریافت کرد. از آن پس به پژوهش تاریخ آذربایجان پرداخت و تا واپسین روزها از این کار دست برنداشت. دانشگاه (جمهوری) آذربایجان به پاس خدمات ارزشمند علمی و فرهنگی‌اش به او درجه‌ی دکتری افتخاری داد. از کارهایش: «مشاهیر آذربایجان» [روزنامه‌ی] «ملا نصرالدین» در تبریز، آذربایجان پیشگام جامعه‌ی مدنی، «بازار خان سالار ملی» بانک شهر نفت و موسیقی، «تاریخ روزنامه‌ها و مجلات آذربایجان» آذربایجان مهد صمت چاپ در ایران و تبریز شهر اولین‌ها.



یاد یاری مهربان

آن روز مردی را دیدم که نشانی از روزگاری جوانی‌ام بر خود داشت. چندین و چندبار او را نامش را نوشته‌هایش را خوانده بودم. نامش که برای سخنرانی خوانده شد من در تبریز بودم و در تالار قدیمی شهرداری تبریز و مراسم یکصدمین سال تأسیس بلایه (صد سالگی شهرداری‌ها). او پشت تریبون ایستاده بود. مردی خوش سیمه، میله بالا، پاکیزه و مرتبه. با نگاهی گرمی همه را به خود فزا خوانده است. سکوت محض بر سران فرو نشست. آن گاه به سخن در آمد. بی‌آن که به پرگمانی تکیه کند آرام و پیوسته، کوفی چکمه‌های را می‌خورد. امروز، بی‌هیچ مکنی، چوئن رودی آرام و روان برای نخستین بار بود که صمد سرداری‌ها را از پس سالیان سال این اندازه از نزدیک می‌دیدم. حرف‌هایش آشنا و تلخ بود. با ستایی من و سرشار از ذرات و ذراتی آنچنان سنجیده و پیوسته گفت که در یک دم دریا تنم سخن را به پایان برده است و من از لذت لحظه‌های خوب باز خوانی تاریخ از یاد شده‌ام. پس از عمری انتظار بازمانده‌ام...

روزی دیگر کتابش را دیدم و نگاهی برنگاشته‌ی افتخار آخرین او... می‌دیدم. باید ماهنامه به آن می‌پرداخت که کاری بایسته بود. سرانجام ماهنامه در شماره‌ی ۸۰ خود - دومین ویژه‌نامه‌ی سده شهرداری‌ها - به معرفی کتاب «تیریز شهر اولین‌ها» پرداخت و جعفر دلپایمان آرام گرفت که تقسیم استاد این معرفی را دیده است. جلی سیر میانه‌ای برای ماهنامه اسناد بر ما منت نهاده بود. نامه‌ای به نشانه‌ی قدرتی... اما بازی روزگار چنین بود تا آن نامه را پس از درگذشت ناپهنگام اسناد بسیم و دریغ! نامه‌اش نیز درسی است و پسین برای ماهنامه نشینان که بیاورند. اینکه به پاس آن همه مهر و نیک‌خواهی، عین دست نوشته اسناد را چون سندی از اسناد سده چلب می‌کنیم تا آن همه بزرگمردی بر لوح ماندگار حساسی بلایه‌ها در ماهنامه نقش بندد.

روایتی شد
ع جلالی

و نظریه کلمیز گرفته تا مقررات مربوط به جنگ تهاجن قوچ و خروسی را بیان کرده و حتی در موضوع حفظ بهداشت به نکاتی درسی خوریم که حقا مایه شگفتی است از قبیل دستوری که درباره خمیر گیر داده است. بدین سبب هرگز خمیر گیر به وسیله پاهای و زانوان و آرنج های خود خمیر به عمل نیارند. زیرا این کار خوار گرفتن طعام است و چه ساق عرق بطل باقیست در خمیر می افتد و نیز به هنگام خمیر گرفتن چانه ای یا آستین های تنگ پوشد و دهان بند داشته باشد زیرا چه ساق به هنگام عیله یا سخن گفتن از آب دهان و بینی او در خمیر می افتد و بر گریبانش شستاری سفید بینند تا از قطرات عرق مانع بشوند... و چون به هنگام روز خمیر گیرد کسی را نزد خود بگذارد که مگس پران به دست گیرد و مگس ها را براند. در مورد اختلاط موثبات معتقد است: محاسب باید محتکر را به فروش کالا مجبور کند. همچنین منع می کند از این که کسی به پیشوا کاروانی که کالا به شهر می آورد برود و به کاروانیان بگوید که کالایی ایشان در شهر کساد است تا آن راه پهای از رول نروی بخرد. در باره سد معبر می گویند فروشنده گل حق ندارد که در کوچک های تنگ بپوشند یا مضطبه دکان خود را از پاره های سقف بازار به گنجه بیرون کنند تا راه بر هفتخان تنگ نباشد و فروشنده گل باید کالاها را در نظروف سر بسته نگاه دارند تا از مگس و حشرات و جوش و خاک و غبار و جز آن محفوظ ماند. پس از آن که این دیوان اسلامی زیر ساعفه استبداد سلطنتی قرار گرفته تبدیل به ابزاری در دست خودکامگن قرار گرفت. در دوران قاجاریه و پیش از دستور فرمال مشروطیت چنانکه اشاره شد بیشتر شهرها از جمله تبریز دارای بلدیة بودند که این موضوع در خرید آن روزگار تیریز متعکس شده و نگارنده این سطور برخی از آن گزارشات را در کتاب تیریز شهر اولین ها آورده است. از جمله در شماره ۲۱ روزنامه الجعید که در روز دوشنبه ۲۲ رمضان ۱۳۳۳ هـ ق منتشر شده آمده است: ... اجل تیریز عموماً مدعی است که از جهت پاره های خشکسالی ها و گرگی غلامه قتل سابق را ندارند و برای دانوسی و حکومت اینها شخص بزرگوار سزاوار بود. لهذا حکومت ملینه و بیگلر بیگی را به عهده تقابلیت خدایت مستطاب اجل اکرم علی آقای ساعد الملک امیر توپخانه و رئیس نظام و دیوان خلیه عدلیه نام قیاله محول و مرحمت فرمودند. در شماره ۶ هسین نشریه که در روز دوشنبه ۱۶ شله ۱۳۳۳ منتشر شده نیز آمده است:

جناب جلالت ماب اجل سالار نظام بیگلر بیگی نام لاله کمال موافقت به انتظام شهر و نرخ ازبانی و امنیت اسواران دارند. نایب حسین مشهور (نایب اوغلو) که خارس بازار بود چند روز قبل به جهت خستگی که از مشا ایله هیچ مامول و نیا مستطور نبود از حسین مراقبت و استتطقی حکومت بلدیة گرفتار گردیده است. این بدتخت شقی و خاین ملعون که ثروت عموماً بازرگان سیرده به املات اوست سه نفر بچه یازده و دوازده ساله در جزو عسکان بازار بزی جیببری نگاه داشته و گویا بومیه از هر یکی از به ده شاهی مقاطعه کرده که به هر بخواست جیببری کرده و چه مزبور را به نایب حسین بدهند. و هر گاه وجه مشکه به گیر آورند آن دیگر داخل مقاطعه نیست تماماً به خود حسین راجع است. یک نفر عبدالغنی نام نجلر ۱۸۰ ریان در جیب خود داشته به تحریک نایب حسین وجه مزبور را از جیب مشاطله در آورده و نایب حسین داده اند. عبدالغنی به حکومت بلدیة عرض بعد از احضار آن سه نفر و استتطقی عین وجه مسروقه را به صاحبش مسترد و نایب حسین را به تحویل گمشدگان حضرت اشرف پیشکار کل داده و بر حسب حکم بالفعل در ایلو دولتی مجروس است چنانکه مشاهده می شود قبل از دوران مشروطیت از سال ها قبل بیشتر شهرهای ایران از جمله تبریز دارای بلدیة بوده و بی بلدیة های که دست بخت استبداد سلطنتی بود که نه تنها برای حل مشکلات مردم گامی بر نمی داشت بلکه در نتیجه زورگویی های این انذارات دولتی بود که مردم به تنگ آمده و خواجهان تمیز رژیم و حاکمیت قانون به جای استناد فردی شدند و پس از دستور فرمال مشروطیت تبریز نخستین شهر ایران بود که طبق قانون اولین انجمن بلدی و بلدیة را با انتخاباتی دموکراتیک و بر اساس شیسته سالاری به مرحله اجرا آورد که نقطه ای عطفی در تاریخ معاصر این مریزوم به شمار می آید.

با احترام مجدد
دکتر صمد سرداری نیا
۱۳۸۶-۱۱

دیسمن نواحی

حضرت جنت الاسلام و السلیحین صاحب آفاقا و انوری پور دانش استانبول

اسلام و احترام. قبل از آغاز سخن بر خود وطنه ای دارم که در حضرت عالی و دیگر دوستانه کاروان کسب نامنامه درین شهرهای ماه از ایست معرفی کتاب است همین شهر اولین ها شماره ۱۸۰ این شهریه نظم مشی و در نهایت جلالت و حق جلالی شکر بسیار می گوید. و در نگاه مایه زبان بر ایوان ایوان مدقوس و بر افتخار آید که توفیق دستر بلدی انجام داد. تبریز بزرگوار می شناسد که سالی تاسیس اولین شهر ایران و شهر بزرگ ایران در شهری ۱۳۸۶ هـ ق می باشد. درین شهرهای بین المللی میان ایران از ماه های می می در دانش بلدیة در آن قبل از شهری ۱۳۸۶ هـ ق در خصوص قانون بلدیة در جدول رنگ معلق گردانده اند. در حالی که ما نیز نگاه عیله استبداد را خارج از کسب بلدیة قانونی و بر اساسی مشارکت نسیم مردم در دولت سیاسی و اجتماعی بود. راه مشخص در سال ۱۳۸۶ هـ ق تعیین شد و همین تاسیس بلدیة و شهر شایسته تبریز تبدیل شد. شهرهای ما از آنکه در دولت شهرشان را ایجاد کرده اند. در حالی که قبل از این تاریخ شهرهای ما بلدیة ها مع سوره. بلکه اغلب آن ها از بلدیة شهرهای ایران بلدیة بود. در این زمین شدن مطلب در ۱۸۰ هـ ق که در تاریخ شهر کازان صدر اسلام نامانند است مستطاب است. و این داشته ما بشیم.

حضرت اکابر ما در این زمین توفیق دستر بلدیة و در روز ۱۳۸۶ هـ ق در تبریز و در شهرهای ما در آن روز.

و میات عملیات نایب اجل سالار نظام بیگلر بیگی نام لاله کمال موافقت به انتظام شهر و نرخ ازبانی و امنیت اسواران دارند. نایب حسین مشهور (نایب اوغلو) که خارس بازار بود چند روز قبل به جهت خستگی که از مشا ایله هیچ مامول و نیا مستطور نبود از حسین مراقبت و استتطقی حکومت بلدیة گرفتار گردیده است. این بدتخت شقی و خاین ملعون که ثروت عموماً بازرگان سیرده به املات اوست سه نفر بچه یازده و دوازده ساله در جزو عسکان بازار بزی جیببری نگاه داشته و گویا بومیه از هر یکی از به ده شاهی مقاطعه کرده که به هر بخواست جیببری کرده و چه مزبور را به نایب حسین بدهند. و هر گاه وجه مشکه به گیر آورند آن دیگر داخل مقاطعه نیست تماماً به خود حسین راجع است. یک نفر عبدالغنی نام نجلر ۱۸۰ ریان در جیب خود داشته به تحریک نایب حسین وجه مزبور را از جیب مشاطله در آورده و نایب حسین داده اند. عبدالغنی به حکومت بلدیة عرض بعد از احضار آن سه نفر و استتطقی عین وجه مسروقه را به صاحبش مسترد و نایب حسین را به تحویل گمشدگان حضرت اشرف پیشکار کل داده و بر حسب حکم بالفعل در ایلو دولتی مجروس است چنانکه مشاهده می شود قبل از دوران مشروطیت از سال ها قبل بیشتر شهرهای ایران از جمله تبریز دارای بلدیة بوده و بی بلدیة های که دست بخت استبداد سلطنتی بود که نه تنها برای حل مشکلات مردم گامی بر نمی داشت بلکه در نتیجه زورگویی های این انذارات دولتی بود که مردم به تنگ آمده و خواجهان تمیز رژیم و حاکمیت قانون به جای استناد فردی شدند و پس از دستور فرمال مشروطیت تبریز نخستین شهر ایران بود که طبق قانون اولین انجمن بلدی و بلدیة را با انتخاباتی دموکراتیک و بر اساس شیسته سالاری به مرحله اجرا آورد که نقطه ای عطفی در تاریخ معاصر این مریزوم به شمار می آید.

با احترام مجدد
دکتر صمد سرداری نیا
۱۳۸۶-۱۱



بررسی نقاط قوت و ضعف شوراها و مدیریت شهری

• حسین حاکمی نژاد - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
• معصومه عموزاده - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری - دانشگاه تهران

مقدمه

اسلامی کشوری این مشارکت، جنبه‌ی محلی و منطقه‌ای می‌یابد و به سایر امور مرتبط با نظام زندگی اجتماعی اتصال پیدا می‌کند (نوروزی، ۱۳۷۸: ۳۲-۳۳).

نظام حقوقی شهری تنظیم کننده و جهت دهنده به سازو کار برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. قانون شهرداری نیز مستندترین و معتبرترین متن و سند قانونی است که در آن کلیه

جنبه‌های مربوط به نظام مدیریت شهری، سازمان و تشکیلات شهرداری، وظایف شهرداری‌ها و نحوه‌ی اداره امور شهر ها به همراه الزامات و بایسته‌های حقوقی و قانونی آمده است. بنابراین در نظام حقوق شهرداری هر کشور قانون شهری (municipal ACT) قانون صادر برای مدیریت شهری محسوب می

شود. قانون شهرداری که یکی از قدیمی ترین متون قانون در تاریخ حقوق موضوعه ایران است و اکنون یک قرن از تدوین و تصویب آن می‌گذرد، تنها وجه حقوقی قانونی است که نظام مدیریت شهری کشور و شهرداری‌ها آن را ملاک کار قرار داده اند (نوروزی، کامییز، ۱۳۸۰: ۹).

اگر تاریخچه‌ی نوین مدیریت شهری را بررسی کنیم

تشکیل شوراهای شهر در جامعه نشان دهنده‌ی سیاست تمرکززدایی است. تحقق این سیاست بستگی به اختیارات و مسئولیت‌هایی دارد که از دولت مرکزی جدا می‌شود و در اختیار شوراهای محلی قرار می‌گیرد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۱۶).

حق حاکمیت ملی، یکی از اصول اساسی و اولیه قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران است که به مردم حق تعیین سرنوشت اجتماعی خویش را اعطا می‌کند. مشارکت فرآینده مردم در تعیین سیاست و اجتماعی خویش به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب پایداری نهادها و ارکان حکومتی از جمله رهبری، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و غیره می‌شود

که بدون اتکا به آرای مردم تبلوری ندارد (زمانی، ۱۳۸۰: ۱). منظور و مقصود اساسی از تشکیل شوراهای کشوری، تحقق مشارکت مستقیم مردم در اداره‌ی امور اجتماعی است. مشارکت مردم با انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در اداره‌ی ارکان حکومتی، قانونگذاری و رهبری و نظارت بر آنها محقق می‌شود. با انتخابات شوراهای

طبق اصل یکمصد و سوم
قانون اساسی استانداران،
فرمانداران، بخشداران و سایر
مقامات کشوری که از طرف دولت
تعیین می‌شوند، در حدود
اختیارات شوراها ملزم به رعایت
تصمیمات آنها هستند



خواهیم دید که مدیریت شهری در دوره‌ی جدید همراه و همزمان با سیاست‌های شهری است (فرهودی، ۱۳۸۶: ۸). مدیریت شهری عبارت است از: نظام بخشیدن به زندگی شهر و ایجاد هماهنگی میان بخش‌ها، نهادها، عناصر و در واقع محتوای شهر. (abbott, ۱۹۹۶, ۸۲) در حال حاضر ناریخته مدیریت شهری در ایران عمری ۱۰۰ ساله دارد (فرهودی، ۱۳۸۶: ۸). هر چند با نگاهی به قانون اساسی و قانون شوراها و شهرداری‌ها می‌توان جایگاه واقعی حکومت‌های محلی را درک کرد، ولی هر بار که تغییر قانون شوراها و شهرداری‌ها در دستور کار دولت قرار گرفته، از اهداف فرابخشی مدیریت شهری فاصله پیدا کرده و از وظایف و اختیارات آنها کاسته شده است. دلیل واقعی این امر به عواملی چون نکیه مدیریت شهری بر منابع دولتی، ضعف نهاد‌های مدنی و محلی و به طور کلی نظام برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین برمی‌گردد. نتیجه این سیاست‌ها رشد بی‌قواره و غیر ارگانیک دولت و ضعف مفرط شهرداری‌ها و شوراهاست (ازدشیری، ۱۳۸۵: ۳).

تاریخ شوراها

تشکیل شوراهای اسلامی - به عنوان متوالیان مدیریت امور محلی - از همان سال اول انقلاب در ایران مورد تأکید قرار گرفته بود و قانون اساسی بر آن تأکید مکرر داشته ولی با تأخیر طولانی عملی شد.

(ازدشیری، ۱۳۸۶: ۲۱) و در خرداد ماه سال ۱۳۷۵ قانون شوراها تصویب شد. در هفتم اسفند ماه سال ۱۳۷۷ نیز اولین انتخابات سراسری شوراهای شهر برگزار گردید (هاشم پور، ۱۳۸۶: ۱۲).

شوراها نه در جای خود

نگاهی به جایگاه شوراها در سراسر کشور نشان می‌دهد که شوراها در جای خود قرار نگرفته‌اند و در عمل فقط جانشین قائم مقامی شده‌اند. در حالی که به نظر می‌رسد تمام تلاش شوراها باید این باشد که حضور مردم را در توسعه و عمران شهرها نهادینه کنند. تلاش شوراها برای دستیابی به اختیارات بیشتر باید صرفاً به منظور فراهم آوردن زمینه‌های حضور مردم باشد نه این‌که اختیاراتی به دست بیاورند و خودشان شهر را اداره کنند (نوروزی احمد، ۱۳۸۰: ۳۲). شوراها در نظام‌های دموکراتیک می‌توانند حضور و دخالت مردم را در اداره‌ی کشور به گونه‌ای جدی در تعیین سازند (نوروزی احمد، ۱۳۸۰: ۳۸). شوراها آمده‌اند تا پلی باشند میان مردم و نظام اجرایی و کارکرد اصلی‌شان این است که - حتی یا همین اختیارات محدود - زمینه‌ی حضور مردم را تعریف و قانونمند کنند. چون وقتی زمینه حضور قانونمند نباشد، در عمل مشکلات متعدد و نیز هرج و مرج ایجاد می‌شود. آنچه برای استفاده از قدرت بی‌نهایت مردمی در توسعه و عمران شهرها مهم است تعریف بسترهای کاری قانونمندی است که بتوانند زمینه‌ی حضور مردم را فراهم کنند. ما در کشور خود سرمایه‌های کوچک سرگردان و نیروهای

شوراها

شوراها در قانون اساسی از ارکان اساسی و مهم نظام جمهوری اسلامی تلقی شده‌اند (اصل هفتم قانون اساسی) مثلاً بر طبق اصل یکصد و سوم قانون اساسی استناداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

با این حال در بازرگری‌های قوانین مربوط به شوراها، وظایف آنها محدودتر شده است. در لایحه اخیر مصوب مجلس شورای اسلامی، بیشتر اختیارات به وزارت کشور داده شد و حتی وزیر کشور حق دستور توقف مصوبات شوراها در صورت عدول از قانون را دارد. این امر یکی از مشکلات اصلی فراوانی مدیریت یکپارچه شهری به شمار می‌آید. بدین ترتیب اولین مشکل مرتبط با نحوه‌ی قانونگذاری ماست. چون هرچه می‌گذرد از اختیارات شوراها و اختیارات محلی کاسته می‌شود.

دومین مشکل مربوط به قوه‌ی مجریه است. باید پذیرفت که دولت‌ها نمی‌خواهند قدرتشان را واگذار یا منتقل کنند. نمونه بارز این است که تمام امور مربوط به شوراها در حد شعار باقی مانده است و اجازه فعالیت به آنها داده نمی‌شود و دولت همواره در حال حجیم‌تر کردن

بدنه خود است. سومین مشکل به خود شوراها بر می‌گردد. بسیاری از شوراها هنوز حدود اختیارات خود را نمی‌دانند. پس لازم است که مجلس و دولت نگاه خود را به مدیریت شهری برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای قرار دهند و اداره امور محلی را به شوراها واگذار کنند. در کنار آن نیز نظام آموزش و توانمند کردن شوراها می‌بایست فعال شود (هاشم پور، ۱۳۸۶: ۱۲).

در اصل یکصد و نهم قانون اساسی چنین آمده است: برای پیشبرد

تلاش شوراها برای دستیابی به اختیارات بیشتر باید صرفاً به منظور فراهم آوردن زمینه‌های حضور مردم باشد نه این‌که اختیاراتی به دست بیاورند و خودشان شهر را اداره کنند



۱۵ روز به موضوع رسیدگی و اعلام نظر کند. نظریه این هیأت در صورتی که برای لغو مصوبات شورای شهرها باشد، در صورت تأیید هیأت مرکزی حل اختلاف، قطعی و لازم الاجرا خواهد بود (جهانگیر، ۱۳۸۵: ۱۲).

اعتراض به مصوبات شورا که به وسیله مسئولان اجرایی صورت می گیرد، چنانچه با موافقت اعضای شورا روبه رو نشود، برای داور به هیأت حل اختلاف استان ارجاع می شود و در واقع همان دستان نظارت نهاد انتصابی بر نهاد انتخابی تکرار می شود. از این رو می توان گفت که حق درخواست تجدید نظر از سوی مسئولان اجرایی نسبت به مصوبات شوراها، اهم اعمال نظارت دولت است بر فعالیت شوراهای اسلامی شهر و روستا تا از این طریق بتواند



جلوی تصویب مقررات و قوانینی را که بر خلاف صلاح حکومت مرکزی است، بگیرد - حتی اگر این تصمیمات به نفع حوزه محلی باشد. بدین ترتیب، این خطر وجود دارد که شوراها به سطح بازوی اجرایی دولت و تحقق منافع حکومت مرکزی تنزل یابند (زنجالی، ۱۳۸۶: ۴۱).

رسیدگی در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت تصمیمات شوراهای اسلامی با وظایف قانونی آنها، و نیز قوانین عمومی کشور که به وسیله هیأت های حل اختلاف صورت می گیرد، استقلال شوراها را خنثه دار می سازد. از طرف دیگر نیز حق اعتراض شاکیان خصوصی یا عمومی و شخصیت های حقیقی و حقوقی را سلب می کند (بوچانی یزدلی، ۱۳۸۱: ۴۴).

نحوه رسیدگی به تخلفات شوراها

قانونگذار در مراحل رسیدگی به اعتراضات و شکایات مربوط به شوراها ترکیبی از سه قوه قضائیه، قضاویه و مجریه را به عنوان هیأت تصمیم گیر در این مورد به رسمیت شناخته و دبیری این هیأت را بر عهده معاون سیاسی و امنیتی وزارت کشور نهاده است. در حالی که این کار واجد جنبه فنی و تخصصی است و در واقع قانونگذار می توانست بدون مداخله مسئولان سیاسی و امنیتی این امر را سازمان دهد (پرهیزگار و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۴).

دیگر نارساییهای موجود در قانون شوراها

۱- در تعیین وظایف شورای شهر، به گسترش وظایف شهرداری ها و پیچیدگی و تخصصی تر شدن آن توجه کافی نشده است. در برخی از وظایف شهرداری عیناً برای شورای شهر مقرر شده و به برخی از وظایف مهم تر اشاره نشده است. به عنوان مثال، نظارت شورای شهر بر تهیه وسایل حمل اموات، اهمیتی به مراتب کمتر از نظارت شهرداری بر توسعه شبکه معابر و بهبود حمل و نقل عمومی دارد.

۲- شوراهای اختیارات لازم را در ایفای نقش واقعی شان به عنوان سیاستگذار و تصمیم گیر در امور محلی و شهری، ندارند. در واقع شورای شهر بر اساس قانون موجود، نهاد و کانون اصلی

مذکور انجام شود (بوچانی یزدلی، ۱۳۸۱: ۴۶).

مؤید قانونی انتخاب شهردار به وسیله شوراهای اسلامی شهر بر اساس قانون یکی از وظایف مهم و اساسی و اولین وظایف است که قانونگذار در بند ۱ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و نحوه ی انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی برای شوراهای اسلامی پیش بینی کرده انتخاب شهردار برای چهار سال است. در قانون شوراها حکم سرچی در مورد موعد زمانی انتخاب شهردار پس از رسمیت یافتن فعالیت شورای اسلامی وجود ندارد و این از نقاط ابهام قانون است. این در حالی است که در تیصره ۲ ماده ۵۰ قانون شهرداری الحاقی مصوب ۱۳۴۵ / ۱۱ / ۲۷ به قانون شهرداری مقرر شده بود در صورتی که انجمن یک ماه پس از رسمیت یافتن موفق به انتخاب شهردار نشود، انجمن متحل می شود و طبق مقدار این قانون تجدید انتخاب خواهد شد. این ضمانت اجرا به این دلیل بوده است که انجمن شهر نتواند به هیچ بهانه ای امور عمومی را معطل بگذارد (نظریور، ۱۳۸۶: ۲۵).

کاندیدای شدن اعضای شورای شهر برای شهردار شدن

بر اساس قانون شوراها، اعضای شورای شهر نیز می توانند کاندیدای شهرداری باشند و حتی عضو شورا می تواند برای شهردار شدن به خودش رای دهد، اما بلافاصله بعد از صدور حکم باید از سمت خود در شورا استعفا کند. تجربه بعضی از شهرهای کشور نشان می دهد که این بخش از قانون نیازمند اصلاح است. بعد از کاندیدا شدن یکی از اعضای شورا، روند انتخاب شهردار به شکلی عادلانه و منطقی پیش نمی رود، چرا که اگر نیازی به رقابت باشد، عضو شورا به سبب شرکت در جلسات شورا دارای اطلاعاتی است که رقیب از آن بی اطلاع اند. این فرد به دلیل به همراه داشتن رای مردم و عضویت در شورا، دارای قدرتی است که ممکن است رقیب نداشته باشند. در مواردی هم مشاهده شده است که عضو شورا برای شهردار شدن، به تخریب و حتی تهدید رقیب خود پرداخته است. بنابراین چه بسا بهتر باشد که اعضای شورا در صورت تمایل به پذیرش سمت شهرداری، قبل از رای گیری در شورا از سمت خود استعفا کنند و در رقابتی عادلانه، همچون دیگر کاندیداها برنامه های خود را برای اداره شهر مطرح سازند (زنجالی، ۱۳۸۶: ۴۱).

تخلفات شوراها

در صورتی که مصوبات شوراها مغایر با وظایف قانونی آنها و مغایر قوانین عمومی کشور باشد، مسئولان اجرایی مربوط می توانند با ذکر مورد و به طور مستقل حداکثر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ مصوبه اعتراض به اطلاع شورا رسانند و درخواست تجدید نظر کنند. شورا موظف است یک هفته از تاریخ وصول اعتراض تشکیل جلسه دهد و به موضوع رسیدگی و اعلام نظر کند. در صورتی که شورا در بررسی مجدد از رای قبلی خود نسبت به مصوبه مورد اختلاف عنول نماند، موضوع به هیأت حل اختلاف استان ارجاع می شود. هیأت مذکور مکلف است ظرف



از شوراهای روستاها آن را منحل می‌نماید و در مورد سایر شوراهای در صورت انحراف از وظایف قانونی بنا به پیشنهاد هیأت استازن و تصویب هیأت حل اختلاف مرکزی منحل می‌گردند. گاه تخلف شورا دارای اهمیت و خسارت بیشتری است. از این دست‌اند هنگامی که شورا:

- ۱- اقداماتی بر خلاف وظایف مقرر انجام دهد؛
- ۲- مرتکب اعمالی شود که مخالف مصالح عمومی کشور است؛

۳- مرتکب حیف و میل و تصرف غیر مجاز در اموالی شود که وصول و نگهداری آن اموال به عهده شورا است. در این سه مورد قانونگذار با شدت بیشتری برخورد کرده و با (فراهم بودن) شرایطی، مسئله انحلال شورا را مطرح ساخته است. روشن است که تخلفات در ماده ۸۱ شدت بالاتری دارند. در ماده ۸۰ قانون شوراهای (مصوب ۱۳۷۵) نیز عبارت "مغایر با وظایف و اختیارات قانونی" مطرح شده است؛ اما همان طور که دیدیم مسئولان اجرایی تنها برای ابطال مصوبه غیر قانونی اقداماتی را به عمل می‌آورند. در حالی که در ماده ۸۱ همین قانون موضوع "انحلال شوراها" مطرح نظر است.

البته قانون در این زمینه تا حدودی مبهم است و معلوم نیست اقدامات بر خلاف وظایف مقرر "در دو ماده چه تفاوت‌هایی با هم دارند. از سوی دیگر در ماده ۸۱ "مصلح عمومی کشور" عبارتی کلی و مبهم است و می‌تواند مورد تفسیر و یا تفسیر-گوناگونی قرار گیرد و حتی در برخی از موارد، از آن سوء استفاده هم بشود. ظاهراً تشخیص این که چه چیزی "مخالف مصالح عمومی کشور" است، یا اقدام بر خلاف وظایف مقرر در چه حدود و گستره ای است، نهایتاً به تشخیص هیأت مرکزی حل اختلاف گذاشته شده است. هر یک از شوراهای منحل شده در صورت اعتراض به انحلال می‌توانند به دادگاه صالح شکایت کرده و دادگاه مکلف است خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و رای قطعی صادر کند. رسیدگی به انحلال شوراها، رسیدگی قضایی نیست. به عبارت بهتر، انحلال شوراها ماهیت قضایی ندارد و به همین علت قابل رسیدگی در هیأت‌های تشخیص حل اختلاف است؛ ولی اعتراض به انحلال شوراها مسأله‌ای حقوقی و قضایی است و می‌بایست در دادگاه بررسی و رسیدگی شود (بوجالی یزدلی، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۶).

مفهوم مدیریت واحد شهری

منظور از "مدیریت واحد شهری" وحدت‌بخشی به مدیریت شهری است نه واگذاری وظایف به عبارتی، منظور ایجاد وحدت رویه در مدیریت شهری از طریق ایجاد مجموعه‌ای از اهداف و چارچوب معین و مشترک و تدوین برنامه‌های لازم برای تحقق هماهنگی در سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری است. در متون تخصصی، منظور از این اصطلاح "مدیریت یکپارچه شهری" یا Integrated Management است و بیشتر هماهنگی و یکپارچگی مدنظر است. منظور از "مدیریت یکپارچه شهری" یکپارچگی و هماهنگی در عملکردها و وظایف مدیریت است.

سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و نظارت در سایر ادارات و سازمان‌های تری‌ریط در امور شهرداری و سایر سازمان‌های خدماتی است. آن هم در صورتی که این نظارت محل جریان عادی امور نگردد.

اگر به وظایف شوراها از بعد کالبدی و در حیطه مسائل توسعه و عمران شهری نگریسته شود، می‌توان دریافت که قانون موجود فاقد ظرفیت لازم برای دخالت شوراها در این زمینه است. براساس این قانون، شوراها توانایی ورود به حیطه برنامه‌ریزی، تهیه و تصویب طرح‌های توسعه شهری را ندارند. حتی

زبطه شوراها با وزارت مسکن و شهرسازی و سایر دستگاه‌ها بر اساس تبعیت از آنها تنظیم شده است. به همین دلیل است که در این قانون، مرتب عبارت "همکاری با دستگاه‌ها" تکرار می‌شود. بنابراین قانون موجود شورا را به عنوان سطح تصمیم‌گیری به



رسمیت نمی‌شناسد. قانون در موارد مختلف به شوراها اجازه داده است تا از طریق ارائه پیشنهادها و طرح‌های کاربردی به سازمان‌های شهری به رفع کمبودها همت گمارد، اما چگونگی کاربست این طرح‌ها و ضمانت اجرایی آن‌ها فراموش شده است. آنچه از بند ۲ ماده ۷۱ قانون شوراهای مستفاد می‌شود، این است که وظایف شورای شهر بسیار فراتر از شهرسازی است و طیف وسیعی از ادارات دولتی را - همچون آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، کار و امور اجتماعی، آب و فاضلاب و برخی دیگر - در بر می‌گیرد. اما سازمان‌ها و ادارات دولتی از وزارت متبوع خود دستور می‌گیرند و مانند شهرداری‌ها مقررات و ضوابط آنها را شورای شهر تعیین نمی‌کند (همانجا، ۱۳۸۱: ۱۴).

انحلال شوراها

اصل یکصد و ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند. (بوجالی یزدلی، ۱۳۸۱: ۲۴).

قانون شوراهای مصوب ۱۳۷۵ در خصوص انحلال شوراها مقرر می‌دارد: "هر گاه شورا اقداماتی بر خلاف وظایف مقرر یا مخالف مصالح عمومی کشور و یا حیف و میل و تصرف غیر مجاز در اموالی که وصول و نگهداری آن را به نحوی به عهده دارد، انجام دهد به پیشنهاد کتبی فرماندار موضوع جهت انحلال شورا به هیأت حل اختلاف استان ارجاع می‌گردد و هیأت مذکور به شکایات و گزارش‌ها رسیدگی و در صورت احراز انحراف هر یک



نکات زیر ضرورت مدیریت یکپارچه شهری را بیشتر مشخص می کند:

۱-انعطاف پذیری: یکی از نیازهای مدیریت یکپارچه‌ی شهری ایجاد ارتباط میان بخش های اداری و سازمانی است. ارتباط بهینه‌ی دستگاه‌های مسئول که دارای تعدد سیلوند، مستلزم و نیازمند انعطاف‌پذیر بودن و حذف اقتدارگرایی سازمانی است؛ چه در غیر این صورت استقلال‌گرایی سازمان‌های مختلف به وجود می آید که با نفس همگانی و یکپارچگی تضاد دارد.

۲- حذف موازی کاری: از ویژگی‌های بارز فعالیت و اقدامات در ایران، انجام فعالیت‌های موازی و مشابه در نهادهای مختلف دولتی است. این ویژگی حتی در سطوح بسیار کلان همچون وزارتخانه‌ها نیز مشاهده می‌شود. عامل اصلی موازی کاری‌ها همان استقلال‌گرایی و نبود یکپارچگی و هماهنگی در سیاستگذاری‌ها و مراحل نظری برنامه‌ریزی است.

۳-کاستن از تعدد دستگاه‌های مسئول: متعدد بودن سازمان‌های مسئول، نه تنها به پیشبرد مدیریت یکپارچه شهری کمک نخواهد کرد بلکه عملاً بر دامنه نا هماهنگی‌ها می‌افزاید و خود عامل اصلی ریخت و پاش‌های شهری قلمداد می شود.

بنابراین باید از تعداد دستگاه‌های دولتی مسئول کاست (همارجا).

نقش و عملکرد شورا در نظام مدیریت شهری

سه هدف اصلی مدیریت شهری که تقریباً در همه‌ی جوامع مورد پذیرش قرار گرفته، حفاظت از محیط فیزیکی شهر، هدایت توسعه اجتماعی و اقتصادی شهر و ارتقای وضعیت کار و فعالیت شهروندان است (بوچانی، ۱۳۸۵: ۲۶). نقش‌های شوراها در نظام مدیریت شهری عبارتند از: ۱-تمرکززدایی و بازساخت نظام اداری و تصمیم‌گیری در سلسله مراتب تشکیلاتی، ۲-رشد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم، ۳-هویت شهری و انسجام اجتماعی، ۴-بسط عدالت اجتماعی و حفظ حقوق شهروندی، ۵- تسریع در تهیه و اجرای طرح‌ها و تطابق آن با خواسته‌ها و نیازهای مردم و ۶- نظارت اجتماعی (پرهیزگار و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۲).

مدیریت شهری در جهان

بررسی سیستم‌های مدیریت شهری در جهان حاکی از آن است که بیش‌تر آن‌ها مدیریتی مستقل و مردمی براساس قانونگذاری و نظارت از سوی شورای شهر دارند. شوراها به عنوان مرکز قانونگذاری برای شهر و مدیریت کلانشهری و به عنوان ناظر، بر فعالیت دستگاه‌های اجرایی شهر فعالیت می‌کنند. شوراها باید ایفاگر نقش مجلس محلی باشند تا

مدیریت یکپارچه در مقابل مدیریت متفرق دارای سه بعد است و در مدیریت شهری نیز توجه به این ابعاد و رابطه آنها با یکدیگر مهم به نظر می‌رسد. اولین بعد، بعد عملکردی است؛ یعنی این‌که عملکردهای مختلف موجود در سطح شهر باید دارای مدیریت یکپارچه و مرتبط با هم باشند. دومین بعد، بعد فضایی است؛ لازم به یاد آوری است که فضای شهر اصلاً مساوی یا محدوده قانونی شهر نیست، بلکه حومه و پیرامون شهر را نیز که با مرکز شهر ارتباط متقابل دارد، در بر می‌گیرد. بنابراین، کل شهر یک قضااست و نمی‌توان این فضای واحد را از هم جدا کرد - در حالی که ما در برنامه‌ها آن را تقسیم کردیم. و سومین بعد شامل مردم و ذی‌فعلان شهر و فضای شهری‌اند. بنابراین لازم است که این سه بعد یکپارچه شوند و این امر مستلزم ایجاد سازمان متناسب با خود است که با عنوان سازمان مدیریت یکپارچه شهری شناخته می‌شود. در واقع اگر شهر را به مثابه سیستمی یکپارچه ببینیم باید قبول کنیم که مدیریت آن نیز می‌بایست یکپارچه باشد.

(اردشیری، ۱۳۸۵: ۴)

الزامات و ضرورت‌های لازم برای تحقق مدیریت واحد شهری

به چند دلیل شهرها به مدیریت واحد و یکپارچه نیاز دارند. نخست این‌که شهرها دارای هویت واحد و یکپارچه‌اند و

همین امر دلیل مهمی برای ایجاد مدیریت واحد به شمار می‌آید. دیگر اینکه چون مدیریت واحد سبب یکپارچگی و انسجام مدیریت در شهر می‌شود، پس در صورت تحقق این اهداف، در مسائل اجرایی هم این انسجام نمودار خواهد شد. به طور کلی، اصولاً در ایران الزامات قانونی و حقوقی مناسب برای تحقق مدیریت یکپارچه وجود ندارد. برای تحقق مدیریت یکپارچه شهری، بهره مند شدن از تجارب گذشته خود و نتایج نا موفق آن از سوی، و نیز تجارب کشورهای موفق در این زمینه از سوی دیگر، لازم و ضروری است. در ضمن باید توجه داشت که لایق‌های جدیدتری از مدیریت کارآمد و یکپارچه وجود دارد و مدیریت شهری مؤثر و کارآمد و یکپارچه فقط به گسترده کردن وظایف و اختیارات نهادی همچون شهرداری ختم نمی‌شود، بلکه ساختن چون مشارکت طلبی، شفافیت، قانون‌مداری و نظایر اینها از الزامات مهم‌تر در مدیریت شهری به شمار می‌آیند.

نکته بعدی در این زمینه این است که اگر قرار است وظایف به شهرداری‌ها واگذار شوند، شاید لازم باشد که مطالعه‌ای همه جانبه صورت گیرد، چرا که مطالعات اولیه این کار بیشتر در حیطه‌ی پایتخت برخی از کشورها بوده است. نباید به دنبال الگوی واحد و یکسان برای مدیریت تمام نقاط شهری بود، بلکه می‌بایست در اداره سیستم‌های شهری به تمام جوانب و واقعیت‌ها - که غالباً در شهرهای مختلف از هم متفاوتند - توجه داشت. بنابراین لازم نیست که حتماً نظام واحدی برای اداره‌ی شهر وجود داشته باشد. (اردشیری، ۱۳۸۵: ۵)

اگر به وظایف شوراها از بعد کالبدی و در حیطه مسائل توسعه و عمران شهری دگر بسته شود، می‌توان دریافت که قانون موجود فاقد ظرفیت لازم برای دخالت شوراها در این زمینه است



توانند در حوزه‌ی خود (شهر و روستا) به عنوان تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی وظایف خود را به انجام رسانند. (۲۱۷، ۲۰۰۲، button)

نارسایی‌های سیستم مدیریتی شوراهای

- جایگاه شورای نظام مدیریتی کشور:

شورای شهر فاقد ارتباطی قانونی با تمامی نهادهای ذی ربط در مدیریت شهری در سطح محلی است. اختیار قانونی لازم را برای کنترل و نظارت بر عملکرد ادارات و سازمان‌های دولتی که به صورت موزی یا شهرداری به انجام وظیفه می‌پردازند - بدون اینکه الزام به هماهنگی با شهرداری و تبعیت از تصمیمات و سیاست‌های شورای شهر داشته باشند - ندارند. (پرهیزگار و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۴)

- کمبود نیروی متخصص و آموزش دیده: با وجود آن که بر طبق شوراها، شوراهای شهر می‌توانند در مسایل مربوط به تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و مدیریتی از نیروی متخصص بهره بگیرند و اقدام به تشکیل کمیته‌های تخصصی کنند، ولی مسئله اساسی در اینجا، کمبود نیروی

متخصص است. شهرداری باید دارای کادر متخصص باشد که شهردار و همچنین شورای شهر را از مسائل مدیریتی آگاه سازد و آنها را راهنمایی کند. مسئله دیگر در این زمینه، مربوط به خود اعضای شورای شهر است که آموزش و تجربه کافی را در قوانین و فرایندهای حاکم بر سیستم اداری ندارند (همانجا). توجه به توان مدیریت علمی شهری در تمام دنیا حرف اول را می‌زند. ما برای اداره‌ی شهرها نیاز به افرادی داریم که هم آشنا به دانش و فنون شهری باشند و هم از همه امکانات در اداره‌ی شهر استفاده کنند (فرهودی، ۱۳۸۶: ۱۲).

- نبود سیستم اطلاع‌رسانی مناسب در نظام مدیریت شهری: با توجه به پیچیدگی مسایل شهری و نیاز به دسترسی اطلاعات و واقع‌بینی در تصمیم‌گیری و نیاز در جهت مدیریت منسجم شهری، لازم است که به موازات تشکیل انجمن‌های شورا یاری در سطح محله‌ها و نواحی شهری و شوراهای فرعی در کمیته‌های مشورتی معاونت‌های شهرداری، به تشکیل پایگاه اطلاعاتی و سیستم اطلاع‌رسانی کارآمد اقدام شود. (پرهیزگار و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵)

- از دیگر مشکلاتی که مدیریت شهری در ایران یا آن روبرو است: داشتن نگاه انتصابی به جای نگاه انتخابی است: یعنی شهردار منتصب (فرهودی، ۱۳۸۶: ۱۰).

شوراها و جانشینی وزارت کشور

از آنجا که اصل هفتم قانون اساسی، شوراها را یکی از ارکان کشور تعریف می‌کند، موجودیت شوراها جنبه‌ی الزامی می‌یابد. در واقع تعطیل شدن نهاد شوراها، به منزله‌ی تعطیل شدن رکنی

از ارکان کشور است (نوروزی، کامبیز، ۱۳۸۰: ۶۹). از این جهت تفاوتی میان شوراها و سایر ارکان کشور نیست. همچنان که تعطیل شدن ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و جز اینها خلاف قانون اساسی و نمایندگی کشور است. تعطیل شدن شوراها نیز با اصول قانون اساسی و اصول حکومت مغایر است. سازمان شوراهای اسلامی، خارج از سلسله مراتب سازمانی قوای سه‌گانه‌ی حکومتی (مجریه، مقننه، قضائیه) است. این نوع سازمان‌ها را - که در شمار سازمان‌های عمومی غیر دولتی اند - همچنین باید غیر حکومتی دانست. هر شورا به طور مستقل دارای شخصیت حقوقی است و در حوزه‌ی انتخابی خود تحت مدیریت هیچ‌کدام از مراجع یا ادارات حکومتی قرار ندارد. حتی تصمیمات شوراها برای سازمان‌های کشوری لازم الاجراست (نوروزی، ۱۳۷۸: ۳۲). غیر از اصل هفتم قانون اساسی و اصول

بررسی سیستم‌های مدیریت شهری در جهان حاکی از آن است که بیش‌تر آن‌ها مدیریتی مستقل و مردمی بر اساس قانونگذاری و نظارت از سوی شورای شهر دارند

فصل هفتم آن، که شالوده شخصیت و موقعیت حقوقی شوراها در ایران را تشکیل می‌دهد، روح حاکم بر قانون شهرداری و قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری حاکی از آن است که قوای حکومتی موظفند کلیه اقدامات لازم برای تشکیل آنها را به نحوی به انجام رسانند که همواره وجود داشته باشند و جز در

موارد اضطرار و به صورت موقت امکان جانشینی برای وزارت کشور نیست (نوروزی، کامبیز، ۱۳۸۰: ۶۹). جانشینی وزارت کشور و قائم مقامی استاندار به جای شورای شهر تهران یا شوراهای شهر و بخش، خلاف قواعد و استثنائاتی است. وزارت کشور از اجزای قوه‌ی مجریه بوده و عالی‌ترین مقام آن، وزیر کشور، توسط رئیس‌جمهور و با تأیید (رای اعتماد) مجلس شورای اسلامی منصوب می‌شود. استانداران نیز توسط قوه‌ی مجریه انتصاب می‌شوند و سایر مقامات و کارکنان وزارتخانه هم در سلسله مراتب سازمانی یا ابلاغ وزیر یا اجازه‌ی مستقیم یا غیر مستقیم وی منصوب می‌گردند. به تعبیر دیگر، در حالی که اعضای شورا با انتخاب مستقیم مردم منصوب می‌شوند انتخاب کارکنان قوه‌ی مجریه اصولاً ارتباط مستقیمی با مردم نداشته و در سلسله مراتب اداری و با تصمیمات مقامات اداری صورت می‌گیرد (نوروزی، ۱۳۷۸: ۳۴).

شهرداری و شورای اسلامی شهر

شوراهای اسلامی شهر و شهرداری دو نهاد وابسته و پیوسته به یکدیگرند که اعتبار و اقتدار هر یک در واقع اعتبار و اقتدار دیگری است. شورای اسلامی شهر از طریق سوال، استیضاح و عزل شهردار و تصویب بودجه و تفریح آن حربه مهمی برای نظارت و راهبردی شهردار و شهرداری در اختیار دارد و به این ترتیب می‌تواند از اجرای مصوبات شورا اطمینان حاصل کند. از بررسی ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران این معنا حاصل می‌شود که وظایف عمده شورای شهر در ارتباط با شهرداری است و در مورد سایر



منابع و مآخذ

۱. ابوالحسن، مهیار. مباحثات اجتهادی در انتخاب و انتخاب شوراهای شهرها. شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۶.
۲. ابوالحسن، مهیار. سبب استیفاء شورای شهرها. شماره ۲، مردم سالاری، شهرزادیه، شماره ۲۰، آبان ۱۳۸۴.
۳. آرشیدی، کورن. شهریار خوب تر. تاروی انتخاب با استناد، شهرزاد، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۶.
۴. اعلی، طاهر، حسین. حکمرانی شهری، گامی نو به افق‌های شهرزاد، شهرزاد، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۶.
۵. پویانی، یونس. محققان، نگاه شهریاران، مدیریت و مباحثات شهری، شهرزاد، شماره ۳، شهریور ۱۳۸۶.
۶. پیرمیرزا، یونس. حکم‌تاریکات، شورای اسلامی شهر، کتک‌ها و ننگ‌ها، شهرزادیه، شماره ۳۵، فروردین ۱۳۸۱.
۷. شکرزاده، شهرزاد. شورای اسلامی شهر و جامعه شهرزادیه، شماره ۱، خرداد ۱۳۷۳.
۸. رحمانی، محمد. آشنایی با شوراهای اسلامی کشوری، نشر فرهنگ، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۹. شاه حسینی، ناصر. شوراهای مدیریت فرهنگی شهر، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۶.
۱۰. مقلبی، یونس. محبت و رشاد، شهرزاد و مردم‌شهرزادیه، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۶.
۱۱. غازی، محمد. شوراهای ایران، چون با چگونه بودن، شهرزاد، شماره ۲، شهریور ۱۳۸۵.
۱۲. قاضی، آروین. یک دریا، یک نگاه، شهرزادیه، آبان ۱۳۸۰.
۱۳. فرهودی، فاطمه. شواهد و انتخاب شهرها، شهرزادیه، شماره ۷۹، زمستان ۱۳۸۶.
۱۴. فریدی، عزیزان. مفاهیم مطلوب برنامه ریزی شهری، نشر فرهنگ، چاپ دوم، آبان ۱۳۸۰.
۱۵. کاتب، علیرضا. حقوق شهری و شهرسازی، انتشارات مصححان، دوم، ۱۳۸۵.
۱۶. ماسوری، علیاکبر. قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، نشر نشریه، تهران ۱۳۸۵.
۱۷. نوروزی، احمد. شهر و مشارکت، شورای اسلامی شهرزادیه، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۶.
۱۸. نوروزی، امیر. چاب آبان ۱۳۸۰.
۱۹. نوروزی، امیر. مباحثات اجتهادی بر مبنای حقوق اسلامی شوراهای اسلامی کشوری، شهرزادیه، شماره ۱، خرداد ۱۳۷۸.
۲۰. هاشم پور، رسول. ویژگیهای شهرداریات شهرزاد، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۷۶.

تصویب قانون شوراهای اسلامی منتهی است) (متنصور، ۱۳۸۵: ۱۳۴). از فاصله خرداد ۱۳۸۶ تا امروز بیش از ۳۴۰ عنوان قانون در زمینه‌ی امور شهرداری از تصویب دوره‌های مختلف مجلس شورای ملی و شورای اسلامی گذشته است (نوروزی، کامبیز، ۱۳۸۰: ۱۹).

مدیریت واحد شهری در ایران نیز برای اولین بار در خط مشی‌ها و سیاست‌های کلان بخش مسکن و عمران شهری در اسناد بیوست برنامه پنج ساله دوم مطرح شد و سپس در مواد ۱۳۶ قانون برنامه پنج ساله سوم و بند ب ماده ۱۳۷ برنامه پنج ساله چهارم تکرار شد و در نهایت در ماده ۷۸ مکرر ۲ الحاقی به قانون شوراهای مصوب ۸۲/۷/۶ پیگیری و مدیریت عالی تحقق مدیریت واحد شهری به شورای عالی استان‌ها واگذار شد (زمانی، ۱۳۸۰: ۹۷).

اصلاح قانون شوراهای

شوراهای دچار مشکلات و نارسایی‌های ساختاری نیز هستند؛ به ویژه قانون شوراهای نیاز به بازنگری‌های شایسته به منظور شفاف‌سازی و قدرتمندی بیشتر دارد (ابوترابی، ۱۳۸۰: ۳۸). اصلاح قانون شوراهای باید به سمنی باشد که حضور شوراهای را در کشور نهادینه سازد (فامیلی، ۱۳۸۰: ۳۵).

نتیجه‌گیری

شوراهای اسلامی در پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی به نحو موثرتری کارساز بوده و مردم می‌توانند از طریق شوراهای، آگاهی‌های لازم را برای شرکت و تصمیم‌گیری در امور جامعه به دست آورند، اما هنوز راه‌های زیادی را باید برای توسعه فرهنگ مشارکت مردم طی کرد. هر چه محدودیت‌ها از دست و پای شوراهای برچیده شود تا نیازهای واقعی مردم جامعه عمل پیوسته، طبیعتاً اعتماد مردم به شوراهای افزایش خواهد یافت و برعکس عدم اعتماد مردم، عدم مشارکت آنان را به دنبال خواهد داشت. در این مسیر باید شوراهای را از گرفتار شدن در زنجیر ساختار دولتی برحذر داشت و سایه سنگین نظارت دولتی را از روی آنان کاهش داد چرا که شوراهای، نهادی مردمی و عهدمدار امور مختلف محلی هستند. اختیارات مطروحه در قانون شوراهای از جهت نحوه تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بصورت کلی و مبهم است و دقیقاً حدود آن معین نشده و چه بسا بیم تعدل و وظایف آنان با اختیارات دستگاه‌های عمومی و دولتی می‌رود.

بدین ترتیب به روشنی و شفافیت اختیارات شوراهای باید اصرار کرد و در کنار آن بر عیزان اختیارات آنان باید افزود و به جای آن که اختیارات شوراهای منحصر در امور شهرداری باشد، دولت را باید قانع کرد تا بخشی از وظایف محلی خود را به شوراهای واگذار کند. زیرا همین امر موجب صرفه‌جویی در منابع مالی و انسانی و هزینه‌ها و امکانات و زمان و انرژی می‌شود و در عوض کارهای بیشتری صورت خواهد گرفت (زمانی، ۱۳۸۰: ۹۸-۹۷).

وظایف شورای شهر ضمانت اجرایی خاصی بیش بینی نشده است. این یکی از نقایص قانون موجود است و شاید به این دلیل است که در برخی از موارد شورای شهرداری می‌نماند (کامبیز، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۱).

شهرداری، یکی از شخصیت‌های حقوقی حقوق عمومی است که در فرایند تخصصی‌تر شدن امر مدیریت عمومی جامعه ملی و به منظور رفع نیازهای جامعه شهری و اعمال مدیریت شهری توسط قانون‌گذار ایجاد شده است. شخصیت شهرداری مستقل از دولت است و تبعاً در مواردی خاص، که مورد اشاره قانون‌گذار باشد، مسئول قوانین عمومی است. در واقع شهرداری، از قوانین مخصوص به خود تبعیت می‌کند. به همین ترتیب شهرداری در سلسله مراتب سازمانی قرار نداشته و قاعدتاً رابطه طولی با این شخصیت حقوقی است (نوروزی، کامبیز، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۸).

نباید فراموش کرد شهرداری زیر مجموعه‌ی شورای اسلامی نیست. این نهادها هر یک شخصیت حقوقی مجزایی دارند. ماده ۱۷ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور مصوب یکم آذر ۱۳۶۱ که در حال حاضر قابل استناد است بیان می‌دارد: «شوراهای دارای شخصیت حقوقی بوده، حق اقامه دعوا علیه اشخاص حقیقی و حقوقی و دفاع در مقابل دعوای آنان علیه شهر را دارند». ماده ۳ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۲ بیان می‌دارد: «شهرداری دارای شخصیت حقوقی است بنا بر این از منظر قضایی دعوای شهر داری متوجه شورای اسلامی نیست، اگر چه ممکن است در پاره‌ای موارد هر دو نهاد مستقیماً طرف دعوا واقع شوند» (کامبیز، ۱۳۸۵: ۸۲).

مدیریت شهری (شوراهای و شهرداری‌ها)

شوراهای اسلامی شهر و شهرداری‌ها به عنوان دو بازوی نظارتی و اجرایی نظام مدیریت شهری، نقش اساسی در روند اداره شهر ایفا می‌کنند. شهردار به عنوان مدیر اجرایی شهر، مسئول اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مصوب است. انتخاب شهردار که بالاترین مقام اجرایی شهر است به وسیله شهر، از مهمترین وظایف شوراهای شهری به شمار می‌آید (ابوالحسنی، ۱۳۸۶: ۹). واژه شهرداری به معنای اطلاق می‌شود که شهر را چه از طریق بخش دولتی و چه از طریق بخش خصوصی اداره می‌کند. حوزه کارکرد این مدیریت در کشورهای پیشرفته تمامی امور شهر است و در کشور ما نیز پس از تحقق مدیریت واحد شهری چنین خواهد شد (هاشم پور، ۱۳۸۶: ۱۳).

تاریخ شکل‌گیری مدیریت شهری

اولین قانون که در زمینه‌ی مدیریت جامع شهری وضع شد، در دومین سال تأسیس شورای ملی عنوان قانون بلدیة را بر خود داشت. این قانون در بیستم ربیع الثانی سال ۱۳۲۵ قمری برابر با دوازدهم خرداد ۱۳۸۶ خورشیدی در اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی مشروطه تصویب شد که در ۵ فصل و ۱۰۸ ماده تنظیم شده بود (نوروزی، کامبیز، ۱۳۸۰: ۱۹). (در حال حاضر این قانون شامل ۹ فصل و ۱۱۲ ماده است که البته مواد ۱۱۴ الی ۱۱۹ یا



مفهوم پایداری در شهرهای امروزی جهان

محمد اکبر پورسرانستگار رود

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

مستانه ستوده

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

مقدمه

شهرها اکوسیستم‌های بازی هستند که در آنها منابعی چون غذا، سوخت، مواد خام، هوا و آب برای تولید محصولات مادی در کنار ایده‌ها، اطلاعات، آموزش، فناوری‌های جدید و خدمات جدید به کار گرفته می‌شوند. شهرها هوای آلوده، آب آلوده و ضایعات نیز تولید می‌کنند. سوال اینجاست که شهرها چگونه می‌توانند به شکل کارآمدتر و عادلانه‌تری اهداف مختلف و گاهی متعارض خود را تأمین کنند، در حالی که نیاز خود را به منابع خارجی کاهش می‌دهند و محیطی پدید می‌آورند که در آن سعادت و آسایش تمام شهروندان در اولویت قرار داشته باشد (Portney, 2002). آنچه در سال‌های اخیر در میان محافل علمی و نهادهای رسمی برای رسیدن به این امر با تأکید بسیار مطرح گشته، موضوع پایداری در قالب‌های توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی شهری پایدار و نهایتاً شهر پایدار است. بدین منظور مجامع بین‌المللی فراوانی مقوله پایداری در شهرها را مورد بحث و بررسی قرار داده و با تدوین سیاست‌ها و دستورالعمل‌هایی سعی در به عینیت در آوردن آن دارند. به رغم تمامی این تلاش‌ها یک اتفاق نظر کلی و جامع پیرامون این موضوع شکل نگرفته و گواه این امر ارائه تعاریف جدید، بازخوانی تعاریف گذشته، تدوین سیاست‌ها و راهکارهایی متنوع از سوی محافل علمی و نهادهای گوناگون است که موجب شده، موضوع پایداری در شهرها ابعاد پیچیده و گسترده‌ای به خود بگیرد.

در همین ارتباط مقاله حاضر با ارائه چارچوبی مبتنی بر مفهوم «امروز» مفهوم پایداری در شهرها و ترکیبات جدا شده از آن مانند توسعه‌ی شهری پایدار را مورد مطالعه قرار داده است.

شهر امروزی

پایداری که در ابتدا همچون ایده‌ای ذهنی ظهور کرد و در سال‌های میانی سده‌ی بیستم در حیطه‌ی نظری بدل به مفهومی فراگیر در ابعاد متنوعی مانند زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی شده بود، در دو دهه‌ی پایانی این سده با مطرح شدن در مجامع بین‌المللی و در میان سازمان‌های رسمی به عنوان دستور کار، تبلور عینی یافت. در واقع به دنبال طرح مسایل جدی زیست نظیر آلودگی هوا و سدای ناشی از تمرکز صنایع و وسایل نقلیه‌ی موتوری، توسعه بی‌رویه و نامحدود شهرها به صورت‌های افقی و عمودی، جنگل‌زدایی و افزایش میزان نابودی گونه‌ها، تولید بی‌سابقه‌ی پسماندها، پدیدار شدن اثرات گلخانه‌ای و جزایر حرارتی، افزایش ضمای کره زمین و از طریق انتشار آثاری مانند آنچه که در قسمت قبلی به آنها اشاره شد، سازمان‌های رسمی نیز در مقام پاسخگویی در قبال مسایل مطرح شده بر آمدند (بحرینی، ۱۳۸۵، ۲۵۷، ۲۶۶). بنین ترتیب بحث پایداری در قالب توسعه پایدار (sustainable development) در سال ۱۹۸۷ میلادی از طریق گزارش موسوم به گزارش بروانت لند تحت عنوان آینده مشترک ما توسط کمیسیون جهانی محیط و توسعه به طور رسمی در دستور کار سیاسی قرار گرفت (زیاری، ۱۳۸۰: ۲۲). همچنین در سال ۱۹۹۲، در اجلاس سازمان ملل در شهر ریو دوژانیرو سندی با عنوان اجلاس سران زمین در همین رابطه به دست ۱۷۸ کشور امضا شد که به عنوان دستور کار ۲۱ انتشار یافت. بر طبق سند مزبور تمام کشورها به تدوین برنامه‌های راهبردی و عملی برای اجرای مفاد دستور کار ۲۱ در مقیاس ملی کشور خود تحت عنوان دستور کار محلی ۲۱ مکلف گردیدند (گلکار، ۱۳۷۹: ۴۵). از این پس پایداری در قالب ترکیباتی چون توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی شهری پایدار، شهرهای

پایدار و غیره بارها و بارها از سوی شخصیت‌ها و محافل علمی و نیز سازمان‌های رسمی تعریف شد و بدین ترتیب به خصوص در دهه‌ی ۱۹۹۰ نوشتگانی غنی از تعاریف و مفاهیم و ترکیبات مشتق از پایداری شکل گرفت. بر همین اساس تجاربی ارزنده با رویکرد پایداری در برخی کشورها به منحصه ظهور رسیدند که البته این روند با حمایت محافل رسمی همچنان تداوم یافته است (Hall, 1992, 22).

الف) مفهوم توسعه پایدار

مفهوم توسعه‌ی پایدار مفهومی در حال تحول و بحث برانگیز است. رایج‌ترین تعریف از توسعه‌ی پایدار توسط کمیسیون برانت لند ارائه شده است. که توسعه‌ی پایدار را چنین تعریف می‌کند: توسعه‌ای که نیازهای نسل امروز را بدون محدود کردن امکانات نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان پاسخ‌گو باشد (Rees Roseland, 1991). همان‌گونه که در تعریف نیز دیده می‌شود این نوع از توسعه در برگیرنده دو مفهوم کلیدی است:

۱. مفهوم نیازها و برآوردن آنها به ویژه نیازهای ضروری اقشار محروم که واجد اولویت هستند.
۲. تفکر در مورد محدودیت‌های محیط‌زیست و فشار وارد شده بر آن برای پاسخگویی نیازهای حال و آینده. چوگون "در همین رابطه یعنی توجه به نیازهای نسل حاضر یا در نظر گرفتن نسل‌های آینده این‌گونه اظهار نظر می‌کند: "توسعه‌ی پایدار به حداقل رساندن مصرف منابع غیر قابل تجدید را در رأس اهداف خود قرار می‌دهد و در این راستا بهره‌برداری پایدار از منابع تجدید شونده، جنب ظرفیت‌های محلی و پاسخگویی به نیازهای بشر مدنظر قرار می‌دهد" (چوگون، ۱۹۹۲: ۲۳).

ب) مفهوم توسعه‌ی شهری پایدار

امروزه شهرها به عنوان مصرف کننده و توزیع کننده‌ی اصلی کالاها و خدمات تبدیل به نقاط کانونی بحث پایداری شده‌اند، با این وجود، بسیاری از شهرها با مصرف بیش از حد منابع موجود، مناطق اطراف خود را از بین می‌برند. در نتیجه افزایش مصرف منابع و وابستگی به اقتصاد تجاری، آثار مخرب زیست‌محیطی شهرها به خارج از مرزهای جغرافیایی‌شان گسترش می‌یابد. بنابراین به منظور دستیابی به یک وضعیت پایدار واقعی و نه خیالی در شهرها در ادامه مباحث توسعه‌ی پایدار، تدوین سیاست‌هایی برای دستیابی به شهرهای پایدار ضروری می‌تواند. به همین منظور مقوله‌ای مهم تحت عنوان توسعه‌ی شهری پایدار در طول دهه ۱۹۹۰ و تا به امروز مورد توجه واقع شده است. توسعه‌ی شهری پایدار را می‌توان به عنوان توسعه‌ای تعریف کرد که "سلامت اجتماعی و زیست‌محیطی بلند مدت شهرها را بهبود بخشد". براساس این تعریف راسناهای اصلی پایداری شهری باید زمینه‌های زیر را در بر داشته باشند:

۱. کاربری فشرده و با کارایی: بدون شک الگوی کثونی توسعه‌ی شهری، زمین و محیط اطراف شهرها را به صورت ناپایدار به مصرف می‌رسانند.
۲. اتومبیل کمتر دسترسی بیشتر: سیستم‌های کثونی حمل‌ونقل مجموعه‌ای پیچیده از مسایل شهری نظیر

آلودگی‌های هوا، ازدحام، فرسودگی، گسترش بی‌رویه تخریب اکوسیستم‌ها و جداسازی اجتماعی را به دنبال داشته‌اند. ۳. کارایی در استفاده از منابع: آلودگی و مولد زائد کمتر و حرکت به سوی پایداری: به معنی توجه بیشتر به جریان انرژی و مواد از طریق جامعه انسانی و برنامه‌ریزی برای استفاده معقول‌تر از منابع است.

۴. احیای سیستم‌های طبیعی: گرچه بسیاری از مناطق شهری به خاطر کفوش‌ها، ساختمان‌ها و حتی گیاهان غیر بومی کاملاً مصنوعی به نظر می‌رسند. با وجود این تقریباً در هر شهری می‌توان مختاری از عناصر مربوط به اکوسیستم اولیه را یافت که قابل احیا و حفاظت می‌باشد.

۵. مسکن و محیط زندگی خوب: یکی از اهداف اصلی شهر ایجاد مکان‌های مطلوب برای زندگی ساکنان است و چنانچه چنین مکان‌هایی وجود نداشته باشد و یا به علت گرانی آنها قابل دسترسی نباشد، در این صورت نظام شهری دچار مشکل خواهد شد.

۶. زیست‌بوم‌شناسی اجتماعی سالم: سلامت اجتماعات انسانی در یک منطقه‌ی شهری را به مراتب مشکل‌تر از اکولوژی طبیعی می‌توان درک کرد. تحقق یک اکولوژی اجتماعی سالم و پایدار به معنی جست‌وجوی موقعیت‌هایی است که بتواند اجتماع انسانی، موقعیت و شرکت در قدرت را ارتقا بخشد.

۷. اقتصاد پایدار: ایجاد اقتصادی که سلامت بلند مدت نظام‌های انسانی و طبیعی را ازج نهد ولی از نظر کلی یک اقتصاد منطقه‌ای پایدار باید حول سه اصل متمرکز شود: اول این که باید بگفته "هاکن" یک اقتصاد احیا کننده باشد یعنی اقتصادی که به احیا خسارات اجتماعی و زیست محیطی گذشته پرداخته و از بروز مسایل جدید جلوگیری کند. دوم این که اقتصادی باشد انسان‌گرا یعنی بتواند نیازهای واقعی انسان را تأمین کرده و کار معنی داری در مقابل دستمزد معقول برای مردم تأمین کند. سوم این که باید اقتصادی محلی باشد یعنی بر حاکمیت محلی، سرمایه‌گذاری محلی، استفاده از منابع محلی، تولید برای بازارهای محلی تأکید داشته باشد.

۸. مشارکت مردم: یکی از مهم‌ترین اجزای پایداری شهری ایجاد و دموکراسی عملی بیشتر در سطح محلی و منطقه‌ای است که به نوبه خود می‌تواند موجب به وجود آمدن تغییرات مثبت دیگر باشد.

۹. حفظ فرهنگ و درایت محلی: قوت و اعتبار هر منطقه‌ی شهری بیشتر در سنن فرهنگی و رابطه خاصی که ساکنان آن با یکدیگر و با زمین برقرار می‌کنند نهفته است. فرهنگ تاریخ و درایت محلی پایداری را بالا برده و بنابراین در حفظ و اعتلای آنها باید کوشید (بحرینی، ۱۳۸۵: ۴۷-۵۷).

ج) راهبردهای توسعه‌ی شهری پایدار

نوع مداخله به منظور تحقق توسعه‌ی شهری پایدار در مقیاس‌های مختلف بین‌المللی، ملی و محلی متفاوت بوده و مسایل مختلفی را در برمی‌گیرد (عزیزی، ۱۳۸۰: ۲۲). در مقیاس بین‌المللی می‌توان به کنفرانس سازمان ملل متحد در



زمیندهی محیط زیست انسان در استکهلم در سال ۱۹۷۲، کنفرانس محیط زیست و توسعه یا اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ و کنفرانس مجمع جهانی توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ اشاره کرد. به طور کلی عواملی که در مقیاس جهانی سبب تهدید زندگی انسان‌ها می‌شوند، نظیر افزایش میزان آلودگی، از بین رفتن منابع غیر قابل تجدید، گسترش فقر، افزایش جمعیت جنگل‌زدایی و از بین رفتن گونه‌های گیاهی، مصرف بالای انرژی و غیره سبب می‌شوند تا در سطوح بین‌المللی برای این معضلات راهکارهایی اندیشیده شود. این راهکارها بیشتر جنبه راهبردی دارند و بدون وجود دستورکارها و قوانینی در سطوح پایین‌تر قابلیت اجرا نخواهند داشت. در مقیاس ملی هدف آن است که راهبردهای ارائه شده در سطوح بین‌المللی در سطح ملی



تدوین شده و به مرحله اجرا در آیند. به عنوان مثال مسئله گرم شدن زمین به عنوان یک بحران زیست محیطی در رأس برنامه‌های کاری بسیاری از شهرهای جهان قرار گرفته است. در کنفرانس شهرداران ایالات متحده در ژوئن ۲۰۰۶ به کاهش سریع و قابل توجه در مصرف سوخت‌های فسیلی در تمام ساختمان‌ها - هم برای ساخت و هم برای گرمایش و سرمایش - رای داده شد. هدف مطرح شده در این کنفرانس این بود که موجودی ساختمان این کشور تا سال ۲۰۲۰ با قطع استفاده از سوخت‌های ساخته شده از نفت، ذغال سنگ یا گاز طبیعی آزادکربن شود (Pierce, ۲۰۰۷, ۸۷). طبق موارد بالا در سطح ملی هدف آن است که راهبردهای کلی و جامع بین‌المللی با شرایط خاص هر کشور منطبق شوند. اما مسئله‌ای که نباید فراموش شود این است که هر کشور یا کلان‌شهری برای دستیابی به اهداف ملی خود نیاز به تدوین راهبردهای محلی توسعه‌ی شهری پایدار دارد تا پاسخگوی شرایط زیست محیطی، سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سازمان‌مدیریت شهری باشد. بنابراین می‌توان گفت که عمده‌ترین مباحث و راه‌حل‌های توسعه‌ی پایدار شهری در مقیاس محلی مطرح می‌شوند (عزیزی، ۱۳۸۰: ۲۵). دو عامل مهم رسیدن به توسعه‌ی مناسب در مقیاس محلی، یکی توجه به نقش و اهمیت حکومت محلی و دیگری مقوله‌ی مشارکت شهروندان در گرفتن و اجرای تصمیمات است. در این ارتباط مایکل ویلیس^۱ اعتقاد دارد که حکومت محلی عهده دار انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد ارزش‌های اجتماع در گرفتن تصمیماتی است که مستقیماً پایداری شهرها را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین بهترین نقطه شروع، حرکت به سوی پایداری محسوب می‌شود. یقیناً تمام حاکمان عمیقاً به

ارزش دموکراسی محلی آگاهی و باور دارند. دموکراسی محلی نقشی مهم در دستیابی به پایداری در شهرها ایفا می‌کند. اگر این جمله هوشمندانه را که تمام سیاست‌ها محلی هستند^۲ باور داشته باشیم، می‌دانیم هیچ فرآیندی نمی‌تواند قدرتمندتر از فرآیند دموکراتیک باشد که در هماهنگی با اجتماع و اعضای آن فعالیت می‌کند تا نتایج پایدار به بار آورد (Willis, ۲۰۰۶, ۹). برای نمونه از تبلور عینی سیاست‌های بین‌المللی در ارتباط با پایداری مولفه‌های زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی می‌توان به ایجاد واحدهای همسایگی پایدار به مثابه اقدام محلی اشاره کرد. برای دستیابی به پایداری اقتصادی، هم به معنای کاهش هزینه حمل‌ونقل و هم زیرساخت‌ها، باید اندازه واحد همسایگی محدود شود اما در عین حال تراکم‌ها نسبتاً بالا باشند. بارها به این نکته اشاره شده است که امکان طی کردن مسیری پیاده به سوی یک نقطه کلونی خواهد بود یک مدرسه یا هر ساختمان مهم دیگری، در تعریف واحد همسایگی نقشی اساسی دارد و بسیاری از سفرهای نیازمند به وسیله نقلیه را حذف خواهد کرد. پجه‌های کم سن نباید برای رسیدن به دبستان مسافتی بیش از ۵۰۰ متر را پیاده بپیمایند، بنابراین قطر یک واحد همسایگی باید حدود یک کیلومتر باشد. در صورتی که فروشگاه‌ها و مراکز خرید در مرکز واحد همسایگی مستقر شوند از سفرهای بی‌مورد جلوگیری شده و فرصتی نیز برای برقراری ارتباط اجتماعی بین مردم فراهم خواهد شد. همچنین در راستای رسیدن به پایداری باید بخشی از اشتغال مورد نیاز در هر واحد همسایگی تأمین شود. به نظر می‌رسد با محدود شدن جمعیت ایجاد رابطه آزادانه بین شهروندان سهیل شده و جامعه‌ی شهری به سوی پایداری اجتماعی حرکت کند. با ایجاد انسجام بین این افراد می‌توان انتظار داشت که قدرت لازم برای بهبود وضعیت واحد همسایگی و شهر را از طریق برقراری ارتباط با نهادهای مسئول همچون شهرداری پیدا کنند. کنش اجتماعی در سطح محلی اولین گام برای مشارکت مردم در تصمیماتی است که بر زندگی ایشان تأثیر می‌گذارد. اهمیت مشارکت محلی از آنجا نشأت می‌گیرد که بیشتر مشکلات در مقیاس محلی اهمیت بسیار ساده و پیش‌پا افتاده‌ای دارند و می‌توان آنها را با ایجاد یک ساختار مناسب و کارآمد محلی رفع کرد. ضمناً برای دستیابی به پایداری زیست محیطی، ایجاد پارک و فضای سبز در مقیاس محلی و ترجیحاً در مجاورت دبستان‌ها اهمیت بسیار زیادی دارد. چنین فضاهایی علاوه بر اثر زیست محیطی‌شان به عنوان مکان ملاقات و ایجاد برهمکنش و ارتباط بین مردم از گروه‌ها و سنین مختلف خدمات‌رسانی می‌کنند و بدین وسیله به پایداری اجتماعی کمک می‌کنند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین عنصر پایداری در سطح محلی همین مکان‌های ملاقات و برخورد مردم باشد زیرا ملاقات با همسایگان و حل مشکلات محلی از طریق بحث و گفت‌وگو پیش شرطی برای پایداری اجتماعی است (Choguill, ۲۰۰۷).

(د) مفهوم شهر پایدار و نمونه آن

هدف از در پیش گرفتن سیاست‌های مبتنی بر توسعه‌های



بی نوشت

- 1-sustainability
- 2-Sustainable development
- 3-Sustainable city
- 4-Sustainability in cities
- 5-Car Common Future
- 6-Rio Earth Summit
- 7-Agenda 21
- 8-Chicago
- 9-carbon neutral
- 10-Willis, Michael
- 11-ISC
- 12-Institute for Sustainable Communities
- 13-Whelan, Stephen
- 14-Caticha
- 15-compact city
- 16-densit
- 17-compactness

منابع:

۱- انجمن بین‌المللی (۱۹۸۵)، مفاهیم نوآرنگد و میراث آن در شهرسازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۲- پیشه‌پیش (۲۰۰۳)، برنامه‌ریزی برای پیمایش در شهرهای اروپا، بازنگری تجربیات شهرهای پیشرو به نقل از وزارت اسکان و سلب، بیروت، ۱۳۸۲، نشر فرهنگ ایران، توسعه شهری

۳- برنامه‌ریزی شهری، ترجمه کاترین، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی

۴- جاکوب چارلز (۱۹۹۶)، شهرهای پایدار: سیستم‌های شهری برای آینده، به نقل از محمد مهدی عیوبی، ۱۳۸۰، توسعه شهری پایدار، دانشکده و دبیرستان از دانشگاه تهران، فصلنامه صفه دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳

۵- رابینسون، پیو، بیوس و لیندن (۱۹۹۶)، برنامه‌ریزی شهری در تورینما، به نقل از وزارت اسکان پیشه‌پیش، ۱۳۸۲، نشر فرهنگ ایران، توسعه شهری پایدار، ترجمه کاترین

۶- کاترین، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی

۷- رابینسون، پیو، بیوس و لیندن (۱۹۹۶)، توسعه شهری پایدار، دانشکده و دبیرستان از دانشگاه تهران، فصلنامه صفه دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳

۸- گلکار، کووش (۱۳۷۹)، طراحی شهری پایدار در شهرهای خاسته کوب، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۸

۹- لکان، حسنی و معزیزه نیکانلو، جنبه (۱۳۷۸)، مفاهیمی بر مفهوم توسعه شهری پایدار و نقش برنامه‌ریزی شهری، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۸

زندگی خوبه اکولوژی اجتماعی سالم و اقتصاد پایدار، مشارکت و مداخله اجتماعی و حفاظت از فرهنگ و استعداد های بومی می شود (Wheeler, ۱۹۹۸).

به عنوان نمونه از شهر پایدار می‌توان کوریتیا^{۱۲} در برزیل را مثال زد. اقداماتی نظیر اولویت قائل شدن برای حمل و نقل عمومی به جای اتومبیل‌های شخصی، همزیستی با طبیعت به جای انجام اقدامات متضاد با آن، تشویق مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی‌ها، توجه به مسیرهای پیاده و دوچرخه، بازداشت زباله به شیوه سنتی و غیره سبب شده تا کوریتیا به یکی از نمونه‌های پیشرو در زمینه‌ی توسعه‌ی شهری پایدار خلافتی بدل شود (رابینوچ و لیندن، ۱۹۹۶). برخی شهرهای اروپایی نیز مانند زوریخ، فرایبورگ، گنهایگ و آمستردام با اقداماتی مشابه مانند اولویت دادن به حمل و نقل عمومی، حذف تدریجی اتومبیل‌ها از مراکز شهری، ایجاد خطوط چنگاگانه برای دوچرخه و گسترش قلمروی عمومی با اولویت دادن به حرکت پیاده، گام‌هایی در راستای رسیدن به پایداری برداشته‌اند (بیتلی، ۲۰۰۲: ۶۷).

نمونه‌های بالا تنها چند نمونه از مصادیق عینی پایداری در شهرها بودند. علاوه بر این اقدامات عملی، در حیطه نظری نیز آموزه‌ها و انگاره‌هایی توسط محافل علمی و نهادهای ارگان‌ها ارائه شده است. از جمله انگاره‌ی شهر فشرده^{۱۳}. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که بین مفهوم شهر پایدار و مفاهیم تراکم^{۱۴} و فشردگی^{۱۵} روابط معناداری برقرار است. مجموعه‌ی دستاوردهای مطالعات به عمل آمده در خصوص رابطه بین تراکم جمعیتی و فشردگی کالبدی شهرها از یک سو و تقلیل در میزان مصرف انرژی و آسیب‌های زیست محیطی از سوی دیگر، امروزه در چارچوب نظریه شهر فشرده مطرح است. یکی از پیگیرترین حامیان رویکرد شهر فشرده، تشکیلات کمیسیون جامعه اروپا است که در سال ۱۹۹۰ میلادی با انتشار گزارشی به تبیین این مسئله پرداخت (گلکار، ۲۰۰۲: ۴۶ و ۴۷). طرفداران این انگاره بر این باورند که شهرهای فشرده از طریق کوتاه کردن فاصله سفرهای شخصی، کاستن از مصرف انرژی و اتلاف زمین، امکان پذیر کردن استفاده از حمل و نقل همگانی، استفاده از الگوی کاربری مختلط و فشرده، امکان استفاده از تاسیسات حرارتی و برق مشترک، ارتقا یوایی و سرزندگی شهرها با تراکم بیشتر، افزایش ایمنی و امنیت و غیره، برابر نهاد آتی تری مناسب برای حومه‌های گسترده و بی‌در و پیکر فعلی هستند (عزیزی، ۱۳۸۲: ۵۸ و لکانی، محمد زاده تیتکانلو، ۱۳۷۸: ۲۸ و گلکار، ۱۳۷۹: ۴۷). انگاره دیگری که برای رسیدن به مفهوم پایداری، امروزه مطرح شده، انگاره‌ی شهر هوشمند^{۱۶} است. اساس این انگاره مبتنی بر فناوری اطلاعات و روش‌های جدید بازگشت اطلاعات است. بدین معنی که اثرات جهانی شهرهای ما می‌تواند با یک سیستم اخطار دهنده سریع مجهز شود، به طوری که در صورت بروز هر اتفاق غیر قابل قبول، توجه لازم را به مسئولان بدهد. در شهرها می‌توان سیستم‌های بازگشت اطلاعات محیطی ایجاد کرد تا بتوانیم اثرات ناشی از مصارف روزانه بر محیط‌زیست را محاسبه کرده و آن را به حداقل برسانیم.

شهری پایدار، دستیابی به شهرهای پایدار است. مفهوم شهر پایدار و ویژگی‌های آن در دهه‌ی ۱۹۹۰ها از سوی محافل علمی و اندیشمندان و نیز سازمان‌ها و نهادهای رسمی و غیر رسمی مکرراً مورد توجه قرار گرفته است. توجه به این مفهوم در چنین طیف گسترده‌ای سبب شده تا یافتن تعریف واحدی از شهر پایدار امکان پذیر نباشد. در واقع هر یک از افراد و نهادهای بر اساس جنبه‌هایی خاص به تبیین مفهوم شهر پایدار مبادرت ورزیده‌اند. به عنوان نمونه به تعبیر هربرت ژرپارده و در قالب یک تعریف مقدماتی که فقط جنبه‌های زیست محیطی را در نظر گیرد، یک شهر پایدار به طریقی سازمان داده شده که تمام شهروندان آن ضمن رفع احتیاجات خود و بهبود بخشیدن به شرایط زیست خویش هیچ آسیبی به طبیعت وارد نکرده و شرایط زیستی سایر انسان‌ها را چه در زمان حال و چه آینده به خطر نیندازند (ژرپارده، ۱۳۸۲: مقدمه). بنابراین در قالب مولفه‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی و برهمکنش و ارتباط آنها با هم نهاد ISC^{۱۷} بنیاد با همستان‌های پایدار به گونه‌ای دقیق اجتماعات شهری پایدار را چنین توصیف می‌کند:

اجتماعات پایدار (Sustainable Communities): شهرهایی هستند که اقداماتی برای حفظ سلامتی در دراز مدت صورت داده‌اند. اجتماعات پایدار از یک حس مکان قوی برخوردارند. این شهرها چشم اندازی دارند که توسط تمام بخش‌های جامعه شامل حرقه‌های مختلف گروه‌های آسیب‌پذیر، طرفداران محیط زیست، مجامع مدنی، نهادهای دولتی و تشکل‌های مذهبی پذیرفته شده و فعالانه ارتقا داده می‌شود. این شهرها مکان‌هایی هستند که برای خود سرمایه ایجاد می‌کنند و جسارت نوآوری دارند. چنین اجتماعاتی برای اکوسیستم‌های سالم ارزش قائل می‌شوند منابع را به شکل کارآمد مصرف می‌کنند و فعالانه تلاش می‌کنند اقتصادی با اساس محلی را حفظ کرده و توسعه بخشند. اراده و عزمی فراگیر و داوطلبانه وجود دارد که دستاوردهای عینی و ملموس به بار می‌آورد. شرکات‌های بین حکومت بخش تجاری و سازمان‌های غیرانتفاعی عمومی و همگانی است. در این اجتماعات منظره‌ی عمومی متعادلانه، فراگیر و سازنده است. بر خلاف رویکردهای سنتی توسعه‌ی اجتماع، راهبردهای پایداری بر کل اجتماع (به جای محله‌های محروم)، حفاظت از اکوسیستم، مشارکت معنای، جدی و گسترده شهروندان، و خودانگیزی اقتصادی تاکید دارند^{۱۸}. حال سوال این است که یک شهر پایدار مطابق توصیفات بیان شده، از لحاظ کالبدی باید چه فرمی داشته باشد؟ یعنی ارکان اصلی شهر نظیر فرم شبکه‌های عبوری، کاربری زمین، تراکم‌ها، کیفیت و کمیت مسکن، شکل محلات و غیره باید به چه صورت باشند تا شهری پایدار داشته باشیم؟ استیون ویلر^{۱۹} در مقاله خود در سال ۱۹۹۸ چارچوبی ارائه می‌کند که می‌تواند به درک بهتر شکل یک شهر پایدار کمک کند. عناصر تشکیل دهنده‌ی این چارچوب شامل کاربری فشرده و کارآمد زمین، استفاده کمتر از اتومبیل در عین دسترسی مناسب، استفاده پهنه از منابع انرژی و ضایعات کمتر، احیا سیستم‌های طبیعی، مسکن و محیط



(زیرارده، ۱۳۸۳، ۶۱). اکنون پس از ارائه تعاریفی از شهر پایدار هم از حیث محتوا و هم کالبد و ذکر مصادیقی عینی از آن باید این سوال را مطرح کرد که چگونه می‌توانیم شهرهای پایدار داشته باشیم؟ به بیان دیگر آیا یک مسیر مشخص وجود دارد که از آن طریق شهرها به سوی پایداری سوق پیدا کنند؟ بی‌شک پاسخ سوال بالا منفی است. به واقع مسیر واحدی برای حصول به شهرهای پایدار وجود ندارد چرا که جوامع مختلف بر حسب شرایط جاری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و همچنین معیارهای قضاوت خود، درک یکسانی از مفهوم پایداری در شهر نخواهند داشت. اما آنچه شاید بتوان به عنوان یک بستر مشترک در ارتباط به جوامع گوناگون در جهت رسیدن به پایداری مطرح کرد، توجه به نقش مردم به مثابه شهروند و تشکل‌های محلی است یعنی همان دو عاملی که در بخش راهبردهای توسعه‌ی شهری پایدار نیز عنوان شد. به تعبیر پیرس برای ایجاد شهرهای پایدار بیشترین امیدواری را می‌توان از تعداد فزاینده‌ی گروه‌های شهروندی و مقامات رسمی انتخاب شده توسط مردم که نصیرات جهان اطراف خود را حس می‌کنند و تلاش گسترده‌ای را برای یافتن رویکردهای جدید و سازگار با محیط زیست آغاز کرده‌اند داشت (Pierce, ۲۰۰۷, AV).

گرچه مفهوم پایداری به طور کلی و پایداری در شهرها به طور خاص در اواخر سده‌ی بیستم میلادی از سوی سازمان‌ها و نهادهای رسمی مورد توجه قرار گرفته است ولی نارای پیشینه‌های طولانی‌تر است. بنابراین درک این مفهوم به طور کامل تنها از طریق بررسی تاریخی قابل حصول خواهد بود. اندیشه‌ی پایداری عموماً مفهومی است که هر سه مولفه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی را نواماً مورد توجه قرار می‌دهد. از حیث زیست محیطی برخی اقدامات سبب نتایج قابل توجهی خواهند شد از جمله صرفه‌جویی در ساخت و سازها از طریق کاهش هزینه‌های جاری نگهداری و افزایش ارزش ملک آنها، کاربست شیوه‌های تولید جدید سازگار با محیط زیست در ترکیب با رشد سریع فناوری‌های پاک و جدید استفاده از سیستم‌های آبرسانی و انرژی سازگار با محیط زیست در شهرها و واحدهای همسایگی و غیره. بعد اقتصادی نیز به عنوان مهم‌ترین پیش شرط تحقق نیازهای انسان و ارتقای شرایط زندگی شهروندان در نظر گرفته می‌شود. از این رو مفهوم کیفی پیشرفت در کنار جنبه‌های کمی آن از جمله موضوعات اساسی مرتبط با پایداری است. جنبه‌ی اجتماعی نیز بر ارتقای کیفیت زندگی برای تمام شهروندان از طریق بالا بردن سطوح درآمدی و همچنین تأکید بر عدالت اجتماعی به منظور فراهم کردن تسهیلات زندگی برای تمام گروه‌ها به شکل عادلانه یا می‌فشارد. این که شهرها چه طور پایدار خواهند شد، سوالی است با پاسخ‌های متعدد به اندازه‌ی تعداد تعاریفی که برای خود مفهوم پایداری وجود دارد. اما با این وجود امروزه دو عامل مهم برای رسیدن به توسعه‌ی شهری پایدار و نتیجه آن یعنی شهرهای پایدار مطرح شده که عبارتند از: توجه به نقش و اهمیت حکومت محلی و مقوله‌ی مشارکت مردم در قالب گروه‌های شهروندی. با در نظرگیری این دو عامل به عنوان بستری مشترک می‌توان برای هر شهری مطابق با واقعیت تاریخی‌اش، فرم کالبدی مناسبی برای به عنایت درآوردن انگاره پایداری جست‌وجو کرد.

تفاوت میان سطوح توسعه‌ی پایدار
پایداری یک شهر در سطوح مختلف، از محدوده یک خیابان تا پهنه‌ی یک محله و یا کل شهر، قابل بررسی است. طبق نظر ناس آثار مصرف منابع و آلودگی‌های یک شهر تنها به روستاهای اطراف آن محدود نمی‌شود، زیرا متابولیسم (سوخت و ساز) شهرها به گونه‌ای است که آثار مهمی را بر محیط‌زیست جهانی به جا می‌گذارد. از این رو ممکن است تضادهایی بین پایداری در سطوح مختلفه با بین هدف‌های راهبردی و محلی وجود داشته باشد. (Unido, ۲۰۰۵) لویز معتقد است که هیچ مکانی نباید بر پایه مشخصات مطلق آن ارزیابی شود و برای مثال تنها با ضوابط سطح ملی مقایسه شود، بلکه هر مکان باید در متن شهر مربوط و در ارتباط با گونه‌های زیستی آن و چگونگی دسترسی‌های جمعیت محلی به آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. علاوه بر این، اقداماتی که برای پایداری محلی خاص طراحی و به اجرا گذارده می‌شود، آثاری منفی در محلی دیگر به جا می‌گذارد. بنابراین ارزیابی‌های ناظر بر پایداری شهری به تنها باید آثار اقدامات مربوط را بر پهنه‌ی شهر و بیشتر از دیدگاه‌های راهبردی بسنجد، بلکه آثار ناشی از هر اقدام باید در محدوده‌ی منطقه و در بعد جهانی نیز سنجیده شود.

نتیجه گیری

هدف از تدوین این مقاله در ارتباط با مفهوم پایداری در شهرهای امروزی بود. پیگیری این هدف با طرح مباحث نظری مرتبط با این مفهوم در چارچوب نظری مبتنی بر شهرهای امروز (پایان سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم) صورت گرفت. در بحث «امروزی» مفهوم پایداری در شهرها در قالب ترکیباتی چون توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی شهری پایدار و شهرهای پایدار مورد

10-Chogull, Charles L.(2007). Developing sustainable neighborhoods, Habitat International, 11- Hall P(1991) Toward Sustainable, Livable and Innovative Cities for 21st Century, In proceeding of the Third Conference of the World Capitals, Tokyo, pp.20-30
11- Pierce, Neil(2007). Sustainable Cities. The American Prospect, No18, pp 46-48.
12-Portney, Kent(2003). Taking sustainable economic development to the environment and quality of life in American cities, MIT Press, Cambridge. Quoted in Reviews section, 2004, Community Development Journal, Vol 39, No1.
13- Whelan, Stephen(1998). Planning Sustainable and Livable cities, Routledge, New York. Quoted in en.wikipedia.org
14-Willis, Michael(2006). Sustainability: The Issue of Our Age, And a Call for Local Government, Public Management, No 89, pp 8-12.
15-UNIDO/United Nations Industrial Development Organization, (2005). The Three Dimensions of defining sustainable development, Quoted in Towns, Christopher - Sutherland, Margaret, 2007. Built cultural heritage and sustainable development, Landscape and Urban Planning



روز ۲۹ فروردین سال ۱۳۸۷ شهر پورتو پرنس * شهردار محبوب خود را از کف داد. شهرداری که ۵۰ سال جمهوری مهربان و سیاست را در جای جای شهرش بر در و دیوار و فضاهای همگانی، خیابان‌ها و میدان‌های زادگاهش نقش کرد، نقشی در یاد و حافظه‌ی شهروندانش، و در سفری بی‌پارکنت به فرانسه در گذشت شهرداری که ۲۸ سال نماینده‌ی این شهر مستعمره نشین در مجلس ملی فرانسه نیز بود، مردی که انسان‌گرایی بی‌همنای او آرزوهایش را در نمایی نوم سندی بیستم در سراسر جهان عظیم‌انداز کرد.

امه سوز، شاعری که نماینده‌نویس بود و شهرداری که شعر می‌سرود، در خانواده‌ای تپی دست دینده به جهان گشود (۱۹۱۳). در پاریس درس خواند، با سزار سگور آشنا شد و در ۱۹۲۳ با هم مجله‌ی «دانشجویان سیاه» را بی‌نهادند. نخستین نمایشنامه‌ی خود «پارکنت به زاد و بوم» را نوشت که در دهه‌ی ۱۳۳۰ به فارسی گردانیده شد. کتاب «فرا واقع‌گرایی» سلاح عجیب را به زیر چاپ برد. به سیاست روی آورد. در آغاز شهردار و سپس نماینده‌ی مجلس شد. حزب پیشرو مارکسیست را برای مبارزه با استعمار و نژادپرستی بی‌نهاد. کتاب «جسم گمشده» را نوشت و آن را از شعرهای خود سرشار نمود و با بلو بیکانو تنگش نامزد آن را برایش از است (۱۹۳۹). پس از آن گفتگویی / گفتاری در باب استعمار را به زیر چاپ برد که به فارسی نیز برگردانیده شد. این کتاب بازنهایی گسترده در میان روشنفکران هر سه جهان داشت. در ۱۹۶۰ به تئاتر روی آورد و نمایشنامه‌های چندی نوشت که دو اثر ترازوی کویستفاد و فصلی در کنگو به فارسی نیز ترجمه شد. پس از ترک‌گشت سزار در ۱۷ آوریل ۲۰۰۸، سگولین رویال، رقیب سارگوری، او را نماند فرانسه‌ی چندترازی خواند و خواستار حاکم‌سازی امه سوز در پانتئون شد جایی که بزرگمردان و بزرگان زبان فرانسه از ویکتور هوگو تا ملری و بی‌بر کوری در آن آرمیده‌اند.



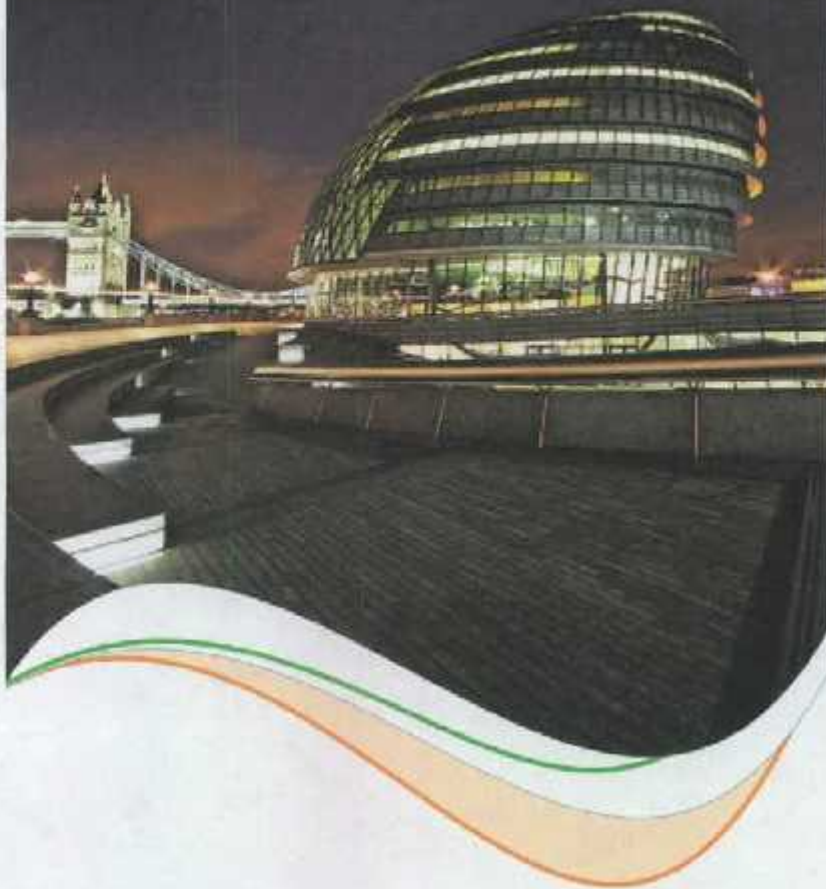
مرگ شهرداری که شاعر بود



* Port - au - Prince - شهر - بندری در

جنوب هائیتی بر خلیج گوآنیو، پایتخت جمهوری هائیتی. جمعیت کلانشهری آن یا حاشیه‌نشین، بیش از ۲/۵ میلیون نفر است (۲۰۰۷). بیش‌تر کاران فرانسوی در ۱۷۳۹ آن را بی‌نهادند و مستعمره سزگی گرفت. زمین‌لرزه‌های ۱۷۵۱ و ۱۷۷۰ شهر را ویران ساخت و از اثر سوزی‌های گاه و بیگاه آسیب فراتر دید. در ۱۸۰۹ به روی بزرگنشی جهان خروازه گشود. دانشگاه پورتو پرنس در ۱۹۴۴ با گرفت و دانستگندی فی هم برایش ساخته شد (۱۹۶۳). سعی از صلوات هائیتی از این بندر تواری می‌شود. فرآورده‌های آن شکر، ارن، پنبه تخم روغنکشی و پارچه است.





برگزاری سومین دوره انتخابات شهردار در لندن

چه کسی کلیددار لندن می شود؟

• مجوبه خواستاری

میلادی برگزار شد. در آن زمان قانونگذاران تصمیم گرفتند با واگذاری مسئولیت‌های جدید به شهردار که شامل حمل‌ونقل، محیط‌زیست، فرهنگ و حوزه‌های متنوع دیگر می‌شد، انتخابات رسمی برگزار کنند به گونه‌ای که مسئولیت انتخاب شهرداران از شوراها منفک شده و به مردم واگذار شود. در نخستین دوره‌ی انتخابات دو رقیب اصلی فرانک دابسون کاندیدای اصلی حزب کارگر و کن لیونگستون نماینده جناحی و اجرایی حزب کارگر رودرویی هم قرار گرفتند. علت اخراج لیونگستون از حزب به دلیل تن در ندادن او به تصمیم رهبران حزب مبنی بر معرفی دابسون در انتخابات شهرداری بوده اما در نهایت این عضو اجرایی نخستین جرقه جناح‌های خود را در شهرداری لندن روشن کرد و رقیب حزب کارگر را در آن دوره از انتخابات شکست سختی داد. روند پیشرفت لیونگستون در سیاست از سال ۱۹۶۹ و با عضویتش در حزب کارگر شروع شد و تاکنون ادامه داشته است. طی این سال‌ها

سومین دوره‌ی انتخابات شهرداری در شهر لندن انگلیس، اول مه (۱۳ اردیبهشت) برگزار می‌شود و در حال حاضر دو رقیب اصلی این انتخابات برای هدایت سکان شهر لندن که از مهم‌ترین کلان‌شهرهای جهان به شمار می‌رود، مشخص شده‌اند. کن لیونگستون، شهردار فعلی و کاندیدای حزب کارگر است که با بوریس جانسون محافظه‌کار، رقیب شده به شائبه‌ی دارد. در آخرین نظرسنجی که توسط روزنامه گاردین انجام شد، جانسون با ۴۲ درصد آرا در جایگاه نخستین گزینه رای‌دهندگان قرار گرفته، در حالی که لیونگستون ۴۱ درصد آرا را به خود اختصاص داده است و بریان پادیک که عضو حزب لیبرال دموکرات است با ۱۰ درصد آرا در جایگاه سوم قرار دارد. همچنین در آمارگیری که بین دو نفر اول انجام شد، جانسون ۵۱ و لیونگستون ۴۹ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. نخستین دوره‌ی انتخاب شهرداران توسط مردم در شهر لندن در سال ۲۰۰۰



پیش رو سابقه بسیار طولانی در شهر وست مینستر دارد و گاهی اوقات مهمان برنامه‌های تلویزیونی است. ضمن این که سردبیری مجله تماشاگر را هم برعهده دارد. او سال‌ها پیش به کواکین اعتبار داشت اما هم اکنون یکی از اولویت‌های برنامه او در شهرداری لندن کاهش جرم در این شهر است. او ۳۳ سال دارد و با لیونگستون ۶۴ ساله رقابت می‌کند.

جانسون دوچرخه‌سوار چالکی است و یکی از برنامه‌های مهمش در شهرداری لندن توسعه شبکه دوچرخه‌سواری این شهر است. ضمن این که برای فضاهای باز شهری هم برنامه‌های خاصی دارد. برخی دیدگاه‌های او به کلی خلاف سیاست‌های فعلی لیونگستون در شهرداری لندن است. به طوری که او معتقد است باید اتوبوس‌های چند کلین از خطوط اتوبوسرانی خارج شود و به جای آن اتوبوس‌های معروف دو طبقه شهر لندن که چند سال پیش از رده خارج شدند با سیستمی مترون به شهر باز گردند. او همچنین خواستار به روز کردن سیستم مترو در این شهر و برطرف کردن اساسی نواقص آن است و در برنامه‌های اجتماعی خود سرمایه‌گذاری روی گروه جوانان و ممنوعیت نوشیدن مشروبات الکلی در وسایل حمل و نقل عمومی را دنبال می‌کند. علاوه بر این دو رقیب در انتخابات شهرداری لندن، هشت کاندیدای دیگر هم حضور دارند که یکی از معروف‌ترین آنها بریان پلادیک قفسر سابق پلیس است که در نظرسنجی‌ها ۱۰ درصد آرا را به خود اختصاص داده است. قطعاً یکی از اولویت‌های او در شهرداری به کارگیری افسران پلیس بیشتر در خیابان‌های لندن است اما سیاست دیگر او در زمینه مسکن قرار دارد که خواستار فراهم آوردن شرایطی است که خانه‌های ارزان قیمت در سطح شهر برای عموم مردم ساخته شود. البته در بخش مسکن هم بین لیونگستون و جانسون رقابت بین شعارها وجود دارد به طوری که لیونگستون قول ساخت ۵۰ هزار مسکن ارزان قیمت را در مدت سه سال داده است. در حالی که جانسون بدون اشاره به رقمی درباره ساخت خانه‌های ارزان قیمت به طراحی مناسب این خانه‌ها تاکید دارد. بررسی برنامه‌های کاندیداهای شهرداری لندن که برای نخستین بار یک زن و یک میاهیوست هم در بین آنها دیده می‌شود. بیشتر حول محور جزایم شهری، حمل و نقل عمومی و محیط زیست می‌گردد و در روزهای اخیر که رقابت بین جانسون و لیونگستون به شدت گرم شده است آنها سیاست‌های یکدیگر حول این محورها را به نقد کارشناسانه می‌کنند. باید دید انتخابات این دوره شهرداری لندن چه نتیجه‌ای را برای این کلان‌شهر مهم جهان رقم می‌زند.

خبر تکمیلی

حزب کارگر شهرداری لندن را از دست داد

حزب حاکم در بدترین شکست خود در انتخاب محلی، شهرداری لندن را هم به حزب محافظه‌کار واگذار کرد. به گزارش رویترز، بوریس جانسون، نامزد محافظه‌کاران با پیروزی در انتخابات شهرداری پایتخت موفق شد رقیب خود کن لیونگستون از حزب کارگر را شکست دهد و برای چهار سال پست مهم شهرداری لندن را به دست بیاورد. لازم به ذکر است لیونگستون از هشت سال پیش تاکنون شهردار پایتخت بود.

زندگی سیاسی لیونگستون زندگی توأم با چنجال‌های مدام بوده است. وی در سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶، در حالی رهبر شورای لندن بزرگ شد که حزب کارگر بدترین سال‌های فعالیت خود را سپری می‌کرد. برخی از سیاست‌های لیونگستون در این سال‌ها، انتقادهای شدیدی را متوجه او ساخت به طوری که روزنامه سان یکبار به وی لقب نفرت انگیزترین مرد بریتانیا را داد. لیونگستون خروج از حزب کارگر در سال ۲۰۰۰ را سخت‌ترین تصمیم زندگی‌اش عنوان کرده است. به طوری که در سپتامبر سال ۲۰۰۲ درخواستش برای عضویت مجدد در حزب کارگر پذیرفته نشد اما دو سال بعد و همزمان با برگزاری دومین دوره انتخابات شهردار لندن، باز دیگر به عضویت حزب کارگر در آمد و در انتخابات شهرداری، پیروزی دیگری را به نام خود ثبت کرد. مهم‌ترین و معروف‌ترین فعالیتش که لیونگستون در هشت سال حضورش در شهرداری لندن انجام داد، راه‌اندازی سیستم ترافیک هزینه برای کاهش ترافیک در مراکز پرتردد شهری بود. با این راهکار ترافیک در مرکز شهر لندن در مقایسه با نقاط مشابه آن از نظر جمعیت ۳۰ درصد کاهش یافت. هزینه روزانه این طرح از هر ماشین ۲۵ پوند تعیین شده است. با این همه این طرح منتقدان جدی خود را داشته. به طوری که بوریس جانسون رقیب سرسخت لیونگستون در انتخابات است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایش در زمینه حمل و نقل عمومی را برجستن این ایده شهردار فعلی لندن عنوان می‌کند. این انتقادها در حالی ادامه دارد که بسیاری از شهرهای دنیا مانند نیویورک آمریکا و استکهلم سوئد دنباله روی این ایده شهردار جنجالی لندن شده‌اند و طرح ابتکاری او را در شهرهای خود اجرا کردند. لیونگستون در زمان انتخابش به عنوان شهردار لندن در دوره نخست محور اصلی اقدامات خود را بر پایه سیاست‌گذاری‌هایی در حوزه حمل و نقل قرار داد. وی تاکید می‌کرد که برای رونق کردن ترافیک و کاهش حجم سنگین تردها در خیابان‌های مرکزی شهر لندن، باید مردم را به استفاده از وسایل نقلیه عمومی به جای ماشین‌های شخصی تشویق کرد.

وی معتقد شد همزمان با اجرای سیستم ترافیک عوارض، تعداد اتوبوس‌هایی که در خیابان‌های اصلی مرکز شهر تردد می‌کنند افزایش دهد. به این ترتیب مالکان ماشین‌های خصوصی و کامیون‌های حمل بار که در ساعت‌های اوج ترافیک قصد ورود به مرکز شهر را دارند باید روزانه مبلغ ۱۰ دلار پرداخت کنند. یکی از کمبودهای شهر لندن در مقایسه با شهرهای معروف اروپایی نقص در چگونگی فراهم آوردن امکانات برای استفاده از دوچرخه است که لیونگستون تا حدودی توانست با قرار دادن خط دوچرخه با شش هزار دستگاه دوچرخه این مشکل را تا حدودی کاهش دهد. استفاده از این دوچرخه‌ها در ۳۰ دقیقه اول رایگان است. از اولویت‌هایی که شهردار فعلی در صورت انتخاب مجددش روی آن تاکید دارد کاهش جرایم در لندن است. او بر کاهش شش درصدی جرم در هر سال و در برنامه‌های چهار ساله اسرار دارد. اما فاش شدن بخشی از زندگی شخصی‌اش توسط بی‌بی‌سی، آخرین جنجالی بود که شهردار لندن آن را پشت‌سر گذاشت. او در گفت‌وگویی اعلام کرد پنج فرزند از سه زن دارد اما تاکید داشت که فاش شدن این موضوع تأثیری روی رای‌دهنده‌ها ندارد. بوریس جانسون رقیب لیونگستون در انتخابات



اصول حاکمیت مردمی و مدیریت شهری

برنامه‌ریزی استراتژیک و مدیریت مشارکتی

• نویسنده: انجلا گریپین
• مترجم: لقی مسگری

با مدیریت خوب شهرپرست که بازتابی و شمولی از همه گروه‌های موجود در جامعه است، دارای مسئولیت‌پذیری^(۱)، درستی^(۲) و شفافیت^(۳) در اقدامات حکومت در پیگیری اهداف مشترک و دارای ظرفیت بالای حکومت محلی در تحقق مسئولیت‌های عمومی با انکا بر دانش، مهارت، منابع و روندهای متکی بر مشارکت است. در حال حاضر فشارهای فزاینده‌ای به حکومت‌ها، در سطوح پایین‌تر از سطح ملی به منظور ایفای نقش‌های جدیدی در جامعه وارد است. این فشارها حاصل روندهای جهانی همچون جهانی شدن، تمرکزگرایی، شهرگرایی و اصلاح نقش مداخله‌گرانه دولت در تغییر نقش بخش‌های خصوصی و عمومی بوده است. حاکمیت کارآمد و اثربخش در سطوح پایین‌تر از سطح ملی به یک چارچوب سازمانی بین حکومتی نیاز دارد که در آن مسئولیت‌هایی هر یک از سطوح حکومتی به روشنی مشخص شده، قدرت و اختیار کافی برای اجرای مسئولیت‌های واگذار شده، ارائه گردیده و یک نظام نامه هدایت^(۴)، شناسایی و مورد تأکید است. دولت‌های مرکزی معمولاً برای چارچوب مذکور و فعالیت‌های حکومت‌های پایین‌تر از سطح ملی اقدام به وضع قوانین می‌کنند تا بدین وسیله آنها را

متن حاضر ترجمه‌ی مقاله‌ای است که نویسنده با انکا بر تجربه کشور نیوزیلند در صدد تلخیص اصول حاکمیت مردمی بر شهرهاست. مقاله دارای دو بخش است. بخش اول به معرفی اصول مورد تأکید اصلاحات دهه ۸۰ میلادی نیوزیلند در سیستم حکومت‌های محلی و به دستاوردهای آن بعد از تجربه ده ساله اختصاص دارد و بخش دوم در پی تعیین نقش حکومت‌های محلی در شکل‌دهی به دستگاه راهبردی برای مدیریت شهرها بوده و به مسائل و مشکلات حکومت‌های محلی در فرایند مذکور می‌پردازد.

مقدمه

هدف راهبردی جدید حکومت‌های شهری و محلی یلک جهانی ترویج ایده‌ی شهرهای پایدار است. این ایده وعده توسعه شهر برای ساکنان را نوید می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر ارتقای سطح زندگی فقرا و ارتقای برابری در عین کمک به پیشرفت کشور همچون یک کل هدفی راهبردی می‌باشد. شهرهای پایدار دو درجه اول و بیش از هر چیز قابل زیست، رقابتی، دارای ساز و کارهای شفاف^(۵) و از مدیریت و حاکمیت خوب برخوردارند. شهر



اصول پاسخگویی، شفاف و رقابت پذیری

همانند اصلاحات موفقیت آمیز بخش دولتی، هدف قانون حکومت محلی ۱۹۸۹ اطمینان یافتن از تحقق اصول زیر بوده است:

■ شفافیت: دسترسی عموم به اطلاعات و عرصه های تصمیم گیری به طوری که مردم از آنچه که به نام آنها اتفاق می افتد مطلع شوند.

■ پاسخگویی: به طوری که مردم بتوانند شخصی را که با نام آنها تصمیم گیری می کند، بشناسند.

■ رقابت پذیری: به طوری که آنها از کارکرد بهینه از طریق عرضه رقابت و کارکرد بخش خصوصی اطمینان حاصل کنند.

■ شفافیت از چند طریق حاصل شده است:

■ قانون اطلاعات رسمی مصوب ۱۹۸۳ و قانون خصوصی سازی ۱۹۹۳ که فرض را بر دسترسی عمومی به اطلاعات و تصمیم سازی قرار می دهد.

■ مشورت با مردم در مورد فعالیت های برنامه ریزی شده به طور سالانه و گزارش آن فعالیت ها در گزارش های سالانه.

■ اجرای قوانین به وسیله افرادی که مسئولیتی در تعیین آن قوانین نداشته اند.

■ خرید کالاها و خدمات از طریق قرارداد با بخش های داخلی یا بخش خصوصی.

تمامی اینها با فراهم کردن دسترسی قانونی به اطلاعات و تاکید بر شفاف سازی سیاست گذاری و تصمیم سازی، فساد را کاهش می دهند. پاسخگویی وقتی حاصل می شود که شخص دارای مسئولیت که درباره ی استفاده از منابع تصمیم می گیرد و

با بر تصمیم گیری در مورد آن تاثیر می گذارد، در مقابل ارائه موثر کالاها و خدمات خریداری شده از منابع مذکور (ستاندها و

نتایج^(۱)) نیز پاسخگو باشد. در حکومت های محلی نیوزیلند یک ساختار سلسله مراتبی از پاسخگویی شکل گرفته است:

اول: شهردار و اعضای شورای شهر پاسخگو به مردم.

دوم: مدیر شهر پاسخگو به شهردار و اعضای شورای شهر.

سوم: کارکنان پاسخگو به مدیر شهر، در مورد نتایج دقیق مورد انتظار.

شهردار و سایر نمایندگان منتخب باید در خصوص طرح مدیریت راهبردی و مدیریت مالی ۱۰ ساله شهر و نحوه رسیدن

به آنها از طریق طرح ها و بودجه های یک ساله با مردم مشورت کنند. طرح ها و بودجه های یکساله نیز باید با مشاوره مردم تهیه

شود. پاسخگویی همچنین از طریق گزارش های سالانه از میزان پیشرفت در مقابل نتایج پیش بینی شده و استانداردهای کارکرد

افزایش می یابد. این گزارش ها به وسیله ی بازرسان مستقل تعیین شده از طرف دولت ممیزی می شوند. در عین حال به طور

معمول سنجح رضایت مندی مردم از مسئولان محلی که به طرق مختلف شامل بررسی و بازدید می شود، ضرورت دارد.

رقابت پذیری همچون وسیله ای برای اطمینان یافتن از اقتباس روش هایی که کارایی و اثر بخشی حکومت محلی را ارتقا می دهد، معرفی شده است و حکومت های محلی از طریق

محدود به قوانین فوق کنند. در صورتی که چارچوب مزبور به پایه اصول دموکراتیک تنوین شده باشد، قوانین فوق زمینه را برای انتخاب نمایندگان جامعه برای تصمیم سازی در درون چارچوب قانونمند و مفید^(۲) فراهم می سازد. برخی از کشورها همچون نیوزیلند در شکل دهی به چارچوب های مفید مذکور از سایرین پیش افتاده اند.

دولت محلی در نیوزیلند

کشور نیوزیلند از سال های ۱۹۸۰ به بعد علاقه وافری را معطوف تلوم در اصلاحات بخش عمومی در سطح ملی و

پایین تر از سطح ملی کرده است. این اصلاحات نقش دولت را مشخص تر و اقدامات مورد نیاز برای اصلاح کارکرد دولت را

معرفی کرده است. دولت نیوزیلند در سال ۱۹۸۹ در پی اصلاحات موفقیت آمیز در بخش دولتی، قانونی را وضع کرد که حکومت

محلی را با تأسیس ۸۶ حکومت محلی و منطبقه ای ساختار مجدد می داد. در این قانون نقش های حاکمیت و مدیریت از هم جدا

شده اند. این اقدام به منظور دستیابی به کارکرد بهتر از طریق پاسخگویی، شفافیت و رقابت پذیری^(۳) صورت گرفته است.

در این قانون، کارکردهای حکومت محلی برای اولین بار مشخص شده است. این قانون همچنین موارد زیر را طلب می کند:

■ تعیین مدیر شهر با مسئولیت به کارگیری و مدیریت کارکنان.

■ معرفی سیستم حسابداری دقیق برای محاسبه هزینه کل خدمات و هزینه نگهداری دارایی های جامعه.

■ مناخله جامعه در مدیریت شهر از طریق مشاوره اجباری.

■ قابلیت دسترسی عموم مردم به نحوه ی هزینه کرد سالانه و گزارشات عمومی سالانه از نحوه ی کارکردی که توسط مراجع مستقل ممیزی شده اند.

شرط مربوط به تعیین مدیر شهر نکته مهمی در دستیابی به هدف جدا کردن حاکمیت و مدیریت شهر است. بدین وسیله

پاسخگویی نمایندگان برگزیده به جامعه (حاکمیت مردمی) و مدیران به نمایندگان برگزیده محقق می شود.

تأکیدات اصلاحات عبارت بودند از:

■ رسیدن به استقلال به مفهوم توانایی حکومت محلی به اداره ی امور جامعه شامل حق افزایش منابع از طریق مالیات بر

دارایی و یا دیگر ترفه ها با حداقل انتقال آن به حکومت مرکزی

■ تاکید بر نقش حکومت محلی همچون خریدار کالاها و خدمات از منابع خصوصی و عمومی که منافع بیشتری را به

جامعه می رسانند و در عین حال مدیریت کارآمد منابع را نیز تضمین می کنند.

■ مشارکت و همکاری در خصوص فعالیت های تجاری عمومی (همچون انرژی) با شرکتهایی که به طور تجاری و

بی طرفانه با شفافیت در زمینه پارانه های عمومی فعالیت می کنند.



■ افزایش جزئی ولی مهم در زمینه‌ی نحوه‌ی هزینه کردن با نظر مردم. جا افتادن تأکید بیشتر بر گزارش دادن، نظارت کردن و مشورت کردن با مردم

■ افزایش واقعاً مهم در هزینه کردن مطابق با قوانین و مقررات.

■ کاهش قابل توجه در هزینه‌های زیرساخت‌های فیزیکی با اصلاح و بهبود کارایی و خصوصی‌سازی.

■ افزایش قابل توجه در هزینه‌های مربوط به زیر ساخت‌های اجتماعی.

با وجود آن‌که هنوز هزینه‌های زیرساخت‌های فیزیکی بیشترین هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند، تغییر جهت واضحی به نفع کارکردهای اجتماعی همچون توسعه در اقتصاد و اشتغال، مسکن، بهداشت و سلامتی وجود داشته است. از زمان اجرای اصلاحات هزینه‌های خالص عملیاتی حکومت‌های محلی کاهش یافته است. مشاجرات فروکش کرده افزایش مالیات بر دارایی به سطح تورم محدود شده، سطح هزینه‌های عمرانی حفظ شده و هزینه‌های نگهداری دارایی‌ها در یک شرایط رقابتی کاهش یافته است. همچنین کسری بودجه‌ی عملیاتی که سابقه‌ی طولانی دارد، در حساب‌های جاری حذف شده است.

علی‌رغم کاهش در تعداد اعضای شوراهای مردم‌سالاری با مداخله فعال‌تر افراد در امور محلی ارتقا یافته و افزایش مدلومی در تعداد خائیم‌های عضو شوراهای حاصل شده است.

دولت‌های محلی برای ایفای نقش حاکمیت محلی گام برداشته‌اند از منافع جامعه‌شان و از خریداران خدماتشان حمایت کرده‌اند تا عرضه‌کننده خدمات و ارائه‌ی خدمات هرچه بیشتر با اتکا بر خصوصی‌سازی و مدیریت تسهیلات توسط بخش خصوصی صورت گیرد. نتایج سودمند شامل افزایش رضایت‌مندی از کارکرد مسئولان محلی نیز می‌شود. با وجود این‌که سیستم حکومت محلی نیوزیلند تنها نمونه‌ای از اصلاحات ممکن در سیستم حکومتی می‌باشد، ولی ارائه‌ی آن به فهم اصول حاکمیت و مدیریت مناسب محلی کمک می‌کند. این حاکمیت و مدیریت محلی می‌تواند به توسعه موفقیت‌آمیز و پایدار شهر سبب شود. پرسش‌های مفید در ارتباط با نقش‌های حکومت محلی، سطح استقلال عمل، ضوابط هدایت و نقش‌های نمایندگان منتخب و مدیران:

آیا استقلال مالی به مفهوم توانایی برای افزایش درآمدهای محلی بهتر است یا وابستگی مالی به مالیات‌های ملی که بر مبنای یک چارچوب خوب طراحی شده بین دولت‌های محلی و ملی نقل و انتقالات می‌یابد؟ آیا چارچوب و منابع باز توزیع عادلانه‌ای وجود دارد که بر منافع استقلال عالی حکومت‌های محلی بچربد؟

چند کردن سئوکارهای کنترل‌کننده از سایر سازوکارها چه مزایایی می‌تواند داشته باشد؟

در صورتی که طرح راهبردی و مدیریت مالی ۱۰ ساله طرح و گزارش سالانه و بازرسی سالانه از طرف منابع مستقل وجود داشته باشد برای حکومت محلی چه مشکلات و مزایایی

اقتباس فرایندهای مناقصه‌ای رقابتی و توسعه روابط قراردادی بین خریدار (مسئولان محلی) و عرضه‌کننده که ممکن است مسئولان محلی یا بخش خصوصی باشند باید گزینه‌های مختلفی از انواع تسهیلات و خدمات ارائه دهند.

نقش‌های ایفا شده توسط حکومت‌های محلی در نیوزیلند
در نتیجه اصلاحات، نقش‌های ایفا شده توسط حکومت‌های محلی به صورت زیر درآمده است:

۱. سیاستگذاری و تعیین راهبرد و نظارت بر اداره‌ی فعالیت‌های سازمان، شامل حفظ و نگهداری از دارایی‌های موجود جامعه.

۲. خرید خدمات و محصولات با استفاده از بودجه و طرح‌های سالانه که بدین وسیله منافع جامعه را تأمین و بر کیفیت آنها نظارت می‌کند.

۳. ارائه خدمات و ایفای وظایف با استفاده از نیروهای استحصانی موجود یا مقاطعه‌کاران خصوصی.

۴. تأکید و تقویت ضوابط و مقررات تعیین شده به وسیله‌ی حکومت مرکزی یا حکومت محلی همچون سیاستگذار.

با توجه به جدا کردن نقش حاکمیت و مدیریت که در ابتدای این بحث به آن اشاره شد، دو مورد اول مربوط به کارکردهای حاکمیت و دو مورد بعدی مربوط به کارکرد مدیریتی حکومت‌های محلی می‌باشد. با این حال در عمل جدا کردن این نقش‌ها به روشنی ممکن نیست. بنابراین قابلیت انعطاف برای موثر ساختن روابط این دو نقش ضرورت دارد.

منافع حاصل از جدا کردن این دو نقش عبارتند از:

■ نمایندگان منتخب از طریق مدیر شهر به گزینه‌ها و راهکارهای عملیاتی دسترسی دارند. این راهکارها به طور شفاف انتخاب‌های ممکن، هزینه‌ها و فایده‌های انتخاب‌های فوق و چیزهایی که ممکن است در مقابل تحقق آنها از دست رود را مشخص می‌کنند.

■ نمایندگان منتخب برای تمرکز بر روی خط‌مشی‌ها و کارکرد، از امورات اجرایی رهایی یافته و مدیر شهر را پاسخگو در خصوص دستیابی به اهداف عملیاتی می‌کنند.

■ در مدیریت حرفه‌ای می‌تواند ثبات حاصل شود که این خود سطح استانداردهای ارائه‌ی خدمات را در مقابل عدم ثبات ناشی از جریان‌های سیاسی و انتخابات حفظ می‌کند.

■ ریسک فساد و دستکاری در قوانین کاهش یافته است. به ویژه با جداسازی سیاستگذاری از سیاست‌های اجرایی، با جداسازی اجرای مقررات و تعیین مقررات و با جداسازی اعطای اجازه برای عقد قرارداد از ارائه‌ی خدمات براساس قرارداد.

منافع حاصل از ۱۰ سال اصلاحات

تحقیقات اخیر نشان داده است که از زمان اجرای اصلاحات تاکنون تغییرات مهمی در الگوهای هزینه و فعالیت‌های دولت محلی در نیوزیلند رخ داده است.





می‌تواند داشته باشد؟

در صورتی که حاکمیت و مدیریت از هم جدا باشند، حکومت محلی چگونه باید سازماندهی شود؟ برای فراهم شدن زمینه دسترسی شهروندان به همه‌ی اطلاعات مهم چه اقداماتی باید در حکومت محلی صورت گیرد؟ در صورتی که در یک مناقصه برای ارائه خدمات، بهترین گزینه از طرف بخش خصوصی باشد چه نتایجی برای پرسنل فعال در این زمینه در حکومت محل خواهد داشت؟

نقش حکومت محلی در راهبرد شهری

حکومت محلی تنها یکی از عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع در بین سایر عوامل موثر در یک شهر یا یک ناحیه است. دیگر عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع عبارتند از: گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های غیر دولتی، بخش خصوصی، دولت مرکزی، دانشگاهیان و غیره. با توجه به موقعیت منحصر به فرد همچون نماینده جامعه، حکومت محلی می‌تواند کانون مرکزی و نقش رهبری در تشویق تمامی عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع برای بر عهده گرفتن نقش‌های خاص خود در دستیابی به توسعه و موفقیت جامعه داشته باشد.

نمایندگان منتخب در شرایطی که در نتیجه‌ی جداسازی حاکمیت و مدیریت از یکدیگر، از مدیریت روزانه رهایی یابند می‌توانند انرژی خود را معطوف راهبردها، خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و نظارت بر دستیابی به اهداف راهبردی کنند. دیدگاه راهبردی شکل گرفته از طریق رهبری نمایندگان منتخب در حکومت محلی می‌تواند چارچوبی برای فعالیت سایر عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع فراهم کند، که این چارچوب توان تبدیل شدن به بستری برای جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال دارد. عناصر مهم فرایند برنامه‌ریزی راهبردی که به منظور تحقق برنامه‌ریزی راهبردی توصیه به رعایت آنها می‌شود عبارتند از:

- * شکل‌گیری دیدگاه راهبردی را تسهیل و هدایت کنید.
- * تمامی عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع را مشارکت دهید.
- * به منظور تسهیل بحث‌های آگاهانه، اطلاعات ارائه دهید.
- راهبردی توسعه شهر که شامل اهداف و دیدگاه‌های راهبردی اجتماعات می‌شود را شکل دهید.
- تعهد هر یک از عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع در توسعه‌ی اهداف خودشان که سبب رسیدن به بخشی از اهداف دیدگاهی می‌شود را بپذیرد کنید.
- طرح راهبردی حکومت محلی را با توجه به وظایف هر یک از نهادهای مسئول محلی توسعه و ارزیابی کنید.
- اهداف راهبردی را با میزان رسیدن به آنها در هر سال مطابقت دهید.
- منابع را در قالب بودجه‌های سالانه حکومتی محلی ارائه کنید.
- شاخص‌هایی را برای سنجش کارکرد تعریف و بر مبنای آن نظارت کنید.
- دستاوردهای اهداف را به جامعه گزارش کرده و به هدایت دیدگاه مبتنی بر اجتماع ادامه دهید.

جنبه‌های مهم دیدگاه راهبردی و فرایندهای برنامه‌ریزی
دیدگاه مبتنی بر اجتماع در صورتی که بخواهد منعکس کننده‌ی نظرات اجتماع باشد، نیازمند مشارکت مردم و ارتقای مسئولیت‌پذیری و تقویت حس تعلق شهروندان است. به طور ایده‌آل هر گروه از عوامل ذی‌نفع و ذی‌نفع جامعه باید تشویق به مشارکت در فرایندی شوند که سبب یکی از اهداف مورد توافق در آینده خواهد شد. برای تحقق این موضوع نیاز به ارائه‌ی اصلاحات مرتبط با روندهای فیزیکی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهر و سازوکارهای احتمالی آینده است. بیشتر، سازمان‌های مسئول محلی و یا یک موسسه‌ی دانشگاهی، مسئولیت ارائه‌ی اطلاعات فوق را بر عهده می‌گیرد. این اطلاعات از طریق جمع‌آوری آمارها از منابع مختلف هدایت تحقیقات خاص یا ترتیب دادن مراسم‌های ویژه تهیه و منجر به درک بهتر از بحث‌های آگاهانه و تصمیم‌سازی می‌شود. دریافت نظر همه بخش‌های جامعه و تشویق اجتماعات به تمرین قضاوت در شرایط وجود چند ایده، ریسک و یا تضاد ضروری است و آنها را قادر به تصمیم‌گیری برای برگزیدن یک چیز در مقابل از دست دادن چیز دیگر می‌کند. همچنان که اولویت‌ها گزینه‌ها بیشتر یالوده و روشن می‌شود، آنها به ارزیابی بیشتر و عمیق‌تر برای انتخاب‌هایشان نیازمندان این انتخاب‌ها به طور ضمنی نیاز به پول و اعتبارات عمومی در آینده را گوشزد می‌کند. سازمان‌های محلی راه‌های متفاوتی را برای مشارکت دادن مردم در برنامه‌ریزی راهبردی همچون اختصاص روزهای خاص ازانه‌ی دیدگاه‌های احزاب، کارگاه‌های آموزشی، مناسبتهای خاص در مدارس و واحدهای شمسایی و غیره ابداع کرده‌اند. آماده کردن و ارائه‌ی تفصیلی و برنامه‌ریزی دقیق و توزیع برخی از آگاهی‌ها و سایر عللومات لازم برای تدارک اقدامات فوق، ضرورت دارد.

ریسک‌ها و چگونگی غلبه بر آنها

اگر فرایند ایجاد دیدگاه راهبردی همچون تولیدی ملاحظه شود که متعلق به گروه‌های فراتر از مسئولیت محلی است، می‌تواند این فرایند یک تا دو سال به طول انجامد. فرایند فوق شامل برنامه‌ریزی، سازمان و منابع برای شمول تمامی گروه‌ها و احتراز از مشارکت تنها اجتماع خاصی می‌باشد. دوری از منازعه‌ی گروه‌های فشار، ارائه‌ی روش‌های خلاقانه برای مشارکت دادن همه‌ی گروه‌ها و اجتماعات و پرهیز از اتکا به میتینگ‌ها و جلسات معمول و سنتی ضرورت است. یکی از خطراتی که در فرایند مشارکتی وجود دارد، تصور تضعیف نقش سیاستمداران در تصمیم‌سازی از طرف آنان است، که می‌تواند با تشریح تمایز بین دیدگاه راهبردی برای شهر (یک راهبرد توسعه برای شهر) و یک طرح راهبردی برای مسئولیت محلی مبتنی بر آن دیدگاه و با تشویق شهردار و نمایندگان منتخب به ملاحظه نقش رهبری آنها در شکل دادن به هر دو فعالیت مذکور بر طرف شود.





اسپانیا، برابری استرالیا، شهرهای سانی‌وال و بیروی ایالات متحده آمریکا و کینک در کانادا برنامه‌ریزی راهبردی را برای اثرگذاری و هدایت تغییرات و رشد در جوامعشان به کار برده‌اند.

منافع استفاده از برنامه‌ریزی راهبردی عبارتند از:

- مشارکت و حضور همه‌ی بخش‌های جامعه در تعیین آینده.
- چارچوبی برای سرمایه‌گذاری و اقبالیات عمومی که بر مبنای اهداف بلندمدت عموم مردم اعتبار یافته است.
- دید جامع‌نگر از شهر یا وابستگی‌های متقابل و اشتراک مساعی که از طریق مشارکت، ارتقای کیفی می‌یابد.
- مینحمت مستقل در حمایت از اصلاحات دولت مرکزی.
- جهت‌گیری و تمرکز چند جانبه که می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری سبب شود.
- هدایت مجدد منابع برای حوزه‌های دارای اولویت که در راهبرد تعیین شده است.
- مشارکت دولت محلی با اجتماع و اهداف چند وجهی و مورد تاکید خود.

- سوالات مهم پیش روی دیدگاه‌سازی شهری و توسعه راهبرد در یک تجربه دیدگاه‌سازی راهبردی
- چه عوامل ذی‌نفع و ذی‌نقودنی وجود دارند و نیاز به مشارکت و مداخله‌ی کنامیک از آن‌ها حس می‌شود؟
- با چه فن‌هایی می‌توان حس تعلق آنها به فرایند مذکور را حفظ کرد؟
- چه چیز ممکن است رسیدن به ایجاد حس تعلق و مشارکت ثابت آنها را با خطر روبه‌رو کند؟
- چگونه می‌توان از پس آن خطرها برآمد؟

ایجاد یک دیدگاه و راهبرد غیر واقع‌بینانه باید از طریق طرح سؤالاتی همچون سوالات زیر تحقق نیابد. یک راه‌حل ایده‌آل چگونه می‌تواند مردم را در انجام امور توانمند سازد؟ آیا مباحث و مسایل مشترکی وجود ندارد که غیر از این چگونه می‌توان اقدام کرد؟ اگر این راه را انتخاب کنیم چه پیش خواهد آمد؟ آیا فقط این راه صحیح است و لاغیر؟ آیا این اقدام به نابرابری سبب خواهد شد؟ چه کسی این اقدام را حمایت مالی خواهد کرد و آیا این اقدام عملی و دست‌یافتنی است؟ برای رسیدن به یک توافق در مورد دیدگاه راهبردی جامعه و راهبرد توسعه‌ای شهر، حکومتی محلی نیازمند به داشتن طرح راهبردی بلندمدت (۱۰ ساله) و اقدامات پیشنهادی خود برای ارائه‌ی دیدگاه و تشویق به مشارکت سایر عوامل ذی‌نفع و ذی‌نقود خواهد داشت.

ویژگی‌های یک طرح و دیدگاه راهبردی مطلوب

- چشم‌انداز درست (از خارج) پاسخگویی به چگونگی ملاحظه جامعه به امور (برای مثال چشم‌انداز شهری).
- هدف راهبردی - بلندمدت، آینده‌نگر، مستی بر چشم‌انداز، اصرار کننده، قابل فهم و فراموش نشدنی.
- انتخاب‌های راهبردی صورت گرفته است. هیچ چیز دارای اهمیت برابری نمی‌باشد.
- سادگی - بدون ابهام و پیچیدگی.
- دارای مسیر بحرانی و نتایج مرتب بر اقدامات.
- ارتباطات روشن با فرایندهای خود سازمان در خصوص ارائه‌ی خدمات و ایفای نقش و
- پاسخگویی و تعهد یا برنامه‌کار قابل نظارت.

اهمیت دیدگاه و برنامه راهبردی

بهترین تجربیات از شهرهای سراسر جهان شامل یارسلونای



1- The Principles of Governance and Management: Strategic planning and Corporate management

2- Angela Griffin, Urban manager, World Bank

ترجمه‌ی احمد شهرسازی

- 4- Bankable
- 5- Accountability
- 6- Integrity
- 7- Transparency
- 8- Code of conduct
- 9- Enabling legislative framework
- 10- Consensus
- 11- Outputs and outcomes



شعار مرکز اسکان بشر سازمان ملل یک شهر ایمن، یک شهر متعادل

بزهکاری در نا امنی است. بر اساس نتایج تحقیقات به عمل آمده از سوی UN - Habitat ۲۰۰۷ خشونت علیه زنان، خشونت های خیابانی، درگیری ها و نزاعات، سرقت و دزدی، بزهکاری جوانان، جرایم مربوط به مواد مخدر، تعرض و تعدی، مهمترین نگرانی ها و دغدغه های پاسخگویان در بیش از ۱۰ کشور جهان بوده است. با وجود تبلیغات گسترده

در تمامی شهرهای جهان به ویژه کلان شهرها، افزایش نرخ جرم و جنایت نگران کننده است و به یکی از دغدغه های مهم شهروندان، نهادها و مقامات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع تبدیل شده است. در فاصله سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ نرخ جرم و جنایت به ازای هر ۱۰۰ نفر از ۶ به ۸/۸ رسیده است و معاملات و بررسی های اخیر نشان می دهد طی پنج سال گذشته بیش از ۶۰ درصد شهروندان در سراسر جهان به نوعی متاثر یا قربانی جرم و جنایت بوده اند و این رقم در میان کشورهای امریکای لاتین و حوزه کارئیب به بیش از ۷۰ درصد می رسد. به وضوح می توان گفت که جرایم شهری اعم از جنایت و یا تخلفات و اقدامات غیر قانونی، زندگی شهروندان را به شدت تهدید می کند و این موضوع سیاست ها و برنامه های حکومت های مرکزی و یا دولت های محلی و شهرداری ها را دچار تغییرات عمده کرده است. جرم و جنایت در سلوچ فردی، گروهی و اجتماعی، هزینه های سنگینی را به این حکومت ها و دولت ها تحمیل می کند و به برنامه های توسعه و رفاه اجتماعی در تمامی کشورها، آسیب های جدی می رساند. به دلیل همین آثار و نگرانی های ناشی از نا امنی و جرم و جنایت، برنامه اسکان مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد که همه ساله در اول اکتبر در سراسر جهان برگزار می شود، به موضوع ایمنی و امنیت در شهرها اختصاص یافته و شعار "یک شهر ایمن، یک شهر متعادل" را انتخاب کرده است. سازمان ملل در این روز به حاکمان، دولت مردان، سیاستمداران و برنامه ریزان شهری هشدار می دهد که امروزه تهدیداتی مانند خشونت، بزهکاری، بزهکاری جوانان، بحران های ناشی از بازلای طبیعی، حاشیه نشینی و توسعه فقر، بی عدالتی و غیره شهرها و شهرنشینان را بیش از گذشته به صورت جدی تهدید می کند. در این میان برنامه اسکان بشر سازمان ملل از مقامات دولتی و محلی در سراسر جهان خواسته است تا اساساً بیش از گذشته بر تعهدات خود نسبت به حقوق اولیه انسان ها برای دسترسی به سکونت گاه های بشری، امنیت شهرها، جلوگیری از توسعه حاشیه نشینی و سایر حقوق شهروندی پایبند باشند و به حقوق فرهنگی، اجتماعی، موضوع کوچ اجباری درون شهری و نا امنی، آموزش و تربیت شهروندانی با فرهنگ با ادب زیبا و توسعه یافته تلاش کنند. برنامه شهرهای امن در توسط Habitat - UN (برنامه اسکان بشر سازمان ملل) در سال ۱۹۹۶ با درخواست شهروندان افریقایی که در پی توسعه راه های پیشگیری از خشونت شهری بودند، آغاز شد. هدف از برنامه مزبور ایجاد فرهنگ پیشگیری و محیط زیست ایمن برای شهرنشینان توسط مقامات محلی، دستگاه های کیفری، بخش خصوصی و توجه همناهای مدنی به ایجاد امنیت و کاهش

غربی ها حدود ۲۵ درصد از پاسخگویان شرکت کننده در نظر سنجی سال ۲۰۰۷ مرکز اسکان بشر، مهاجرت های غیرقانونی و تروریسم را جزو نگرانی های اصلی خود اعلام نکرده اند. بر اساس این تحقیق، زنان، جوانان و کودکان، ققرا، سالمندان و ترومندان در معرض بیشترین تهدیدها و آسیب ها قرار دارند. در ادامه این نظر سنجی ۸۷ درصد پاسخگویان در پیش گرفتن راه های باز دارنده برای گروه های آسیب پذیر، ۸۶ درصد تلقیح سیستم های بازدارنده با سیاست های شهری، ۷۹ درصد برنامه ریزی فیزیکی شهری برای مدیریت امنیت و تأسیس انجمن ها و سیستم های برنامه ریزی، ۷۸ درصد برنامه های آموزشی برای امنیت شهری، ۷۶ درصد سرمایه گذاری برای جلوگیری از خشونت، ۷۴ درصد تقویت اعمال قانون، ۷۲ درصد تقویت سیستم های کیفری و جنایی، ۷۱ درصد حمایت از قربانیان و ۶۴ درصد نیز تحقیقات امنیتی را از مقامات دولتی و شهری خود خواستار شده اند. موارد گفته شده نشان می دهد، برنامه ریزان و مجریان شهری لازم است بیش از گذشته برای پیشگیری از وقوع خشونت و جنایت در سطح شهر به ویژه در میان گروه های آسیب پذیرتر مانند زنان و کودکان از طریق اعمال سیستم های بازدارنده تلاش کنند. بر این مبنا شهرداری ها می توانند با سرمایه گذاری در بخش های مختلف از جمله تقویت مهارت های زندگی اجتماعی، و برگزاری کارگاه های آموزشی ارتباط بدون خشونت برای گروه های مختلف در کاهش خشونت و جرم و ایجاد "شهر ایمن شهر متعادل" گام های مؤثری بردارند.



تهران، لندن در یک نما

نوید سعیدی رضوانی

جمعیت توزیع متعادل تری در کل کشور دارد. لندن بزرگ دو هزار و ۲۲ کیلومتر مربع است که ۱۴ میلیون نفر در این بخش ها ساکن هستند. لندن به عنوان بزرگترین مرکز اقتصادی و تجاری در اروپا شناخته می شود. مرکز مالی لندن که به اختصار "سیتی" نامیده می شود، به عنوان مرکز نقل فعالیت های مالی جهان، بانک ها، بورس های اوراق بهادار، دلالت کالا، بیمه گران، شرکت های حمل و نقل دریایی و غیره را جذب کرده و در خود گرد آورده

شهر تاریخی لندن قبل از میلاد مسیح توسط رومی ها پایه گذاری شد ولی در قرن ۱۱ میلادی شکل واقعی خود را پیدا کرد.

لندن هم اکنون بیش از هفت میلیون نفر جمعیت دارد و به دلیل داشتن نظام ساده شهری، ۱۲/۶ درصد جمعیت انگلیس را در خود جا داده است. چراکه در این نظام ها جمعیت در پایتخت متمرکز می شود. تهران هم مانند لندن ۱۱/۳ درصد جمعیت ایران را شامل می شود. اما در نظام های فدرال



بهداشت، توسعهی اقتصادی، محیطزیست، برنامه‌ریزی، حمل‌ونقل، پلیس، فرهنگ و آتش‌نشانی یا یکدیگر و شهرداری‌های مناطق در ارتباط هستند.

بودجه و منابع درآمدی

بودجه اسسال مصوب تهران ۳۵۰۰ میلیارد تومان است که بخش عمده آن در فعالیت‌های عمرانی هزینه می‌شود. در حالی که لندن دارای دو بودجه است. بودجه مرکزی به مبلغ پنج میلیارد پوند و بودجه مناطق که نه میلیارد پوند است و معادل ۲۰ هزار میلیارد ریال می‌شود. زیرساخت‌ها در لندن کامل است. بنابراین این بودجه بیشتر برای اقدامات مربوط به اداره شهر و کارهای رفاهی هزینه می‌شود.

در ایران از سال ۱۳۶۸ موضوع خودکفایی شهرداری‌ها مطرح شد. در حالی که خودکفایی در لندن موضوعی طرد شده است و شهرداری لندن تحت کمک‌های دولتی قرار دارد. به طوری که دولت در سال گذشته چهار میلیارد پوند در اختیار شهرداری لندن گذاشت تا برخی پروژه‌ها را اجرایی کند. منبع درآمدی دیگری که شهرداری لندن به خوبی از آن بهره می‌برد، گرفتن مالیات بر درآمد است. مالیات حدود ۱۹ درصد از کل هزینه زندگی یک شهروند لندنی را از بنو تولد تا مرگ تشکیل می‌دهد. مالیات و عوارض بالا در لندن و همچنین کمک‌های دولتی عمده‌ترین منابع درآمدی شهرداری لندن است.

مشارکت‌های مردمی

یکی از جناب‌ترین قسمت‌های مربوط به مدیریت شهری در لندن مربوط به چگونگی مشارکت شهروندان در اداره‌ی شهر است. برای تصویب و اجرای هر طرحی در لندن هشت مرحله وجود دارد که گذر از هر مرحله حدود شش هفته زمان نیاز دارد تا به طور کامل نظرات مردم در طرح‌ها اعمال شود. به طوری که در این طرح‌ها شکل‌های غرودولتی، متخصصان، اساتید دانشگاه و غیره صلاحیت نظر دادن دارند. در مسائل مهم شهری از مردم همه‌پرسی می‌شود و در قانون الزام ملاقات اعضای شورا و شهرداری این شهر یا مردم وجود دارد.

حمل و نقل

ترافیک لندن از تهران سنگین‌تر است اما برنامه‌ریزی‌ها در راستای کنترل این ترافیک انجام می‌شود. در ایران به ازای هر ۱۰۰ نفر ۲۱ خودرو وجود دارد اما در انگلیس به ازای هر ۱۰۰ نفر ۱۱۲ خودرو موجود است. در لندن ۸۰ درصد تردد افراد توسط وسایل حمل‌ونقل عمومی انجام می‌شود، به طوری که در این بین سهم مترو ۵۵ درصد و سهم اتوبوس ۲۰ درصد است. اما در تهران سهم مترو و اتوبوس در جابه‌جایی مسافران در کل تنها ۲۵ درصد است.

است. هر آنچه را امور مالی جهان برای انجام امور بازرگانی به آن نیاز دارد، "سیتی" به سهولت و در فاصله‌ای بسیار کم از نظر مسافت در اختیار دارد و عرضه می‌کند. به این دلیل، نمایندگی بانک‌های خارجی بیش از هر مرکز مالی جهانی و یا هر جای دیگر در سیتی مستقر شده‌اند. از این رو، بازار ارز سیتی بزرگ‌ترین بازار معاملات ارزی جهان به شمار می‌رود. ساختار مدیریتی

اداره‌ی امور محلی از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۶ زیر نظر شورای لندن بزرگ و ۳۲ شورای شهر مستقل به اضافه شورای شهر تاریخی لندن انجام می‌شد. یعنی کلان‌شهر لندن یک شورای اصلی داشت و ۳۲ منطقه شهری. هر کدام جداگانه دارای شورای شهر بودند و شهر قدیم لندن نیز برای خود شورایی مستقل داشت.

شورای لندن بزرگ از طرف حکومت مرکزی و شخص مارگارت تاچر، نخست وزیر سابق انگلیس منحل و وظایف آن بین واحدهای دیگر اداره‌ی محلی و یا اداره‌ی مرکزی تقسیم شد. علت اصلی منحل شدن شورای لندن بزرگ، سردی و ستیز بین این شورا و شوراهای مناطق بود. از یک سو شوراهای مناطق از بوروکراسی منفی شورای لندن بزرگ و دوری آن شکایت می‌کردند و از سوی دیگر شورای لندن بزرگ نیز نسبت به ناراضیانی خود از شوراهای مناطق دلاپلی داشت.

این درگیری‌ها در شوراهای مناطقی که از حزب محافظه‌کار بودند، بیشتر به چشم می‌آمد. چرا که شورای لندن بزرگ از حزب کارگر بود و این درگیری‌ها بیشتر ماهیت حزبی و سیاسی داشت.

در سال ۱۹۸۳ حزب محافظه کار لایحه‌ای را برای انحلال شورای بزرگ لندن ارائه و دلیل انحلال را بوروکراسی زائد در اداره‌ی محلی شهر و اجرای استقلال منطقه‌ای عنوان کرد. این امر یک حلقه از سیاست بلندمدت تمرکزگرایی بود که مردم با آن به مخالفت پرداختند و بعد از نظرسنجی‌ها از مردم، در سال ۲۰۰۰ میلادی حکومت لندن بزرگ شکل گرفت و اولین انتخابات شهرداری لندن برگزار شد. بالاترین مقام شهر لندن پیش از این با رای اعضای شورای شهر انتخاب می‌شد و او "مدیر شهر" بود. ولی از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد "شهردار" به معنای واقعی کلمه در این شهر توسط مردم انتخاب و به ریاست شهر رسید و اختیارات شهرداری افزایش یافت.

با تشکیل حکومت لندن بزرگ برهمکنش و تقسیم کاری بین این نهاد با ۳۲ شورای شهر مناطق شکل گرفت. این حکومت خود دارای ۲۵ عضو است.

از لحاظ ساختار تشکیلاتی، شهرداری تهران ساختاری مبتنی بر وظیفه دارد، یعنی فعالیت‌ها بر اساس وجوه مشترک طبقه‌بندی می‌شود، مانند معاونت‌هایی که در شهرداری تهران فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر شهرداری لندن ساختاری پیوندی دارد و در آن بخش‌های مختلف مانند



مدیریت شهری به شکل مشارکتی

و امکانات موجود است. گروهی از مردم به همراه متخصصان کلر حفظ و به روز نگه داشتن شبکه را بر عهده دارند. موسسه NBN که توسط شورای شهر و کالج محلی اداره می‌شود، به شهروندان امکانات آموزشی در زمینه‌ی مدیریت سازماندهی جامعه و مهارت‌های برنامه‌ریزی فنی را رایگان ارائه می‌دهد. شهروندان روچستر همچنین در سیاستگذاری تخصصی بودجه در زمینه‌های مختلف نیز صاحب‌نظر هستند که این امر در واقع ابزار قدرت مردم محسوب می‌شود. از نخستین نتایج به دست آمده از اجرای نخستین طرح‌های NBN در سال ۱۹۹۵ درک اهمیت بالا بودن کیفیت زندگی توسط مردم بود. در واقع پس از عملی شدن نخستین سیاستگذاری‌ها که به شکل مشارکتی انجام شد، شهروندان روچستر نسبت به حفظ محیط زندگی خود حساس شدند. به طوری که همه سعی می‌کردند به نوعی در رعایت بهداشت، پیشگیری از وقوع جرایم و هر آنچه که لازمه‌ی زندگی آرام و سالم در یک محیط شهری است، نقش داشته باشند. در نتیجه گروه‌های حفظ محیط‌زیست، پلیس (نظارت بر اجرای قانون و برخورد با متخلفان) و نظارتی با مشارکت مردم تشکیل شد. با سهیم شدن مردم در برنامه‌ریزی‌های اصولی، نگرانی‌هایی در مورد منقله‌گرایی و چگونگی تقسیم بخش‌های مختلف به وجود آمد که برای حل این مشکل ۱۲۰ جلسه همگامی ظرف سه سال برگزار شد. البته علت امر این بود که طبقه‌بندی‌های منطقه‌ای در آمریکا بر اساس آنچه طبقه‌بندی قلیدسی نام گرفته است انجام می‌شود. در نتیجه توسعه در هر یک از مناطق محدود به یک کاربری خاص نظیر تجاری یا صنعتی بودن، می‌شود که البته طرح‌های NBN موجب سازماندهی نقش‌های موجود در این طبقه‌بندی‌ها شد. NBN امکان سرمایه‌گذاری‌های خصوصی را برای پیشبرد اهداف توسعه‌ی شهری فراهم می‌کند که همین امر سبب ساخت بسیاری از مراکز رفاهی و تفریحی توسط مردم شده است. دانشگاه‌های روچستر در هر دوره حدود ۷۰ هزار دانشجوی به‌طور تمام‌وقت ثبت‌نام می‌کنند و باید گفت که بیشتر این دانشگاه‌ها در توسعه‌ی اقتصادی شهر و اجرای طرح‌های NBN نقش بسیار مهمی دارند. ظرف ۱۰ سال گذشته NBN در ارتباط مجدد مردم و دولت نقش مهمی ایفا کرده است. علاوه بر این بیانگر این مطلب بوده است که دولت محلی هم می‌تواند در راستای اهداف مردم عمل کند. به نوعی که شهروندان کنترل امور زندگی خود را در اختیار داشته باشند و بتوانند در کلیه برنامه‌ها مشارکت کنند. با بازنگستگی بیل جاتسون، شهردار شهر روچستر و مینگر طرح NBN در لول ژانویه ۲۰۰۶ نیروهای جدید نیز مصمم هستند با حفظ همان اصول در راستای اهداف NBN با مشارکت مردم قدم بردارند.

طرح ابتکاری NBN در واقع یک سیستم مدیریت شهری به شکل مشارکتی است که مردم همگام با دولت در تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوط مشارکت می‌کنند.

یکی از جالب‌ترین و موفقیت‌آمیزترین شیوه‌ها در زمینه‌ی مدیریت شهری، مدت ۱۰ سال است که در شهر روچستر ایالت نیویورک در حال اجراست. در این روش هرکس اقدام به سازماندهی محیط اطراف خود می‌کند و سعی دارد در تمامی اقدامات سازنده در زمینه‌ی بهبود وضعیت زندگی محل سکونت خود مشارکت کند. این سیستم عجیب که بازدهی بسیار خوبی تاکنون داشته است، در اصطلاح همسایه‌ها محیط اطراف در همسایگی خود را سازماندهی می‌کنند. (NBN) عنوان گرفته است. طبق این طرح ساکنان روچستر برای آینده شهر خود برنامه‌ریزی می‌کنند و اولویت‌های بودجه‌بندی شهر خود را مشخص می‌کنند. در نخستین مرحله شورای شهر تصمیم گرفت تا از دانش شهروندان بهره‌گیرد. زمانی که در سال ۱۹۹۴ بیل جاتسون، شهردار این شهر شد یکی از نخستین طرح‌های ابتکاری وی برنامه NBN بود. با جلب رضایت همه شهروندان برای برنامه‌ریزی و انجام اقدامات عمرانی، شهر به ۱۰ بخش جغرافیایی تقسیم شد. برنامه‌ریزان و شهروندان هر قسمت ترغیب به همکاری با یکدیگر و ارائه‌ی راهکارهای مناسب شدند که در نتیجه چندین طرح کاربردی که اجرای آن برعهده شهروندان بود، حاصل شد. از طرفی برای کسب اطمینان از سودمند بودن طرح‌های ارائه شده یک فرصت ۱۸ ماهه برای آنها در نظر گرفته می‌شد و بعد از آن طرح‌ها مورد بازبینی مجدد قرار می‌گرفت. شورای شهر همچنین ایده‌ی حضور مستقیم مشارکت‌کننده را ارائه کرد که طبق آن تنها طرح‌هایی مورد قبول واقع می‌شدند که برنامه‌ریزان شهری آن بتوانند شرکت یا شرکایی که قرضی برای پشتیبانی از پروژه را به امضا برسانند معرفی کنند و زمانی طرح به مرحله اجرا در می‌آمد که شهروندان منابع سرمایه‌گذاری در پروژه را که در اجرای آن بتوانند کمک کنند شناسایی کنند. از زمان اجرای طرح NBN حدود ۷۶ درصد از برنامه‌های ارائه شده تکمیل شده است. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که اجرای طرح‌های ارائه شده به طور کامل بر عهده شهروندان نیست بلکه تلاش‌ها در راستای مشارکت هر چه بیشتر آنان در این زمینه و حمایت از طرح‌های ارائه شده توسط مردم است. کلیه بخش‌های NBN یا یک سیستم رایانه‌ی مرکزی یا به عبارتی شبکه ارتباطی شهر به یکدیگر متصل می‌شوند که به این طریق امکان دسترسی به اطلاعات شهری برای همگان میسر می‌شود. نرم‌افزار نقشه‌کشی GIS، اطلاعات برنامه‌ریزی سه‌بعدی، پست الکترونیکی مطمئن و سیستم مدیریت فایل‌ها از دیگر تسهیلات



بازخوانی یک تجربه

کانادا و سیاست‌هایی برای توسعه جوامع شهری

علیه استانی و محلی هستند. افزایش جمعیت و تغییر این میزان نمایانگر بالارفتن اهمیت مدیریت توسعه در کمک به شهرتاری‌ها به اسکان جمعیت با حفظ شرایط مناسب زندگی است. مدیریت توسعه مفهوم چندیدی نیست و در واقع مشتمل بر بسیاری از اصولی است که برنامه‌ریزی شهری طی دهه‌های متعددی آزمایش کرده‌اند. مراکز اصلی و غیر اصلی در جنوب شهرها؟ شبکه‌های فضای باز، نظام‌های حرکتی توزین و غیره از این موارد هستند. محدودیت‌های رشد شهری، حدود شهرسازی را در غالب برنامه‌های انباری مشخص می‌کنند. با این وجود تلاش‌های مربوط به مدیریت توسعه تنها در راستای تغییرات

سیاست‌های مدیریت توسعه برای هدایت هوشمندانه توسعه جوامع شهری تدوین می‌شوند. علی‌رغم سال‌های توسعه سیاست‌های مدیریتی مراکز شهری ما به طور پراکنده رشد می‌کنند. بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۶۶، ۱۵۰ هزار جریب از اراضی کشاورزی اطراف تورنتو در راستای رشد شهرسازی به ساختمان سازی اختصاص پیدا کرد. پیش‌بینی می‌شود که منطقه توسعه یافته تورنتو تا ۲۰ سال آینده تا دو میلیون نفر افزایش جمعیت داشته باشد. اطلاعات به دست آمده از سرشماری سال ۲۰۰۱ نشان داد که جامعه کانادا به طور فزاینده‌ای به سمت شهری شدن در حرکت است. شهرها موتور اقتصادی



عامل سوم، در دهه گذشته سطوح بالای دولت نسبت به چگونگی رشد و توسعه شهرها بی توجه شدند و حمایت‌های مالی خود را در این رابطه قطع کردند، در نتیجه شهرداری‌ها در هدایت جریان توسعه شهری تنها ماندند. برای مثال در ایالت مریلند، توسعه شهری هماهنگ با یک برنامه دولتی پیش رفت همکاری و هماهنگی مسئولان ایالتی منطقه‌ای، شهری و بخشی، طبقه‌بندی سیاست‌ها و طرح‌ها را به دنبال داشت که برنامه توسعه‌ی شهری را از مقامات عالی رتبه دولتی تا اجرای آن توسعه‌ی مسئولان محلی را هدایت می‌کرد، به مرحله اجرا در آوردن دیدگاه‌های مربوط به مدیریت توسعه‌ی شهری به تبیین نقش ارکان مختلف دولت در این خصوص یاری می‌رساند. در انتاریو، یازدهمین سیاست‌های موجود، قوانین شهری و ایجاد دبیرخانه توسعه هوشمندان بیاترک تمایل دولت برای داشتن نقش مستقیم و جدی در این رابطه است. دولت فدرال همچنین در این زمینه نقش دارد و باید که نقش خود را در توسعه‌ی زیر ساخت‌های شهری نظیر حمل و نقل، بازسازی و حفظ محیط زیست و میراث پررنگتر کند.

بهره‌گیری از فرصت‌ها

علی‌رغم همه ابتکارات و طرح‌هایی که در رابطه با مدیریت توسعه‌ی شهری ارائه شده است، می‌توان گفت که در واقع هیچ یک از جوامع در این زمینه کاملاً موفق نبوده‌اند. حرکت جوامع به سمت توسعه پایدار طی چند دهه آینده به موضوعی بحث انگیز در کشورها تبدیل خواهد شد. شهرها به واقع موتور اقتصاد کشورها به حساب می‌آیند. طرح‌های دولت انتاریو در رابطه با مدیریت توسعه‌ی شهری با برنامه‌های شرکت خانه‌سازی و رهن و اجاره کانادا (opp)، مؤسسه شهری کانادا، شورای حفظ منابع طبیعی انتاریو و بسیاری از شهرداری‌ها و اماکنی که در رابطه با توسعه شهری فعالیت می‌کنند، هماهنگ می‌شود. این فرصتی است تا بتوان از ادغام همه طرح‌ها و امکانات موجود به یک راهکار در رابطه با توسعه هوشمندانه در مدیریت توسعه رسید.

جوامع ادامه پیدا کردند همچنین در بهبود وضعیت بیجیده مراکز شهری هم مشغول نبودند. اکنون زمان آن رسیده است تا دیدگاه‌های جدید درباره‌ی مدیریت رشد جوامع مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه مؤسسه برنامه‌ریزان حرفه‌ای انتاریو (opp) مقاله‌ای را در مورد مدیریت توسعه تنظیم کرد. این مقاله که با عنوان: درک نقش مدیریت توسعه در انتاریو، فراگیری این مطلب که چه کسی چه کاری انجام دهد، در سپتامبر ۲۰۰۶ منتشر شد، به ارزیابی تلاش‌های انجام گرفته در آمریکای شمالی می‌پردازد. ضمن این که طرح‌های ابتکاری که در راستای مدیریت توسعه در انتاریو انجام گرفته را نیز مورد توجه قرار داده است. به طور کلی شهرداری‌های انتاریو برنامه‌های رسمی و اداری دارند که مشتمل بر سیاست‌هایی است که از بالا رفتن سطح بهداشت در مناطق جنوب شهر، افزایش ظرفیت حمل و نقل، بالا رفتن فرصت‌های خانه‌سازی و سرمایه‌گذاری‌های ساختاری آزاد حمایت می‌کنند. در حال حاضر با پراکندگی‌های شهری روشن است که عامل اصلی در سیاست مدیریت توسعه در نظر گرفته شده که در این مقایسه نیز آمده است.

هماهنگی و همکاری بین دولت‌ها، چرا که هیچ یک از دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند به شکل رشد سریع شهرسازی روبرو شوند.

معرفی روش‌ها و منابع جدید و به کارگیری ابتکاری روش‌های موجود برای هدایت مؤثر مسیر توسعه. به کارگیری سرمایه‌ها و علایق عمومی در قالب اهرم نیروی بازار. اندیشیدن برنامه‌ریزی کردن و سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری بر اساس نیازهای ضروری در چارچوب زمانی پنج ساله. تشکیل هیئتی به منظور درک و حمایت از مدیریت توسعه.

چارچوب‌ها می‌شکنند

در صورتی که چارچوب‌های سیاسی داخلی ما اصول مدیریت توسعه را مورد حمایت قرار دهند دیگر چه مشکلی باقی خواهد ماند؟

سیاست‌گذاری به تنهایی هرگز کافی و مؤثر نبوده است. سه عامل در شکل‌گیری سیاستی که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است، نقش دارند: عامل اول منوط به معیارها و مقیاس‌ها می‌شود. در گذشته مراکز شهری کوچک و ساده بودند و مدیریت آنها کار چندان بیجیده‌ای نبود. شهرهای کنونی تا صدها کیلومتر توسعه پیدا کرده‌اند و جوامع مختلفی را در بر می‌گیرند. عامل دوم، در گذشته، بازار بیشتر در راستای سیاست‌گذاری‌های روز در رابطه با توسعه شهری حرکت می‌کرد. اما پس از جنگ جهانی دوم وضعیت بازار تعیین‌کننده سیاست‌های روز دولت بود.



اصول بودجه نویسی شهرداری‌ها

• علی داداش زاده

کارشناس دفتر شهر و روستاها شهرداری ارومیه

به تصویب چارت سازمانی شهرداری‌های استان و سازمان‌های وابسته به شهرداری‌ها و دریاقت مجوزهای استثناس که بیش از پانزده سال است در حلاء مانده بودند، قانون مند کردن توزیع اعتبارات و غیره اشاره کرد.

تعریف بودجه

بودجه (Budget) واژه‌ای است با ریشه لاتین که به سبب تکرار استفاده در زبان فارسی کاملاً آشنا به نظر می‌رسد و در نوشتارهای رسمی و حقوقی، بار معنایی ویژه خود را یافته است. تعریف بودجه و نکات لازم در خصوص آن براساس آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها به سبب حقوقی و مفهومی مربوطه به قرار زیر است. ماده ۲۲. بودجه سالانه شهرداری عبارت است از یک برنامه جامع مالی که در آن کلیه خدمات و فعالیت‌ها و اقداماتی که باید در طی سال مالی انجام شود، همراه با برآورد مبلغ و میزان مخارج و درآمدهای لازم برای تامین هزینه انجام آنها پیش‌بینی می‌شود پس از تصویب شورای اسلامی شهر قابل اجراست.

ماده ۲۴. دوره عمل بودجه هر سال تا ۱۵ اردیبهشت ماه سال بعد خواهد بود و تمدداتی که تا آخر اسفندماه هر سال تحقق یافته باشد تا خاتمه دوره عمل بودجه از محل اعتبار مربوطه قابل پرداخت است.

ماده ۲۵. بودجه شهرداری‌ها براساس برنامه‌ها و وظایف و فعالیت‌های مختلف و هزینه هر یک از آنها تنظیم گردیده، طرز تنظیم برنامه و تفریح بودجه و نحوه تفکیک وظایف و فعالیت‌ها و انطباق بودجه با برنامه و همچنین طرز برآورد درآمد و هزینه به موجب دستورالعملی خواهد بود که به وسیله وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها) تصویب و ابلاغ خواهد شد.

ماده ۲۶. مسئولیت تنظیم بودجه شهرداری و مراقبت در حسن اجرای آن و همچنین تنظیم تفریح بودجه به عهده شهردار و مسئول امور مالی است (مدیر امور مالی یا رئیس حسابداری بسته به وضع تشکیلات شهرداری) و واگذاری این وظایف از طرف شهردار به هر یک از معاونین دیگر شهرداری رفع مسئولیت نخواهد کرد.

شهردار موظف است به محض پیشنهاد بودجه یا تفریح بودجه به شورای اسلامی شهر یا استفاده از اختیاری که بر طبق بند ۱۲ ماده ۷۱ وظایف شورای اسلامی شهر به او تفویض شده، حداقل

شهرداری در ایران سازمانی با قدمت نزدیک به یک سده می‌باشد که به رغم قدمت بسیار زیاد آن و سولق موجود، در بیشتر موارد هیچ‌گاه از قدرت و اقتدار کافی برای اشاره صحیح امور شهر و نظارت کافی بر توسعه متناسب و متعارف شهر برخوردار نبوده است. به موازات توسعه سریع شهرها و گسترش فعالیت‌های شهری، ساختار تشکیلاتی و نیروی انسانی اکثر شهرداری‌ها با تغییرهای اساسی لازم روبه‌رو نگردیده است.

تاکنون شهرداری‌ها نه به عنوان یک سازمان کاملاً محلی از استقلال عمل لازم و نه به عنوان یک تشکیلات دولتی از حمایت‌های مالی دولت برخوردار بوده‌اند. به نظر می‌رسد اعمال سیاست خودکفایی شهرداری‌ها (افزایش درآمد و کاهش هزینه‌ها) که در نوع خود ابعاد بسیار گسترده‌ای داشته و دارد، مستلزم شکل‌گیری سازمان‌ها و تشکیلات ضروری در این رابطه و تعیین منابع اعتباری لازم برای سرمایه‌گذاری اولیه و انجام تغییراتی در قوانین موجود است.

قانون شهرداری‌ها باید متناسب با شرایط موجود مورد بازنگری اساسی قرار گیرد و قانون جدید با هدف تقویت اختیارات کافی و در پیش گرفتن تمهیدات لازم برای کسب درآمدهای بیشتر تدوین شود.

ساختار تشکیلاتی و نیروی انسانی شهرداری‌ها می‌بایست متناسب با جایگاه و منزلت واقعی شهرداری‌ها و با هدف حذف نیروهای غیر کارآمد و غیر ضروری، دستخوش تغییرات لازم گشته و ساختار متناسب با قانون جدید شهرداری و اهداف و سیاست‌های جدید در ارتباط با ارتقای مدیریت و خودکفایی شهرداری‌ها در کلیه زمینه‌ها طراحی شود.

همچنین ساختار مدیریت شهرداری‌ها متناسب با اهداف جدید و شرایط کنونی شهرها و انتظارات شهروندان مورد بازبینی و تغییرات لازم قرار گیرد.

تغییرات لازم در روش‌های اداره امور شهر، ارائه خدمات و اجرای طرح‌های عمرانی متناسب با اهداف جدید و شرایط کنونی شهرها به عمل آید و با استفاده از روش‌های مناسب و مکانیزه کردن صحیح ارائه برخی خدمات و توسعه سیستم‌های فعالیت‌ها برای کاهش نیروی انسانی و الکترونیکی کردن کارها و کاهش هزینه‌ها اقدام شود که البته قدم‌های خوبی از طرف وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و استانداری برداشته شده. از جمله می‌توان



هفته‌ای سه روز تقاضای تشکیل جلسه شورای شهر را بنماید و خود نیز در جلسات حضور یافته و توضیحات لازم را درباره اقدامات متوجه در آن بدهد.

ماده ۲۷: موعد تصویب نهایی بودجه سالیانه به وسیله شورای اسلامی شهر و ابلاغ آن به شهرداری طبق ماده ۶۷ قانون حاکمیت تا اول اسفند ماه سال قبل می‌باشد و در صورتی که شورای شهر در رأس موعد مذکور به وظیفه قانونی خود در این مورد عمل نکند، شهردار موظف است مراتب را به استاندار یا فرماندار کل و در شهرداری تهران به وزارت کشور اطلاع دهد تا بر طبق ماده ۴۱ اصلاحی قانون شهرداری اقدامات لازم معمول گردد.

ماده ۲۸: شهردار می‌تواند اعتبارات مصوب در بودجه برای هر یک از موارد هزینه یا فعالیت‌های داخل در یک وظیفه را تا ۱۰ درصد تقلیل یا افزایش دهد به نحوی که از اعتبارات کلی مصوب برای آن وظیفه تجاوز نکند.

سال مالی شهرداری‌ها

سال مالی شهرداری‌ها یک سال شمسی است که از اول فروردین ماه شروع و در آخر اسفندماه خاتمه می‌یابد.

رعایت اصول زیر در بودجه‌نویسی ضروری است:

- اصل تعادل بودجه
- اصل جامعیت بودجه
- اصل وحدت رویه بودجه
- اصل انعطاف‌پذیری بودجه

مراحل بودجه‌بندی شهرداری‌ها

مرحله اول:

از نظر شکلی:

براساس دستورالعمل، تهیه و تنظیم بودجه شهرداری‌ها صورت می‌گیرد.

از نظر محتوا:

بیان نرسایی‌ها و نیازهای واجد اولویت برنامه‌های شهرداری، رعایت اصول و سیاست‌های کلان کشور و سطح محلی در زمینه عمران شهری.

بودجه باید دارای راهبرد و سیاست مشخص بوده و در برنامه پنج ساله شهرداری‌ها دیده شود.

رعایت بخشنامه بودجه سالیانه شهرداری‌ها.

مرحله دوم: تصویب بودجه

ماده ۶۵ قانون شهرداری‌ها: هر شهرداری دارای بودجه‌ای است که پس از تصویب شورای شهر قابل اجرا می‌باشد.

ماده ۶۷ قانون شهرداری‌ها: شهرداری مکلف است منتهی تا روز آخر دی ماه بودجه سالیانه خود را به شورای شهر پیشنهاد نماید و شورای شهر نیز باید قبل از اسفندماه هر سال آن را رسیدگی و تصویب کند و همچنین شهرداری موظف است تفریق بودجه هر سال را تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد به شورای شهر تسلیم و شورای شهر باید تا آخر خردادماه آن را رسیدگی و تصویب نماید.

مرحله سوم: اجرای بودجه

ماده ۲۶ آیین‌نامه مالی شهرداری: مراقبت در حسن اجرای بودجه به عهده شهردار و مسئول امور مالی است.

ماده ۶۶ قانون شهرداری‌ها: سال مالی شهرداری از اول فروردین شروع و تا آخر اسفندماه خاتمه می‌یابد.

تبصره ۱ ماده ۶۸: مصرف اعتبارات شهرداری منحصرأ باید در همان حوزه هزینه شود.

ماده ۷۱: در خصوص ارائه صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری برای ابلاغ عموم.

ماده ۷۲: مصرف عوارض و درآمد شهرداری‌ها در همان شهر.

ماده ۷۹: پرداخت‌های شهرداری‌ها یا استناد مثبت و براساس رعایت آیین‌نامه مالی.

ماده ۲۴ آیین‌نامه مالی: دوره عمل بودجه را هر سال تا ۱۵ اردیبهشت سال بعد.

ماده ۲۸: در خصوص تقلیل یا افزایش اعتبارات مصوب تا ۱۰ درصد به وسیله شهردار.

ماده ۲۷: قبل از منظور داشتن وجوه حاصل از درآمد شهرداری‌ها به حساب قطعی درآمد، هزینه کرد آنها ممنوع است.

مرحله چهارم: تفریق بودجه

آخرین مرحله بودجه شهرداری‌هاست که پس از خاتمه کار اجزای بودجه ضرورت می‌یابد.

در بودجه‌بندی شهرداری‌ها بایستی سیاست‌های کلان کشور لحاظ شود که به مواردی از آن به شرح زیر اشاره می‌شود.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در لفق ۱۳۰۴ هجری شمسی.

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه و اسناد بخشی و فرابخشی برنامه چهارم توسعه.

رهنمودهای کلان بخش‌نامه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور در امور شهرداری‌ها.

ایجاد ساختار و آمادگی لازم برای اجرای ماده ۱۳۷ قانون برنامه چهارم توسعه و حرکت به سمت مدیریت واحد شهری.

واگذاری تصدی‌های غیرضروری به بخش خصوصی.

توسعه فناوری اطلاعات و پیش‌بینی اقدامات لازم برای شهرداری الکترونیک.

توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی و توسعه خطوط ریلی.

توجه و افزایش درآمدهای پایدار و شمال.

سیاست‌های کلی وزارت کشور

سهم شهرداری از عوارض فرآورده‌های نفتی، شماره‌گذاری خودرو و سبک‌ساز (موضوع تبصره ۱ ماده ۶ قانون تجمیع عوارض)

و اعتبارات دوازده در هزار ارزش گمرکی کالاهای وارداتی (موضوع تبصره ۲ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض) در چارچوب دستورالعمل توزیع اعتبارات به گونه‌ای هزینه شود که حکم ماده ۶۸ قانون شهرداری در خصوص تعیین حداقل سهم هزینه‌های عمرانی رعایت شود.



تبصره (۳) ماده ۲ قانون تجمیع عوارض می‌باشد اعتبار مزبور به شرط وجود اعتبار مصوبه به پیشنهاد شهرداری‌ها و موافقت شورای اسلامی شهر قبل هزینه خواهد بود.

نکته: نیم درصد کمک به کتابخانه‌های عمومی از شمول سقف دو درصد اعتبارات ماده ۱۶ و ۱۷ فصل چهارم مستثنی می‌باشد. (دو درصد به غیر از نیم درصد کتابخانه‌ها می‌باشد)
۷. بندهای تنفیذی دستورالعمل بودجه ۱۳۸۶:

بند ۴ تنفیذی بخش دوم ۸۶. همان‌طور که اغلب شهرداری‌ها دریافت وام از سازمان شهرداری‌ها را یکی از منابع مناسب تأمین اعتبار پروژه‌های مورد نظر جهت اجرا می‌دانند، باید توجه داشته باشند که افزایش سقف وام هر شهرداری و سهمیه‌های استانی و کم کردن فاصله اعطای وام‌ها فقط با گردش سریع اعتبار مربوط از طریق باز پرداخت به موقع اقسامات وام‌های دریافتی میسر خواهد بود. لذا ذی‌حسابان شهرداری باید در خصوص تأمین اعتبار بازپرداخت اقسامات به موقع و جاری وام در بودجه شهرداری مسئولانه عمل نموده و شورای شهر نیز مراقبت‌های لازم را به عمل آورند.

بند ۶ تنفیذی بخش دوم ۸۶: اعتبار دریافتی از سازمان شهرداری‌ها جهت اجرای طرح‌های مشخص شده در بودجه مصوب شهرداری حتماً باید برای همان پروژه به مصرف برسد. عدم رعایت این بند قطعاً موجب تجدیدنظر در اعطای کمک‌ها و اعتبارات به شهرداری خواهد شد.

بند ۷ تنفیذی بخش دوم ۸۶: شهرداری‌ها مکلف هستند معادل ارزش روز توافقات تهرتری خود را که با اشخاص حقیقی و حقوقی تحت نظارت و تصویب مراجع ذی‌صلاح به انجام می‌رسانند در بودجه منظور نمایند و با توجه به قیمت‌گذاری توسط کارشناسان رسمی دادگستری لحاظ نمایند. در شهرهایی که فاقد کارشناس رسمی هستند می‌توانند از هیات ارزیابی موضوع ماده ۸ قانون نوسازی و یا کارشناس خبره مورد تأیید دادگستری استفاده کنند.

بند ۱ تنفیذی بخش سوم ۸۶. گسترش تشکیلات اداری و ایجاد پست‌های سازمانی جدید ممنوع است.

بند ۸ تنفیذی بخش سوم ۸۶: پرداخت اضافه‌کار هر دستگاه حداکثر در حد پرداختی سال ۱۳۸۵ مجاز می‌باشد.

ماموریت خارج از کشور دستگاه‌های اجرایی حداکثر معادل عملکرد ریالی و تعداد نفر. روز ماموریت سال ۱۳۸۵ خواهد بود.
تبصره ۱: سفرهایی که هزینه‌های آن توسط سازمان‌های بین‌المللی یا کشور دعوت کننده تأمین می‌شود از محدودیت مقرر در این بند مستثنی می‌باشد.

تبصره ۲: سفرهای خارجی شهرداران پس از تصویب شورای اسلامی شهر و با رعایت آیین‌نامه و دستورالعمل نحوه اعزام ماموریت‌های خارج از کشور و چگونگی پرداخت هزینه‌های سفر و فوق‌العاده قابلیت اجرایی دارد.

بند ۹ تنفیذی بخش سوم ۸۶: در صورتی که کارکنان شهرداری درصدد راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه شهرداری هستند توصیه می‌گردد در جهت تقویت بنیه مالی صندوق مبلغی از محل کمک‌های بخش عمومی (ماده ۱۶ از فصل چهارم) با پیشنهاد

مبنای پیش‌بینی درآمدهای فوق‌الذکر برای سال ۱۳۷۸ حداکثر معادل ۸۵ درصد حق‌السهم مصوب سال ۱۳۸۶ شهرداری از اعتبارات ابلاغ شده توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور (موضوع قانون تجمیع عوارض) می‌باشد. وام‌های اعطایی و سایر کمک‌هایی که خارج از بودجه مذکور و به طور ویژه به شهرها اختصاص داده شده است مشمول محاسبه درآمد مذکور نخواهد بود.

شهرداری‌ها در صورتی که بخواهند در سال ۱۳۸۷ نسبت به تعدیل نیروی انسانی جازده خود با بهره‌گیری از کمک‌های سازمان شهرداری‌ها مبادرت کنند، موظفند معادل ۲۵ درصد از برآورد هزینه پرداختی به نیروهای مشمول طرح را در بودجه سال ۱۳۸۷ پیش‌بینی و تأمین کنند. مبلغی هزینه توسط سازمان تا سقف سهمیه استان از این سر فصل پرداخت خواهد شد.

هر گونه استخدام و به کارگیری نیرو توسط شهرداری‌ها وابسته به شهرداری‌ها اکیداً ممنوع بوده و صدور هر گونه مجوز استخدام و یا به کارگیری نیرو صرفاً براساس مجوزهای صادره توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و پس از طرح مراحل قانونی آن از قبیل آزمون، گزینش و غیره امکان‌پذیر می‌باشد.

حکم ماده ۶۸ قانون شهرداری در خصوص نسبت بودجه عمرانی به کل بودجه شهرداری، علاوه بر بودجه مصوب می‌بایستی در کارکرد بودجه سالانه شهرداری نیز رعایت شود.

ضوابط مالی تهیه و نظریه بودجه

۱. مبلغ قطعی پاداش سال (عیدی) به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. شهرداری‌ها موظف هستند در بودجه سال ۸۷ پاداش عیدی به ازای هر نفر شاقول و بازتخته مبلغ دو میلیون ریال پیش‌بینی کنند.
۲. افزایش حقوق و مزایا و فوق‌العاده‌های کارکنان رسمی و پیمانی به میزان شش درصد رشد نسبت به سال ۱۳۸۶ پیش‌بینی شود.
۳. میزان پرداخت کمک‌های غیرنقدی به تمام کارکنان، بازنشستگان، وظیفه‌بگیران و مستعمری بگیران در سال ۱۳۸۷ هشت صد هزار ریال منظور شود. براساس محاسبات به عمل آمده، هزینه خلیجایی هر مسافر در سیستم اتوبوسرانی به طور میانگین نزدیک به ۹۰۰ ریال برای سال ۱۳۸۶ می‌باشد. هزینه فوق می‌بایست توسط درآمد شرکت واحد (درآمد حاصل از فروش بلیط و سرویس‌های درستی) حداکثر یک سوم و مابقی توسط کمک شهرداری و کمک دولت (حداقل یک سوم) تأمین شود. براساس ماده ۶ قانون تأسیس و نحوه‌ی اداره کتابخانه عمومی کشور مصوب ۱۳۸۲ شهرداری‌ها کتابخانه عمومی مکلفاند همه ساله حداقل نیم درصد از درآمدهای وصولی (به استثنای وام) سال قبل خود را به منظور اداره امور کتابخانه‌ها در اختیار انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی شهر مربوطه قرار دهند. حداکثر اعتبارات موضوع مواد ۱۶ و ۱۷ بودجه شهرداری (به جز کمک‌هایی که به سازمان‌های وابسته به شهرداری و بودجه شوراهای اسلامی شهرها می‌شود) معادل دو درصد بودجه جاری به استثنای کمک‌های ملی و استانی و نیز اعتبارات موضوع



شهردار و تصویب شورای شهر در نظر گرفته شود.

بند ۱۱ تفهیدی بخش سوم ۸۶: پیش‌بینی اعتبار پرداخت هرگونه وام از محل اعتبارات جاری و عمرانی به شهردار، کارکنان شهرداری و اعضای شورای اسلامی شهر و خرید هرگونه تشریفات، کتب، ملزومات برای استفاده شخصی پرسنل مذکور مجاز نمی‌باشد.

پیش‌بینی اعتبار جهت انجام هرگونه هزینه به منظور چاپ تقویم، سالنامه، سررسید و اطلاعیه یا آگهی‌ها و به نام‌های مربوط به تبریک، خوش آمد، تشکر و تسلیت و امثالهم مجاز نمی‌باشد.

بند ۱۲ تفهیدی بخش سوم ۸۶: پیش‌بینی خرید ماشین‌آلات عمرانی در چارچوب استانداردهای تعریف شده از سوی معاونت پشتیبانی سازمان و از محل فروش ماشین‌آلات مستعمل یا ملی مراحل قانونی و رعایت آیین‌نامه مالی و مداخلاتی شهرداری‌ها و کسب مجوز از شورای اسلامی شهر امکان‌پذیر می‌باشد.

بند ۱۴ تفهیدی بخش سوم ۸۶: به استناد ماده ۳۶ آیین‌نامه استحضام کارکنان شهرداری‌های کشور مصوبه شماره ۱۶۴۰۱۸ / ۲۵۳۲۲ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ هیات محترم وزیران و همچنین نامه شماره ۱۶۰۴ / ۲۰۲۴۶۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۶ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، شهرداری‌ها جهت استفاده از تسهیلات رفاهی و تشویق کارکنان و به منظور پرداخت حق مسکن به کارکنان (رسمی - پیمانی) اعتبار مورد نیاز را در بودجه سالانه پیش‌بینی نمایند.

بند ۱۵ تفهیدی بخش سوم ۸۶: شهرداری‌ها می‌توانند در تنظیم بودجه سالانه خود اعتبار لازم را جهت انجام بیمه شهر و شهروندان در مقابل حوادث طبیعی و غیرمترقبه منظور نمایند.

۸. میزان اعتبارات قابل برآورد برای هزینه‌های وظیفه خدمات اداری شورای اسلامی شهرها برای سال ۱۳۸۷ مطابق موازین زیر تعیین می‌شود:

● شهرداری شهرهای با جمعیت تا ۱۰ هزار نفر حداکثر معادل چهار درصد کل بودجه مصوب به استثنای کمک‌ها، اعتبارات موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض (حقوق گمرکی) و وام ارسالی سازمانی شهرداری‌ها و کمک‌های استانی تا سقف ۱۷۸۵۰۴۰۰۰ ریال

● شهرداری شهرهای با جمعیت ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر حداکثر معادل سه درصد کل بودجه مصوب به استثنای کمک‌ها، اعتبارات موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض (حقوق گمرکی) و وام ارسالی سازمانی شهرداری‌ها و کمک‌های استانی تا سقف ۲۶۳۴۰۸۰۰۰ ریال

● شهرداری شهرهای با جمعیت ۵۰ هزار نفر تا ۱۰۰ هزار نفر حداکثر معادل ۲/۱ درصد کل بودجه مصوب به استثنای کمک‌ها، اعتبارات موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض (حقوق گمرکی) و وام ارسالی سازمانی شهرداری‌ها و کمک‌های استانی تا سقف ۴۱۸۱۷۰۰۰۰ ریال

● شهرداری شهرهای با جمعیت ۱۰۰ هزار نفر تا ۲۵۰ هزار نفر حداکثر معادل ۱/۶ درصد کل بودجه مصوب به استثنای کمک‌ها، اعتبارات موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض (حقوق گمرکی) و وام ارسالی سازمانی شهرداری‌ها و کمک‌های استانی تا سقف ۷۳۷۰۸۸۰۰۰۰ ریال

● شهرداری شهرهای با جمعیت ۲۵۰ هزار نفر تا ۵۰۰ هزار نفر حداکثر معادل ۰/۶ درصد کل بودجه مصوب به استثنای کمک‌ها، اعتبارات موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض (حقوق گمرکی) و وام ارسالی سازمانی شهرداری‌ها و کمک‌های استانی تا سقف ۸۶۵۹۱۴۰۰۰ ریال

● شهرداری شهرهای با جمعیت ۵۰۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر حداکثر معادل ۰/۴ درصد کل بودجه مصوب به استثنای کمک‌ها، اعتبارات موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض (حقوق گمرکی) ارسالی سازمانی شهرداری‌ها و کمک‌های استانی تا سقف ۱۲۱۲۷۶۰۰۰۰ ریال

● شهرداری شهرهای با جمعیت یک میلیون نفر و بالاتر به جز تهران حداکثر معادل ۰/۱۲۶ درصد کل بودجه مصوب به استثنای کمک‌ها و اعتبارات موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون تجمیع عوارض (حقوق گمرکی) و وام ارسالی سازمانی شهرداری‌ها و کمک‌های استانی تا سقف ۱۷۱۶۸۸۲۰۰۰ ریال

نکته ۱: اعتبارات مزبور پس از محاسبه در ردیف اعتباری تعیین اعتبار بودجه شورای شهر در ذیل ماده ۱۶ وظیفه خدمات اداری بودجه شهرداری قابل پیش‌بینی می‌باشد. انجام هرگونه هزینه‌ای به غیر از بودجه مذکور تحت هر عنوان در بودجه شورای اسلامی شهر ممنوع می‌باشد.

نکته ۲: پرداخت بودجه شورای اسلامی شهر از محل اعتبارات بودجه شهرداری منوط به تصویب بودجه شورای اسلامی شهر بوده و بودجه مورد نیاز شوراهای فرانشست (حداکثر تا در درصد اعتبار مصوب) نیز از محل بودجه شورا قابل تأمین خواهد بود.

نکته ۳: در ابتدای سال معادل یک چهارم اعتبار مصوب شورای اسلامی شهر به صورت علی‌الحساب تخصیص یافته و پرداخت می‌شود و در ماه‌های چهارم، هفتم و دهم متناسب با میزان وصولی قطعی کل درآمد شهرداری در هر سه ماه، تعدیل و پرداخت خواهد شد.

نکته ۴: کارکرد اعتبارات پیش‌بینی شده برای بودجه شورای اسلامی شهر متناسب با درصد تحقق درآمد کل بودجه شهرداری می‌بایستی باشد.

۹. شهرداری‌ها می‌بایستی ترتیبی در پیش گیرند تا نسبت به کسر کسورات قانونی حقوق پرسنل و پیمان کار اقدام شود و به حساب سازمان‌های مربوطه واریز شده و از ایجاد تعهد برای سال‌های آینده جلوگیری کنند.

۱۰. میزان پیش‌بینی درآمدی در سال ۱۳۸۷ می‌بایستی متناسب با رشد اعتبارات در سال‌های گذشته انجام پذیرد. در صورت افزایش بیش از آن لازم است موارد و میزان تحقق درآمد اضافه شده بررسی و دلایل توجیهی آن به مبادی ذی‌ربط ارائه شود.



سنگاپور؛ شهری بر نیمگان زمین

• اراش نورالقایی

آزاد رهنده آمد. از بچه پلیس رد شدم ولی از رفتارشان خشنود نبودم. شنیده بودم که سنگاپور کشوری تمیز و زیباست و در منطقه‌ای واقع است که روزگاری به ترتیب تحت سلطه پرتغالی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و ژاپنی‌ها قرار داشت تا نهایتاً در نهم اوت ۱۹۵۶ میلادی به استقلال رسید و به سرعت مسیر توسعه را طی کرد. سنگاپور یک جزیره پسته و کم‌ارتفاع است، به طوری که مرتفع‌ترین نقطه آن ۱۶۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (ارتفاع ساختمان‌هایش را نادیده می‌گیریم).

جزیره‌ای است چنان کوچک که نگارنده با یک روز پیاده‌روی تقریباً از شرق تا غرب آن را طی کرد. جزیره سنگاپور ۷۲ کیلومتر طول و ۲۲ کیلومتر عرض دارد و ۵۸ جزیره کوچک در محدوده مرزهای آبی آن واقعند. سنگاپوری‌ها هر ساله با اصلاح اراضی یا به تعبیری خشک کردن دریا به مساحت کشورشان می‌افزایند. تنوع قومی یکی از مشخصه‌های بارز سنگاپور است. چینی‌ها، مالایی‌ها و هندی‌ها اصلی‌ترین این اقوام هستند. دولت سنگاپور هم سعی دارد این کشور را کشوری چند فرهنگی معرفی کند. به نظر می‌رسد میان این اقوام اتحاد برقرار است و

اینجا جزیره‌ای است به کوچکی یک شهر و به بزرگی یک کشور. سنگاپور را می‌گویم. سنگاپور یا آنچنان که آوازه‌خواتان محلی می‌گویند، «سینگاپورا»، به معنی شهر شیر است و سبیل آن یک شیرماهی با سر شیر و دم ماهی است. به این می‌اندیشم که شعار گردشگری سنگاپور، به معنای «سنگاپور جایی که نظیر ندارد» (uniquely SINGAPORE)، بعد از شعار هند یعنی «هند شما را تغییر می‌دهد» (INDIA changes you)، بهترین شعار گردشگری از طرف یک سایت معتبر شناخته شده است و من در حال ورود به این کشور بودم. اکنون پشت خط قرمز باجه‌های کنترل ویزا و پاسپورت فرودگاه این کشور ایستادم.

قبل از این که با پلیس‌های فرودگاه روبه‌رو شوم، گونه‌ای از مهمان‌نوازی سنگاپوری‌ها را در هوایمایی سنگاپور در مسیر دومی به سنگاپور تجربه کردم. سرویس‌دهی آنان در حد رقابت با بهترین خطوط هوایی بود. در مدت هفت ساعت پرواز، مهمانداران آنقدر پذیرایی کردند که دهان‌ها و معده‌ها بیکار نماندند. با خودم گفتم شورش را درآورده‌اند. به خودم که آمدم متوجه شدم، پلیس‌ها با چه دقتی به اساسی و عکس‌های پاسپورت‌ها نگاه می‌کنند، به طوری که این دقت آنها به نظرم



داخل آن همواره صفر درجه سانتی گراد است. در این محله وجود دارد که در نوع خودش بسیار جالب است. رستوران‌های این محل هر کدام ویژگی خاص خود را دارند و غذاهایی را با هر نوع سلیقه‌ای و متعلق به هر کشوری که بخواهید به شما عرضه می‌کنند.

رستورانی در این محل وجود دارد که به "رستوران کلینیک" معروف است. همه صندلی‌های این رستوران ویلچر است و نور سقف آن از چراغ‌هایی است که در اتاق عمل می‌بینیم و هر میز از میز دیگر با یک پارتیشن کرم رنگ که در درماتگاه‌ها دیده می‌شود و همان جایی است که پرستاران در آنجا ما را روی تخت می‌خوابانند و آمبول می‌زنند جدا شده. نوشیدنی‌های این رستوران از طریق کیسه‌های سرم که روی پایه‌های بلند قرار گرفته‌اند در دسترس قرار می‌گیرند. در این رستوران همه چیز فست‌تری و پر از ابتکار به نظر می‌رسد.

راهنمای محلی سنگاپوری چینی‌الاصل ما بسیار علاقه داشت که به ما بپهچاند در سنگاپور، محل عبادت بودایی‌ها و معبد هندوها و مسجد مسلمانان در یک خیابان و در قاصه بسیار نزدیک به هم قرار گرفته‌اند و البته چنین هم بود.

یکی از مراکز تفریحی سنگاپور، جزیره‌ی زیبای سنتوز است. در این جزیره گردشگران را برای تماشای آکواریومی می‌برند که انواع ماهی‌ها در آن هستند. قدم زدن در ساحل و احتمالاً شنا، بازی فلینگ‌ها و دیدن از رقص فواره‌ها به همراه موسیقی که یکی از زیباترین‌ها در دنیا است، در تور یک روزه از این جزیره چا دارند. یکی از موضوعات جالب این بود، مادامی که در یک هتل سنگاپور اقامت دارید، همسایه‌ها یا شما برخورد می‌شود، چه کسی از این احترام دلشاد نمی‌شود.

سنگاپور به لحاظ کوچکی کشوری نیست که بیش از ۱۰ روز برای ماندن و کشف کردن وقت لازم داشته باشد و شاید وسوسه‌ای برای توباره برگشتن ایجاد نکند. اما بیش از اینها که در این نوشته مطرح شد، ذهنی و گفتنی دارد تا جایی که به قول دست‌اندرکاران گردشگری‌اش، در سال ۲۰۰۷، بیش از دو برابر جمعیت خود سنگاپور، گردشگر وارد این کشور شد. چیزی در حدود ۱۰ میلیون نفر.

سعی شده که قدرت و ثروت در میان این اقوام عادلانه تقسیم شود. اما این که آیا به راستی چنین است، موضوعی است که باید جداگانه بررسی شود و از مردمش پرسیده شود. برای اولین بار که از هتل بیرون آمدم، تازه متوجه ساختمان‌های شیک، زیبا و بلند شدم. شگفتی این بود که با وجود این همه ساختمان بلند احساس خفگی نمی‌کردم. هیچ ساختمانی منظره ساختمان دیگر را کور نمی‌کرد و فضای میان آنها چنان بود که مجال نفس کشیدن را از کسی نمی‌گرفته. عجیب این بود که ساختمان جای درخت را نگرفته بود. درخت بود و ساختمان هم بود. ششیده بودم که در خیابان‌های سنگاپور اشغال نیست. ما هم حریص شده بودیم و چشممان به این بود که اشغالی پیدا کنیم و عکس بگیریم. تلاش کردیم و البته نتیجه هم گرفتیم. ولی این کشور به طرز باور نکردنی تمیز است. یکی از مسافران در انتهای سفر می‌گفت: "یک هفته است که کف کفشم خاکی نشده، دلم می‌خواهد کفشم را واکس بزنم ولی بهانه‌ای ندارم."

برای گردش در سنگاپور باید آن را به چند بخش تقسیم کنید: محله چینی‌ها، هند کوچک، خیابان عرب‌ها، خیابان لورچارد و منطقه تاریخی و فرهنگی. در محله چینی‌ها، معابد بودایی و بازار چینی‌ها بادی از چین را زنده می‌کنند. در هند کوچک با خدایان هندوها آشنا می‌شوید و نحوه‌ی زندگی هندی‌ها را می‌بینید و اشغال در گوشه و کنار خیابان پیدا می‌کنید. در خیابان عرب‌ها می‌توانید قدم‌زدن بی‌خیال مرغ‌ها در وسط کوچه‌ها را بنگرید و در مسجد مسلمانان داخل شوید و از بازار خرید کنید. در بخش تاریخی و فرهنگی می‌توانید با دیدن از موزه‌ها و بناهای یادمانی شادمان شوید. به سوزه‌ی ASIAN CIVILIZATION (تمدن آسیایی) که بروید آثاری از ایران را خواهید دید. خیابان لورچارد محل خوبی برای خرید و قدم زدن است. حال و هوای غربی این خیابان شما را از حال و هوای شرقی که ذکر کردیم، جدا می‌کند.

قدم زدن در کنار رودخانه سنگاپور شما را به محلی می‌رساند که به CLARKE QUAY معروف است. جایی که رستوران ایرانی "شیراز" در آن واقع است و شما می‌توانید ایرانی‌های بسیاری را در آنجا پیدا کنید. یک رستوران که دمای



hamsicubonline.com



مسجد و رویکردهای فرهنگی و اجتماعی آن

• حسین غفاری

تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان در آمدند و به تدریج موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند.^۱

هر دیانتی به طور طبیعی برای نهادینه کردن فرآیند عمل به شعار دینی و مذهبی، سعی در تاسیس قلبی ویژه می‌تواند که نام عمومی آن معبد است. نهاد مسجد در نقش نه تنها معبد اصلی اسلامی بلکه به عنوان پایگاه دین‌شناسی، اجتماعی، دانشگاه و مرکز نقل جهان اسلام است. مسجد اولین مرکز آموزشی جهان اسلام بوده و با آموزش ارتباط تنگاتنگی داشته است. حفظ و درک آیات قرآن کریم، نقطه آغاز آموزش و پس از آن مطالعه قرآن و یادگیری سخنان پیامبر اسلام از طریق مسجد انجام می‌گرفت. وجود احادیثی در این زمینه، موجب ترویج نظام آموزشی مسجد می‌شود. احادیثی مانند این سخن گهربار نبی اکرم (ص): کسی که به منظور یاد دادن یا یاد گرفتن وارد مسجد می‌شود، مانند ساجده‌ای است که در راه خدا تیرد می‌کند.^۲ بعدها نیز مراکز آموزشی و حوزه‌های علمیه در کنار مساجد بنا شد و بزرگترین عالمان از همین حلقه‌های آموزشی و حوزه‌های علمیه بیرون آمده‌اند. مسجد در زمان پیامبر محل حاکمیت سیاسی جهان اسلام

امروزه با توجه به این که نظام حاکم جمهوری اسلامی است و با توجه به رویکردهای معنوی آن می‌بایست در تعیین ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دیدگاه‌های معین و شاخصی را ارائه کرد.

مسجد به عنوان پایگاه اصلی مسلمانان، نقش اصلی و عمده را در این امر دارد. مطالعه تاریخ در زمینه‌ی ساخت مساجد کارکردهای آن نشان می‌دهد که محور تمدن شهری، مسجد بوده است. پیامبر مکرم اسلام (ص) با بنای مسجد قبا در سر راه خویش به مدینه و ساخت مسجدائینی، هنگامی که به مدینه رسید و خود برای ایجاد آن با مهاجران و انصار همکاری کرد. اهمیت مسجد را روشن ساخت.^۳ با این حرکت او اولین پایگاه فرهنگی و اجتماعی خود را بنا کرد. روزه گزاردهی مسجد را آیینی اسلام می‌داند و آن را عنوان کتابش قرار داده.^۴ مارسل بوزار اسلام‌شناس سوئسی راجع به نقش نیرومند مسجد در فرهنگ اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می‌گوید: «مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفته. مخصوصاً در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صبر اسلام را دگر بار از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز



بود است. پیامبر بیشتر شورای عالی سیاستگذاری کلان و خرد حکومت مفسس خویش را در مسجد تشکیل می‌داد و بنیان اداره امور مردم نیز در همین مساجد شکل می‌گرفت.

کلیه ارتباطات اجتماعی، امر قضاوت، آموزش و در یک کلام حاکمیت و اداره‌ی امور مردم در مسجد بود حتی اتاق جنگه فرماندهی و ستاد نیز در آنجا مستقر بود.

مسجد به عنوان مرکز حکومت اسلامی در کوفه، در شهرسازی آن نیز تأثیر عمده داشت. اولین بنای کوفه، مسجد آن بود که توسط مهندسی ایرانی به نام روزبه طراحی شد. وی برای این مکان طرحی ارائه کرد که شامل دو قسمت بود: دو بخش اول مسجد وسیعی قرار می‌گرفت که رواقی به مساحت دوپست ذراع با ستون‌های مرمر و سقفی هموار داشت. خندقی در اطراف مسجد حفر کردند تا مردم در داخل و نیز در حریم آن بتایی نسازند. در سطح شهر پاترده راه اصلی ساخته شد که تمامی آنها به کانون مهم شهر یعنی مسجد ختم می‌شد. طبری می‌نویسد هنگامی که اراده ساختن شهر کوفه را کردند، اولین چیزی که نقشه آن ترسیم و بنا گردید، مسجد بود. از این جهت بافت اجتماعی و کالبدی شهر با مسجد یگانگی پیدا کرد.

ویلیام جیمز در کتاب دین و روان می‌گوید: در ساختمان‌های بعضی از معابد همان نیاز و احتیاجی ملاحظه می‌شود که در تهاد و سرشت آدمی وجود دارد. روحیه‌ی بعضی از مردم طوری است که بسیار علاقه‌مند به بی‌آلایشی بوده و به زندگی درونی خود اهمیت بسزایی می‌دهند. در مقابل مردمان دیگری هستند که به زرق و برق و جلال و جبروت اهمیت می‌دهند. از یک معبد ساده و بی‌آلایش خوششان نمی‌آید. او به سازمانی روحانی نیازمند است که پر ابهت و جلال بوده و یک مقام یا عظمتی در راس آن قرار گرفته باشد. اینها در مقابل معبدی پر عظمت که سر به آسمان برافراشته و در آن صدای اله‌اکبر یا لحن مخصوص طنین‌انداز باشد، عظمت و قدوسیت خداوند را بیشتر و بهتر درک می‌کنند.^{۱۳۱} می‌دیحسین نصر می‌نویسد: شاهکارهای بزرگ هنر اسلامی همچون مساجد جامع قرطبه در اسپانیا، قیروان در تونس و ابن‌طوئون در قاهره یا نظایر دیگر آنها در این سوی شرق جهان اسلام، مثل بناها و مساجد استانبول و مخصوصاً اصفهان و سمرقند، نه تنها جلوه‌هایی از روح وحی اسلامی را باز تابانده است بلکه طنین جان و جوهر همان روح است و به یک معنا روشن‌ترین و عینی‌ترین پاسخ را به این سوال می‌دهد که اسلام چیست. این بناها برخی از مهمترین جنبه‌های پیامبر اسلام را در هماهنگی و تناسب و صفا و روشنی و آرامش خود متبلور ساخته است.^{۱۳۲}

در قرآن کریم به ویژه مسجد و مساجد ۲۸ بار اشاره شده است. اهمیت دادن به مسجد (ساختن، حضور در آن، فعالیت‌های علمی و فرهنگی و غیره) در آینه روایات و احادیث بین‌گرا اهمیت نقش و کارکرد این مرکز مهم اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «المساجد انوار الله» مساجد توار الهی است و فرمود: أحب البلاد الی الله، محبوب‌ترین مکان شهرها پیش خدای متعال مساجد است. و در کلامی عارفانه از امیرالمومنین علی (ع)

آمده است که: «الغیا مسجدا اجباء الله» دنیا مسجد دوستان خلاصت.

در طول تاریخ مسجد این کارکرد خود را حفظ و تا به امروز محل تکثیر اندیشه دینی و زدودن شبهات فکری است اسلام بوده و در عصر حاضر حتی در تأمین بهداشت روانی افراد مؤثر بوده است. یکی از مضامین دنیای معاصر مسئله بحران‌های روحی و روانی است. به گونه‌ای که عصر حاضر را عصر اضطراب نامیده‌اند. دنیای غرب در مبادلات فرهنگی خود به صورت پنهان این عامل را انتقال می‌دهد. تظلمیر روح و روان مسلمانان در مساجد دعا و نیایش در آن و حتی سبک معماری مساجد، پالایش روانی مسلمانان را در پی دارد.

مسجد محل کثرت و بازیافت هویت دینی مسلمانان بوده و هست. مسجد در اسلام تنها معبد نیست. زیرا اساساً عبادت در اسلام منحصر به دعا و نیایش و انجام امور ویژه‌ی دینی مخلود نمی‌شود. به بیانی دیگر مسجد در اسلام کانون عبادت است اما عبادتی که دامن‌های تعریف و توسعه آن، چگونگی و چستی کلیه امور مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان اسلام را در برگرفته و گزاره‌های دینی را مفهوم و حیثیت می‌بخشد.

نکته ظریف و پرمعنایی که تنها در شناسنامه مسجد نهفته است و دیگر معابد فاقد آن شاخصه مهم‌اند، پیوند دینیت و سیاست در تاروپود و در ساختار پیکردی مسجد است.^{۱۳۳}

امروزه با حضور صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌ها که به صورت فروروشگاه‌های مختلفی در کنار مساجد ایجاد شده، همچنین وجود پایگاه‌های بسیج نقش مهمی در اقتصاد و ایجاد امنیت محله‌ای برای مساجد تعریف شده است.

با توجه به رویش هندسی آهن و سیمان و تغییر نوع بافت‌های شهری و ایجاد شهرک‌ها لازم است شهرداری‌ها در تهیه نقشه‌های شهری، ملاحظات لازم را با دقت و توجه به موارد مذکور، داشته باشند. همچنین به گونه‌ای نباشد که در دوره‌های نظام حکام اسلامی به این موارد توجه نشود. در صورتی که دوره‌های مختلف اسلامی صاحب مساجد به نامی بودند که در حوزه‌ی هر کدام از آنها مردان بزرگی تربیت شده و آثار ماندگاری از خود به جا گذاشته‌اند.

بنابراین لازم است فضاهای فرهنگی در کنار مساجد به عنوان متمرکز کننده فعالیت‌های دینی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی ایجاد و مدنظر طراحان قرار گیرد، و از اختصاص فضای کوچک برای مسجد پرهیز و تمام کارکردها در آن رعایت شود از قبیل: کتابخانه، قرائت‌خانه، تالاس‌های آموزشی، آشپزخانه، حسینیه، خانه سرایداری و فضاهای وابسته مثل زمین بازی کودکان، مغازه‌هایی که وقف مسجد بوده تا بخشی از هزینه‌های مسجد را تأمین کند. همچنین تمرکز خرید محله با محوریت مسجد ایجاد و صندوق قرض‌الحسنه محلی به معنای واقعی خود با پرهیز از سیستم تبلیغاتی بانکداری معمول در مساجد تشکیل شود.

در پایان امیدواریم شهرداری‌ها با همکاری متولیان دیگر همچون اوقاف، امور خیریه و ارشاد اسلامی در ایجاد مساجدی با کارکردهای فرهنگی صحیح کوشا باشند.



پی نوشت

- ۱- مسجده مسجد، مقاله‌ای استی آموزشی اسلامی، موسسه فرهنگی
- ۲- مقاله نقش و جایگاه مساجد در قرابت مسجد و جوانی شود، عبد حمید سیدی
- ۳- اسلام در حرکت امروز، ماحول نمازی، ص ۱۰۱-۱۰۲
- ۴- مقاله نظام آموزش مساجد، علی رضایی بروجندی
- ۵- تاریخ طبری، ص ۱۴۴
- ۶- ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی فتاحی، انتشارات آیتونش کتاب اسلامی، ص ۱۵۱-۱۵۲
- ۷- مقاله نقش مسجد در جامعه اسلامی، شاکر گلپایز

تأثیر مسجد بر زندگی اجتماعی زنان

خانه‌ای برای حضور تو

زهرا بیانی



مدرسه‌های دینی گذرانده است. او در زمان انقلاب فرهنگی دهه ۶۰ که سپاهیان سرخ کتاب‌ها را به آتش می‌کشیدند از مساجد محافظت می‌کرد. او همچنین به ضرورت وجود مدرسه‌ها زن برای آموزش قرآن به زنان جوان علاقه‌مند تاکید دارد و به همین سبب مدارس ویژه زنان مسلمان در چین را پایه‌گذاری کرده است.

مریم نایب‌نگ ۳۸ ساله امام جماعت است. او تحصیلات علوم قرآنی را در سال ۱۹۹۰ به پایان رساند و امام جماعت یکی از این مساجد شد. او قرآن را به زبان عربی و فارسی در مسجد نیز تدریس می‌کند.

مریم می‌گوید: «ما افراد را تشویق می‌کنیم که زندگی خود را منطبق با قوانین اسلامی قرار دهند»

در چین و در بسیاری از کشورهای دیگر، مسجد مکانی است برای گردهم آمدن زنان و حضور فعال آنها در جامعه. مساجد پایگاه اصلی فرهنگی و تربیتی جامعه هستند و زنان با بهره‌گیری از این مکانی مقنس علاوه بر آن که زمینه‌ی حضور خود را در جامعه فراهم می‌کنند به فراگیری علوم تربیتی نیز می‌پردازند.

وقتی زنان در مسجد گردهم می‌آیند، بهترین زمانی است که می‌توانند از مسایل دینی و قرآنی بهره‌مند شوند چون یکی از

چندی پیش در روزنامه گاردین، گزارشی از نواحی مسلمان نشین کشور چین منتشر شد که در آن به فعالیت گسترده زنان پرداخته شده و تشریح کرده بود که آنان چگونه در این کشور به ترویج منطقی و آرام آرام مذهب خود می‌پردازند.

زنان طلبه‌ی فعال چینی در منطقه مسلمان‌نشین این کشور ۱۳۳ میلیاردی، مساجد بزرگی دایر کرده‌اند که در آن به فعالیت گسترده فرهنگی، مذهبی می‌پردازند.

این زنان علاوه بر این که امامت جماعت مساجد ویژه زنان را برعهده دارند، به زنان و دختران جوان قرآن و احکام دینی آموزش می‌دهند.

این مساجد بیشتر متعلق به فرقه هویی - یکی از بزرگ‌ترین تشکل‌های اسلامی در چین - است. این قشر از مسلمانان سنتی را ابداع کرده‌اند که تقریباً در میان مسلمانان امری ناشناخته بوده و آن بنا نهادن مساجد خاص مسلمانان یا «نوسی» است؛ امام جماعت این مساجد زن‌ها هستند. در این مساجد زن‌ها و دختران در جوی صمیمی و دوستانه در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و جز در موارد به جا آوردن نمازهای پنجگانه مردان برای ورود به مسجد و عبادت آزاد هستند. خانم گو که ۸۰ سال دارد، از کودکی یادگیری قرآن را آغاز کرده و در سن نه سالگی تحصیلات کاملش را در



دلیل داشتن احساسات و عواطف قوی و توجه به برقرار کردن ارتباط‌های بین فردی می‌توانند نقش بسزایی در گسترش فرهنگ مسجد محوری و انتقال آموزه‌های دین اسلام به جامعه داشته باشند. در کشوری مانند آمریکا حتی مرسوم شده است که مراسم عقد اسلامی و مجلس جشن عروسی را در مسجد برگزار کنند. در این کشور مسجد مکانی است که بسیاری از مسلمانان را به هم پیوند می‌دهد و به خصوص برای زنان که مشارکت در فعالیت‌های مسجد و حضور در مجالس آنها را از حالت لزوماً درمی‌آورد.

و همین مسجد می‌تواند زنان، این مرزبان جامعه را به شکل خاص تربیت کند. حضور زنان در مساجد با توجه به اثر عمیق تربیتی مسجد می‌تواند نقش بسزا و شایسته‌ای در تربیت نسل‌ها و سعادت آنها داشته باشد. در واقع با حضور زنان در مساجد، مرزبان جامعه تربیت دینی پیدا می‌کنند و از اینجاست که اهمیت این حضور روشن می‌شود و به خاطر این ضرورت باید زمینه برای جذب و حضور زنان و جوانان در مساجد فراهم شود. حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی، رئیس ستاد اقامه نماز، در مراسم افتتاحیه شانزدهمین اجلاس سراسری نماز در این باره گفته بودند: «ما باید اجازه دهیم که زنان و جوانان در فعالیت‌های مسجد حضور بیشتری داشته باشند. در هیئت امنای مساجد باید این زمینه فراهم شود که حداقل یک استاد دانشگاه و یک خانم حضور داشته باشد. همچنین زمینه‌ای فراهم کنیم که اداره و تصمیم‌گیری در امور مساجد مشارکت بیشتری داشته باشند».

در واقع زنان با حضور خود در مساجد نقش خود را در مسائل اجتماعی ایفا می‌کنند. با توجه به آن که مساجد محل انجام کار دسته‌جمعی است و تکلیف سیاسی جامعه در آنجا مشخص می‌شود، حضور زنان در این مکان مقدس بی‌انگیز مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و ملی است.

و زنان تنها به همین دلیل باید در مساجد حضور به عمل برسانند زیرا خواندن نماز و عبادت صرف در خانه برایشان توفی پس بزرگ‌تر خواهد داشت.

اما از همین بزرگان و فقها نقل است که اگر زنان بخوانند حضوری مثبت و فعال در جامعه داشته باشند، بهترین مکان برای آنها مساجد است.

شانه به شانه هم ایستاده‌اند و یک صدا او را صدا می‌زنند. انگار این عنوانی‌ها بیشتر و بهتر به خدا می‌رسد. اینجا باید متحد بود و از یک چیز گفت. زیرا جایی برای حرف‌های دیگر نمی‌ماند. جایی برای خودنمایی نیست. خضوع تو روح را در برابر خدا نمایان می‌سازد و او رحمتش را نثار روح خواهد کرد.

مسجد خانه خدا روی زمین است. جایی که خدا حضور دارد و توجه ویژه به مهمان‌های خود خواهد کرد. آن جایی که آیه و وحی و سخنان خدا در آن فرو فرستاده شد و درخشش نور خدا بر حول محور آن تابیدن می‌گیرد. پس قلادت آن با هیچ یک از جاهای زمین قابل مقایسه نیست.

و چه تصور غلطی است که این مکان مقدس را تنها توقفگاهی برای نماز می‌پندارند.

اهداف بنای مسجد برگزاری جلسات علمی و بیان احکام و مسائل اسلامی است. همان‌طور که در زمان رسول خدا (ص) مرسوم بوده است و حتی ائمه اطهار (ع) در سخنان متعددی مساجد را پایگاه علم و دانش معرفی کرده‌اند. زنان با حضور خود هم پاداش تحصیل علم را به دست می‌آورند و هم ثواب رفتن به مسجد را. شاید خود زنان باور نداشته باشند که حضورشان در این مکان‌های مقدس می‌تواند چه بازتاب‌هایی را در میان مجامع جهانی و بیرون مرزی داشته باشد. حضور زنان در مساجد بی‌انگیز حضور فعال آنان در جامعه اسلامی، مجامع دینی و مذهبی است. آیت‌الله امیر خداندادی، امام جماعت یکی از مساجد تهران با اشاره به حضور زنان در مساجد می‌گوید: «شاید به ظاهر در این مکان نمازی خوانده شود و مراسم مذهبی و عبادی صورت گیرد، اما همین سفوف به هم پیوسته است که وحدت و همبستگی زنان را در جوامع اسلامی در چشم جهانیان نمایانگر می‌سازد».

رفتن به مسجد و رونق بخشیدن به آن در رشد و بالندگی زنان بسیار موثر است و کسی هم تاکنون زنان را از رفتن به این گونه مکان‌ها باز نداشته است. برای تأیید این گفتار می‌توان به سخنی از امام خمینی (ره) اشاره کرد: «ما ممنوعیم که بانوان و زنان پیر و جوان، خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی حاضر و هم‌نوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. چه خوب است نقش مسجد را محدود نکنیم به چند دقیقه حضور برای عبادت، چه بسا هم‌دلی کردن‌ها، کسب علم‌ها، گره از کار دیگران کشیدن‌ها عبادتی بس بزرگ‌تر باشد. چه زیباست همکاری بانوان محل برای کمک به دختر دهم‌بخت همسایه و چه زیباست همکاری زنان محل برای کمک به کودکی گرسنه در گوشه‌ای از شهر. زیرا این زنان هستند که به





همایش صدسال بلدیة در ایران

جمعیت باید مدیریت و تفکر متفاوتی ارائه کرد. وی توجه به فیزیک کالبدی شهر و خدمات شهری، تهیه استانداردهای علمی و نظریه‌های مناسب برای اداره‌ی شهرها، توجه به صورت ظاهری شهرها و کپی‌سازی شهرهای ما از شهرهای غربی و توجه به مباحث فرهنگی، علمی و دینی را چهار نوع تفکری دانست که در صد سال گذشته در مدیریت شهری شکل گرفته است.

معاون عمرتی وزارت کشور به بحث منشور ملی شهر، شهروند و شهرداری‌ها اشاره کرد و گفت: امید است این منشور، رساله‌ی عملی باشد برای کسانی که در این بخش مسئولیت دارند و خواهان بهبود وضعیت شهرهای کشور هستند.

ریس سازمان شهرداری‌ها اظهار امیدواری کرد که این سازمان در سال نوآوری و شکوفایی یا حرکتی ارزشی و معنوی برای تقویت باورهای اصیل مردم ایران اسلامی و حفظ و توسعه‌ی فرهنگ عتی اسلامی و توسعه‌ی فرهنگ شهر و شهروندی و شهرنشینی گام بردارد.

سومین سخنران آقای دکتر بهزادیان‌نژاد از اعضای هیئت امنای موسسه‌ی مطالعات فرهنگ و تمدن ایران زمین و دبیر همایش بود که گزارشی از روند اجرایی برگزاری همایش و بررسی علمی مجموعه مقالات و مطالب رسیده و نحوه‌ی گزینش مقالات منتخب ارائه کرد.

سپس طبق برنامه اعلام شده اساتید و پژوهشگران در زمان‌بندی‌های مشخص شده به ارائه مقالات برگزیده با انتخاب هیئت داوران پرداختند که خلاصه‌ی مقالات ارائه شده بدین شرح می‌باشد:

همایش یک‌روزه‌ی صد سال بلدیة در ایران، توسط ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس شهرداری‌ها در کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و موسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران زمین، روز دوشنبه نهم اردیبهشت ماه در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد.

پس از قرائت زیبا و دلنشین قرآن (آقای رضاییان)، مجری برنامه با آواز رسا، تسلط کامل و قرائت ابیات انتخابی، به شرح برنامه‌های همایش پرداخت. حجه‌الاسلام ناصری‌پور، دبیر ستاد ضمن خوش آمدگویی با تشریح اهداف ستاد گزارشی از فعالیت‌های ۱۵ ماهه ارائه کرد و افزود: «این ستاد طی سال گذشته یکبگیر موضوع تدوین منشور شهر، شهروند و شهرداری بوده و امروز آغاز تدوین این منشور است که ضرورت تدوین آن با توجه به خلاءهای امروز نظام مدیریت شهری بر اهل فن پوشیده نیست. البته گفتنی است که در تدوین این سند از اساتید حوزه و دانشگاه، به ویژه حوزه‌ی علمیه قم و دانشگاه‌های آصفهان بهره‌مند شده‌ایم».

مهندس سید مهدی هاشمی سخنران بعدی همایش بود که با اشاره به صد ساله شدن شهرداری‌ها در ایران پس از تصویب قانون بلدیة گفت: «نظافت شهر، مراقبت در رفع تکلیف‌گری، اقدامات بهداشتی و کمک به بیمارستان‌ها، حفظ و حراست در مقابل بلایای طبیعی، حفاظت و ایمنی در مقابل حریق و اطفای آن، گسترش فضای فرهنگی و مساجد از اصلی‌ترین وظایفی بود که در این قانون به عهده‌ی شهرداری‌ها گذاشته شده است.» به گفته‌ی هاشمی حرکت مدیریت شهری از صد سال پیش تاکنون با محدودیت و انحصار در موضوع خدمات شهری روبه‌رو بوده است و امروز با رشد و گسترش شهرها و رشد



در عرف جامعه نقابونی بین شهر بزرگ و پایتخت نیست اما وجه تمایز باید مشخص و روشن باشد. برخی شهرها پایتخت نبوده‌اند اما در یک بُعد اهمیت و ویژگی خاص

نسبت جغرافیای سیاسی و دارالخلافه شدن تهران

مهندس محمد بهشتی

است. انتخاب تهران از روی هوس نبوده از طرفی هم مؤیدان آقا محمدخان تهران نبوده است. عقل و هوش و ذکاوت وی ستودنی است. حتی کریم‌خان ظرفیت‌های این شهر را

دیده بوده و به دنبال این بحث بود. تهران پایتخت استثنایی است. چرا که رودخانه مرکزی ندارد و در دامنه کوه واقع شده است و این اتفاق در تهران روی داده است. استعدادهای ذاتی شهر علت اصلی انتخاب بوده است. هزار رشته قنات از تهران می‌گذشته. این حجم آب زمینه خلاقیت و ابتکار انتخاب بوده است. گسترش تهران بی‌رویه بوده اما به معنای نشان ظرفیت این تمدن جمعیت نیست. ترتیب بهن کردن سفره اهمیت دارد. بد گسترده شدن معضلات را به دنبال خود آورده است. کریم‌خان (دالان) شرقی و غربی همچنان معتبر است. غلی رغم اهمیت و حجم سفرهای هوایی (انتخاب فرودگاه امام خمینی (ره) بر همین اساس ارتباطا غرب و شرق است) این اهمیت همچنان ادامه دارد. ختم شدن راهها به تهران امروز هم توجیه نیست. و شهر بر این اساس گسترده شده است. امر تغییر پایتخت ساده و پیش افتاده نیست. هیچ قطعی امروز در کشور پاسخگوی مثلاً جمعیت هشت میلیون نفر نیست. تهران بر مزیت‌ها و ظرفیت‌ها و مختصات بهترین بهره را می‌تواند داشته باشد.

داشته‌اند. خلیجایی مکرر پایتخت در ذهن آورده که انتخاب پایتخت ارائه فردی است و به راحتی این جایابی صورت پذیرفته است. این بحث پایتخت بودن سابقه و ریشه طولانی دارد. جبهه جنوبی البرز مسیر ارتباطی شرق به غرب عالم بوده است. این مسیر بر دالان (کریم‌خان) در جهانی استوار دارد. مشابه این شرایط در جبهه زاگرس هم وجود دارد. جاده انویه به جاده ابریشم بهنو به بهنو می‌زند. محل تلاقی این دو جاده تهران است. تمام پایتخت‌های ایران روی این دو جاده قرار گرفته‌اند. برای پایتخت بودن می‌بایستی بر سر یک راه مهم می‌بودیم. برای دسترسی و اطلاع داشتن و گذران امور. البته تعلقات محلی خاندان سلطنتی موثر بوده است اما شرایط جغرافیای سیاسی اهمیت بیشتری داشته است. از عوامل موثر ماندگاری حکومت انتخاب درست بوده است. وجه اعتباری نداشته است. به استناد تجربه تاریخی، تهران بهترین انتخاب بوده و سابقه بیش از ۲۰۰ ساله مؤید این مهم است. آنهم ۲۰۰ سال پر حلقه با تحولات شهرنشینی و سیاسی-اجتماعی عظیم. تهران تاب مقاومت در مقابل این همه را داشته.

پایتختی خود را حفظ کرد و با توجه به اصل سوم قانون اساسی مجلس شورای ملی که مرکب است از اعضای که در تهران و ایالات انتخاب می‌شوند و محل

تأسیس بلدیة دارالخلافه و کارکردهای آن در عصر اول مشروطیت

دکتر ناصر تکمیل همایون
استاد جامعه‌شناسی و تاریخ معاصر ایران



انتقاد آن در تهران است. تهران به طور طبیعی به صورت مرکز امور حکومتی و هر نوع تصمیم‌گیری سیاسی کشور تقویت شد. با تشکیل مجلس اول یکی از مهم‌ترین لوازم (قانون بلدیة) از سوی نمایندگان به آن تقدیم شد که در سرنوشت تهران به عنوان یکی از شهرهای ایرانی و پایتخت ایران بسیار مهم بود و به صورت الگویی برای دیگر شهرهای کشور در آمد. تصویب کتابچه‌ی قانون بلدیة در ۱۰۸ ماده در بیستم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۵ ق تحقق یافت و با اعضای شهر مهر آثار مزین شد. با امر بلدیة به گونه‌ی یک نهاد مدنی اقتباس شده از فرانسه و بلژیک (municipalite) ایرانیان بیش از مشروطیت نیز آشنا بودند و ریشه‌های تاریخی و سنتی آن را در نهاد حسیت و سازمان‌های احتساییه هم می‌دانستند و صمیمانه تلاش می‌کردند تا کار بدستان بلدیة را مدد رسانند. اما به دلایل گوناگون اجتماعی، حکومتی و اقتصادی (درون جامعه‌ای) و عامل‌های سیاسی (برون جامعه‌ای) سازمان جدید نتوانست به صورت پویا و سازنده در کلیت جامعه جای اصلی خود را بیابد و در موضع کارساز، کارکردهای مناسب نشان دهد.

با پیدایش نهضت ملی مشروطه‌خواهی در ایران، که تهران مرکز آن حرکت و تصمیم‌گیری‌ها شده بود، مردم فرصتی برای آیدانی پایتخت و

سر و سامان دادن سنجیده بدان را به دست نیابورند. با شروع ویای سال ۱۳۲۲ق و تلاش‌های پیگیر مردم علیه استبداد (به ویژه پس از دریافت فرمان مشروطیت و برپایی نظام جدید و قوت مظفردالدین شاه)، توسعه‌ی شهر و توجه به عمران، نظافت و پاکیزگی آن متوقف گردید و در زمان محمدعلی شاه اوضاع آشفته‌تر شد. بناهای خوب قدیمی یکی پس از دیگری فرسوده شدند و جنگ‌های قزاقان و قوای ارجاج با آزادی‌خواهان در دوره‌ی استبداد صغیر به پاره‌ای از ساختمان‌های چشمگیر تهران از جمله عمارت بهارستان و مسجد سپهسالار آسیب وارد کرد. ناهمواری‌ها در مرمت شهری و آیدانی آن به گونه جامعه مدنی مبتنی بر قانون شهروندی مشروطیت، جز چند استثنا تا پایان سلطنت قاجار استمرار داشت. بنابر اصل چهارم متمم قانون اساسی، تهران

ناصر تکمیل همایون: به نظر کلمه بلدیة از ترکان عثمانی گرفته شده است و پیش از مظفردالدین شاه کلمه احتساییه جایگاه ویژه‌ای داشته است. محتسب در ادبیات ما بسیار قدیمی و شناخته شده است که در دوران مختلف معانی متفاوتی به خود گرفته است. ابتدای بلدیة رضا خانی (کریم‌خان بونوژجه‌ری) خط پایانی بر جایگاه مردمی شهرداری بود.



تحولات شهرسازی در ایران و تأثیرپذیری آن از نوگرایی Modernism در طول یکصدساله ۱۳۸۵، ۱۳۸۵ خورشیدی

اسماعیل شیعه
دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

جمعیت مانند واگذاری زمین در شهرها، جنگ تحمیلی، تغییرات قیمت نفت، برنامه‌های توسعه‌ای کالبدی حلی، تحول در مدیریت شهری و ساختار شهری و سبک‌های ساختمان‌سازی و بافت شهری می‌شود. با بررسی چهار دوره‌ی فوق به تجربه و تحلیل نقش عوامل بیرون‌زا و درون‌زا در ارتباط با تغییر در روند سکونت و سبک‌های شهرسازی به این نتیجه می‌رسیم که از جمله عوامل مؤثر در بروز مشکلات شهری امروزی استقرار نامتوازن جمعیت در سطح کشور، بروز مشکلات مسکن و آلودگی محیطی، دور شدن از ساختار اصلی سنت شهرسازی می‌باشد. و رفع آن نیازمند تقویت مدیریت شهری و تعریف اساسی نحوه‌ی اداره‌ی شهرها از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و



کالبدی است.

با آغاز اولین جرقه‌های تأثیرپذیری ایران از نوگرایی غرب، و توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی اصلی شهرهای ایران و سنت شهرسازی در طول یکصد ساله ۱۳۸۵، ۱۳۸۵ خورشیدی با در نظر گرفتن عوامل مؤثر در تحولات شهرسازی ایران و تأثیرپذیری آن از غرب می‌توان در چهار دوره به بررسی تغییرات پرداخت. این چهار دوره در ارتباط با تحولات اقتصادی، کالبدی و قوانین و مدیریت شهری شامل موارد زیر می‌شود:

۱. دوران قاجار با آغاز اولین جرقه‌های تأثیرپذیری ایران از نوگرایی شامل دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، انقلاب مشروطیت تا آغاز جنگ جهانی اول.

۲. دوران پهلوی دوم از سال ۱۳۰۰

تا ۱۳۲۰ خورشیدی شامل تحولات در ساختار اداری کشور و تحولات شهری و منطقه‌ای، قوانین مرتبط با شهرسازی و مدیریت شهری و آغاز جنگ جهانی دوم که به موج دوم نوگرایی در ایران شهرت دارد. ۳. دوران پهلوی دوم از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی شامل بررسی حیات اقتصادی و اجتماعی شهرها، تحولات کالبدی آنها، برنامه‌های بحرانی، تحولات رودرو با اجرای برنامه‌های عمرانی، آغاز به تهیه‌ی طرح‌ها و برنامه‌های شهرسازی مهاجرت به سوی شهرها، گسترش ساختارهای جدید شهری و تغییرات قیمت نفت می‌شود. این دوره به عنوان گسترش همه جانبه‌ی نوگرایی در شهرهای ایران شهرت دارد و ۴. دوران بعد از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا عصر حاضر ۱۳۸۵ خورشیدی شامل گسترش مهاجرت‌ها، تحولات مربوط به ایجاد شهرهای جدید، تشدید سبک ساختمان‌سازی، قوانین مرتبط با شهرسازی و انواع برنامه‌ها و طرح‌های شهری، تشدید تمرکزگرایی و عوامل مؤثر در تحولات استقرار

اسماعیل شیعه: این تحولات در چهار دوره قابل بررسی است. دوره‌ی قاجار، دوره‌ی پهلوی اول، دوره‌ی پهلوی دوم و پس از انقلاب اسلامی. با سفرهای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به ویژه با الگوپذیری از پاریس، تحولات ساختاری کالبدی آغاز می‌شود. در دوره‌ی پهلوی اول با تحولات ساختاری اداری، دارایی، دادگستری، نظمی و غیره تحولات شکلی شهر وارد مرحله دوم می‌شود که بافت قدیمی شهر را درگیر می‌کند. وقوع جنگ‌های جهانی، دوره‌های جدید را آغاز می‌کند. تحولات سیاسی هم در این دوره تأثیرگذارند. رکود اقتصادی، عامل هجوم به شهرها و ایجاد محله‌های مختلف می‌شود، چرا که ظاهراً شهرها رونق اقتصادی دارند. محله‌های جدید برطرف کننده‌ی مشکل مسکن هستند اما شکل آنها هیچ تناسبی با شهرنشینی و کالبد قدیمی‌ها ندارد. حتی طرح‌های کلان برخی شهرها را خارجی‌ها می‌دهند که هیچ آشنایی با فرهنگ و رسوم مردم منطقه ندارند. ایجاد واحدهای صنعتی در شهرها با نیت رفع فقر و محرومیت اتفاق می‌افتد اما چندان موثر نیست. در دوره‌ی پس از انقلاب، تشدید تمرکزگرایی در شهرها باعث رشد شهرها و پیشی گرفتن جمعیت بر روستاها می‌شود. واگذاری زمین، فروش تراکم، محله‌های نامتناسب و ناپدیدپذیری از سبک غربی از مشخصات این دوره هستند. گسترش فروشگاه‌های زنجیره‌ای (مال) اتفاق ناخوشایند بعدی است. نارسایی اجتماعی به دنبال می‌آید و سبک‌های نامتعارف به مشکلات می‌افزاید. نوگرایی به شکل تقلید غلط بر ناهنجاری‌ها افزوده می‌شود. عدم ارتباط شهرسازی با محیط در تمامی شهرهای ما آشکار است. شهرها به کالای تجاری تبدیل شده‌اند و سنت‌ها عقب‌نشینی کرده‌اند. قوانین کافی نیست، و شکل اجرایی مناسب ندارد. تحول مدیریت شهری لازم است. بافت شطرنجی شهرها مشهود است و محله‌های مسکونی ناباب مورد تأیید جمعیت کشور نیست. طرح‌های هادی شهری هم متعلق به الگوهای نامرتبط ترسیم شده است. نیازهای جدید باید به وسیله‌ی مدیریت شهری به روز و برآورده شود. مدیریت شهری به حفظ هویت شهری و ارزش‌های سنتی شهری باید بها بدهد و دنبال اجرای آن باشد.



زورخانه بی‌تردید نهادی اجتماعی / شهری است که سنت پهلوانی را با آیین و مراسم ویژه خود از چند سده‌ی پیش تا عصر حاضر پیش آورده است. اصغر تجار، حاج سید حسن رزاق، حاج محمد صادق بلورفروش، و بسوندهای دیگری چون شیشه‌بیر، خرده‌فروش، جیگرکی، کوره‌پز، همگی نمایان‌گر شغل یا کسب‌وکار شغاری از بیشکویستان سنت پهلوانی

نگاهی به تغییرات سنت زورخانه‌ای و پیامدهای آن

ابراهیم‌خانی



را دگرگون ساخته. پهلوانی نقش اجتماعی خود را از دست داد و به نظر می‌رسد که زورخانه نیز همچون نقالی و پرده‌خوانی می‌بایست به کلی از بین می‌رفت. اما ظاهراً زورخانه‌ها هنوز در برابر حلق کلی از جامعه شهری ایستادگی می‌کنند و در تهران و برخی از شهرستان‌ها با زورخانه‌هایی روبه‌رو هستیم که ظاهراً هستند اما دارای نظام و معنای زورخانه نیستند. موضوع این

بحث ارائه‌ی گزارش و تحلیلی کوتاه از سنت پهلوانی، نظام زورخانه داری و تغییراتی است که موجب از هم پاشیدگی سنت پهلوانی و نظام زورخانه داری شده است البته با اشاره به راهکاری برای برخی اصلاحات احتمالی.

است که نشان می‌دهد کسیه‌ی شهری در سنت پهلوانی نقش عمده‌ای داشته‌اند. سنت پهلوانی و زورخانه‌ای تا اوایل قرن اخیر، هم کارکرد اجتماعی و هم در شکل برگزاری خود جامعیت داشته یا تغییر و تحولاتی که ساختار جامعه ایرانی

انسان کلان‌شهرهای دوران جدید بی‌اغراق از شهری و شهرکوارترین انسان هزاره‌های گذشته از هنگام پیدایش

بنیان‌های آیینی صور ابتدایی جوامع شهری و جمعیت‌های شهری

دکتر محبت‌الله ملاصالحی

مشخصی نیز کشف اختراع و ابداع نمی‌شود. شهرها مولود زنجیره‌ای از تحولات خود و کلان و چالش‌های بی‌امان و

چند ضلعی زیست‌محیطی و تاریخی بسیار و تغییرات تدریجی و نیابت کوهی از چندین هزاره ذخایر فکری، دانش، مهارت و تجربه‌های عمیق آیینی و معنوی جمعیت‌هایی است که زمینه و شرایط ورود به فرهنگ و زندگی جدید در میان آنها فراهم آمده و آن را پذیرا شده بودند. بر این اساس سوالات زیر محورهای مورد بحث در این مقاله خواهد بود: این که چگونه و چرا چنین تحولاتی در منطقه‌ها و مقاطع خاص جغرافیایی و تاریخی به وقوع می‌پیوندد؟ یا آن که اثرات و تبعات بعدی این تحولات چگونه بودند؟ و همچنین سهم نظام‌های ارزشی و تجربه‌های آیینی در پیدایش و پدید آمدن صور ابتدایی‌تر جوامع شهری چگونه و به چه میزان بوده؟ مسئله‌ها و مباحث ریز و درشت بسیار دیگر، مفهوم شهر را به صورت یک موضوع سوال خیز، ملموس و مناقشه‌انگیز تاریخی، انسانی و اجتماعی (و به ویژه در جنبه‌های آیینی آن) مطرح کرده است.

نخستین جوامع شهری در میان هزاره‌های چهارم پیش از میلاد مسیح در منطقه غرب آسیا و حوزه مدنیت‌های مدیترانه شرقی بوده است. اینک در پیچ و تاب کلان‌شهرهای دنیای مدرن، تغییر تاریخ میلیاردها انسان از هر تیره و تبار و ملت و مدنیت و تاریخ و فرهنگ و عقیده و آیین رقم زده می‌شود. به همین دلیل و دلیل‌های بسیار دیگر که مجال و مناسبت طرح یک به یک‌شان در اینجا نیسته آگاهی از چگونگی فرایند پیدایش پدیده‌ی صور ابتدایی‌تر تشکیلات شهری و جامعه‌ها و جمعیت‌های شهری برای آن که بتوان به معرفت و منظری تحلیلی و شفاف‌تر از وضع وجودی و موقعیت انسان دوران جدید دست یافتن، حائز اهمیت بسیار است. شهرها و پدیده پیدایش فرهنگ و آیین شهرنشینی، مولود ذهن، فکر و فرآورده توح و خرد خلاق و نبوغ آتی یا آن نایفه‌ی فکری نبوده است و چندان این یا آن عنصر تشمیعی و ابزار کار، در لحظه‌ای معین و

برخلاف کشورهای اروپایی، تشکیلات بلدیة در ایران دارای سابقه طولانی نبوده است؛ در دوره‌ی سلطنت مظفرالدین شاه

نخستین تلاش‌ها برای تشکیل انجمن‌های بلدیة در ایران

دکتر فاروق هاربی

نخستین قانون بلدیة در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. پس از آن در تهران و یازدهی از شهرها چون اصفهان، تبریز،

مشهد رشت و غیره با نظارت نمایندگان منتخب محلات انتخابات انجمن‌های بلدی برگزار شد و نمایندگان انتخاب شدند و برخی از انجمن‌های بلدی فعالیت خود را آغاز کردند. با این حال به دلیل شدت یافتن بحران سیاسی و تشکیل روند فروپاشی (سرکوب مجلس، بروز جنگ داخلی و منازعات خارجی) امر تشکیل و فعالیت انجمن‌های بلدی و تأسیس تشکیلات بلدی به طرز صریح و به معنای واقعی آن در این دوره محقق نشد.

برای نخستین بار چنین مؤسسه‌ای پدید آمد و به طور رسمی متولی اداره‌ی امور شهر شد. پس از اعلان مشروطیت و پدید آمدن انجمن‌ها در تهران و سایر شهرها یازدهی از آنها به ویژه در پایتخت بر حسب ضرورت، توجه به معضلات زندگی شهری و اداره‌ی امور شهر را وجه همت خود قرار داده و تا اندازه‌ای در رفع مشکلات موجود اقدام کردند. با این حال به زودی لزوم تشکیل انجمن‌های بلدیة احساس شد و در تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قی



دولت جدید و حقوق و شهروندی در قانون بلدیة

ساختار جدید دولت و بررسی آن می‌توان از این میان سهم در پیش گرفتن رویکرد مدرن به تأسیس دولت در ایران معاصر را با تکیه بر ذکر گونی‌های اساسی در حوزه‌های تکلیفی و ساختاری معلوم کرد.

دکتر محمدعلی اکبری

تأسیس دولت جدید بر مبنای تجربیات مغنی نوین مغرب زمین یکی از پیامدهای وقوع جنبش مشروطه‌خواهی در ایران

قلمداد می‌شود. در پیش گرفتن نگرش نوین به نهاد دولت و وظایف اختیارات و ساختارها، صرفاً به موضوع نحوه ی کسب و شیوه اعمال قدرت سیاسی محدود نمی‌شد؛ بلکه این امر موجبات ظهور «حقوق اجتماعی شهروندی» را نیز در پی داشت. بر این اساس ساکنان ایران زمین شهروندان دولت شهری به حساب می‌آمدند که علاوه بر وظایف ابتدایی دولت مانند تأمین امنیت و حفظ مرزها، مکلف به تأمین حقوق اجتماعی آنان نیز بود. بی‌گمان نمایندگان مجلس اول مشروطه در صورت بندی حقوقی، حقوق اجتماعی شهروندی و تکالیف نوظهور دولت جدید، نقش بی‌بدیلی را ایفا کرده‌اند. تصویب قانون اساسی، متمم قانون بلدیة و قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی را از جمله این تصمیمات باید به حساب آورد. در قانون بلدیة مصوب مجلس، نهاد مدیریت شهری نوینی در ساختار دولت جدید معین شده بود که بخت مهمی از وظایف و مسئولیت‌های این نهاد در راستای رفاه و تأمین حقوق اجتماعی شهروندان پیش‌بینی شده بود و وظایفی چون: مراقبت در عدم قحطی، آذوقه بهداشتی، روشنایی عمومی شهر، رفع تکدی، تأسیس دارالمساکین و دارالرحمه و مرخص‌خانه‌ها، و بیمه‌ای ائمه متعلق به شهر از حریق با مراجعه به متون کهن فصل ممیزی میان برخی کارکردهای مستحسن دولت در الگوی قدیم با راهبردهای حمایتی در

امر تصمیم‌گیری از اجزا و معطوف کردن هر دو به آزادی ملت از اصول جدید حکمرانی است. با این رویکرد باید به سراغ تأسیس بلدیة رفت و اضافه شدن این فعالیت‌ها وجه تمایز بلدیة جدید است. رفتار مبتنی بر قانون از بسترهای قانون بلدیة جدید است. قانون بلدیة نمی‌تواند سنگر شرایط پایه‌ای قانون مشروطه و متمم آن باشد و نیست. معیار در رفتارهای قانون است و در متن این قوانین تصریح شده است. بلدیة نهادی انتخابی است و اصول فراوانی برای این زمینه نگاشته شده است و ویژگی این نهاد همین مسئله است. وجود انجمن و نهاد به تفکیک مقررات در اجرا رنگ می‌دهد اجرائیات منتخب انجمن هستند و این شکلی نوین برای حکمرانی است. این ویژگی‌ها، بلدیة عصر مشروطه را از پیش آن متمایز می‌سازد. و در نهایت پرسش اساسی: دیوانی به این زیبایی چرا خاک متروکه می‌خورد؟

محمد علی اکبری: مسئله‌ی مدنیت و مدیریت شهری، نوظهور و جدید نیست. پیشینه‌ی مدنی ما و آنچنان قدمت و روشنی دارد که مقایسه امروزی نمی‌خواهد. شهرهای بزرگ و آباد ایران کهن بدون مدیریت شهری به رشد دست نیافته بودند. از یک نظر تأسیس بلدیة جدید به حساب می‌آید و وجه تمایز وظایف عمومی نهادها نیست. آنچه این شهر را متمایز می‌کند، دو اصل «حقوق شهروندی» و اصل حکمرانی جدید است. به تبع بینایش مشروطیت نهادهایی در سطوح مختلف با ایشخور از همان سرچشمه ریشه گرفتند. بلدیة چون رنگ مشروطه دارد، متمایز شده در تاریخ مدیریت شهری ما است. در حقوق شهروندی دیگر رغبت نداریم و مردم آزاد سیاسی هستند و این حقوق بازستاندنی نیست. اداره‌ی خردمندانة شهر چگونه است؟ در متمم قانون اساسی مشروطه روشنی این اصول تبیین شده است. جناسازی نهادی

زمینه‌های شکل‌گیری انجمن بلدیة تهران

دکتر محبت فلاح توتکنار



گرانی و بی‌نظمی و نظم قیمت‌گذاری و فعالیت گسترده‌ی انجمن‌های مشروطه‌خواه و مشخص نبودن میزان دخالت آن انجمن‌ها و حاکم تهران و شهرها باعث شد که جلسات مختلفی به تنظیم و تصویب قانون بلدیة اختصاص یابد و در نهایت در اوایل ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قانون بلدیة در مجلس تنظیم و در ۲۰ ربیع‌الثانی به توشیح محمدعلی‌شاه رسید بر مبنای آن قانون زمینه‌ی انتخابات انجمن

بلدیة فراهم آمد و ۳۰ نماینده‌ی محلات شهر تهران انتخاب شدند نخستین جلسه‌ی شورای نمایندگان بلدیة تهران در ۵ رجب ۱۳۲۵ برگزار شد و در همین نخستین جلسات بود که شاهزاده کاشف السلطنه جایگزین به عنوان نخستین رییس بلدیة تهران انتخاب شد.

نا امنی‌های شهری، ضرورت انتظام بر قیمت‌گذاری، به ویژه در باب اجناسی چون نان و گوشت و تظافت شهری باعث شده که نمایندگان مجلس اول در کنار تلاش برای تنظیم و تصویب قانون ایالتی و ولایتی، تنظیم قانون بلدیة را هم در دستور کار قرار دهند. دولت و حکام مدعی بودند که نبود قانون بلدیة زمینه‌ساز گرانی و نا امنی است. از این رو نمایندگان از همان آغاز برای انتظام امور شهری اهتمام ورزیدند، به ویژه

این که مسئله‌ی قیمت نان و گوشت تهران از نخستین موضوعات مورد بحث نمایندگان بود. ضرورت انتظام شهری باعث شد که رییس وقت مجلس (مرتضی قلی‌خان سنیع الدوله) تنظیم و ابلاغ قانون بلدیة را حتی مهم‌تر از تنظیم و تصویب متمم قانون اساسی بداند. از این رو فشارهای ناشی از



مدیریت شهری و نحوه اداره‌ی شهر در گذشته بر پایه قواعد اصول و ضوابطی گاه

بلدیه و مدیریت شهری در ایران

نهاد از آغاز به گونه‌ای پدید آمد

حسین سلطانزاده استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
 که بیشتر از جنبه‌های دولتی برخوردار شد و مردم آن را به



عنوان نهادی مردمی به رسمیت شناختند و همین مسئله یکی از عوامل عدم کارایی این نهاد در دوران گذشته به شمار می‌آید. اکنون چند دهه است که تلاش‌های سودهندی برای مردمی کردن این نهاد صورت گرفته و تشکیل شوراهای شهری یکی از این اقدامات به شمار می‌آید. اما هنوز کارایی شهرداری به عنوان نهادی کاملاً مردمی به شکل مطلوب نرسیده است. یکی از عوامل آن

را شاید بتوان در چگونگی تقسیم‌بندی عرصه‌ها و محدوده‌های شهری در دوره‌ی معاصر دانست. عوامل اجتماعی و سیاسی نیز در این فرایند نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. به نظر می‌رسد که حداقل دو گونه فعالیت برای شکل‌دهی و سازماندهی مطلوب به این پدیده باید صورت گیرد: نخست اقدامات شهری و دوم فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی لازم.

نوشته و غالباً براساس چارچوب‌های عرفی و نانوشته صورت می‌گرفت و متناسب با شرایط امکاناته نیازها و خواسته‌ها کمابیش از نوعی کارایی نسبی برخوردار بود. نظام مدیریت شهری در گذشته بیشتر براساس نوعی طبقه‌بندی اجتماعی - کالبدی استوار بود که از یک سو بر عوامل و پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، قومی و مانند آن و از سوی دیگر بر گونه‌ای از موربندی‌های کالبدی، فضایی و شهری استوار بود. تطبیق پدیده‌ها و عوامل موثر در اداره‌ی شهر با خصوصیات جغرافیایی و کالبدی از عوامل موثر در کارآمدی نظام اداره‌ی شهر بود. در دوران معاصر از یک سو به سبب دگرگونی‌های جمعیتی و از سوی دیگر به دلیل تغییر نهادهای اداری شهر و اقتباس از برخی از نهادهای اروپایی، بلدیة در تهران شکل گرفت. این

اجتماعی خاص می‌شود. در گذشته ساختار شهرها با فعالیت‌های اجتماعی سازگاری داشته است. میدان اصلی شهر با ساختار سیاسی اجتماعی متناسب بوده است. مثلاً میدان‌های ما همیشه حکومتی بوده و همین باعث شده لفظ میدان خیلی کلی باشد. یعنی جامعه با آن ارتباط برقرار نکرده است. اصطلاح میدان خیلی وسیع است از عالی قاپو، نقش جهان تا تره‌بار! و چهار راه محله!!! احداث خیابان‌ها ضرورت بوده است و واقعیتی تلخ نه ازاده‌ی یک فرد. درک ضعیف متخصصان باعث شده فضای خاص فعالیت اجتماعی نداشته باشیم. امروز محله معنی ندارد. سال ۳۴ شهرداری‌های دولتی شکل گرفتند. تقسیم‌بندی اداری ما بسیار مغشوش، بی‌هویت و اغتشاش محض است. شهرها را آماری گسترش داده‌ایم اما فرهنگ روستایی حاکم بر آنهاست.

حسین سلطانزاده: علت این که مسیرهایی در غرب طی شد ولی در ایران طی نشده تقلید صرف است. در بسیاری از زمینه‌ها باید نهادها را متناسب با جامعه و ساختار آن طراحی کرد. زیاد و کم شدن به خاطر الگوها بدون انطباق با موجود و فرهنگ و سنت‌هاست. محله‌ها براساس بازارهای مختلفی پا گرفتند. بافت شهرها با ساختار اجتماعی تناسب داشته است. کالبد شهر باز نمود وضعیت اجتماعی شهر بوده است. البته به معنی ارزش صرفه نکات منفی هم داشت. اما اصل بحث تناسب مدیریت شهری با کالبد و مسایل اجتماعی می‌باشد. شهرها دارای ساختار طبقاتی نبودند و اختلاف معقول و منطقی بود. امروز جایگزینی در شهر براساس ثروت است و دائم به دنبال جلیجایی هستند و ساختار محله‌ای هرگز شکل نخواهد گرفت و روابط

دکتر خلیل‌خان اعلم‌الدوله
 تقی (اولین شهردار قانونی ایران) و معاونش، دکتر علیرضا خان بهرامی "مهدب السلطنه" که

اندیشه‌های نو در تشکیلات اداری صحیه و خیریه‌ی بلدیة تهران (۱۳۰۷-۱۳۱۰ش)

دکتر بهمان صبح



او نیز پزشک بود، اصلاً تصادفی نیست. هر چند کشمکش‌های داخلی و مداخلات خارجی، فرصتی برای پیاده‌شدن افکار و ایده‌های اصلاحی ایشان نداد، اما دستمایه‌ای شد برای شکل‌گیری رسمی

ادارات بلدیة در تهران و شهرستان‌ها که در اول فروردین ماه سال ۱۳۰۰ش به دستور "سیدضیاءالدین" صادر شد و جالب آن که اداره‌ی صحیه و معلولت عمومی در کنار ادارات مرکزی و محاسبات، جزو ادارات اصلی بلدیة محسوب شد. همین دیدگاه عمیق به امور بهداشتی باعث کامل‌تر شدن تشکیلات بلدیة در امور صحیحه‌ی عمومی شد تا آن که در سال ۱۳۰۷ش، این

از جمله‌ی ثمرات انقلاب

مشروطیت و تفکرات مبارزان نواندیش و رجال مشروطه‌خواه همت و تلاش ایشان در مسیر

بهبود زندگی اجتماعی مردم از طریق تأمین نیازها و حقوق انسانی و ارتقای سطح زندگی آنها بود. آسایش و رفاه شهری و فراهم آوردن شرایط پایه‌ی بهداشتی و سلامت شهروندان در زمره‌ی مهمترین اهداف دست‌اندرکاران محسوب می‌شد.

تصویب کتابچه‌ی قانون بلدیة در ۱۴ خرداد ۱۳۲۸ش / ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ق از سوی مجلس شورای ملی نیز در همین راستا بود. واگذاری ریاست اداره‌ی اولین بلدیة‌ی تهران پس از مشروطیت در سال ۱۳۸۸ش / ۱۳۲۸ق به یک پزشک تحصیل کرده‌ی علوم روز، دنیا دیده و سرشناس داخلی و خارجی یعنی



آزمایشگاهها (دالجزیه) و دندان‌سازی‌ها شد. با نگاهی تاریخی و توصیفی این دوره‌ی زمانی از بلدیة تهران و تشکیلات اداریه صحیحه‌ی آن به عنوان بازوی اصلی مجلس حفظ‌الصحه‌ی دولتی (نمای وزارت بهداشت امروزی)، تا حدی خاستگاه برنامه‌های بهداشتی و درمانی نوین را می‌توان مشاهده کرد.

دایره به ریاست دکتر ابوالقاسم خان شیخ‌احیاء‌الدوله پایه‌گذار بسیاری از خدمات نوین پزشکی و بهداشتی نظیر پرورشگاه‌ها، شیرخوارگاه‌ها (دالرضاعه)، پست‌های امنادی، زایشگاه‌ها، مریض‌خانه‌ها، دارالمجانین، آیرسانی سالم (امور میاه)، دواپر فنی، روشنایی، امفلقیه (آتش‌نشانی)، نقلیه، نظافت‌خانه‌ها، قرنطینه‌ها، غسالخانه‌ها، دواخانه‌ها، امراض مقاربتی،

پیمان متین: اولین نهاد متولی بهداشتی، مجلس صحیه دولتی بود که همان وزارت بهداشت کنونی است. توفیق تشکیلات پزشکی بلدیة نقطه مثبت آن است. وظایف این اداره بسیار روشنگرانه و امروزی بوده و آن چیزی نبود جز قدرت و دانش فرد (شهردار) که پیش از آن وجود نداشت.

پیمان متین: اولین نهاد متولی بهداشتی، مجلس صحیه دولتی بود که همان وزارت بهداشت کنونی است. توفیق تشکیلات پزشکی بلدیة نقطه مثبت آن است. وظایف این اداره بسیار روشنگرانه و امروزی بوده و آن چیزی نبود جز قدرت و دانش فرد (شهردار) که پیش از آن وجود نداشت.

درب‌ر خواهد گرفت: آیا تناسب ساختاری و کارکردی محله با سازمان اداری بلدیة و ملزومات جامعه سنتی ما بیشتر بوده است یا با سازمان‌های اداری

جایگاه محله در بلدیة و شهرداری با تاکید بر آسیب‌شناسی هویت شهری

محسن نوغانی
استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

شهرداری در جامعه معاصر؟ کدام سازمان با هویت محله‌ای تناسب بیشتری داشته است و چگونه می‌توان از ظرفیت‌های سازمانی بلدیة برای احیای هویت محله‌ای استفاده کرد؟ و نهایتاً این‌که چگونه می‌توان در جامعه‌ی شهری تناسب منطقی بین هویت محله‌ای و ملزومات اداری و سازمانی شهرداری ایجاد کرد؟

با توجه به توسعه‌ی جوامع شهری و همچنین توسعه‌ی محله‌های شهری در جامعه‌ی معاصر و از جمله در ایران، امروزه شهرداری به عنوان سازمانی

بوروکراتیک و معطوف به حوزه‌ی مدیریت شهری، جایگزین بلدیة شده که در حوزه‌ی جامعه‌ی سنتی ایرانی به شکل نه چندان سازمان یافته عهده‌دار امور شهری بوده است. اما علی‌رغم این تغییرات سازمانی و بوروکراتیک آیا واحدهای اجتماعی مهم به ویژه محله نیز به موازات این تحول سازمانی متحول شده است. بر این اساس سوالات زیر محور این مقاله را

برای مناسک از این فضا بهره می‌برند. مثل پارک محله، فرهنگ‌سرا و غیره بلدیة چون واحد اجتماعی پایه‌ی موفق داشته در کل موفق بوده است. اما در ساختار جدید شهرداری چون مبنا ناحیه و منطقه است موفقیتی مشاهده نمی‌شود. نهاد واسطه برای رجوع ندارد. مبنای غلط، این گسیختگی را داشته است. در محله‌ها فاصله منطقی بین مجاورت و فاصله اجتماعی وجود دارد. اما در سیستم شهرداری فاصله یک دیوار است اما هیچ وابستگی اجتماعی نیست. واحد پایه اجتماعی وجود ندارد باید در غنی‌بخشی این واحد کوشید تا مباحث دیگر جواب بدهد. آیا با تقویت هویت محله‌ای، هویت شهری تقویت می‌شود؟ در دیدگاه نوین هویت‌های خرد باید ضعیف شود تا هویت اصلی و بزرگ حفظ شود؟ این تضاد را باید حل کرد. کومه‌ها تنها در کنار هم هستند. راجح این است. تلفیقی از تمام هویت‌ها و رقابت مثبت.

محسن نوغانی: در جامعه‌شناسی عرصه‌ها را خصوصی، دولتی و عمومی تعریف می‌کنند. جایگاه محله در کدام گروه است؟ بیشتر کنش‌ها در حوزه‌ی عمومی معنی پیدا می‌کند و مدیریت شهری در این حوزه عمر خواهد کرد. مبنای محله احساس هویت ماست. هویت در گرو صفت جمعی است. در محله‌ها چه چیزی این احساس را ایجاد می‌کند؟ مسجد، بازار، نماد، مناسک و مراسم، نماها و غیره مسئله‌ی چالش محلات را دنبال داشته است. یعنی رقابت محلات و قشرندی در حوزه‌ی شهر که رقابت را تشدید می‌کرد. مردم در خارج از محله احساس هویت دیگری نداشتند و مدیریت شهری در محله خود را متمرکز می‌کرده است. نظام کنترل اجتماعی در محل (محله) به وجود می‌آمد. آسیب‌هایی هم داشته است که کاهش تعلق شهری و کشوری از آن جمله است. فضاهای نیمه عمومی (حیاط‌ها) محل برهمکنش اجتماعی بوده است. همسایه‌ها





در مناسبت‌های عمومی شهری بخشی از عمیق‌ترین خاطره‌های جمعی مردمان از شهر شکل می‌گیرد. از زمان صفویه آیین جشن و عزا که با بزرگداشت سنت‌های کهن ایرانی بودند و یا پاس داشت مناسبت‌های شععی به یادماندنی‌ترین عرصه‌های حیات شهری را شکل داده‌اند. امری که ذکر مکرر آن در سفرنامه‌ها و شرح خاطرات افراد اعم از ایرانی و فرنگی موبد این مطلب است. این عرصه‌های حیات بشری به مرور کالبد مناسب خود را پیدا کردند و اگر در اصفهان، پایتخت صفوی با طراحی اندیشیده اقتدار حاکم و توانمندی‌های دولت، عرصه‌ی مناسب واحدی برای برگزاری آیین‌های مختلف مهیا شد، در تهران، پایتخت قاجار، طراحی اندیشیده

شهر و جشن

در غیبت توانمندی و خواست لازم، به تمهید فضاهایی در مقیاسی خردتر و با ظرفیتی کمتر انجامید. بررسی فضاهایی که محل برگزاری آیین‌های سوگواری و جشن در تهران بوده‌اند و ویژگی‌های کالبدی فضایی آنها در مقایسه با اصفهان به ویژه مراسم عید قربان، چگونگی مکان برگزاری و تحول آن نکات و وظایف فراوانی در خود داشت که تأثیر مهمی آنها در فضای شهر جای نامل بسیار دارد.

جشن‌ها از دوره‌ی صفویه نقشی فعال در فضاهای شهر دارند اما در دوره‌ی قاجار جشن‌ها در تهران بازافرینی نمی‌شود. در این دوره این مراسم در میدان‌های مختلف تهران توزیع می‌شود و کاربرد شاخصی ندارد.

وزارت احتسابیه

کلاتر، افراد یاد شده قرار داشتند و در مشهد عیال و سرمدیر دستگاه آینه میراث مسیح بدون تاریخ و سرمدیر دستگاه آینه میراث

حوزه در بد قدرت شخص واحدی قرار می‌گرفت و هر سه حوزه در اختیار شخص کلاتر بود. از این میان محتسب اوزاق و روستایی شباهت خیلان‌ها را برعهده داشت. و اداره تحت نظارت او احتساب یا احتسابیه نام داشت و گاه اتفاق می‌افتاد که شخص مسئول به پیشنهاد وزیر یا حاکم شهر ملقب به احتساب الملک می‌شد و شخصیت‌هایی چون محمودخان و میرزا حسن در دوره‌ی ناصری ملقب به احتساب الملک بودند. البته لازم به یادآوری است که اداره‌ی احتسابیه با وجود نوآوری‌های ناصرالدین شاه در اداره‌ی امور شهری تا بعد از انقلاب مشروطه به حیات خود ادامه داد و در سال ۱۳۲۹ قی بود که با انتشار روزنامه بلدییه و پس از آن اداره‌ی بلدییه جایگزین وزارت احتسابیه شد.

حوزه‌ی وظایف اداره‌ی عمومی شهرها از دیرباز به سه بخش عمده تقسیم می‌شد:

۱. حفظ نظم و امنیت شهر.
۲. نظافت پاکیزگی و روشنایی شهر.
۳. نظارت بر بهای ارزاق و اجناس.

این سه حوزه از دیرباز در اختیار سخته یا کلاتر شهرها قرار داشت و از زمانی که تهران از قریه کوچکی تبدیل به شهر و آن‌گاه پایتخت شد از این قاعده مستثنی نبود و کلاتر شهر در مقام شهردار و شهردار، امور شهر تهران را برعهده داشت. این شیوه‌ی نظام سنتی تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه ادامه داشت و در این گفتار سعی شده شیوه‌ی اداره‌ی شهر تا تنظیمات جدید دوره‌ی ناصری بررسی شود. هر یک از حوزه‌های یاد شده زیر نظر کلاتر که خود تبعیت از وزیر شهر و حاکم می‌کرد اداره می‌شد. بدین معنی که در بالا دست

نهادهای مردمی و نقش آنها در اداره‌ی امور فرهنگی و اجتماعی شهری

شده‌اند. این اشاره‌ی کوتاه بدان منظور آمد که پژوهندگان و متولیان آگاد باشند اداره‌ی امور شهر به ویژه در کشورهای اسلامی سابقهای طولانی دارد. اما آنچه بدان باید توجه داشته اداره‌ی امور شهر به وسیله‌ی نهادهای مردمی است. یعنی در مکان‌هایی چون مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، روزخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها اداره‌ی امور شهر تا حدی به دست مردم بود. این امکان با کاربردهای چند منظوره از یک سو در پرورش روح و تن و جسم افراد و از سوی دیگر در حل مشکلات جامعه نقش ویژه‌ای داشته‌اند. در فرهنگ اسلامی گرچه مسجد محل تپش و عبادت پروردگار است اما از همان آغاز محل شور و تشکیل جلسات مهم پیامبر (ص) و مسلمانان بوده است. تصمیمات مهم مانند بسیج مسلمانان برای مقابله با دشمن، رفق و فتق امور اجتماعی و شهری، رسیدگی به جرایم و حتی برگزاری جشن‌ها و سوگ‌ها از گذشته تا امروز در مساجد انجام

دانش اداره‌ی امور شهر از زمان‌های قدیم در ایران و کشورهای اسلامی وجود داشته و آثاری در این مورد تألیف شده است. از جمله کتاب آیین شهرداری تألیف محمد احمد قرشی این نحوه قرن هفتم هجری/ ترجمه دکتر جعفر شعار، مرکز انتشاراتی علمی و فرهنگی ۱۳۴۷ و ۱۳۶۰.

در این اثر به کلیه صنوف و پیشه‌وران آن زمان و حدود وظایف آنان و بازارهای کسب و کار و بهداشت شهر و پیشه‌وران و حتی قلب‌های رایج میان کسبه اشاره شده است. بنا به اشاره‌ی دکتر شعار، پیش از آن هم کتاب‌هایی در این زمینه تألیف شده است. از جمله نه‌ایه‌الرنیه فی طلب الحسبه قرن ششم، نصاب الاحسابیه فی آداب الحسبه احکام الاحساب و رساله‌ی زیدی. نو اثر اخیر در کتابخانه‌ی قاهره و موزه بریتانیا به صورت خطی موجود است. دو اثر الاشارة الی محاسن التجاره و المختار فی کشف الاسرار هم در روزنامه‌ی آسیایی چاپ



جزیی از وظایف آنها بوده است. قهوه‌خانه‌ها که جدیدترین نهاد اجتماعی شهری پیش از بلدیة بودند، قیمتشان به تورهی صفویه و به شهر قزوین بازمی‌گردد. سپس در اصفهان و دیگر شهرها دایر شدند. قهوه‌خانه‌ها عهده‌دار بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، هنری چون شاهنامه‌خوانی، نقالی و سخنوری بودند. حضور تمام اشخاص و اقشار مردم در قهوه‌خانه‌ها از باسواد و بی‌سواد و روشن‌فکران و پیشه‌وران سبب شده بود، قهوه‌خانه‌ها محل برخورد اندیشه‌ها باشد و در نتیجه کانون بسیاری از تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی محله‌ها و شهرها

می‌شده است. زورخانه نهادی دیگر با قدمتی بس دراز تا آیین میراثیسم، محل پرورش جسم بوده، اما حضور اهل قریان، جوانمردان، ریش سفیدان و معمران در این مکان سبب می‌شده در مواقع ضروری برای مقاومت در برابر دشمن و سروسامان بخشیدن به امور شهر، ورزشکاران و جوانمردان پیشگام شوند. تکایا و حسینیه‌ها نیز در ایام سوگواری محل تجمع اقشار جامعه بود. پیشکوتان تکایا با نام "پلای" مورد اعتماد و اعتقاد مردم بوده‌اند از این رو تکایا و حسینیه‌ها در امور خیر مردم و در مواقع ضروری نجات شهر از بلایا و در اندیشه‌ی شهروندان بودن

سید احمد وکیلان- منسلفاتنه نهادهای برخاسته از مشروطه از سنت‌ها و مردم، ناخواسته فاصله گرفتند و این اشتراکی نامیارک با حکومت‌های استعماری قبلی بود. بلدیة هم دچار این پلایه شد. پیش از آن هم بلدیة به سبک استعماری خدمات رسانی داشت. سنت یاریگری در تمام زندگی شهری و روستایی از قدیم وجود داشت. اما یاریگری چیست؟ یکی بودن و همسو بودن کوشش‌ها برای دستیابی به هدف معین یا متفاوت این معنا از تعاون و همکاری فراتر است. اما در یاریگری اجر معنوی بیشتر منظور است و شکل آن وحدت کاری ندارد. وظایف شهرداری و بلدیة بدون یاریگری امکان‌پذیر نیست و شکلی سخت‌افزاری و خشک می‌گیرد. در روستاها یاریگری هنوز کاربرد دارد: لایروبی قنوات، دامسازی و خرابی‌ها، یاریگری در امور شهری زیر نظر سازمان‌های دینی، اجتماعی و غیره بوده است. مسجد، خیریه‌ها، و حتی سیاست‌ها از تحلی گاه‌های این یاریگری هستند. ویژگی و تفاوت زورخانه‌ها و اماکن ورزشی وجود یاریگری را ظهور و بارز می‌سازند که خصوصیات ویژه‌ی اعضای زورخانه‌ها وجوه مثبت زندگی شهری هستند. قهوه‌خانه‌ها جدیدترین نهادهای مولد یاریگری در دوره‌ی قاجاریه هستند که تا حدودی کاربرد آنها تا امروز ادامه یافته است. نقالی و سخنوری از فواید این مجامع بود. یاریگری از طریق وقف در امور شهری جلوه زیاد داشت. روشنایی معابر، مدارس، آبراه، بازارچه‌ها، تیمچه و غیره تأمین منافع مردم بدون حضور مردم امکان‌پذیر نیست. حفظ تاریخ شهرها و محله‌ها جز با مشارکت مردم محله امکان‌پذیر نخواهد بود. شهرداری باید به خواست مردم کار کند. در سوئد تابستان تمام دانش‌آموزان در خدمت شهرداری هستند. مشارکت مردم عامل بقا و ضامن تداوم زندگی مطلوب در شهرهاست.

اصفهان از نخستین شهرهایی است که در
 بی تصویب قانون بلدیة در مجلس اول
 شورای ملی، دارای چنین تشکیلاتی شد. تشکیلات بلدیة در نزد
 نیروهای موثر این شهر در حکم هویت مستقل در مقابل حکومت
 مرکزی و نمایندگان آن بود. از این رو انجمن بلدیة اصفهان با
 گسترش حوزه‌ی اختیارات و منابع مالی خود سعی داشت، مستقل
 از سازمان مالی دولت مایه عمل کند. نکته‌ای که در اصفهان و
 همچنین بسیاری از شهرهای صاحب بلدیة متشاه اختلاف با دولت
 شده بود. با وجود آن که قانون بلدیة از جنبه‌های دموکراتیکی
 برخوردار بود، اما نقاب دولت و بلدیة از جمله علل ناکامی تشکیلات
 مذکور در این دوره محسوب می‌شود در حالی که با تغییر قانون
 بلدیة در سال ۱۳۰۹ و کم‌رنگ شدن جنبه‌ی انتخابی این تشکیلات،
 شهردار به عنوان نماینده‌ی حکومت مرکزی از اختیارات بیشتری
 برخوردار شد. فارغ از نکات مثبت نظری قانون بلدیة مصوب ۱۳۰۶،
 می‌توان کارکرد بلدیة‌ی اصفهان را در دوره‌ی پهلوی اول مثبت و
 پربازتر ارزیابی کرد. با بررسی بلدیة‌ی اصفهان در دوره‌ی مشروطه

بلدیة در اصفهان و مشکلات آن می‌توان به مقایسه‌ی
 رضاشاخری اسفندی
 کل‌کردش یا خلف آن در دوره‌ی رضاشاه به
 سیر تحولات بلدیة آگاه شد.

رضا مختاری: بلدیة نمادی از مشارکت
 طبقه‌ی متوسط در اداره‌ی امور شهر بود، البته
 به خاطر کوتاه کردن حاکمیت از امور شهر،
 مجلس بلدیة را متولی امور شهر می‌داند تا
 مجلس شورا. به وظایف کلان و عمده‌ی خود
 بپردازد. بهنگازان عوارض بلدی حق شرکت
 در انتخابات به عنوان رای دهنده را هم
 نداشتند. حکام، معاونان، آموزران نظمیة و
 غیره حق شرکت نداشتند. مفهومی مدون در
 قانون بلدیة وجود داشت. اصفهان عصر قاجار
 عظمت صفوی را در شهر از دست داده است و
 حالا به دنبال احیای هویت از دست رفته است.
 بلدیة در اصفهان نماد استقلال مالی و اداری از
 حکومت مرکزی بود. درگیری‌ها ادامه می‌یابد
 تا دولت تمرکزگرا شکل انتخاب بلدیة را تغییر
 دهد. با مشارکت عمومی بود که رعیت به
 شهروند تبدیل شد اما این سیر تداوم نداشت.



در حاشیه: عدم حضور برخی سخنرانان که در برنامه نام ایشان اعلام شده بود، بسیار احساس شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

دکتر محمد ابراهیم باستانی پازیزی (حکایت بلديه کرمان) احمد محیط طباطبائی (گسترش و توسعه تهران از روستا تا شهر، نقش‌های اولیه تهران) دکتر عبدالرسول خیراندیش (تاسیس بلديه در مناطق دریایی و کارکردهای آن در عصر اول مشروطیت)

برنامه ریزی در اجرای همایش به ویژه در بخش انتخاب افراد و مقالات برگزیده که به وسیله موسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران انجام شده بود از کیفیت مناسب برخوردار و جای تقدیر دارد. عدم حضور هیئت رئیسه در جایگاه علی رغم آماده بودن و چیتش جایگاه و انتخابی تالار بزرگ فرخوسی برای این همایش تخصصی که در فضایی محدودتر بسیار بهتر می‌بود از نکات ضعف در اجرای مراسم بود.

تبلیغات بیرونی و پیش از برگزاری مراسم به هیچ عنوان مناسب نبود و اطلاع‌رسانی درستی انجام نشده بود. حتی رسانه‌ها نیز در جریان نبودند.

محتوی مراسم از تسلط مثال‌زدنی و خوبی برخوردار شده است.

بود که قرائت اشعار مناسب یا صدای ریا بر جدانیت موضوع می‌انگیزد.

حضور تعداد زیادی دانش آموز دختر و پسر در سالن بسیار چشمگیر و سوال برانگیز بود.

نمایشگاه کوچکی از مجموعه‌های ارزشمند شامل اسناد بلديه در سال‌های دور در موضوعات مختلف که ابتکار و پیشنهاد شخصی آقای حسن زاده بود، در فضای بیرونی سالن جلینه خاصی ایجاد کرده بود که امیدواریم با یگیری همکاران در آینده از این اسناد بهره‌مند شویم.

در پوشه تحویتی برای آشنایی با برنامه‌ها، جزوه احکام قانون بلديه تالیف شیخ عبدالحسین لاری، خلاصه مقالات، ابوسی از تصاویر تهران قدیم و... ماهنامه شماره ۸۲ هم به چشم می‌خورد که بالاخره پس از وقفه‌های طولانی توزیع آن در این مراسم چشم‌نواز بود.

پوشه، جزوات و غیره از طراحی مناسب و جذابی برخوردار بود. در جزوه خلاصه مقالات پذیرفته شده برای ارائه در همایش، چند مقاله جلب نظر می‌کرد که در برنامه روز همایش توزیع آنرا نمود. با توجه به موضوعات مطروحه در این بخش خلاصه مقاله آورده شده است.

اختصاص داریم که بلديه در مفهوم ملون آن تازه در تهران شکل گرفته بود. نخست با تفرجی کوتاه در باغات آن دوران بحث خود را آغاز می‌کنیم و پس از آن به نخستین طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در زمینه‌ی اجداث فضای سبز در این پایتخت صد و پنجاه ساله قاجار خواهیم پرداخت؛ دورانی که به تدریج ایجاد فضاهای شبه طبیعی در شهر تهران در دستور کار و مورد توجه قرار گرفت.

فضای سبز تهران در روزگار نخستین بلديه

بهروز ذوالفقاری
مهندس کشاورزی و دانشجوی کارشناسی ارشد
تاریخ دانشگاه تهران

هرچند که طراحی فضای سبز به مفهوم نوین و امروزی آن در عصر انقلاب صنعتی اروپا و خارج از مرزهای ایران شکل گرفته اما نمی‌توان تاثیر باغات و بوستان‌های عظیم و دلگشای ایران زمین با آن پیشینه کهن را بر پیدایی لندنی‌های بازگشت به طبیعت در فضای زیست‌شهری را فراموش کرد. اما از آن جایی که در این نوشتار مجال آن نیست که به گذشته‌های نور پیردایم مطلب را به روزگاری

فرهنگی، مدنی و اجتماعی او در باکو و همکاری همایش با بلديه‌ی باکو زبان زد خاص و عام در روسیه و سرزمین‌های خارج از آن به ویژه ایران بوده است. تقی‌اف را می‌شود نمونه‌ی برجسته‌ای از همکاری شهروند و شهردار قلمداد کرد چرا که وی در تاسیس طرح‌های عام‌المنفعه‌ای که در حوزه‌ی مدیریت شهر بوده، نظیر تأسیس آتش‌نشانی، لوله‌کشی آب و غیره اقدامات مؤثری انجام داده است. خوش نلس او به دلیل همین تلاش سبب شد که شهروندان ایرانی در زمان او، وی را به عنوان الگو قرار داده و از تلاش‌های او در این عرصه تقلید کنند.

حاج زین العابدین تقی‌اف الگویی از همکاران شهروند و شهرداری

سید سجاد حسینی
دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران

ققاز یکی از بیش‌روترین مناطق دریای شرق در کسب، مظاهر جدید فرهنگ و تمدن در سده‌های نوزده و بیست میلادی محسوب می‌شود. از این رو الگو و نمونه‌ای برای ایران و ایرانیان در آن دوران قرار گرفته. باکو از مهم‌ترین شهرهای مسلمان‌نشین قفقاز است که به دلیل تشابهات و قرابت‌های فرهنگی و مذهبی فرولان با ایران و حضور جمعیت کثیر کارگر و تاجر ایرانی در آن، همواره مورد توجه و تقلید ایرانیان بوده است. حاج زین العابدین تقی‌اف از نعت خدایان (انجمن بزرگ نعت در باکو) در این دوران است که اقدامات و فعالیت‌های برجسته‌ی



تهران، پایتخت ایران و چالش‌های نوین ژئوپلیتیکی

سینوس پروموسی
استادیار دانشگاه و مشاور شهردار تهران در
امور توسعه و مطالعات شهری

تمرکز جمعیت تجهیز شده به منطقه شهری تهران با چالش جدی در بعد ژئوپلیتیکی را سبب می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد، چالش‌های ژئوپلیتیکی تهران به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران در ابعاد قضایی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و در دو بخش داخلی و بین‌المللی دسته‌بندی شده و هر یک بخش‌هایی از نظام تصمیم‌گیری کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد. با آن‌که ویژگی‌های مثبت و هم‌افزایی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر تهران وجود دارد ولی چالش‌های مورد بررسی حاوی مشکلاتی فراروی مدیران اجرایی کشور است که حل تدریجی آن می‌تواند در کاهش آسیب‌ها و پیشگیری‌های اعضا نقش مؤثری داشته باشد. راهکارهای ارائه شده در این پژوهش در سطوح مختلف می‌تواند مورد مذاغه بیشتر قرار گرفته و راهگشای برخی از تنگناهای موجود باشد.

میش از دوپست سال از انتخاب تهران (شهری کوچک در پای کوه البرز) به عنوان پایتخت می‌گذرد. موقعیت جغرافیایی، شبکه‌های ارتباطی، تمرکز جمعیت، اداره‌ی سیاسی حاکمان، درآمدهای نفتی، نقش ملی و فراملی در توسعه‌ی

قضایی، کالبدی تهران تأثیر بسزایی داشته است. در مقاطع کنونی تحولات تاریخی دوران معاصر نقش تهران به تدریج پیچیده، چند سطحی و سازمان یافته شد. به گونه‌ای که هر تصمیم مدیریتی در بعد اداری، سیاسی برای انبساط بخشی از مشکلات پیچیده‌ی تهران در مقیاس ملی تبلور یافته و مدیران ارشد کشور با چالش‌های جدی روبه‌رو شده‌اند.

جمعیت تهران طی سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۵ بیش از پنجاه برابر شده است و در فاصله دو سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ جمعیت نقاط اطراف شهر تهران به شدت افزایش یافته‌اند. به طوری که می‌توان ادعا کرد، زنجیره‌ای از

تأثیر مدرنیته بر شهر در مفهوم ایرانی آن

بهمن حسینی نقی‌پاد
دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه تهران

موانعی روبه‌رو کرد. ولی در دو سده‌ی اخیر آشنایی بیش از پیش ایرانیان با مدرنیته و مظاهر آن، چهره‌ی شهرنشینی ایرانی و البته مفهوم آن را دگرگون کرد؛ این تغییرات جنبه‌های گوناگونی را در بر گرفت که گستره‌ی آن از معرفی و ایجاد نهادها و بینان‌های جدید تا تأثیرات عمیق در معماری شهری و زندگی فردی ایرانیان را شامل می‌شد. نخستین جلوه‌گاه این تغییر در معماری شهری تجلی یافت. خانه‌ی ایرانی یا معماری درون‌گرا، در تقلید از معماری غربی ظاهری زیبا (و آرایش شده) پیدا کرد. (برخلاف دیوارهای خشتی و بی‌پدرایه‌ی گذشته) که این تغییر در احداث ساراس، کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها و سایر اماکن عمومی و عام‌المنفعه هم دیده می‌شود که حاصل آن نه تنها شهر را از شکل ایرانی آن خارج کرد، بلکه به مرور اندیشه و اخلاقی ایرانی را هم در ساختار جدید دستخوش تغییر کرد. برای نمونه روابط چهاربه‌چهره که در خانه‌ی ایرانی حاکم بوده جای خود را به دیوارها و دره‌های بسته داد. خیابان‌ها و کوچه‌های ایرانی با شهرسازی مدرن یکسره به صلیب کشیده شدند و در این مرزبندی جدید توجهی به عناصر گذشته (محلات، روابط بومی، مشاغل و غیره) نشد. در این مقاله تلاش شده است تا با رهیافتی تاریخی به تأثیر مدرنیته در کارکرد و مفهوم ایرانی شهر و برخی پیامدهای آن پرداخته شود.

ایران به عنوان کشوری با سابقه دیرینه شهرنشینی، یکی از ریشه‌دارترین سنت‌های مدنیت را در میان تمدن‌های کهن انسانی دارا می‌باشد. که البته در برهه‌های

مختلف تاریخی با توجه به متغیرهای متعدد تأثیرگذار، معنا و کارکرد این پدیده‌ی بومی از جنبه‌های مختلف دچار تغییر و تحولاتی شده است. شهرهای ایران در دوران باستان هرچند هرگز محوریت و مرکزیت شهر در معنای یونانی آن را نداشته‌اند اما در امپراتوری‌های ایرانی پیش از اسلام، همواره از اهمیت بالایی به عنوان حلقه‌های زنجیره‌ی امپراتوری برخوردار بوده‌اند. البته شهرهای دوران هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی به رغم اشتراک در محوریت مدنیت تفاوت‌هایی نیز داشته‌اند. حیات مدنی ایران پس از اسلام هم به رشد خود ادامه داد. قراز و قروندهای شهرنشینی در دوره‌ی اسلامی نسبت تنگاتنگی با امنیت شهرها و راهها پیدا کرد، به نحوی که گسترش آن همچون گذشته در سایه‌ی اقتدار دولت مرکزی و امنیت حاصل از این اقتدار در راههای بازرگانی قابل مشاهده بود. در جریان حمله‌ی مغولان و نابودی تجارت و بازرگانی شهری ایران، زندگی شهری چندی به حاشیه رفت و حیات غیر شهری غلبه پیدا کرد. دوره‌ی صفوی دوران تجدید حیات شهرنشینی ایرانی بود. اما ناسامانی اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران طی دو سده پس از صفویه، تجدید حیات شهرنشینی را با



کاريز توانشي نهان برای فضاي فرهنگي

عباس جلالی

رکاب زدن به گرد جزیره با دوچرخه تا بودن در میان طبیعتی همسان با واقع در باغ پرندگان و تماشای هنرمایی فک‌های دریایی و دلقین‌ها، انواع بازی‌ها و سرگرمی‌ها، ورزش‌های آبی چون اسکی آبی، عوامی تا بازی بولینگ که به راستی از یاد نرفتنی هستند. سرانجام جلوه‌های دیگری را پیش چشم می‌بینند که چندان هم پرزرق و برق نیستند، اما ذهن را به خود می‌کشند و پرسش برانگیزند، یا پرسشی‌هایی چون: این جزیره کجاست؟ چه بوده؟ و از کجا چنین شده؟ ذهن گردشگر نمی‌تواند به پیشینه‌ی تاریخی، باشندگان و مردم بومی، یادگارهای تاریخی جزیره بی‌تفاوت بماند. او آنها را دست کم به هنگام ورود به جزیره بر روی نقشه‌ی راهنمای جزیره در سالن فرودگاه دیده است.

چه بسا که نگاهش بر روی عباراتی چون: "جزیره/ شهر باستانی جزیره" نامیده باشد. شهر باستانی جزیره که در شمال جزیره نشسته، شاید پرسش‌هایی تازه‌تر و پرکشش‌تری را برانگیخته باشد و او را با بنارذ تا از این مکان هم دیداری بکند، به ویژه آن که در اینجا و آنجا هم چیزهایی در این باره شنیده یا خوانده باشد. در باز کاوشی دیگر چشمش بر شمال جزیره "مجموعه‌ی ورزشی المپیک" و در جنوب باختری آن بر نام عجیب دیگر خیره می‌ماند. "شهر زیرزمینی کاریز"! کنجکاوی غریبی در ذهن گردشگر جان می‌گیرد، حس خادنه‌جویی او را وا می‌دارد تا حتماً سری به این شهر زیرزمینی بزند. شهری در

با این که رخساره‌های گردشگری پر شکوه جزیره، همه‌ی توانش‌های دیگر را به زیر سایه‌ی خود کشیده، زمینه‌های فرهنگی از رخساره‌هایی است که هر روز نیاز بیشتری به آن حس می‌شود، زیرا در زمینه‌ی گردشگری فضاهای دور و نزدیکی در هر کجا سر برمی‌آورند که رقابت با آن فضاهای نه تنها آسان نیست که گاه ناممکن هم می‌نماید، نمونه‌های آشکار جاذبه‌های نیرومند گردشگری را در امیرنشین‌های آنسوی خلیج می‌توان یافت که همه روزه کسان، به ویژه ایرانیان، بیشتری را به سوی خود می‌کشانند.

جاذبه‌های بازار گاهی تقریباً در همه جا همسان هستند، اما در عرصه‌ی کالا و زیبایی شیوه‌های فروش بسیار متفاوت می‌نمایند. آن چه در کیش می‌تواند گرانیگاهی متمایز بسازد، بهره‌گیری از توانش فضاهای فرهنگی است. زیرا اگر هم در آنسوی خلیج باشد، بسیار پریده رنگ خواهد بود، شاید به خاطر بی‌بستگی فرهنگی آن سرزمین‌ها، تنها بتوانند در زمینه‌های هنری همچون موسیقی توانمندی‌هایی را بروز دهد که آن هم به گونه‌ای مقطعی و گسسته است. مگر این که آنان برای یک زمینه‌ی بزرگ فرهنگی به بازگویی، مانند "شرک چاپ" چنان که خبر آن نشر یافته، کام بردارند که بی‌گمان زمینه‌های جنبی آن را از دیدگاه گردشگری نیز خواهند ساختند.

گردشگران پرشمار کیش با هر خاستگاه اجتماعی، پس از آزمون همه‌ی امکانات گوناگون گردش، تفریح و تفرج مانند،

زیرزمین برای ذهن هر کسی وسوسه‌کننده و برانگیزاننده است. شاید چنین نامی اطلاق درستی برای این مکان نباشد اما هر چه که هست گرانگیزی است پرکشش.

آنچه بیش از همه شگفتی برمی‌انگیزد آنست که جزیره‌ای چون کیش که در میان قلمرو زمان عربی نشسته از نامی یکسره فارسی، یعنی «کاریز» به جای فئات [واژه‌ی عربی] سود جسته است و این برخاسته از پیشینه‌ی دور و دراز و باستان تمدن در این جزیره است. تمدنی با پیشینه‌ی ۲۵۰۰ ساله!

کارگردانان این شهر زیرزمینی آن را یکی از شگفت‌انگیزترین شاهکارهای بشری می‌دانند که در نوع خود بی‌همتاست. این شهر زیرزمینی در گستره‌ای به اندازه‌ی ۱۶ هزار متر مربع در برخوردگاه سه رشته کاریز / قنات کهن جای دارد که درازای این سه رشته به ۱۵ کیلومتر می‌رسد، در حالی که پهنای جزیره هفت کیلومتر بیشتر نیست و تیب زمین بسیار اندک است. چندان که بلندترین نقطه‌ی جزیره ۴۵ متر بیشتر فراز ندارد. کندن کورده‌های کاریز در یک چنین زمینی با توجه به جنس مرجانی آن کاری بسیار توانفرسا و ستودنی است. ناگفته نماند که در گذشته‌های دور به ویژه سده‌های پنجم و ششم هجری که از روزگاران شکوفایی جزیره شمرده می‌شود و کیش کانون بازرگانی خلیج فارس و دریای عمان بوده، سامانه‌ی آبرسانی جزیره با ۲۷۴ حلقه چاه از همین کاریزها آبکشی می‌کرده و باشنندگان و دیگر مردمان کرانه‌ی خلیج برای آشامیدن از آن برداشت می‌کرده‌اند اما این ساماندهی نیز باز برپایه‌ی همان کار سترگ باستانی انجام یافته است.

با شکوفایی جزیره در پایان روزگار پهلویان و آغاز دوره‌ی جمهوری، سامانه‌های دیگری به کار گرفته شد و کاریز بی‌آن که بتواند پاسخگوی نیاز بسیار فراوان به آب شیرین باشد از چرخه‌ی آبرسانی بیرون شد. به سال ۱۳۷۷ در پی تلاش دوستانه‌ان گردشگری جزیره و با سرمایه‌گذاری‌هایی در ژرفای ۱۷ متری زمین زیر لایه‌های هفت متری از سنگواره‌های مرجانی و لایه‌ی زیرین آن به بستری ۱۰ متر از خاک مرجانی، به یاری ابزارهای ساده مانند کلنگ و تیشه، تالارها و دهلیزهای بسیاری در راستای کوره‌های کهن کاریز کنده شد. فضایی شکل گرفت که توانش بسیاری از زمینه‌های فرهنگی را در خود دارد. بر پایه‌ی آزمایش کار شناسانه‌ی دست‌اندرکاران، کاریز بر روی سنگواره‌هایی که از سقف مرجانی تالار و راهروها به دست آمده، آشکار شد که این سقف به تنهایی، حوزه‌ای طبیعی از سنگواره‌هاست و از همین رو سقف محکم و مرجانی کاریز به همان شکل طبیعی خود حفظ شد. اینک باید سازوکارهایی اندیشیده شود تا گردشگران بتوانند از نزدیک این سنگواره‌ها یا نمونه‌های آن را تماشا و وارسی کنند. زیرا تاریکی کوره‌های کاریز و بلندای سقف، چنین کاری را ناممکن ساخته است. برای این کار آزمایشگاهی کوچک و ساده با نرم‌افزارهایی ویژه برای بررسی سنگواره‌ها می‌تواند فضای فرهنگی کوچکی را در دل این شهر زیرزمینی بیافریند. پروتوتیپ‌های ویژه و گویا نیز برای درک و دریافت دانسته‌های این حوزه زیست‌شناختی بسیار

کارساز خواهد بود. سنگواره‌ی بی‌مانند لاک‌پشت دریایی مانده بر سقف از حدود ۴۰۰ میلیون سال پیش (دوره دوئین؟) بهترین نمونه و انگیزه برای پایه‌گذاری یک چنین فضایی است. فضایی که شاید در سراسر جهان کم مانند باشد. از ویژگی‌های آن پایایی دمای ۲۲ درجه‌ی صدم بخشی (سانتیکراد) در کوره‌های کاریز در سراسر سال است. اختلاف دمای (۲۵ تا ۳۸ درجه) بیرون کاریز با این دمای پایایی طبیعی ۱۴ درجه، هوایی بسیار خنک و مطبوعی را در کوره‌ها به گردش در می‌آورد. این محیط مطبوع با کارهایی چون نورپردازی‌های هنرمند در تالارهای گوناگون کاریز به ویژه در تالار شاهنامه، گردشگران هرچه بیشتری را به سوی این شهر اسرار آمیز خواهد کشاند. تالار شاهنامه یکی از فضاهای فرهنگی دینی است که در برنامه‌ی کارگردانان طرح کاریز پیش‌بینی شده است. در این تالار دریاچه کوچک از آب کاریز پدید خواهد آمد تا گردشگران بتوانند با قایق‌های کوچک بر آن برانند و تندیس‌های نمابشگر رخنه‌های آمده در شاهنامه مانند «هفت‌خوان رستم» را در پس تابش نورهای رنگین تماشا نمایند که بر سر هر پنج یکی از هفت خوان چشم به راه تماشا بر دیواره‌های تالار نشسته است. نور و صدا به حرکت در آوردن تندیس‌ها به یاری تابه‌های لیزری، درک و دریافت هر چه بیشتری را از شاهکار اساطیری ادبیات ایران به دست خواهد داد. جدای از فضاهای فرهنگی زیرزمین که می‌تواند در یکی از غرفه‌های زیرزمینی و در هنگام استراحت گردشگر به کار پردازد و بخش‌هایی از پیشینه‌ی جزیره را بازگو نماید و بی‌گمان کشش چنین فضای اعجاب‌آوری در محیطی غارگونه جاذبه‌ای است که کمتر کسی می‌تواند از آن در گذرد. دست‌اندرکاران شهر زیرزمینی در بخش‌هایی به‌این نتایج دست یافته‌اند که در دادگان آنان برای مردم دیده می‌شود مانند: موزه امنی، تئاتر، بازارچه‌ی صنایع و رستوران و غیره که برخی نیز راه‌اندازی شده است. اگر آنچه را که کارگردانان کاریز در برنامه خود دارند، چهره بند، مجموعه‌ی فرهنگی بزرگی پدید خواهد آمد. آنان در پی آن هستند تا بر روی زمین و بر فراز این شهر زیرزمینی، فضاهایی چون سینما بسازند و دو قلعه همانند دژهای باستانی را بر فرازند که بخش‌های تفریحی و استراحتی را در خود جای دهد. این دو دژ می‌تواند کتابخانه‌ی مجهز به نقشه، اطلس‌های دریایی و خشکی، دانشنامه‌ها و کتاب‌های الکترونی را در خود جای دهد و امکان پیوند با کتابخانه‌های جهان را فراهم آورد. موزه‌ی پوشاک بومی این جزیره حتی پوشانیدن آن بر تن همه دست‌اندرکاران، می‌تواند بروز و حال و هوای فرهنگی این گرانگیزه بیفزاید.

گرانگیزی که هویت بخش جزیره خواهد بود و این آفرینش حس هویتی است که ریشه‌هایش را به درون زمان گذشته می‌تواند و تماشاگر و گردشگر را به سطحی از آگاهی می‌رساند که دیگر جزیره برایش تنها هویتی بازارگاهی که تاکنون داشته، نداشته باشد. در آن هنگام است که کیش این مرورید آراستی یا هویتی فرهنگی و با پیشینه‌ای بسیار بسیار دراز دامن‌تر از دو سه دهه‌ی کنونی به روی گردشگران خود چهره خواهد گشود.

حضور جشنواره‌های انتشارات در

نمایشگاه کتاب تهران

شوق آورد تا تلاش دوباره را برای شکفتن در این سال بنامیده بی‌باغانه کتابهای (۱۲ جلدی) سیر شهرداری‌ها (نگاشته‌های استاد سعدنیا)، شهر فردا (با برگردان دکتر اشرفی) و شهر در جهان در حال توسعه (با برگردان دکتر ایراندوست و همکاران) همانند سایر کتابهای پیشین، غرفه‌ی کوچک انتشارات را چراغان کردند. انتشارات بر آن است که در نمایشگاه آینده‌ی بهار کتاب با کوله‌باری پر از نوآرندهای خود، چون مجموعه ۶ جلدی کتابهای سبز یا حضوری زنده تر و شاداب تر بدرخشند.

انتشارات پس از چند سال غیبت، بهاری دیگر را در ۲۱ مین نمایشگاه جشن گرفت و دومین بار در میان خانواده ناشران حضور یافت تا آنچه را در توشه داشت، بر پیشخوان کوچک خود بگذارد. نسل دیروز، دلویسان مسایل شهری و شهروندی و نسل امروز جویندگان دانش شهری، زنان و مردان کار بدست فرودهای این سرزمین را یکجا بر سر این خوان خود فرا خواند. انتشارات با همه رنجوری سالین قنوت، بارقه‌هایی نه چندان پر فروغ را بر فراز بام مصلی (رواق شرقی نمازگاه) ساطع نمود که همه دست اندرکاران را بر سر



پژوهندگان و خوانندگان وفادار به دیدار باران خاموش و فریختنی خود در عرصه‌ی نمایشگاه بیایند تا کار نوشتن رونق گیرد و انتشارات باردیگر شکوفاتر بدرخشند. از شما دعوت می‌کنیم تا به این دیدار خجسته علمی بیایید. ما همه روزه - روزهای کاری هفته - بذریای شما خواهیم بود. وعده‌ها نمایشگاه دانشی انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

نشانی: بلوار کشاورز، ابتدای خیابان شهید نوری، پلاک ۱۵

انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در استانه‌ی نهمین زادشهر خود با کم و کاست‌ها و دشواری‌های پیش رو و راهها دشوار طی شده، باردیگر نمایشگاه دانشی کتابها، ماهنامه و فصلنامه‌های خود را راه‌اندازی کرده است. تا دستاوردهای ۹ ساله خود را در زمینی شهر و شهرسازی بر پشت و پتترین بنشانند، دستاوردهایی که به باور ما بایست به از این می‌بود. ما بر این باوریم تا باردیگر دوستداران قدیمی،

گشایش دوباره‌ی نمایشگاه و فروشگاه کتاب



ساختمان شهرداری مرکزی موزه می شود



همین نما (جنوبی) و در جلو سالن اجتماعات بانگونی مشاهده می‌کنیم که با دارا بودن دو ستون قطور ضمن محافظت ورودی از نزولات جوی، بر ورودی تأکید دارد. این ساختمان به دلیل قرار داشتن در مرکز شهر رویدادهای زیادی را شاهد بوده و یکی از مراکز تاریخی آذربایجان است از مهم‌ترین وقایع تاریخی که در اطراف این بنا رخ داده می‌توان به بیماریان پلاگن توسط آرش روسیه در حمله متفقین به ایران و مناطق آذربایجان (۳۰ شهریور ۱۳۳۰ هجری شمسی) اشاره کرد که در اثر این واقعه قسمتی از نمای جنوبی آن تخریب شد. بازسازی و مرمت این بنا توسط دو نفر یکی به نام اوستا میهور و دیگری یک استادکار ارمنی انجام گرفته است. این بنای زیبا و قدیمی که جزو میراث فرهنگی کشور است در فهرست آثار ملی قرار گرفته.

قارتل (عقاب) ساخته شده است. پلان کلی این ساختمان به شکل عقابی است که بال‌های خود را پهن کرده. لازت به ذکر است که طراح در طراحی ساختمان مجبور به رعایت تقارن نسبت به محور عرضی شده است. ساختمان به دو طبقه دارد که ارتباط طبقه اول با طبقه دوم توسط پلهی دو طرفه‌ی عرضی میسر شده و با احتیاطی که در قسمت پایین به خود می‌گیرد از پله به عنوان دکراتیو استفاده شده است. همچنین به خاطر حفظ ریتم ساختمان فضاهای اصلی به شکل مربع مستطیل و فضاهای تردد و انتظار به صورت فضاهای سه وجهی و گاهی غیر منظم که نسبت به سایر فضاها از اولویت پایین‌تری برخوردار است ساخته شده است. در نمای جنوبی (رویه میدان) که در عمومی قرار گرفته با استفاده از برجستگی‌های عمودی که در طرفین ورودی قرار دارد. عظمت این بنا را تشدید می‌کند و از یکنواختی بنا می‌کاهد. در

مهندس پرویز جلیلی، رئیس شورای اسلامی شهر ارومیه از اختصاص ساختمان فعلی شهرداری مرکزی به موزه خیر دانه وی گفت: «با توجه به قدمت چندین ساله این ساختمان بهره‌برداری بیشتر از آن باعث فرسودگی آن خواهد شد. وی همچنین اضافه کرد: «با موافقت اعضای شورای اسلامی شهر مقرر شد با احداث ساختمان جدید شهرداری به زودی به ساختمان جدید انتقال یابد». گفتنی است ساختمان شهرداری ارومیه هم اکنون در جبهه شرقی میدان نسبتاً بزرگ و قدیمی‌ای به نام میدان انقلاب جا گرفته است که به میدان ایالت در آذربایجان شناخته شده است. در جبهه‌های جنوبی، غربی و شرقی به ترتیب ساختمان‌های دادگستری، ستاد لشکر ۱۶۴ ارومیه و شهرداری جا دارد. این بنا در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی توسط «علا اوستا» که از چیره‌دست‌ترین معماران زمان خود بوده براساس طرحی از

افتتاح ۳۵ پروژه کلان شهرداری ارومیه



جدید وسعت در کارها، سرعت در کارها و کیفیت در کارها خواهد بود. در حال حاضر بودجه ۱۰ سازمان اصلی شهرداری تصویب و به این سازمان‌ها ابلاغ شده و مابقی نیز تا پایان سال جاری اعلام خواهد شد. وی افزود: کارهای عمرانی روز به روز در حال پیشرفت است و کارهایی را که قرار است پیمانکاران عمرانی در سال جدید انجام دهند، قراردادهای بسته شده و سال جدید سال

تلاش و کوشش در شهرداری خواهد بود. وی ادامه داد: تقاضای عطف دیگر تمرکز در مدیریت و راهبردی پسماند بود که با ارائه اصلاحات ساختاری سازمان بازیافت و تبدیل این سازمان به سازمان مدیریت پسماند مجموعه‌ی خدمات شهری از یک حوزه هدایت و برنامه‌ریزی و نظارت می‌شود که در کمیت و کیفیت توجه شهرداری به این موضوع پسماند در صدر اولویت‌ها است. شهردار بیان کرد: در انجام پروژه‌های مهم عمرانی که دغدغه‌ی جدی مدیریت شهری است به واسطه‌ی ایجاد ظرفیت‌های حمایتی و همراهی دولت محترم و مجموعه‌ی آنچه که در ارائه مسئولین محلی و منطقه‌ای است امیدواریم سال ۸۷ سال تحول دگرگونی و در عین حال سال اصلاحات در شهرداری ارومیه به واسطه‌ی گرایش به سمت منطقه‌ای شدن برنامه‌ها و تلاش‌ها و در عین حال برنامه‌ریزی کردن مسائل و مشکلات شهر باشد.

در نخسته ایام مبارک دهه فجر و به میمنت سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و با تلاش و همت خدمتگزاران مردم شریف ارومیه در شهرداری ۳۵ پروژه عمرانی و خدماتی با سرمایه‌گذاری افزون بر ۲۹۴/۵ میلیارد ریال، در راستای توسعه و سازندگی شهر ارومیه به بهره‌برداری رسید. جلیلی رئیس شورای اسلامی شهر در سخنان خود بعد از تبریک به مناسبت

بیست و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، از طرفی خودشان و اعضای شورای اسلامی شهر از تلاش‌های شبانه‌روزی و بی‌وقفه‌ی کارکنان شهرداری تقدیر کرد. وی افزود: اعتقاد ما این است که نباید یک تقاضای شهر از یاد برود یا فراموش شود و یا نقاط خاصی از شهر آباد شود. اولویت ارائه خدمات از نظر شورا و شهرداری با آن مناطقی است که مردم محروم شهر زندگی می‌کنند و اینها در ارتباط با انقلاب و اسلام حداکثر فداکاری‌ها را کرده‌اند. ما اگر خوب فکر کنیم می‌بینیم اکثر شهدهای ما از مناطق محروم بوده‌اند امروز هم وظیفه‌ی ما است که به این مناطق خدمت کنیم و در برنامه‌ریزی‌های خدمت‌رسانی مناطق محروم را در اولویت برنامه‌هایمان قرار بدهیم و بتوانیم به این عزیزان خدمات دهیم. در ادامه مهندس بازیان شهردار ارومیه گفت: سه رکن اصلی و اساسی در سال



به گفته شهردار سنندج کتابخانه شهرداری مرکزی سنندج با منابعی در بخش‌های معماری و شهرسازی، قضای سبز، عمران، ترافیک، ساختمانی، حقوقی و رایانه و غیره تجهیز می‌باشد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری سنندج قریبون پوررضایی در این رابطه گفت: یکی از وظایف شهرداری در امور فرهنگی، ارتقای سطح علمی و اعتلای فرهنگ شهری توسعه کتابخانه است. در همین راستا کتابخانه شهرداری در سال

کتابخانه شهرداری سنندج علاقتمندان را به عضویت و ارائه خدمات دعوت می‌نماید

۱۳۸۲ با تعداد ۲۰۰۰ جلد کتاب راه‌اندازی شد که هم اکنون این تعداد به ۶۰۰۰ جلد افزایش یافته است. پوررضایی افزود: کتابخانه شهرداری بدون دریافت شهریه و وجه خاصی، آماد همکاری و ارائه اطلاعات در زمینه‌های مختلف به شهروندان به ویژه دانشجوین، محققان و پژوهشگران می‌باشد. وی ادامه داد: واحد سمعی و بصری کتابخانه هم اکنون با مجموعه‌ای بالغ بر ۲۰۰ عدد سی‌دی آموزشی و فرهنگی و فیلم سینمایی به همکاران خدمات می‌کند.

استاندار هرمزگان از تلاش‌های شهرداری بندرعباس قدردانی کرد

استاندار هرمزگان در دیدار شهردار بندرعباس و معاونین وی از تلاش‌های شهرداری در نوزد امسال و فراهم کردن بستر مناسب برای پذیرش پنج میلیون مسافر و گردشگر قدردانی کرد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری بندرعباس، عبدالعلی صاحب‌محمدی با بیان این که کارکرد درخشان شهرداری در تعطیلات نوروز ۸۷ موجب سربلندی و افتخار استان هرمزگان و مردم این سامان شد، گفت: حرکت رو به جلو شهرداری بندرعباس در خدمات‌دهی به شهروندان، نشان‌دهنده عزم جدی مدیران شهری برای ارائه‌ی چهره‌ای نو و با نشاط از مرکز استان هرمزگان است.

در حوزده‌ی امور شهری و شهرداری خواند و از مدیران شهری خواست با تلاش گسترده، زمینه بهره‌مندی بیش از پیش شهروندان از شهری زیبا و با نشاط را فراهم آورند. صاحب‌محمدی اظهار داشت: حمایت‌های مادی و معنوی در راستای توانمندسازی شهرداری، بسیار مؤثر است و ما از هیچ کوششی در این خصوص، فروگذار نخواهیم کرد.

در این دیدار، شهردار بندرعباس نیز گزارشی از آخرین وضعیت و کارکرد حوزه‌های مختلف شهرداری ارائه کرد و خواستار توجه ویژه نسبت به افزایش سهم شهرداری در اعتبارات دولتی شد.

منصور آرامی گفت: سال گذشته، سال پرکاری برای شهرداری بندرعباس به شمار می‌رود و اولویت کاری در سال جاری با اتمام طرح‌های نیمه تمام است و مدیران حوزه‌های مختلف شهری، مینای کار و فعالیت خود را بر دقت و سرعت قرار داده‌اند. وی اضافه کرد: بودجه‌ی سال گذشته‌ی شهرداری ۲۳۰ میلیارد ریال بود که برای نخستین بار با رشد ۶۰ درصدی در سال ۸۶ به ۵۱۰ میلیارد ریال رسید. رقم افزوده شده‌ی (یعنی ۱۸۰ میلیارد ریال) درآمدهای شهری، در ساخت و اجرای طرح‌های عمرانی و خدمات شهری هزینه شد.

وی افزود: امسال با نوآوری در اجرای طرح‌های گوناگون عمرانی، شهرسازی، خدمات شهری، فرهنگی و اجتماعی، شاهد شکوفایی بیش از پیش بندرعباس و استان هرمزگان خواهیم بود. استاندار هرمزگان از ارائه‌ی راهکارهای جدید و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های بخش خصوصی در توسعه‌ی شهر، برگزاری نشست‌های مشترک و تخصصی، ادامه روند زیباسازی ساحل، گسترش فضای سبز، افزایش امکانات و وسایل تفریحی و ورزشی، رونق دریا گردی، افزایش ناوگان حمل و نقل درون شهری و ساماندهی سیمای شهری به عنوان مسایل مهم و اولویت‌دار

ارومیه و فعالیت‌های فرهنگی



ولادت یا شهادت این سردار به عنوان روز شهردار که با استقبال سایر شهرداری‌ها هم رویه‌رو شده است از جمله‌ی این فعالیت‌هاست. همچنین چاپ و توزیع پیک شهروند با هدف ترویج و آموزش شهروندی در سه گروه پیش‌دبستانی، کلاس‌های اول، دوم و کلاس‌های سوم، چهارم

معاونت فرهنگی در امور اجتماعی شهرداری ارومیه با هدف ارتقای سطح فرهنگی شهروندان اقداماتی را در ماه‌های اخیر به انجام رسانید که در نوع خود قابل تقدیر می‌باشد. نشر کتاب "سردار بدر" به زندگی شهید مهدی باکری شهردار شهید ارومیه پرداخته و درخواست تعیین روز



و پنجم با مضامین آموزشی حوزه تفریحیه فضای سبز، بازیافت و غیره و راهاندازی کتابخانه سمار (انوبوس) مجهز به مری و اقلام آموزشی در محلات محروم برای بالا بردن میانگین مطالعه شهروندان از اقدامات ویژه این معاونت می‌باشد. چپ کارت تبریک زیبا و مزین به تصاویر و کلام مرتبط با بزرگداشت مقام معلم و پیام شهردار خطاب به این قشر فرهیخته از دیگر اقدام‌های شهرداری در حوزه فرهنگی - اجتماعی می‌باشد. لازم به ذکر است که در انجام فعالیت‌های فوق یا هماهنگی از توالن و تجربه سایر نهادها همچنین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انجمن‌های آموزشی و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز استفاده شده است.

ایجاد فضاهای گردشگری توسط شهرداری سازی

جدول بندی ویژه و غیره در مساحتی بیش از ۲۰۰۰ مترمربع در مراحل پایانی احداث قرار دارند. از فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی شهرداری سازی نیز ساخت و

نصب تندیس اسلا شهید مطهری که به مناسبت روز معلم برده‌برداری شد تندیس آرش کمان‌گیر که سمت شمال غرب (قله دماوند) را نشانه رفته است و تندیس سرباز هخامنشی را می‌توان نام برد. همچنین تندیس مازیار، و دیگر مشاهیر تاریخی و حماسی استان برای مراکز شهری طراحی و به زودی به بهره‌برداری خواهد رسید.

طرح ساماندهی سواحل دریا در منطقه فرح‌آباد با هدف جلب توریست و گردشگر و رضایت شهروندان برای بهره‌برداری از امکانات موجود یا مشارکت سایر نهادها و

محوریت و سرمایه‌گذاری شهرداری سازی به عنوان طرحی ملی پیگیری پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای به دست آمده است. نصب باجه‌های اطلاع‌رسانی در نقاط مختلف شهر که اطلاعات کامل مورد نیاز گردشگران را ارائه می‌نمایند، از دیگر اقدامات شهرداری سازی است. پارک‌های کوشانسنگ و شمع نیز با امکاناتی چون بوستان گل، پارک بازی کودکان، آب‌نما،

همایش شورای شهر و شهرداری اردبیل در تجلیل از معلمان اردبیل

حرف بلکه در میان عمل از فرهنگیان و معلمان تجلیل شود و قبل از سخنرانی در خصوص شان و مقام معلم و برگزاری مراسم‌هایی در گرامیداشت این قشر تأثیرگذار، بستر لازم برای تجلیل عملی از آنان در جامعه فراهم شود. شهردار اردبیل نیز در آیین تجلیل از مقام معلم گفت:

معلمان سرعایه‌ی گرانقدر انسانی هستند که بیشتر از این باید مورد تجلیل قرار گیرند و همه ما شاگردان معلمان عزیز هستیم و مدیون زحمات بی‌دریغ معلمان می‌باشیم. تیکزاد خطاب به معلمان افزود: شما سرمایه اصلی این کشور هستید. آینده‌سازان این کشور با دست‌های شما عزیزان تربیت می‌شوند. تا انجام وظیفه کنند. آرزوی ما این است که این قشر زحمتکش از لحاظ امور رفاهی، صنفی و معیشتی، دغدغه خاطر نداشته باشند و برنامه‌ریزی بر اساس ارتقای سطح کیفی و کمی تربیت صورت پذیرد. رئیس شورای اسلامی شهر اردبیل نیز در این مراسم خطاب به معلمان گفت: معلمان و فرهنگیان محترم، ما به زحمات شایسته و خدمات ارزنده شما واقف هستیم و شان و جایگاه شما بالاتر از آن است که ما تصور می‌کنیم. غفلت از امر

به مناسبت هفته گرامیداشت مقام معلم و سالروز شهادت شهید مطهری، مراسمی توسط شورای اسلامی شهر و شهرداری اردبیل با حضور امام جمعه محترم و نماینده ولی فقیه در استان، معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی و جمعی از مسئولان و معلمان

برگزار و از ۱۰۱ نفر از معلمان نمونه‌ی استان تجلیل شدند. امام جمعه اردبیل در این مراسم با اشاره به مقام شامخ معلم در جامعه و دین مبین اسلام گفت: جامعه‌ای علوی از علم و تربیت جامعه‌ای تاریک و مآمال از زقایل اخلاقی است و اگر عنصر پرورش و تربیت در کنار علم نباشد این علم نه تنها نفعی برای بشریت نخواهد داشت بلکه به بالای جان انسان‌ها تبدیل خواهد شد. حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید حسن عاملی تجلیل عملی از مقام علم و عالم را سیره معصومین (ع) دانست و اظهار داشت: باید علم در جامعه در جایگاه واقعی خود قرار گیرد و جا دارد ادارات و سایر دستگاه‌های اجرایی نیز با الگو قرار دادن حرکت شایسته‌ی شورا و شهرداری اردبیل، دین خود را به فرهنگیان ادا کنند. امام جمعه اردبیل بیان داشت: باید نه به



آموزش و پرورش و جدا کردن مسایل معیشتی معلمان از مسایل تربیتی امری ناگفتنی است. اگر چنانچه مسئولان آموزش و پرورش می‌خواهند آموزش و تربیت صحیح و بی‌عیب و نقص در جامعه تحقق یابد، باید به مطالبات این قشر توجه داشته باشند.

جواد زنجانی افزود: در سال‌های اخیر بررسی‌ها نشان داده است که بخشی از نارسایی‌های اجتماعی، ناهنجاری‌ها و کاستی‌ها در جامعه ناشی از بی‌توجهی به قشر معلم بوده است. بر این اساس اگر مطالبات معلمان نادره گرفته شود، وظیفه تربیتی آنها با مشکل روبرو خواهد شد.

رئیس سازمان بهزیستی اعلام کرد آمادگی واگذاری برخی از وظایف بهزیستی به شهرداری

رئیس سازمان بهزیستی از آمادگی این سازمان برای واگذاری برخی از وظایف به شهرداری‌ها خبر داد و گفت: هم‌اکنون ۸۰ درصد وظایف بهزیستی به مردم واگذار شده است. به گزارش مهر، دکتر ابوالحسن فقیه که به دعوت مهدی چمران، رئیس شورای عالی استان‌ها در هشتمین اجلاس این شورا حضور داشت، در جمع خبرنگاران گفت: براساس ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، بهزیستی می‌تواند ۱۳ فعالیت خود را به بخش خصوصی واگذار کند که این امر مشمول شهرداری‌ها هم شود. وی افزود: این کار هم اکنون در بعضی از شهرها صورت گرفته و مثلاً شهرداری‌ها مسئول ایجاد مرکز نگهداری از معلولان شده‌اند. به گفته فقیه در این صورت بهزیستی تنها کار نظارتی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی را انجام می‌دهد. وی در پاسخ به این سؤال که چرا بهزیستی در ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی ضعیف عمل می‌کند، در حالی که شهرداری کار جمع‌آوری آنها را انجام می‌دهد، گفت:

ساماندهی یا جمع‌آوری خیلی متفاوت است و هزینه ساماندهی خیلی بیشتر از جمع‌آوری است. رئیس سازمان بهزیستی در عین حال خاطر نشان کرد: البته نمی‌خواهم کار کسی را زیر سؤال ببرم. وی با آوردن مثالی درباره ساماندهی کودکان کار، اظهار داشت: وقتی این کودکان از شهرداری به بهزیستی داده می‌شوند به دلیل این‌که والدین بیشتر آنها در قید حیات هستند نمی‌توان آنها را نگهداری کرد و آنها باز به خیابان برمی‌گردند. فقیه پشت تریبون اجلاس شورای عالی استان‌ها با اشاره به قانون جامع حمایت از معلولان، از شهرداری‌ها خواست تا به وظایفی که در این قانون برای آنها مشخص شده، عمل کنند. وی مناسب‌سازی فضاهای شهری را یکی از این وظایف برشمرد و گفت: هنوز محیط‌های شهری برای استفاده معلولان مناسب نیست. وی در موضوع آسیب‌های اجتماعی از شوراها و شهرداری‌ها خواست تا با برهمکنش گره‌گشایی کنند.

عملکرد سازمان فرهنگی ورزشی گرگان

سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری گرگان اقدام به تهیه و توزیع لوح فشرده‌ای شامل آشنایی با این سازمان، تشکیلات و وظایف برنامه‌های سال ۱۳۸۶ و گزارش کارکرد سال ۸۶ کرد. این لوح که به صورت فیلم تهیه شده است، گزارشی تصویری از حوزه‌های تنوع فعالیت سازمان به ویژه در بخش‌های ورزشی شامل انجمن مسابقات تنوع ورزشی در بین کارکنان مجموعه شهرداری و مردم در رده‌های مختلف سنی، برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف هنری، برگزاری

مسابقات گوناگون فرهنگی مانند کتابخوانی، شعر، آموزش مهارت‌های مختلف زندگی برای خانواده‌ها، کلاس‌های ایمنی و آتش‌نشانی برای دانش‌آموزان در سطوح مختلف، روش‌های تسهیل در مراجعات اداری شهروندان برای حل مسایل مختلف شهری و ارائه راهکارهای ساده برای بالا بردن کیفیت زندگی شهری در بخش‌های مختلف (ایمنی، زباله، حمل‌ونقل و...) را شامل می‌شود. در سال جاری نیز گسترش کمی و کیفی این برنامه‌ها در قالب تقویم فعالیت یکساله پیش‌بینی شده و در حال اجرا می‌باشد.

پایان ساخت سازه مجموعه سینمایی پارک ملت

مدیر عامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران، از پایان ساخت سازه مجموعه سینمایی پارک ملت خبر داد و افزود: این مجموعه اولین تیرماه به بهره‌برداری خواهد رسید. مهندس اکبر تشکری تبار، مدیر عامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران، با بیان این مطلب گفت: ساخت سازه مجموعه پارک ملت به اتمام رسیده و پس از افتتاح آزمایشی آن در ماه آینده، اوایل تیرماه به طور رسمی به بهره‌برداری می‌رسد. وی با بیان این‌که این مجموعه از مهم‌ترین فضاهای فرهنگی است که با بالاترین استانداردهای سینمایی روز دنیا ساخته شده است، افزود: تجهیزات این مجموعه از کشورهای اسپانیا، ایتالیا و

انگلیس وارد شده است و با قرار گرفتن در فضایی مناسب با دسترسی مطلوب، می‌تواند نقش عمده‌ای را در جذب مخاطب داشته باشد. به گفته تشکری تبار، مجموعه سینمایی پارک ملت دارای چهار سالن است که هر یک ظرفیت ۳۰۰ تماشاگر را دارد. مدیر عامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهر تهران، همچنین از افتتاح ۱۱ سالن سینمایی از تیرماه سال جاری خبر داد و گفت: مجموعه سینمایی زندگی با پنج سالن در منطقه ۵ که با دارا بودن جمعیت زیاد، دچار کمبود فضاهای فرهنگی است و ایجاد یک سالن در موزه سینما، از دیگر اقداماتی است که شهروندان می‌توانند از تیرماه شاهد افتتاح آن باشند.



ساده‌وی علت این مساله را نداشتن
اختیارات لازم در بخش معاملات و

کهنگی قوانین در این خصوص، عنوان کرد و گفت: با
اختیارات موجود نمی‌توان کار کرد و قانونی که ما هم اکنون
حزم به اجرای آن هستیم، متعلق به سال ۱۳۴۵ است و من از
این بابت متأسفم. مشکل ما این است که قوانین موجود منطبق
با وضعیت کنونی نیستند و باید اصلاح شوند. وی افزود: نه
تولت از ما حمایت می‌کند و نه فراکسیون و کمیسیون در
مجلس وجود دارد که به اصلاح قوانین در رابطه با شهرداری‌ها،
بپردازد؛ این در حالی است که ۶۰ درصد جمعیت کشور در شهرها
زندگی می‌کنند، ولی هفت کلانشهر ما با مشکلاتی عدیده‌ای
روبه‌رو هستند. وی افزود: تنها شهر تهران به دلیل داشتن
قانون معاملاتی جدا از دیگر شهرها، وضعیت متفاوت و بهتری
دارد.

استعفای شهردار قم

شهردار قم با اشاره به نامه استعفای
خود دلیل این کار را عدم اختیارات
لازم جهت خلعت‌رسانی به مردم دانست.

مهندس احمدی با اشاره به شهر قم به عنوان یکی از
هشت کلانشهر کشور گفت: این شهر ظرفیت‌های بسیاری
دارد و می‌تواند که به آن رسیدگی شود. وی افزود: با اختیارات
محدودی که به شهرداری داده شده است ما نمی‌توانیم از توانایی
خود در جهت بهبود وضعیت شهر بهره‌مند شویم. احمدی
پایانده با اشاره به تقسیم استعفای خود به شورای شهر افزود:
هدف من خدمت به مردم ایران است و اگر نتوانم در این شهر از
توانایی‌های خود بهره‌برم و مقید آینده قرار گیرم ترجیح
می‌دهم در جای دیگری خدمت کنم. وی تصریح کرد: رفتن و
ماندن من به شورای شهر بستگی ندارد و اگر مشکل اختیارات
حل شود در صورتی که شورای شهر بخواهد در قم بخواهم

شهرداری از تشکیل هیات مدیره
سازمان فرهنگی هنری برای هدایت
هر چه بهتر سازمان خبر داد. در ادامه
مراسم ضمن قدردانی از زحمات صادق آریان، جعفر نصیری
شهرداری به عنوان مدیر عامل سازمان فرهنگی هنری
شهرداری قزوین معرفی شد.

رویکرد فرهنگی اجتماعی شهرداری قزوین

محمود کمالی شهردار قزوین در
مراسم معرفی مدیر عامل سازمان
فرهنگی هنری شهرداری قزوین
گفت: شهرداری موظف است تا نیازهای شهروندان را در
زمینه مسائل فرهنگی و اجتماعی بر طرف کند، چرا که علاوه
بر نیازهای فیزیکی همانند مسائل عمرانی و خدمات شهری،



نیازهای معنوی هم در شهر مطرح
می‌باشند. وی افزود: بدلیل این که
موضوعات فرهنگی سخت‌افزاری
نیست و از نوع نیازهای انسانی
است، باید پروژه‌های این حوزه پس
از نیازسنجی شهروندان طراحی و بر
مبنای رضایت شهروندان در الویت
قرار گیرند. وی با اشاره به افزایش
بودجه فرهنگی شهرداری در سال
۸۷ گفت: سازمان فرهنگی هنری
شهرداری باید به قوی‌ترین سازمان
شهرداری تبدیل شده و در جایگاه
واقعی خود قرار گیرد. شهردار
قزوین با اشاره به رویکرد فرهنگی
اجتماعی به عنوان سیاست جدید

محصولات مختلفه عرقیجات و...
برگزار شد.

وی افزود: در این جشنواره که تا
پایان فصل گل‌ها ادامه دارد گروه‌هایی از گلاب‌گیران کاشانی به
دعوت این مجموعه به بوستان جنگلی چیتگر آمده‌اند و به اجرای
زنده مراسم گلاب‌گیری می‌پردازند. همچنین در این مراسم
انواع عرقیات گیاهی به بازدیدکنندگان معرفی شده و با قیمتی
بسیار مناسب به فروش می‌رود.

برگزاری جشنواره گلابگیری در چیتگر

مدیر مجتمع فرهنگی چیتگر با اعلام
این خبر خاطر نشان کرد: همزمان با
رویش جوانه‌های گل‌های محمدی در
گلستان‌های سراسر کشور ششمین جشنواره گل و گلاب از
اواسط اردیبهشت ماه با هدف توسعه صنعت گردشگری، توسعه
فرهنگ مصرف عرقیجات گیاهی و ایجاد روحیه نشاط و شادابی
در شهروندان در محوطه باز فرهنگسرا به مدت یک ماه همراه با
مراسم سنتی گلاب‌گیری، نمایشگاه و فروشگاه عرضه

رئیس جمهور

شهر خوب باید زمینه بهترین ارتباطات انسانی را فراهم کند

ویژه برخوردار شوند و عدای دیگر فاقد شهرنشینی باشند. وی با اشاره به این که همه مسئولان در برابر این جمعیت‌ها مسئولیت دارند تاکید کرد: بهسازی، ساماندهی و توانمندسازی این گونه محلات از وظیفه مسئولان کشورهاست چرا که شهر خوب شهری است که به همه ساکنان خود خدمت می‌کند و آسایش و رفاه را به همه ساکنان آن شهر و امکانات را به صورت عادلانه در بین آن‌ها تقسیم می‌کند. وی گفت: هویت روح و جان آبادی‌ها و شهرهاست و نمی‌تواند از فرهنگ ساکنان آن جدا باشد چرا که ساکنان این شهرها باید بیاورند که این شهر برای آن‌هاست و امنیت کامل برای آن‌ها نامین می‌شود و روابط انسانی نیز برایشان فراهم آمده است. وی خاطر نشان ساخت: کالبدهای شهری باید روحیه دوستی و محبت را بین ساکنان آن ایجاد کند و در این بین ساکنان شهرها نباید از زندگی درون شهر گریزان باشند و از زندگی کردن ناراضی باشند. لذا خوشبختانه فرهنگ شهر مملو از دوستی‌ها و محبت‌هاست. رئیس جمهور در خاتمه سخنانش خاطر نشان ساخت: دولت ایران در آستانه برنامه پنجم اقتصادی و اجتماعی طرح‌ها و پروژه‌های فرولایفی را در کتبه بخش‌های شهرسازی و مسکن و توسعه زیر ساخت‌ها در دست اقدام دارد که می‌تواند مورد استفاده همه کشورها قرار گیرد و آینده روشنی را برای شهرنشینی در کشورهای جهان به دنبال داشته باشد.

دکتر محمود احمدی نژاد در اجلاس وزرای مسکن و شهرسازی آسیا - اقیانوسیه مسکن و شهرسازی نیاز اصلی و پایه یک زندگی سلامت مند برای افراد جامعه است و آرامش و آسایش انسان بنون تاسین حلقل مسکن مورد نیاز و استقرار شهروندان در محیطی مطلوب ممکن نیست.

وی مسکن خوب، آبادانی و شهر خوب را از نیازهای ضروری بشر دانست و عنوان کرد: لفظ خوب به معنای تامین حداقل نیازها با رعایت ضوابط زیستی و فضای سالم و متناسب با فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جوامع مسکن است. وی تاکید کرد: خانواده خوب در خانه خوب از آسایش و آسایش برخوردار می‌شود و روابط متعالی انسانی عشق‌ها و محبت‌ها همگی بعنوان اساس شکل‌گیری انسان از محیط خانه شکل می‌گیرد و به جوامع کشیده می‌شود و این نشان دهنده این است که مقدم‌ترین، پاک‌ترین و انسانی‌ترین محیط زندگی خانه است و محیط خانه در مسکن شکل می‌گیرد. دکتر احمدی نژاد با ابراز خرسندی از شمار دومین اجلاس وزرای مسکن و شهرسازی آسیا - اقیانوسیه تاکید کرد: خوشبختانه تمام شرکت کنندگان این اجلاس به اصلی‌ترین ارزش‌های انسانی یعنی عدالت، شخصیت و هویت او توجه کرده‌اند. وی با اشاره به این که عدالت نژاد خاص خود را نارد تاکید کرد: آیین‌نامه‌های شهرسازی نمی‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که ساکنان را به درجه یک و دو تقسیم کند یا این که عدای از امکانات

عملیاتی شود. وی در ادامه اظهار داشت: در مرحله اول اجرای طرح باغشهرها احداث حدود ۲۰۰ باغشهر در کشور پیش‌بینی شده است و جزئیات کامل این طرح طی ماه جاری اعلام می‌شود. رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاریهای کشور تصریح کرد: اجرای طرح باغشهر علاوه بر تامین مسکن در کشور، هم در جهت افزایش سرانه فضای سبز و هم در جهت حفظ زمین‌های حاشیه شهرها، که از منابع ملی کشور محسوب می‌شوند تاثیرگذار است.

معاون میرانی وزیر کشور احداث باغشهرها علاوه بر توسعه فضای سبز بخشی از مشکلات تامین مسکن را رفع می‌کند

معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور اعلام کرد: با اجرایی شدن طرح باغشهرها، گام بزرگی در جهت افزایش فضای سبز شهرها و کمک به تامین مسکن نیازمند مسکن برداشته می‌شود. مهندس سیدمهدی هاشمی گفت: مطالعات مربوط به طرح باغشهرها در مراکز استان‌ها به پایان رسیده و براساس آن محدوده‌های ایجاد باغشهرها نیز مشخص شده است و با توجه به اهمیت این طرح در جهت تامین فضای سبز شهرها و مسکن می‌بایستی در زمان کوتاهی اجرایی و

چهار استان هدف جوامع محلی و تشکل‌های فعال در مناطق مورد نظر و مدیر هماهنگ کننده ملی برنامه کمک‌های کوچک سازمان ملل حضور داشتند. برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت اجرای طرح توسعه سیستم مدیریت پسماندها در مناطق روستایی چهار استان ذکر شده و مسائل و مشکلات محلی بررسی شد. در این جلسه همچنین حقرر شد که برنامه مناسب آموزشی در زمینه تفکیک پسماندها با محور توانمندسازی مردم توسط گروه‌های فعال محلی و با نظارت استانی‌ها و برنامه کمک‌های کوچک تهیه و در جلسه بعدی کار گروه راهبردی مرکزی ارائه شود.

برگزاری دومین نشست کار گروه راهبردی توسعه سیستم مدیریت پسماندها روستاها در سازمان ملل

دومین نشست کارگروه راهبردی مرکزی با موضوع توسعه سیستم مدیریت پسماندها در روستاها در اجرای مفاد تفاهیم‌نامه همکاری مشترک سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سازمان ملل متحد برگزار شد. این کارگروه در راستای اجرای مفاد تفاهیم‌نامه همکاری مشترک سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با برنامه کمک‌های کوچک سازمان ملل متحد (SGP-GEF-UNDP)، در محل سازمان ملل متحد در تهران تشکیل گردید. در این جلسه که مجید عبداللهی مدیر کل دفتر عمران و توسعه روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مدیران دفتر کل امور روستایی



اعضای هیأت مدیره اتحادیه سازمان های حمل و نقل همگانی کشور انتخاب شدند

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، نخستین جلسه مجمع عمومی اتحادیه سازمان های حمل و نقل همگانی سراسر کشور صبح پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه با حضور مدیران عامل سازمان های مزبور در سالن اجتماعات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور برگزار شد. در این مجمع که از سوی دفتر هماهنگی حمل و نقل ترافیک سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور برگزار شد، مدیران عامل سازمان های حمل و نقل همگانی سراسر کشور، که شهرهای با جمعیت ۳۰ تا یکصد هزار نفر را شامل می شود، به

نامزدان حضور در هیأت مدیره رای دادند که در نهایت اعضای هیأت مدیره اعضای علی البدل و بازرس انتخاب شدند. آقایان سعید قیصر، علی لنگر نشین، محمد نعمت الهی، غلامحسین بابا محمدی، محمدعلی ساری اصلانی به عنوان اعضای اصلی و کتوه امین نژاد سید یحیی موسوی، و محمد شفیع خضری به عنوان بازرس هیأت مدیره انتخاب شدند. شایان ذکر است مطابق اساسنامه این اتحادیه، نو نفر از اعضای اصلی اتحادیه سازمان های حمل و نقل همگانی سراسر کشور با حکم رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور منصوب می شوند.

جشنواره ادبی و هنری یادواره شهدای شهرداری ها برای نخستین بار برگزار می شود

تکریم جایگاه رفیع شهیدان و امامت و تجدید بیعت با این فرزندان صالح اسلام و انقلاب و به منظور ایجاد حساسیت در اندران هنرمندان و ارائه نوآوری در این زمینه است. علاقه مندان به شرکت در این جشنواره می توانند آثار خود را تا تاریخ ۱۵ تیرماه به صندوق پستی ۷۱۲۸-۱۹۳۹۵ ارسال کنند.

این جشنواره با موضوع ارائه آثار هنری برگزیده در زمینه گزار شهیدان در بخش های عکس، فیلم کوتاه، طرح معماری، گرافیک، ملوخی آرم، نقاشی، شعر، ارسال پیام کوتاه با عنوان نجوا با شهید، طراحی بوستر با الهام از غزلیات حضرت امام خمینی (ره) برگزار می شود. هدف از برگزاری این جشنواره تقدیر و

سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور به عنوان سازمان برتر در زمینه بودجه ریزی عملیاتی انتخاب شد



بودجه ریزی عملیاتی طی سال ۸۶ از سوی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور برگزار شد.

در پایان دومین کنفرانس بین المللی بودجه ریزی عملیاتی، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور به عنوان سازمان برتر در زمینه بودجه ریزی عملیاتی انتخاب و مهندس دولتخواه معاون برنامه ریزی و توسعه سازمان لوح تقدیر این همایش را دریافت کرد. شایان ذکر است سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور با توجه به مزیت های بودجه ریزی عملیاتی اقدامات مختلفی را در زمینه توسعه این

سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور از شهرداری های شهرهای شمالی در زمینه سالم سازی سواحل حمایت می کند

جهت استفاده هر چه بهتر آنان از دریا به عنوان یک موهبت الهی می باشد. وی در ادامه گفت: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور سال گذشته ۱۵ میلیارد ریال اعتبار برای اجرای این طرح در نوار ساحلی کشور اختصاص داد. قابل ذکر است که: نقشه رقومی شهرهای کشور اطلاعات پایه و مناسبی را به منظور تهیه بانک اطلاعاتی نوار ساحلی کشور و تهیه الگوی مناسب برای سالم سازی این نواحی در اختیار برنامه ریزان و مجریان امر قرار می دهد.

سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور به منظور اجرای ماده ۶۳ قانون برنامه چهارم توسعه، مبنی بر آزادسازی حریم قانونی نوار ساحلی و تحقق دستور رئیس جمهوری مبنی بر آزادسازی سواحل دریا تا محدوده ۶۰ متری، حمایت های لازم را از شهرداری های شهرهای شمالی به منظور سالم سازی سواحل شمالی کشور به عمل می آورد. هدف اصلی طرح سالم سازی سواحل کشور بهینه سازی طرح های سالم سازی، تکریم گردشگران و شهروندان شهرهای شمالی



هیات نظارت بر مطبوعات با انتشار روزنامه "شهروند" به صاحب امتیازی سازمان شهرداری‌های کشور و مدیر مسئولی سیدمهدی هاشمی موافقت شد. به گزارش روابط عمومی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی محمد پرویزی مدیر کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن اعلام

موافقت هیات نظارت بر مطبوعات با مجوز انتشار روزنامه شهروند به صاحب امتیازی سازمان شهرداری‌ها کشور

مطلب فوق افزود: در سی‌وهشتمین جلسه از یازدهمین دوره هیات نظارت بر مطبوعات با انتشار روزنامه یک دو هفته نامه ۶ ماهنامه ۱۷ فصلنامه ۵ دو فصلنامه و یک مورد تغییر مدیر مسئولی نشریات دارای مجوز موافقت شد. وی اضافه کرد: در این جلسه روزنامه "شهروند" به صاحب‌امتیازی سازمان شهرداری‌های کشور و مدیر مسئولی سیدمهدی هاشمی مجوز انتشار گرفت.

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از علاقه‌مندان دعوت کرد تا از ۲۱ اردیبهشت ماه در خصوص عضویت در کتابخانه و پایگاه اطلاعاتی تخصصی مدیریت روستایی اقدام نمایند. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، کتابخانه و

آغاز عضویت در کتابخانه و پایگاه اطلاعاتی تخصصی مدیریت روستایی

پایگاه اطلاعاتی تخصصی مدیریت روستایی با توجه به ضرورت انجام پژوهش و مطالعات علمی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شایسته در مباحث روستایی از سوی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در معاونت امور دهیاری‌ها تاسیس شده است.

خواننده گرامی

از آنجا که اطلاع‌رسانی و نشر مطالب مرتبط با مدیریت شهری از اهداف اصلی محصولات ادواری انتشارات مؤسسه فرهنگی، اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، در قالب نشریات تخصصی می‌باشد، به منظور هرچه پربارتر شدن این محصولات، مقالات، پژوهش‌ها، گزارش‌ها، اخبار ... و آنچه را که مناسب می‌دانید، برای ما ارسال فرمایید. بدیهی است پس از بررسی، مطالب ارسالی با شکل مناسب در جایگاه خود منتشر و در دسترس مخاطبان فرهیخته مجلات به ویژه شهرداری‌ها قرار خواهد گرفت.

ارتباط با ما:

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۷۶۶۵۱-۸۸۹۸۶۳۸۲

فاکس: ۰۲۱-۸۸۹۷۷۹۱۸

Email: shahrdariha@yahoo.com

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۵، کدپستی: ۱۳۱۶۶۳۳۶۶۱

انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

ارومیه

در ملاقات شهردار ارومیه با سفیر فرقیزستان در زمینه تبادل اطلاعات و انتقال تجربیات، خواهر خواندگی، تبادل توریست و ارتباطات فرهنگی و اجرای المان‌های یاد بود در میدان شهر، توافق‌هایی صورت گرفت.

بندرعباس

عضو هیئت مدیره و مدیر عامل باشگاه ورزشی فرهنگی پیروزی (پرسپولیس) در تاهای به شهردار بندرعباس از برنامه‌ریزی مناسب و هماهنگی این شهرداری در برگزاری اردوی یک هفته‌ای تیم فوتبال پیروزی در این شهر، قدرانی کرد.

تهران

در راستای اجرای طرح ناحیه محوری و با هدف هویت‌بخشی به محلات و آشنایی نسل جوان با تاریخچه فرهنگی، تاریخی محل زندگی خود ۲۳ تابلو هویت در محلات شمیران نصب می‌شود. در این تابلوها تاریخچه محلات، نقشه محله و ... در قالب شبشه‌ای به ارتفاع ۲۲۰ سانتی‌متر بر روی پایه استیل در مراکز محلی از جمله میدان، مساجد، بوستان‌ها و ... نصب می‌شود تا اهالی و دیگر رهگذران با پیشینه محل آشنایی پیدا کنند.

ساری

شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر به مناسبت سالروز ولادت حضرت زینب (س) و روز پرستار با حضور در بیمارستان‌های شهر از مقام و منزلت پرستاران تحلیل و تقدیر به عمل آوردند.

قزوین

عملیات ساختمانی فرهنگسرای میرواناماد (هشت بهشت) در زمینی به مساحت بیش از چهار هزار مترمربع، در ۶ طبقه با اعتباری قریب ۲۰ میلیارد ریال آغاز شد. این فضا شامل آمفی تئاتر، نگارخانه، کتابخانه، کلاس‌های آموزشی و کارگاهی و ... می‌باشد.

سرویس خبر و گزارش، آماده دریافت

اخبار ارسالی شهرداری‌ها می‌باشد

Email: shahrdariha@yahoo.com

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۸۶۳۸۲ ۰۲۱-۸۸۹۷۶۶۵۱

فاکس: ۰۲۱-۸۸۹۷۷۹۱۸

چشم انداز فرهنگی Cultural Landscape

• جواد پروین

چشم انداز فرهنگی شامل بخشی از محیط اطراف ماست که در اثر برهمکنش عوامل محیطی مانند درختان، گیاهان، آب و هوا، ساختمان‌ها، مردم، ماشین‌ها و بسیاری دیگر از عوامل شکل می‌گیرد.

چشم انداز فرهنگی یک ناحیه جغرافیایی است که دربرگیرنده منابع طبیعی و فرهنگی مرتبط با یک رویداد، فعالیت، شخصیت و یا یک گروه از افراد در برهه‌ای از تاریخ بوده است. چشم انداز فرهنگی می‌تواند شامل هزاران هکتار از زمین در مناطق روستایی و یا حیاط یک خانه و یا مزرعه کوچک باشد. این چشم انداز همچنین می‌تواند جلوه‌های ساخت دست بشر از ارتباطات فضایی و بصری مانند باغ‌ها، پارک‌های عمومی، پردیس (محوطه دانشگاه)، آرامستان، یک بزرگراه خوش‌منظر و یا محیط‌های صنعتی باشد. چشم انداز فرهنگی محصول هنر، نوشته و یا گفته‌های یک فرهنگ و جلوه‌های هویت یک منطقه است که در ارتباط با بافت اکولوژیکی آن منطقه نیز هست. در واقع تمام فضاها و چشم‌اندازها با فرهنگ ارتباط دارند، زیرا همه آنها به نوعی تحت تاثیر فعالیت‌ها و یا ترک بشر قرار گرفته‌اند. بنابراین منظور از چشم انداز فرهنگی، نوع خاصی از چشم‌انداز نیست بلکه هدف از تعریف آن، مطالعه نوع نگاه به منظر و چشم‌اندازها و تاکید بر روی ارتباط بین انسان و طبیعت در گذر زمان می‌باشد. بنابر تعریف دیگری که توسط کاترین هووت صورت گرفته است، چشم انداز فرهنگی، یک منطقه جغرافیایی است که در بردارنده منابع فرهنگی، طبیعی و حیات وحش مرتبط با یک رویداد، فعالیت و یا شخصیت تاریخی می‌باشد و یا ارزشهای فرهنگی و زیباشناسی را به تعابیر می‌گذارد. چشم انداز فرهنگی بر خلاف کارهای هنری، باید یک محیط متناسب با عصر حاضر باشد. هر چند مطالعه چشم انداز فرهنگی دارای اهداف اجتماعی و سیاسی فراوانی است اما اساساً در تلاش برای درک فرایندهایی است که ما را با محیط اطراف مرتبط می‌کند. از واضح‌ترین اهداف مطالعه چشم انداز فرهنگی، ایجاد و بهبود بینشی برای درک بهتر امکانات و مشکلات موجود در این فرایندهاست.

چرا چشم انداز فرهنگی مهم است؟

چشم اندازهای فرهنگی میراث ملی همه ما به شمار می‌روند و مانند ساختمان‌ها و یادبودهای تاریخی، بیانگر خاستگاه و مسیر توسعه یک ملت می‌باشند. شکل، خصوصیات و نحوه استفاده از چشم اندازهای فرهنگی، نکات زیادی در مورد چگونگی ارتباط با دنیای طبیعت را بازگو می‌کنند و موقعیتهای اقتصادی، اکولوژیکی، اجتماعی، تفریحی و آموزشی فراوانی را به وجود می‌آورند که به افراد جوامع و ملتها برای درک بهتر از خود کمک می‌تواند. متأسفانه نادیده گرفتن و توسعه نامناسب این چشم اندازها، میراث فرهنگی غیر قابل جایگزین ما را در معرض خطر قرار داده است. بسیاری از اوقات، تاثیرات بلند مدت زیست‌محیطی و فرهنگی این فضاها، در تصمیم‌گیری‌های کوتاه مدت در نظر گرفته نمی‌شوند که در اثر آن، بخش بزرگی از میراث فرهنگی خود را از دست می‌دهیم. از آنجا که حفاظت و بهبود این فضاها منجر به بهبود کیفیت زندگی و حس فضا و هویت برای نسلهای آتی خواهد شد، حفاظت از چشم اندازهای فرهنگی یک کشور، وظیفه تمام افراد آن جامعه به شمار می‌رود.

منبع:

www.icsl.hawaii.edu
www.ual.org
www.jedidialandobservatory.com
Cultural Hawaii 1987

بسمه تعالی
خدمت به معلول خدمت به نیی اکرم (ص) است

امام خمینی (ره)

جناب آقای مهندس سید مهدی هاشمی
مدیرمسئول محترم ماهنامه پژوهشی، آموزشی،
اطلاعرسانی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری

باسلام و اهدای دعای خیر

شمن آرزوی توفیقات روز افزون الهی برای جنابعالی و کلیه همکاران محترمان، بر خود وظیفه می‌دانم به مسدای آیه شریفه "و من لم یشکر المخلوق لم یشکر و الخالق" نهایت تقدیر و تشکر خود را به نمایندگی از طرف تمامی تشکلهای معلولین استان آذربایجان شرقی در رابطه با نشریه شماره ۸۲ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها که با محور اصلی مناسب‌سازی فضاهای شهری چاپ و منتشر فرموده‌اید، اعلام تارم. خداوند را شاکرم که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای اولین بار نشریه‌ای این چنین جامع و علمی به نیازهای افراد کم‌توان و ناتوان در مناسب‌سازی محیط شهری پرداخته است. سرانجام پس از ده‌ها سال شاهد اجرای مناسب‌سازی در محیط‌های شهری هستیم. شما عزیزان با کارکرد خود ما معلولین را نیز به چرخه اجتماعی وارد می‌سازید و ما نیز می‌توانیم مانند شما از امکانات موجود کشور به عنوان شهروند استفاده کنیم. با ادامه‌ی روند مناسب‌سازی که خود یکی از شاخصه‌های توسعه انسانی می‌باشد کشور جمهوری اسلامی ایران نیز در مجامع بین‌المللی حرف‌هایی برای گفتن خواهد داشت.

در خاتمه امیدوارم آن سازمان محترم به اهتمام خود در این امر اجتماعی ادامه داده و به رسالت اصلی خود که همانا استفاده‌ی کلیه شهروندان از امکانات رفاهی، شهری، اجتماعی و غیره موجود در کشور می‌باشد ادامه دهد. باشد این قدم خیرتان مورد قبول درگاه احدیت واقع شده و توشه آخرتی برایتان منظور گردد. انشاء...

خبر: ۱۳۳۳۳۳۳۳
شماره: ۴۳۳۳۳۳۳۳
پوسته: ۳۳۳۳۳۳۳۳



جامعه معلولین استان
آذربایجان شرقی
HAMAN HANDICAPPED SOCIETY
EAST AZARBAIJAN

بسمه تعالی

خدمت به معلول خدمت به نیی اکرم (ص) است . . .
اسم کمیونی (۱)

جناب آقای مهندس سید مهدی هاشمی
مدیرمسئول محترم ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاعرسانی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری

باسلام و اهدای دعای خیر

شمن آرزوی توفیقات روز افزون الهی برای جنابعالی و کلیه همکاران محترمان بر خود وظیفه می‌دانم به مسدای آیه شریفه "و من لم یشکر المخلوق لم یشکر و الخالق" نهایت تقدیر و تشکر خود را به نمایندگی از طرف تمامی تشکلهای معلولین استان آذربایجان شرقی در رابطه با نشریه شماره ۸۲ سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها که با محور اصلی مناسب‌سازی فضاهای شهری چاپ و منتشر فرموده‌اید اعلام تارم. خداوند را شاکرم که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای اولین بار نشریه‌ای این چنین جامع و علمی به نیازهای افراد کم‌توان و ناتوان در مناسب‌سازی محیط شهری پرداخته است. سرانجام پس از ده‌ها سال شاهد اجرای مناسب‌سازی در محیط‌های شهری هستیم. شما عزیزان با کارکرد خود ما معلولین را نیز به چرخه اجتماعی وارد می‌سازید و ما نیز می‌توانیم مانند شما از امکانات موجود کشور به عنوان شهروند استفاده کنیم. با ادامه‌ی روند مناسب‌سازی که خود یکی از شاخصه‌های توسعه انسانی می‌باشد کشور جمهوری اسلامی ایران نیز در مجامع بین‌المللی حرف‌هایی برای گفتن خواهد داشت.

در خاتمه امیدوارم آن سازمان محترم به اهتمام خود در این امر اجتماعی ادامه داده و به رسالت اصلی خود که همانا استفاده‌ی کلیه شهروندان از امکانات رفاهی، شهری، اجتماعی و غیره موجود در کشور می‌باشد ادامه دهد. باشد این قدم خیرتان مورد قبول درگاه احدیت واقع شده و توشه آخرتی برایتان منظور گردد. انشاء...

و جزا کم... خیراً عقلماً

اکبرزاده، رئیس هیئت مدیره جامعه معلولین استان آذربایجان شرقی
و دبیر کمیته پیگیری اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولان استان
و نماینده تشکلهای معلولین استان آذربایجان شرقی

تهران، خیابان ۱۷ شهریور، قفسه کتبی، رتق ۱، کوچه ملاض، پلاک ۱۶۳، کمرپس ۱۳۳۳۳۳۳۳، تلفن: ۰۲۱-۶۵۱۱۳۵۴

سیستم پورتال در ۱۰ شهرداری راه اندازی شد

شهرداریهای کشور قرار گرفته است. تاکنون ۱۲۰ شهرداری درخواست نصب نرم افزار پورتال را به دفتر آمار و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور ارسال نموده اند. تهیه این نرم افزار از اقدامات اساسی در زمینه تحقق شهرداری الکترونیک و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارائه اطلاعات و خدمات به شهروندان در محیط وب محسوب می شود که به منظور وحدت رویه و ایجاد هماهنگی های لازم و حصول اطمینان از کیفیت وب سایت شهرداریهای کشور از سوی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور تهیه شده است. نشانی اینترنتی پورتالهای راه اندازی شده در شهرداریهای فوق به این شرح است:

در پی تهیه نرم افزار مدیریت محتوا (پورتال) توسط دفتر آمار و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، این پورتال تاکنون در ده شهرداری کشور راه اندازی شده است. نرم افزار یاد شده که بیش از این در هفت شهرداری شیراز، بابل، بابلسر، قشم، ابهر، بروجرد و سمنان راه اندازی شده بود به تازگی در شهرداریهای چهاردنگه، گمیش تپه و غرق آباد نیز راه اندازی شده است. دفتر آمار و فناوری اطلاعات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور با هدف تحقق شهرداری الکترونیک و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت شهری اقدام به تهیه نرم افزار مدیریت محتوا (پورتال) نموده است و این نرم افزار توسط این دفتر به صورت رایگان در اختیار

<http://www.4dangch.com>

www.gomishatapehcity.ir

www.ghaghabadcity

www.shirazcc.ir

www.babolcity.ir

www.babolsar.ir

www.geshmcity.ir

www.borujerd.ir

www.abhar.ir

www.semnan.ir

◀ شهرداری چهاردنگه:

◀ شهرداری گمیش تپه:

◀ شهرداری غرق آباد:

◀ شهرداری شیراز:

◀ شهرداری بابل:

◀ شهرداری بابلسر:

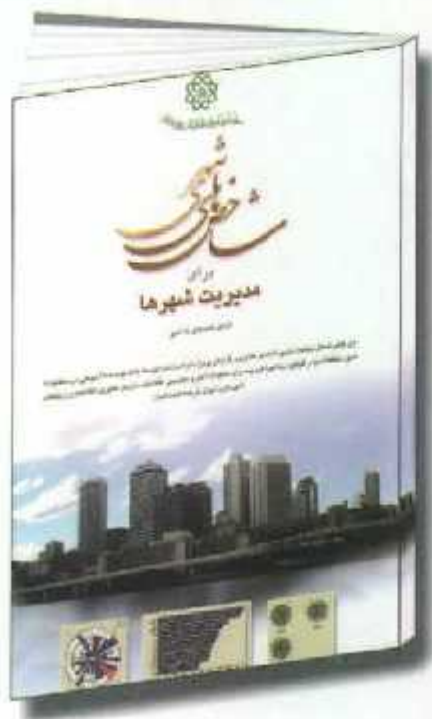
◀ شهرداری قشم:

◀ شهرداری بروجرد:

◀ شهرداری ابهر:

◀ شهرداری سمنان:





● داتن جلالی

نام کتاب: شاخص های شهری برای مدیریت شهرها
پدیدآورندگان: مانیو وست فال، ویکتوریا تویلا
ناشر: دانشگاه علم و صنعت ایران
چاپ نخست: ۱۳۸۶
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه در ۲۷۷ صفحه
بها: ۵۰/۰۰۰ ریال

مشارکت بخش خصوصی آنها بستگی خواهد داشت کارکرد این دولت های محلی در طول دهه های نخست سده بیست و یکم برای بانک توسعه آسیایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مشکل اساسی که در وهله اول در این کشورها بر سر راه سنجش کارکرد دولت های محلی خودنمایی می کند، نبود داده ها و اطلاعات کافی اکثر شهرهای کشورهای عضو بانک توسعه آسیایی است. کتاب کوتاهی، حاصل پروژه های است که به همین منظور و برای جبران کمبود داده های بومی و نشان دادن کاربرد شاخص ها در تنظیم اجزا و کنترل خطا می های شهری طراحی شده است. بر طبق آنچه که اسدالله شاه، مدیر منابع آب، توسعه شهری و اسکان بخش کشاورزی و اجتماعی بانک توسعه آسیایی، در مقدمه کتاب به اختصار شرح داده است، این کار در چهار مرحله انجام گرفته که مرحله سوم به آماده سازی فصل های مختلف این کتاب اختصاص دارد. کتاب از شش فصل تشکیل شده است. دو فصل از کتاب که در آغاز قرار دارد، صرفاً به مباحث نظری در زمینه مفهومی توسعه و رویکردهای مختلف به آن دو زمینه ایجاد شاخص هایی برای سنجش آن اختصاص یافته است.

فصل نخست با عنوان «سنای نظری به قلم متخصص، نظریه پرداز و تاریخ نگار نام آشنا در زمینه برنامه ریزی شهری پیررهال است. او در ابتدای فصل به یکی از دغدغه های اصلی اقتصاددانان که مدت نیم قرن ایشان را درگیر خود ساخته، اشاره می کند و آن مسئله اندازه گیری توسعه انسانی در جوامع و شهرهاست.

کتاب حاصل پروژه های است که بانک توسعه آسیایی در فاصله سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ م در ۱۸ شهر از کشورهای عضو این بانک انجام داده است. پیشگفتار کتاب، به قلم نیهال امر سینگه مدیر بخش کشاورزی و اجتماعی بانک توسعه آسیایی، به روشنی روند تعریف چنین پروژه های را بر خواننده آشکار می کند. ابتدای سخن او تصویری است که آمار و ارقام از وضعیت کشورهای آسیایی در دهه های ابتدایی سده بیست و یکم را تصویر می کند. بر این اساس «روند سریع توسعه شهرها در منطقه آسیا و اقیانوسیه یکی از ویژگی های مهم جوامع کشورهای در حال توسعه عضو بانک توسعه آسیایی می باشد». همچنین پیش بینی می شود بیش از ۸۰ درصد رشد اقتصادی آسیا از مناطقی شهری آن نشأت خواهد گرفت. بدین ترتیب آینده ای که در پیش است تا حد زیادی چه خوب چه بد در شهرها رقم خواهد خورد. تهدیدی که پیش روست و نشانه های آن در شهرهای این کشورها به وفور قابل مشاهده بوده و انتظار می رود با روند ترسیم شده افزایش یابند آماده بودن مدیریت شهرها در پاسخ به خدمات و زیرساخت های مورد نیاز برای آینده است. در اینجا است که بخش خصوصی در پاسخ به این مسئله وارد میدان شده و مشارکت آن به منظور تمهید و ارائه خدمات در حال افزایش است. در حالی که نقش دولت ها از ارائه کننده خدمات به سمت هماهنگ کننده، تنظیم کننده، ناظر و حامی بخش خصوصی رو به تغییر می باشد. در نتیجه از آنجا که خواه ناخواه توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی شهری این کشورها به طور فزاینده ای به توان مدیریت دولت های محلی ایشان و میزان



وی پس از بررسی مفهوم ساده و در همان حال پیچیده‌ی توسعه براساس نظریه‌های جدید ارائه شده در این زمینه مشکلات اندازه‌گیری سطح آن را بر همین اساس مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس به طور خلاصه به بررسی رویکردهای سه‌گانه‌ای می‌پردازد که توسط مراکز و نهادهای مختلف در تهیه شاخص‌ها استفاده شده است. بخش اصلی دیگر این فصل تقسیم‌بندی سیزده‌گانه است که از ۱۴۰ شاخص ارائه شده در کتاب انجام شده است.

فصل دوم با عنوان شاخص‌های شهری و مدیریت شهرها، نوشته یتر نوون، دانشمند و محقق سازمان ملی پژوهش‌های علمی و صنعتی، و عضو انستیتو برنامه‌ریزی سلطنتی استرالیا، می‌باشد. این فصل بررسی تفصیلی تریست از مفاهیمی چون داده، آمار، شاخص و نمایه و جایگاه آنها نسبت به یکدیگر و در نهایت چارچوب‌های ششگانه ساخت شاخص‌ها و نقاط قوت و ضعف هر یک و کاربردهای آنها. در واقع هدف او از این بررسی روشن ساختن دلایل انتخاب چارچوبی ترکیبی می‌باشد که در ساخت و انتخاب شاخص‌های این پروژه مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

هدف از فصل سوم، با عنوان شکل‌گیری کتاب داده شهرها، ایجاد و به کارگیری شاخص‌های شهری، که توسط ماتئو وستفال و جلیس کلارک آماده شده، همان‌گونه که در ابتدای آن آمده، فراهم کردن نوعین خروجی از خروجی‌های دوگانه است که از تهیه کتاب داده‌های شهری منظر تهیه‌کنندگان آن بوده است. اولین خروجی تعریف و تدوین شاخص‌های شهری و جمع‌آوری داده‌های ۱۸ شهر منتخب به عنوان راهنما و دومین خروجی یک جعبه ابزار از شاخص‌های شهری برای استفاده در سایر شهرهای آسیایی است. در این فصل با ارائه مثالی فرصی از یک شهر آسیایی که شرایطی چون اکثر شهرهای آسیا و اقیانوسیه دارد، قصد بر آن بوده تا فرآیندی به تصویر کشیده شود که از راه آن اکثر شهرهای این دو قاره که در جریان تهیه شاخص‌های مورد نظر این پروژه نبوده‌اند، با توجه به اولویت‌های مطرح در برنامه راهبردی خویش، بتوانند از شاخص‌های مورد نظر استفاده کنند. فصل چهارم، با عنوان پایگاه داده کتاب داده شهرها، به معرفی تفصیلی شاخص‌ها و نمایه‌هایی می‌پردازد که بیش از این از آنها سخن رفت. این معرفی شامل تعریفی از خود شاخص، روند هشدار دهنده، میزان آن شاخص و اهمیتی که شاخص در بررسی وضعیت و برنامه‌ریزی‌ها می‌تواند داشته باشد، می‌شود. تمامی این موارد همراه است با ارائه نمودار و جدول. در نهایت خلاصه‌ای از جدول‌های مربوط به میزان شاخص‌ها برای تمامی شهرها آورده شده که امکان مقایسه میان آنها را فراهم می‌کند. فصل پنجم، با نام مقایسه پایگاه داده شهرها و به قلم ترنس گری مک‌گی، استاد موسسه تحقیقات آسیایی دانشکده جغرافیا در دانشگاه ونکوور کانادا، عملاً معرفی‌ای است از روش‌های گوناگون تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از این ۱۸ شهر برای مقایسه آنها، که در مجموع چهار روش را در برمی‌گیرد.

فصل ششم با عنوان شناسنامه شهرها بررسی نیمی‌رخ، یا بنا به نظر مترجمان شناسنامه‌ای، از ۱۸ شهر مورد مطالعه در این پروژه می‌باشد؛ که این همه برای هر شهر در بخش‌های مشخصی چون توصیف کلی شهر، جمعیت، نیروی کار و درآمد، ساختار سیاسی، اداره و مدیریت شهری، زیرساخت‌های شهری، دسترسی به مسکن و توانایی خرید آن، مدیریت محیط‌زیست، میراث فرهنگی، راهبردها، و سیاست‌ها و پروژه‌های مهم توسعه شهری گرد آمده است. کتاب همچنین شامل پنج پیوست نیز می‌شود که از سوی مترجمان به فارسی برگردانده نشده است؛ مترجمان با برگردان این کتاب در زمینه‌های گام زده‌اند که می‌توان آن را خالی از ترجمه‌ها و تالیف‌های ارزشمند دانست. اصولاً در کشوری که روزبه‌روز ارتقا بر آمار و ارقام کمتر می‌شود اقدام مترجمان را در این زمینه و به ویژه در حوزه‌ای که این عدم ارتقا مدام در حال زیان‌آوری است، یعنی حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، باید به فال نیک گرفت. کتاب از این نظر که نخستین اثر ترجمه شده در این زمینه به زبان فارسی است و از آنجا که به مباحث نظری ساخت شاخص‌ها نیز می‌پردازد، برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری هم قابل استفاده است. در این بین می‌توان از فصل‌های اول و دوم به عنوان فصولی که بار نظری آنها غالب است، نام برد. هرچند فصل‌های چهارم و پنجم نیز تا حدی دارای این جنبه هستند و می‌توانند در این زمینه مفید واقع شوند.

با وجود آن که انتخاب چنین کتابی برای ترجمه را می‌توان هوشمندانه دانست و مترجمان در برگردان کتاب به فارسی کوشش کرده‌اند، برخلاف بسیاری از مترجمان کنونی که از دادن پانویس و واژگان و اصطلاحات انگلیسی خودداری می‌کنند، دست به این اقدام نیک زده‌اند و این همه نکات مثبت کتاب است. اما نمی‌توان از مواردی چون صفحه‌آرایی نامناسب کتاب، ترجمه نکردن شناسنامه کامل شهرها و تنها اکتفا به برگردان شناسنامه دو مورد از شهرها که علل گزینش این دو شهر نیز از سوی مترجمان مشخص نیست، و عدم ترجمه پیوست‌ها به ویژه پیوست مربوط به محاسبات آماری که می‌توانست برای خوانندگان بسیار مفید باشد و ارجاع ایشان به متن انگلیسی کتاب که خود می‌تواند نوعی نقض غرض باشد، گذشت کرد. از موارد دیگر می‌توان به استفاده از مخفف‌های انگلیسی در متن فارسی اشاره کرد که به هیچ روی قابل قبول نیست. عدم استفاده از واژه جا افتاده راهبرد به جای استراتژی با ترجمه نکردن زیرنویس عکس‌ها در فصل ششم، اهمیت هنگامی که مترجمان کوشیده‌اند دیون نمودارها را نیز به فارسی برگردانند از دیگر مواردی هستند که خودمانی می‌کنند. در پایان این نکته لازم به یادآوری است که مترجم، تنها مسئول گزینش کتاب و ترجمه درست و صحیح آن به زبان مقصد می‌باشد و این که چه بخش‌هایی از کتاب می‌تواند برای خوانندگان احتمالی کتاب مفید باشد، بر عهده نویسنده یا نویسندگان کتاب بوده است و برهیز از ترجمه پاره‌ای از بخش‌ها به این بهانه که اهمیت کمتری داشته‌اند با مفهوم حذف برابری می‌کند.

پی‌نوشت

1-Matthew.s.Westfall
2-Victorid.A.devilla

الافتتاحية

إن أخذى أهم المسائل فى البرمجة والتخطيط المبنى فى البلدان المتقدمة والمتطورة هو الحضور فى الميادين الثقافية والنشاطات الاجتماعية للمدن حيث إن المقتن قد أوكل القسم الاعظم منها للبلديات . إن القضايا الثقافية والاجتماعية للمدن هى من مقولات البنية التحتية وإذا تفحصناها لرأيناها تضم استراتيجيات علمية تسهم بشكل كبير فى تنمية وتطوير المجتمعات المدنية . كما ليس هناك طريق لتطوير حياة الساكنين فى المدن وتحويلهم الى مواطنين متدين غير تصحيح المسار الثقافى والتخلص من الامراض الاجتماعية ، وإن رؤية المتخصصين والخبراء فى بناء المدن والادارة المدنية تؤكد هذه المقولة المهمة .

إن استراتيجية الحصول على المدينة المثالية هى ليست مجرد البناء الفيزيكي للمباني والاننية وكذلك التسمية الهيكلية . ولو اخذنا بنظر الاعتبار جميع الابعاد غير الظاهرية للمدينة فسيكون لكيفية استفادة المواطنين من المدينة تأثيراً كبيراً على رقى الحياة المدنية .

إن تعليم اصول التعايش فى المدينة (إنشاء المدينة) والتوجيه فى المسار الصحيح يجعلنا نحصل على المدينة الاموية ذات المواطنين المنضطين . وفى بلدنا دخلت البلديات فى السنوات القليلة الماضية الميادين الثقافية والاجتماعية للمدن ، الا انه مع الاسف ان هذه المبادرة تمت على اساس ثوقى وارتبطت بشخص معين و اليوم ان الكثير من البلديات نفتقد للاقسام الثقافية الاجتماعية والكثير من البلديات التى تمارس العمل الثقافى فهو مجرد عمل روتينى و بمستوى هابط ، يمارسونه كمجرد عمل ادارى و وظيفى ، لذا فان الآخرين ينظرون الى البلديات بانها مؤسسة خدمية مهمتها الاساسية جمع الضرائب و تقديم الخدمات السطحية ، وهذه النظرة نفسها موجودة حتى فى المجالات الثقافية لذا يجب ان تصحح هذه النظرة و ذلك من خلال تمكين العلاقة بين الناس و البلديات ، وعلى البلديات أيضاً ان تدخل الميادين الثقافية بقوة بعد ان تعيد بناء نفسها و تشعر الناس بضرورة حضورها هنا . نظراً لاهمية مشروع بحث الهندسة الثقافية الذى طرحه قائد الثورة الامام الخامنى والذى احاله المسؤولون التنفيذيون للمجلس الاعلى للثورة الثقافية ، لنا من الضرورى ان تقوم الادارة المدنية وبشكل جدى وقانونى متابعه ما تم طرحه فى مجال البرمجة والتخطيط والتوجيه .

بما ان البلديات تعتبر الخط المتقدم للعلاقة بين ابناء المدينة ومنظمة البلديات فى توجيه ورقابة النشاطات البلدية فى الابعاد الثقافية والاجتماعية لذا يجب ان تعد وتجهى المشاريع التنفيذية والبرامج الاستراتيجية وبعد تصديقها من قبل المجلس الاعلى للثورة الثقافية تعمل على تنفيذها فى حقول عمل البلديات . وطبقاً لتجارب هذه المنظمة ستكون هذه المشاريع والبرامج العملية ودون ادنى شك بعد تأييدها من قبل المراجع العليا بالنسبة للبلديات قانوناً شاملاً ومدخلاً أمنياً لجميع النشاطات الثقافية والاجتماعية الكبرى . ان الفراغ الموجود فى المؤسسة المسؤولة عن هذا النشاط هو نقص بارز فى تركيبة منظمة البلديات الحصادق عليه ، والان الحمد لله عندما تشكلت المؤسسة الثقافية فان اعلام ومطبوعات هذه المنظمة تخلصت من هذا النقص وسوف تشهد نشاطات واسعة فى مجال التوجيه ودعم ومساندة ومراقبة نشاطات البلديات فى هذه الرقعة الواسعة والمهمة انشاء الله .





مقدمة على التنمية المحلية الدائمة

• حسين حاتم نجاد

مستشار مساعد في كلية البنزانيا - جامعة بصرى

• سعود أحمد بيان

معلم الماجستير في الجغرافيا والتخطيط العمراني - جامعة بصرى



ايجاد التنمية المحلية الدائمة .

تضم رؤى المدارس المختلفة تعاريف متعددة ومتفاوتة حول تنمية وتوسعة محلات المدن . وفي هذا المجال تبذل احياناً مساع حتى يجيزوا للأرضية اللازمة ل(التنمية المحلية) التي تضم تعريفاً وتبيناً للعلاقة بين المحلة والمدينة ، من مفهوم (التنمية المحلية) التي تنبج بشكل أوسع الى وحدة الاهداف والاساليب البحثية والتنفيذية للمجامع المهنية وغير المهنية وتعتمد اسلوب التنمية من قاعدة الهرم الى قمته . لذا بدأ جلياً وأكثر من اى وقت مضى مدى اهتمام مدراء المدن والبرامج والخطط بالمواقع السطحية والابعاد الحياتية . كما طرحت فى العقد او العشرين الاخرين على هذا الصعيد دراسات وبحوث كثيرة تناولت البرامج والخطط والادارة المدنية من اصغر مجمع حياتى فى المدينة وهي المحلة .

وعندما طرحت المحلة بعنوان خلية (الحياة المدنية) فإن التنمية الدائمة صيغت فى اطار التنمية المحلية وبالقياس المحلى واخذت تتابع حسب فكرة (فكر عالمياً واعمل محلياً) . وبشكل عام فإن نظرية (التنمية المدنية الدائمة) قدمت فى العقد الاخير اطروحات جديدة لاسلوب تنمية المحلات المدنية .

ان احدى النظريات التي طرحت فى السنوات الاخيرة لحل مشاكل المدن هي نظرية التنمية الدائمة حيث تؤكد على تأمين متطلبات المجتمعات الانسانية فى حدود الامكانيات المتوفرة دون اللجوء الى تقليص الثروات الطبيعية للاجيال القادمة .

تم فى السنوات الاخيرة تحجيم الرؤية البيئية فى التنمية الدائمة وهذا ماترك اثره فى المقابل على جميع الاصعدة الاجتماعية والاقتصادية والثقافية والسياسية . وعلى صعيد المدينة ايضاً تبلورت هذه الرؤية ففتحت افاقاً جديدة فى البحث والدراسة بحيث لم تبق هناك مدينة تستطيع ان تتواصل دون الاعتماد على المنابع والامكانيات المحيطة بها ، كما ان تنميتها لا تتحقق دون الاعتماد على اعضائها الداخلية اى محلاتها . وهذا ما ادى بالضرورة الى التوجه للتنمية الدائمة للمحلات .

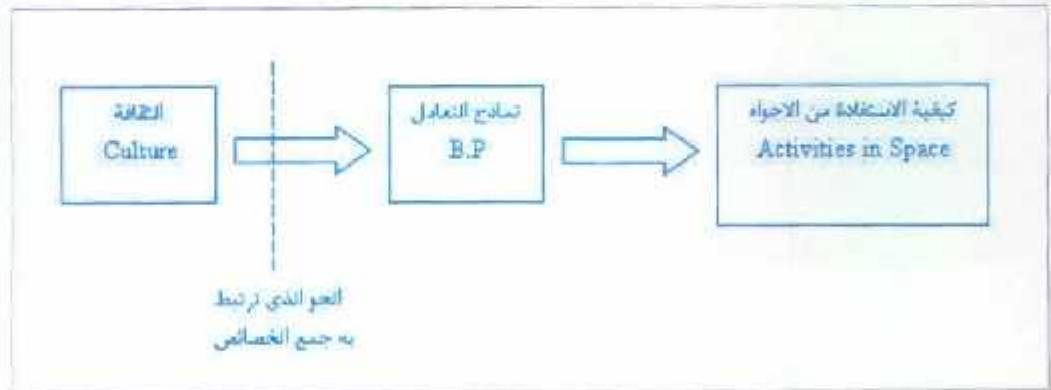
فى هذا البحث نتناول هذا التوجه حيث تم فى البداية تناول تعريف المحلة وكذلك خصائصها المتعلقة بالتخطيط والبرمجة المدنية ويستمر البحث فيتناول مفاهيم مثل الادارة المحلية - رأس المال الاجتماعى - الامكانيات المحلية للتنمية - الهوية المحلية - التداوم والتطابق - الاقسام المتجاورة الدائمة ومحاورها العامة ، كما نطرح ارضيتنا هيكلية الجو والهوية المكانية والثروات الاجتماعية باعتبارها من اهداف التنمية المحلية الدائمة ، ونقدم فى نهاية البحث اقتراحات حول



اهمية الاجواء المدنية في توجيه الفعاليات الثقافية والمشاركة الشعبية

• استعيل صالح
مؤلف الدكتور، في قسم بناء المدن في جامعة طهران

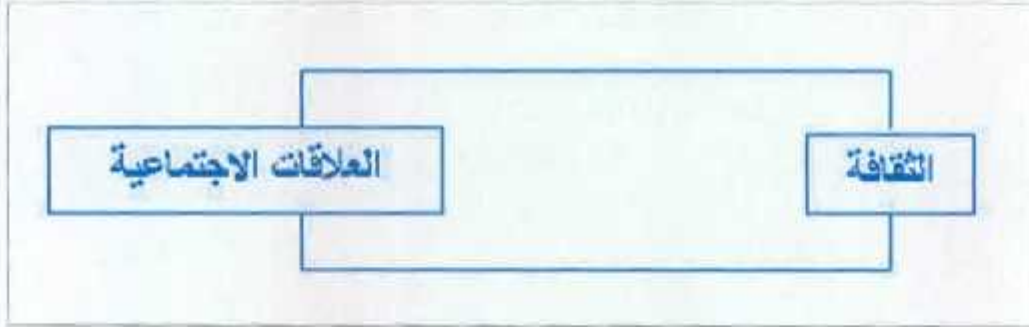
تعتبر الحياة المدنية التي تحولت اليوم الى حركة شاملة وواسعة اكبر مؤشر على تكامل المجتمعات البشرية في جميع بلدان العالم . في الواقع ان المدينة التي تعتبر احدى انواع المجتمعات البشرية أصبحت أكثر اهتماماً للعيش فيها من اية نقطة أخرى على الأرض ، وهذا الاهتمام بلغ حداً بحيث وصفه أحد العلماء الذي يدعى (لوقور) بهذا الشكل :
(سيكون مصير البشر ليس في التجوّم ولا في القرى بل في المدينة)
في حين ان للمدينة مطالعها الثقافى الخاص بها ونحن نعرف بان اجواء المدينة هي بمثابة نتاج ثقافى ، وهنا يقول (اشبنغر) :
(... هذه حقيقة مسلم بها كاملاً الا انه لم تكن معروفة بشكل كامل ابداً ، وهي ان جميع الثقافات الكبرى وليدة المدن ، ان الانسان الممتاز من الجيل الثانى هو حيوان بناء للمدينة ، هذا هو المعيار الحقيقي لتاريخ العالم . ان للشعوب والحكومات والسياسات والمذاهب جنر فى الظاهرة الاساسية لوجود البشر وهو المدينة) (بارك ، ١٣٥٨ ، ٤٩)
وبعنا (.. فان اى نشاط يقوم به الانسان فى المدينة) يستند اساساً الى ثقافة و... المعمارية وبناء المدن يرتبط باجواء تضم انواع النشاطات المناظرة باطر مختلفة وهي فى الواقع تعطى لهذه الاجواء معناً ومفهوماً . هذه الفعاليات تتعلق بالخصائص الثقافية للمجتمع وان اصحاب هذه النشاطات يرتبطون بها . وهذه الرؤية مطروحة بقوة فى مجال الاجواء المدنية وخاصة الشوارع والساحات والميادين (. لان المجتمع يقمّ الشارع من خلال نظرتة للفعاليات التي تدار فيه .
وطبقاً لهذا التعريف فان الانسان يكون قد حدد علاقته القرية والاجتماعية بالاجواء وعناصرها واجزائها ومن ثم يتفجع للاستفادة منها . [البحرني ، ١٣٧٥ ، ٢-١]



(البحرني ، ١٣٥٧ ، ٣)

من الجانب الآخر عندما تعتبر المدينة هي رقعة ثقافية وان الجزء المدني هو محصول ثقافى ، عندئذ سنتمكن وبسهولة ان نجد فى المدينة الجو الثقافى متجسداً فيها . فى الواقع اذا حدثنا فلواهر التمدن (.. عندما نعرف طريقة ما بالعقائد الخالصة لنوازع بانها فان التزيين والصباغة والاستارة والمعالم والعادات تصبح مفهومة ويعلن فيها حرمة قرملة التزيين والمراجع التاريخية . فى الحقيقة يمكن اعتبار المدنية طريقة عالمية ودولية انطلقت من واقع معادى البناء الحديد وتنسجم مع المجتمع الصناعى الحديث ، وهدفها تغيير المجتمع على الصعيد الاخلاقى وكذلك هيكلية مجتمعيها ويكون بذلك قد تم تجاهل التمايز الثقافى (..) (جنكز ، ١٣٧٤ ، ٣٦ ، ٣٧) ،
التي ادت لبان القرن العشرين الى وحدة البناء وتقليد المظاهر المجسمة والمتوقعة عن طريق المعمارية وبناء المدينة الحديثة ، من المدن فانها ستصبح معالم جديبة بحيث تناسى بشكل مباشر بالثقافة اوبالمحيط الطبيعى ، لذا فان المظاهر المجسمة والمتوقعة لمدن يكن واصفهلان وشيكلغو فى القرن التاسع عشر تختلف عن بعضها البعض بشكل كامل وقابلة للمودة لمعرفةا . فى الواقع ان التفاوت والتمايز(النظام الثقافى) بين هذه المدن هو الذى اعطاها الهوية المجسمة والمتوقعة .

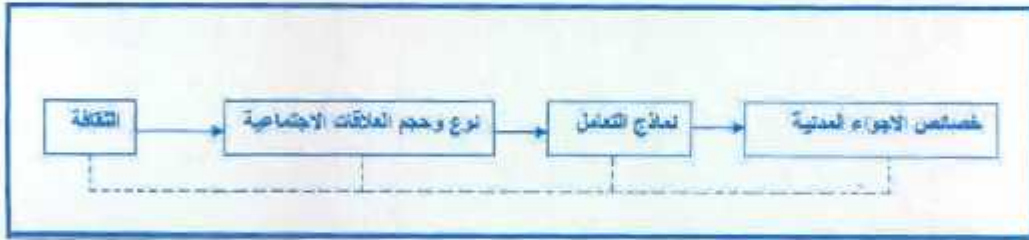
الا ان (النظام الثقافى والعلاقات الاجتماعية مترابطة مع بعضها ، فمن جانب تعتبر الثقافة هي حصيلة العلاقة الاجتماعية وان قوة هذه العلاقة تار على الثقافة ، اى بمعنى ان اقامة واستمرار العلاقات الاجتماعية يعمل على تقوية وترسيخ (القيم والنظم) او الثقافة ، ومن الجانب الآخر ان الظروف وطريقة نشاتها هي التي تحدد العلاقات الاجتماعية ..)



وطبقاً لهذه الرؤية فنحن نمتد بان المظاهر المجسمة والمنموقة تستطيع ان تتاثر بالانظمة الثقافية والعلاقات الاجتماعية ، الا ان هذا التأثير لم يكن بالضرورة باتجاه واحد واحادى الجانب بل ان خصائص التجسم والتوقع هي الاخرى تتمكن من ان تؤثر في الديناميكية والنتائج او في تغيير الانظمة الثقافية .

اساساً يجب ان نأخذ بنظر الاعتبار بان الثقافة هي حصيله نوع وقوة العلاقات الاجتماعية لجميع ابناء المجتمع وان العلاقات الاجتماعية ايضاً لا تتكون من لا شيء بل هي تجسيد لتلك الاجواء المدنية .

وفي هذا السياق نذكر دائماً جهود حيثه من اجل ان يؤخذ بنظر الاعتبار في تنظيم وتقويم العلاقات الاجتماعية ، الاجواء والاجواء المدنية لكل مدينة ومجتمع بحيث تكون متعلقة ومنسجمة مع الانواق والتطلعات الاجتماعية لتلك المجتمع ، ولذا فان (القسم المهم من تاريخ المدينة وبناء المدينة اخص بالتعامل الانساني ، ومن خلال الدراسة ومعرفة التعامل الانساني القائم على اساس الرؤية الثقافية والاجتماعية يمكن معرفة البنية التحتية للحضارة المدنية .) (زابويرت، ١٣٧٠، ٣٠٩)



(ان القوة الاجتماعية للثقافة ودورها في عالمنا اليوم هي اكبر بكثير من اي وقت مضى ، لذا اصبح تنسيق ومتابعة اصحاب الراى والخبراء والمخططين لاحتياجات ومتطلبات المجتمع الثقافية اكثر ضرورة . فالمجتمع الرشيد هو المجتمع الذى يتمكن من ان يحدد معرفته بمتطلباته واحتياجاته الثقافية في مناحى الحياة والحركة الاجتماعية ، ويعمل على التخلص من المظاهر والميول الكاذبة او العابرة ويمتلك القدرة على تأمين هذه المتطلبات والاحتياجات ويستخدمها في مجال النضج والتكامل المعنوي والمادى...) (مكتب التخطيط والبرمجة في وزارة الثقافة والارشاد الاسلامى ، ٧١٦٠)

وفي هذا السياق قد نبت اليوم لجميع مسؤولى الاجواء المدنية بشكل واضح ان كمية وكيفية الجوله في المقابل دوراً مباشراً ومؤثراً في تنظيم نوع وكيفية وقوة العلاقات الاجتماعية ، في الواقع ان الجو وخاصة الاجواء المدنية تستطيع من خلال تغيير نماذج التعامل الفردي ، ان تغير نوع وقوة العلاقات الاجتماعية .

يعتوان نموذج هو نظرية [كاميلوسيته] التى تقول بان (... سعة الجوله لها تأثيرها على تكوين العلاقات الثقافية ، وهذه العلاقات تكون اكثر حميمة في الاجواء الضيقة او الصغيرة ..)



لذا نحن نتناول في هذا البحث التأثير المتبادل بين الثقافة والعلاقات الاجتماعية [بارسونز] التي أوضحناها بالخطط التالي:
وبناء على ذلك فإن الثقافة في إطار الحدود والجو (الذي يستلعب أن يكون بيتا، محلة، مدينة أو جو مدني) تعرف وتنظم نوع وقوة
العلاقات الاجتماعية، ولكن من الجانب الآخر أن تأثير وثائق التفاعلات الاجتماعية (التي هي نشات من الثقافة) تتمكن في إطار الاجواء
المختلفة ان تترك أثرا ثقافية بعضها متنوع.

وفي بحث (المشاركة الثقافية) ووضع برامجها التنفيذية لا يحتاج الى التطرق لمواضيع ومجاور (كبرامج الاعلام والتبليغ والنشر
والتعليم...) بل يمكن التأكيد على التخطيط والبرمجة للاجواء المدنية التي سبق ان خطط لها (بوتوجيه العلاقات الاجتماعية ونماذج
تعامل الناس باتجاه الفعاليات الثقافية والمشاركة، والذي يحظى بالاهمية هنا هو معرفة مفاهيم وتصورات الاجواء المدنية باعتبارها
تشكل مراكز اجواء المدن.

تبين مفهومالجو والاجواء المدنية

يعتبر استيعاب وفهم الجو ومن ثم تنظيمه المؤسساتي أو الهادف من التصورات الهامة لديناميكية الحياة في المجتمعات المتعاشية
وخاصة في المدن حيث تحتاج الى اهتمام أكبر وذلك لتعقيد قضاياها.

ذكر [ادمونديكن] (١) في كتاب [تصاميم المدن] (٢) بان(أحد أهم أهداف بناء المدينة هو رفع مستوى حياة الناس، لذا يجب
ان نأخذ بنظر الاعتبار الاجواء المختلفة للنشاطات المختلفة كما يجب ان نحدد موقعها المناسب حتى تسهم في تقوية أداء الفعاليات
التي تجري هناك - ان الحياة

هي عبارة عن تيار نابع عن التجارب، وان كل عمل أو كل لحظة من الزمن نستقيها من تجربة سابقة ستكون بوابة سهلة للولوج
في تجربة اخرى، وانا اقتنعا بان الحياة تيار نابع من تجارب موزونة ففي هذه الحالة ستكون نسبة الاجواء الى بعضها البعض كما الحال
في زمن التجربة وهذه هي مسألة هامة في التصميم. ومن هنا المنطلق يجب...[بناء المدينة والمعمارية] ان نعمل من ايجاد الاجواء
كما الشعر والموسيقى حيث لا انفرد ولا انفصال في اي من اقسامها [Bacon، ١٩٨٠].
لذلك فمن المؤكد ان معرفة واستيعاب الجو سيحظيان بالأولوية.





رأس المال الاجتماعي؛ حلقة مفقودة في إدارة المدينة (البلديات)

• الدكتور: محسن تباري
أستاذ مساعد ورئيس قسم علم الاجتماع في جامعة الكوفة
• الأستاذة: سهند نصر الهادي
خبير نسوي في علم الاجتماع والاتصال في جامعة الكوفة

العالم المختلفة على مرور الزمن تكاملها وبشكل نشهد فيه اليوم ظهور العديد من الأساليب الحديثة والبدعة في هذا المجال ، كما ان التحولات العالمية والاقليمية أخذت تسرع بشكل جعلت الباحثين واصحاب الراي والعلماء في العالم يبحثون عن (مدن المستقبل) ، هذه البحوث والدراسات تعكس مدى حرص مدراء المدن في التخطيط والبرمجة العلمية والخبرانية لمواجهة القضايا المستقبلية حتى يتمكنوا من تحقيق توسعه وتنمية دائمة لأممن بحيث تتمكن من تأمين الحياة الكريمة لابن المدينة . لذا تعتبر اليوم كيفية (التموذج المطلوب لإدارة المدينة) احد الاسئلة الأساسية التي تواجه المدراء .

ان دراسة هيكلية إدارة المدن المختلفة في العالم تشير الى هذه الملاحظة وهي : ان التنمية والتوسعة الدائمة للمدينة وتقديم الخدمات الكيفية تحقق في ظل ايجاد (تركيبة ادارية مدنية منسجمة وذات نظرة مستقبلية) و (ان يكون ابن المدينة مثقفاً وذو هواجس) ، قفي التركيبة المنسجمة تتمكن الاقسام المختلفة والمتلاحمة من تحقيق الحياة المنتظمة لآبناء المدينة . مع الاسف ان ما نشهده اليوم وبشكل كبير هو عدم كفاءة الخطوات المتفرقة التي يقوم بها المدراء (مع ان بعضهم يبذلون حرصهم على العمل) وهذا يعتبر بحد ذاته دليلاً على صحة ما يدعيه اصحاب الراي ، من جانب آخر اذا اعتبرنا آبناء المدينة أساساً واعين ومثقفين فان تأثير ذلك لم يكن قليلاً من العامل الذي ذكرناه ؛ هنا نرى من الضروري الإشارة الى ما

يعتبر الاقبال المتزايد على السكن في المدن وارتفاع كثافتها السكانية هي إحدى السمات الأساسية لعصرنا الراهن؛ وما نشهده اليوم في الدول المتقدمة هو ان أكثر من 90% من الناس يسكنون المدن ؛ المدن القادرة على تأمين الرفاهية والحياة الكريمة لمواطنيها . كما ان الدول النامية أيضاً (اما لحسن الحظ او لسوء الحظ) هي الأخرى أخذت تسير بنفس المنوال في مجال التوزيع السكاني . فاصبحت الهجرة المتزايدة للقرويين الى المدن وخاصة (الكبيرة والاقليمية) ظاهرة لاسناس منها وقد ابتليت بها جميع بلدان العالم الثالث والدول النامية ؛ ومع ان هذه الظاهرة طبيعية ، الا ان عدم قدرة حكومات هذه البلدان على تطوير وتوسيع امكثيات المدينة ادى الى ظهور نتائج سلبية على الصعيدين الثقافي والاقتصادي وهذا ما جعل الواجبات الملقاة على عاتق البلديات ، التي تعتبر إحدى اهم الاقسام الادارية للمدينة في تقديم الخدمات البلدية ، في غاية الاهمية في هذا البحث نتناول هذا الموضوع وهو : موقع رأس المال الاجتماعي في إدارة المدينة (البلديات) وقد تم التاكيد على هذا الجانب وهو ان رأس المال الاجتماعي الذي يعتبر احد اهم عوامل رفع أداء البلديات وأكثرها تأثيراً فيها ، وفي حالة تطوير وتعزيز حجم رأس المال الاجتماعي فان حجم المشاركة الاجتماعية لاهالي المدن في إدارة شؤون المدينة والمجلس البلدي سيكون أوسعاً ، وهذا ما يمهد الارضية لتوسعة المدينة وتطويرها .

حققت (إدارة المدينة) مع توسعه وتطور المدن في بلدان



الاقتصادى والثقافى والسياسى فهو نطلق من صلب المجتمع ومجموعة العلاقات بين افراد المجتمع ويؤدى الى القوة والانسجام والتلاحم .

ان هذا راس المال لا يتعلق بشخص معين بل يعود الى جميع ابناء الشعب واذا تعرض الى ضربة فان جميع ابناء الشعب وكذلك النظم الاجتماعية ستتأثر بهذه الضربة واذا قوى وانتعش فان الجميع سيقوى ومنتعش و يتقدم نحو الامام . كما ان راس المال الاجتماعى منتج واكثر انتاجاً من راس المال الانسانى والاقتصادى والسياسى ، فهو كالمزهرة التى تضم زهوراً جميلة و عطرة والمستقرة على الطاولة ، فهذه الطاولة نسمى راس المال الاجتماعى ، واذا انكسرت احدى ارجل هذه الطاولة فان المزهرة ستفقد الاستقرار السياسى والثقافى والاجتماعى .

ان الخصائص الاساسية لراس المال الاجتماعى هي الثقة الاجتماعية (٢) و المشاركة الجماعية (٣) والتلاحم الاجتماعى (٤) ، وهذه الخصائص هي بحد ذاتها مصاديق للتعاون والتعاقد والمحبة والكفاءة والراحة النفسية والعمل الجماعى والائحاد والسامح والدعم والاخوة والصفاء والحميمية والسعى للوصول الى الهدف الجماعى وماشابه ذلك ، حيث ان كل واحدة من هذه لها دور مؤثر فى تقوية ودعم راس المال الاجتماعى ونماسك المجتمع وبالتالي تحقيق الاستقرار والتقدم والتطور الاقتصادى والثقافى والسياسى .

يلى وهو : ان مفهوم (المدينة) هو اوسع من مقولة "السكن" (السكن فى المدينة) ، مما يؤسف له هو ان لعدم التصح الثقافى للسكن فى المدينة جعلنا نشهد بان اكثر من فى المدينة هم من الساكنين فيها وليس من لبنائها . وعلى هذا الصعيد نشاهد بان الكثير من مدن العالم وضعت مشاريع عديدة وموسعة من اجل النهوض بثقافة التمدن وتمدن الساكنين فى المدن ووضعتها خبز التنفيذ ، وهذا ما يمكن الاشارة اليه فى مجال راس المال الاجتماعى فى اثاره المدينة وخاصة البلديات باعتباره احد طرق الحل المهمة .

لو تأملنا بشكل جيد بما يحيط بحياتنا الاجتماعية لاستعلمنا ان نرى ان القضايا مترابطة مع بعضها البعض بحيث تشكل منظومة كاملة تحيا متناسقة ومترابطة وتعمل كاعضاء اجسد الواحد وتسير نحو التكامل والازدهار ،ويطلق على هذا الترابط والتناسق بين مكونات الجسد الواحد بالمجتمع الانسانى ،وهذه القضايا المترابطة تحتل موقعاً فى القسم الثقافى والاقتصادى والبناء التحتى والاتصالات والمجتمع ان اكثر بلدان العالم المتطورة والمقتدرة تبنى اليوم مساع حثيثة لحفظ وتعزيز راسمال يطلق عليه (راس المال الاجتماعى) (١) و يحتل راس المال هنا فى الانتظمة الحكومية لهذه البلدان ، المركز فى الدراسات والابحاث السياسية .

ويعتبر راس المال الاجتماعى ارضية الاستقرار والاقتدار



- (1) Social Capital
- (2) Social Trust
- (3) Social Participation
- (4) Social cohesion



دراسة نقاط ضعف وقوة المجالس والادارة المدنية

حسين حائس نجاد

استاذ مساعد في كلية الحقوق - جامعة طهران

عضوة عمومية

مادة الماجستير في الجغرافيا والسياسة المدنية - جامعة طهران

استخدمت نظماً محلياً وإقليمياً وترتبط بجميع الأمور التي تتعلق بنظام الحياة الاجتماعية (نوروزي، ١٣٧٨: ٣٢-٣٣). ان النظام الحقوقي المدني هو المنظم والموجه لفعاليات وبرامج ادارة المدينة، كما يعتبر قانون البلديات سنناً قانونياً معتبراً وموثق وقد تضمن جميع القضايا التي ترتبط بالنظام الاداري المدني وتشكيلات ووظائف المجلس البلدي وكيفية ادارة امور المدن اضافة الى الالتزامات الحقوقية والقانونية، لذا ففي النظام الحقوقي المدني لاي بلد قانون مدني [municipal ACT] حيث يعتبر هنا القانون، القانون الام للادارة المدنية.

كما يعتبر (قانون البلديات) احد تقدم الوثائق القانونية في تاريخ الحقوق الموضوعية في ايران، واليوم قد مضى على تدوينه وتصديقه اكثر من قرن، وهو الوجهة الحقوقية والقانونية الوحيدة وقد اتخذته النظام الاداري المدني والبلديات علة لا تهاهما (نوروزي، تكميز، ١٣٨٠: ٩).

لو درسنا التاريخ الجديد للادارة المدنية لرأينا ان هذه الادارة في دورها الجديدة منسجمة ومتماشية مع السياسات المدنية (فرهودي، ١٣٨٦: ٨).

ان الادارة المدنية هي عبارة عن تنظيم الحياة في المدينة والتنسيق بين الاقسام المختلفة والمؤسسات والناصر، وفي الحقيقة محتويات المدينة (٨٢، ١٩٦٦، Abbott). وحالياً يبلغ عمر الادارة المدنية في ايران ١٠٠ عام (فرهودي، ١٣٨٦: ٨).

من خلال نظرنا الى الدستور وقانون المجالس البلدية والاسلامية، نتمكن من استيعاب المكاتب الحقيقية والهامية للحكومات المحلية، ولكن في كل مرة عندما يتغير قانون المجالس والبلديات من قبل الحكومة ترى ان هذا القانون ينمذ عن اهدافه الشمولية وينسب ادائه وواجباته، والدليل الحقيقي على ذلك يعود الى اعتماد ادارة المدينة على مصادر الدولة وضعف المؤسسات المدنية والمحلية ويشكل عام تركز نظام البرمجة والتخطيط واعتماد قمة الهرم تم القاعدة، ونتيجة لتنازع هذه السياسات هو النمو غير المتناسق وغير المنظم للحكومة وكذلك ضعف وتحجيم البلديات والمجالس (اردشيري، ١٣٨٥: ٣).

ان تشكيل المجالس الاسلامية في المجتمع هو مؤشر لسياسة مواجهة التمرکز، وان التاكيد على تشكيل هذه المجالس بدأ منذ السنة الاولى لانتصار الثورة في ايران.

وفي شهر خرداد عام ١٣٧٥ هجري شمسي المصادف في عام ١٩٩٦ تمت المصادقة على قانون مجالس المدينة الاسلامية والبلديات باعتبارهما ساعدين يعملان سوية على مراقبة وادارة النظام الاداري للمدينة، وتلعب هذه المجالس والبلديات دوراً اساسياً في ادارة المدينة.

ان الهدف من انجاز هذا البحث هو معرفة وتحليل نقاط قوة وضعف المجالس وادارة المدينة. ان نتائج الدراسات تبين ان للمجالس دوراً مؤثراً في تقديم البرامج الاقتصادية والاجتماعية والثقافية واذا ازيلت العوائق التي تواجه هذه المجالس ستكون اكثر قدرة على تامين متطلبات الشعب.

ان تشكيل المجالس الاسلامية في المجتمع هو مؤشر لسياسة مواجهة التمرکز، وان اجراء هذه السياسة يتوقف على الصلاحيات والمسؤوليات التي تؤخذ من الحكومة المركزية وتمنح للمجالس المحلية (ايماني جاجرسي، ١٣٨٦: ١).

يعتبر حق السيادة من احد المبادئ الاساسية والاولوية في دستور الجمهورية الاسلامية الايرانية الذي يعطي للشعب حق تعيين مصيره الاجتماعي. كما ان المشاركة المتزايدة للشعب في تعيين موقعه السياسي والاجتماعي بشكل مباشر وغير مباشر عمل على ترسيخ مؤسسات وازكان الدولة عنها القيادة ورئاسة الجمهورية ومجلس خبراء القيادة ومجلس الشورى الاسلامي (البرلمان) وغيرها التي لو لم تكن تستند على آراء الشعب لما تابورت (زبائي، ١٣٨٠: ١).

ان الهدف الاساسي من تشكيل المجالس في البلاد هو مشاركة الشعب بشكل مباشر في ادارة الامور الاجتماعية. كما ان مشاركة الشعب في انتخاب رئيس الجمهورية وممثلهم في مجلس الشورى الاسلامي ومجلس الخبراء يكون قد تحققت اتارتهم لمؤسسات القرار والتعيين والقيادة والرقابة عليها. وبتنخاب المجالس الاسلامية في البلاد فان هذه المشاركة

Questions worth posing in relation to city visioning and strategy development:

In a strategic visioning exercise:

"Who are the stakeholders who need to be involved?"

"What techniques could be used to retain their ownership of the process?"

"What might make it difficult to achieve that ownership and consistent involvement?"

"How could those difficulties be overcome?"

Reading list:

Local Government in New Zealand, Political Science Vol. 50 No. 2 School of Political Science and International Relations, Victoria University of Wellington in association with the New Zealand Political Studies Association.

State services Commission, Wellington New Zealand, 1996, 'New Zealand's State Sector Reform: A Decade of Change'

Wellington City Council, New Zealand, Annual Report 1997

Frank Benest, 'Re-Connecting with Citizens', ICMA University

Barcelona City, St Petersburg, Brisbane City Strategic Plans

Appendix A

Extract from NZ Government

Act as amended 1989

Section 37k. Purposes of local government - the purposes of local government in New Zealand are to provide, at the appropriate levels of local government, ...

a. Recognition of the existence of different communities in New Zealand:

b. Recognition of the identities and values of those communities:

c. Definition and enforcement of appropriate rights within those communities;

d. Scope for communities to make choices between different kinds of local public facilities and services;

e. For the operation of trading undertakings of local authorities on a competitively neutral basis;

f. For delivery of appropriate facilities and services on behalf of central government:

g. Recognition of communities interest:

h. For the efficient and effective exercise of the functions, duties, and powers of the components of local government:

i. For the effective participation of local persons in local government.

Section 119c. Chief executive officer or group of senior executives officers - (1) Each local

authority shall appoint either ...

a. A single chief executive officer, who shall be appointed as the principal administrative officer of the local authority; or

b. A group of senior executive officers (one of whom shall be appointed as the principal administrative officer of the local authority).

(2) Each executive officer appointed under subsection (1) of this section shall be responsible to the local authority for employing, on behalf of the local authority, within his or her area of responsibility, staff of the local authority and negotiating their terms of employment.

(3) The local authority shall, in making any appointment under subsection (1) of this section, have regard to the need to appoint a person who ...

(a) Can discharge the specific responsibilities placed on the appointee; and

(b) Will imbue the employees of the local authority with a spirit of service to the community; and

(c) Will promote efficiency in the local authority; and

(d) Will be responsible manager; and

(e) Will maintain appropriate standards of integrity and conduct among the employees of the local authority; and

(f) Will ensure that the local authority is a good employer; and

(g) Will promote equal employment opportunities.

Section 119d. Responsibilities of executive offices - Each executive officer appointed under section 119c (1) of this Act shall, in relation to his or her areas of responsibility, be responsible to the local authority for ...

a. Implementing the decisions of the local authority;

b. Providing advice to members of the local authority and any community boards;

c. Ensuring that all functions, duties, and powers delegated to him or her or to any person employed by the local authority, or imposed or conferred by any Act, regulation, or bylaw are properly performed or exercised;

d. Ensuring the effective, efficient, and economic management of the activities and planning of the local authority.

CE 1988, No. 20, s. 32

Section 119e. Maximum term of employment - Every officer appointed under section 119c of this Act shall be appointed for a term not more than 5 years; but shall be eligible for reappointment from time to time

each identified group of stakeholders in the community should be encouraged to participate in a process that achieves an agreed vision for the future. To do this they will need to be provided with data relating to trends in the physical, environmental, social and economic environment of the city and the likely future scenarios. Often the local authority or an academic institution will take responsibility for providing this information by gathering statistics from all sources and commissioning specific research or arranging specific events to enhance understanding for informed debate and decision making.

It is essential to capture all ideas from all sectors of the community and to encourage the community to exercise judgment on options and risks and conflicts to enable them to make tradeoffs. As the priority options become more refined and concrete they need to be costed for choices to be made with the understanding of implicated future public funding needs.

Local authorities have devised many ways to engage the public in strategic planning including arrangement of visioning party days; workshops; school events; neighborhood events etc. detailed preparation and advance planning and distribution of material is essential.

(City of Brea California, USA 'Shaping the Downtown - Workshop and Idea Fair')

Risks and how to overcome them

Strategic visioning processes can take 1-2 years if they are to result in a product that has ownership wider than the local authority. It takes planning, organization and resources to succeed in avoiding a process in which only the habitually community active are involved. It is essential to avoid capture by pressure groups by providing creative means for all the community to participate, avoiding reliance on traditional meetings.

One of the risks associated with a participative process is politicians feeling their decision making roles are being undermined but this can be overcome by explaining the distinction between a strategic vision for the city (a city development strategy) and a strategic plan for the local authority based on that vision; and encouraging the Mayor and elected representatives to see the leadership role they can perform in both activities.

Production of an unrealistic vision and strategy should be discouraged through asking

questions throughout the process such as "what would an ideal solution enable people to do?"; "are there some things we have in common"; "what else could we do?"; "what would happen if we chose that path?"; "is this fair and just, does this create inequity", "who will pay for this and is it affordable".

Having achieved agreement to the strategic vision for the community, the City Development Strategy, the local government then needs to produce its own long term (10 year) strategic plan and proposed actions for delivering on the vision and to encourage the engagement of the other stakeholders as partners.

Features of a quality strategic vision and plan
"Right perspective - outside in - responsive to how customers / community see things i.e. the city vision

"Strategic intent - long term, futuristic, visionary, compelling, understandable and memorable

"Strategic choices have been made - nothing is of equal importance

"Simple, not obscure or complex

"A critical path and costed sequence of actions

"Clear links to the organization's own processes for delivery

"Accountability and commitment with monitorable workplans

The value of a strategic vision and plan

Cities worldwide, including best practice examples in Barcelona Spain, Brisbane Australia, City of Sunnyvale USA, City of Brea USA, Quebec in Canada have used strategic planning to influence and guide change and growth in their communities.

Benefits include:

"Engagement and representation of all sectors of the community in determining the future

"A framework for public investment and activity which is validated against publicly owned long term objectives

"An holistic view of the city so interdependencies and synergies are optimized through partnerships

"Strengthened arguments in support of reform or support from central government

"A shared direction and focus which can be used to attract investment

"Redirection of resources to priority areas that deliver on the strategy

"Engagement of local government with its community and the pursuit of shared goals.





Local governments have moved to fulfill a local governance role as advocates for their communities and purchasers of services rather than service deliverers, which is performed more and more and more by the private sector through privatization or facilities management.

Beneficial outcomes also include increased satisfaction with local authority performance - an example in Figure 2 indicates the performance of Wellington City Council over the period 1992 to 1997.

Whilst the New Zealand system of local government is only one example of possible government reform it facilitates an understanding of the principles that underlie good governance and management that can lead to successful and sustainable city development.

Questions worth posing in relation to the roles of local government / levels of autonomy / code of conduct and roles of elected representatives and managers:

Which is preferable - local financial autonomy in terms of the ability to raise revenue or a well defined framework for intergovernmental transfers with financial dependence on national taxes? Are there issues of equitable redistribution of resources which would override financial autonomy benefits?

What kinds of advantages could be gained from the separation of regulatory enforcement functions from other functions?

What kind of problems and advantages could be gained from the separation of regulatory enforcement functions from other functions?

What kind of problems and advantages could arise in a local government if a 10 year strategic plan and financial management plan; annual plan and report; and annual independent audit were required?

If governance and management were separated, how would the local government need to be organized?

What measures would have to be taken in a local government to allow citizens the right of access to all significant information?

If in competitive bidding for delivery of services the best bid is one from the private sector how would this impact on local authority personnel?

The Role of Local Government in City Strategy

Local government is only one stakeholder in a group of stakeholders that influence a city

or governed area. Other stakeholders include community groups, non-governmental agencies, the private sector, central government, academia, etc.

Given its unique position as representative of the community, a local government can become the focal point for and take the leadership role in encouraging all stakeholders to take responsibility for their own unique roles in the development and success of a community.

Elected representatives, in an environment where they are free of day to day management as a result of separating the governance and management roles, can shift their energies to strategy, policy and planning and monitoring the achievement of strategic goals.

A Strategic Vision developed through the leadership of the elected representatives of local government can provide the framework for the activities of all other stakeholders and that framework can be a basis for attracting investment and jobs.

Key elements of a Strategic Planning Process are:

- "Lead and facilitate the strategic visioning process

- "Engage all stakeholders

- "Provide data to facilitate informed discussion

- "Produce the city's development strategy which contains the community's preferred strategic vision and goals

- "Seek commitment of stakeholders to develop their own plans for delivering on the vision goals

- "Develop and cost the local government strategic plan to fulfill the local authority part of the strategic vision

- "Agree the strategic goals to be achieved each year

- "Provide resources through the local government annual budget

- "Set and Monitor indicators to measure performance

- "Report back to the community the achievement of the goals and continue to lead the community vision

Important features of strategic visioning and planning processes

Any community visioning exercise, if it is to reflect the views of the community, needs to engage the public in the process and promote citizen responsibility and ownership. Ideally



are required to consult with their community on a 10 year Strategic and Financial Management Plan and deliver that through Annual Plans and Budgets which are also subject to consultation. Accountability is further enhanced through the Annual Report of progress against promised outcomes and performance standards which is annually audited by independent government appointed auditors. There is a requirement to regularly test public satisfaction with local authority performance which is undertaken in a variety of ways, including surveys.

Contestability was introduced as a means to assure the adoption of practices which enhance the efficiency and effectiveness of local government. Local governments are required to offer choices between different kinds of facilities and services through the adoption of competitive bidding processes and the development of contracting relationships between the purchaser (the local authority) and the deliverer who can be the local authority or the private sector.

The roles now performed by local governments in NZ

As a result of reform the roles performed by local governments has changed to:

1. strategy and policy making and the monitoring of the conduct of the activities of the organization including the maintenance of the value of the community assets.
2. purchasing through the annual budget and plan, services and products which achieve benefits for the community and the monitoring of the quality of those services.
3. delivery of services or functions using public employees or private contractors;
4. enforcement of regulations set by central government or by the local government as policy maker.

Under the separation of the roles of governance and management referred to earlier the first two functions are the governance functions and the remaining two, management functions though to be fair in practice these roles are not so clear cut. Flexibility is required to make the relationship effective.

The benefits of separating these roles are:

"the elected representatives have access through the City Manager to objective policy advice and options which transparently identify the choices available, the costs and benefits of those choices and the trade - off that

may be required.

"The elected representatives are free to concentrate on policy and performance and can hold the city Manager accountable for efficient achievement of objectives.

"A consistency in professional management can be achieved which protects the standards of service provision from the volatility caused by politics and elections.

"The risk of corruption and manipulation of the rules is reduced, particularly by the separation of policy making from policy implementation, by separation of regulation enforcement from regulation setting; and separation of contract letting from contract delivery.

The benefits ten years on from reform

Recent research has shown that since reform there have been significant shifts in NZ local government spending patterns and activities:

"A slight but significant increase in spending on democracy, suggesting greater investment in reporting, monitoring, and consultation

"A significant real increase in spending on regulatory functions;

"A substantial decline in spending on physical infrastructure consistent with improvements in efficiency and privatization;

"A substantial increase in spending on social infrastructure

(p McDermott and V Forgie, 'Trends in Local Government: Efficiency, Functions and Democracy', Political Science Vol. 50 No 2 January 1999)

Although spending on physical infrastructure is still the largest functional category overall there has been a visible shift of focus in urban areas to social functions such as economic and employment development, housing, health and safety.

The graph at Figure 1 indicates that since reform net operating expenditure of local governments has reduced; debt has declined; property tax increases have been limited to inflation; capital expenditure levels have been retained and assets maintained at reduced costs under a contestable regime. Lone term operating deficits on current accounts have been eliminated.

Despite the reduction in the number of councils, representative democracy has been enhanced with more active involvement of individuals in local affairs and a steady increase in the number of female councillors.





those enabling frameworks.

Local Government in New Zealand

New Zealand has attracted considerable interest since the 1980's for pursuing public sector reform at national and sub-national levels which has clarified the role of government and introduced requirements aimed at improving the performance of government.

In 1989, following the successful reform of its state sector, the NZ Government introduced legislation that restructured local government by creating 86 regional and district local authorities in which the roles of governance and management are separated to achieve improved performance through accountability, transparency and contestability.

In the legislation, the functions of local government were specified for the first time (see Appendix A). This legislation also required:

"The appointment of a City Manager with responsibility to employ and manage the staff;

"The introduction of accrual accounting to account for the full cost of services and the maintenance of the value of community assets;

"The involvement of the community through mandatory consultation;

"Publicly available annual spending plans;

"Annual public reporting on performance which is independently audited.

The stipulations relating to the appointment of a city manager are an important feature of the objective to separate the roles of governance and management and to achieve full accountability of elected representatives to their community (governance) and of managers to the elected representatives (management).

The emphasis of the reform was:

"To achieve autonomy in terms of a local authority's ability to manage community affairs including the right to raise resources through property taxes and other charges with minimum intergovernmental transfers;

"To emphasize the role of the local authority as a purchaser of goods and services from public and private sources which offer choices and deliver benefits to the community, whilst at the same time efficiently managing resources;

"To corporatize publicly owned trading activities (such as energy) into arms length compa-

nies that operated in a commercially neutral way with no non transparent public subsidy.

The principles of Accountability, Transparency and Contestability

Like its successful reforms of the state sector, the aim of the 1989 local government legislation was to ensure:

"Transparency - public access to information and decision making forums so that the public know what is happening in their name;

"Accountability - so that the public can identify who is responsible for making decisions in their name; and

"Contestability - so that they can be assured of optimum performance through the introduction of competition and private sector business practices.

Transparency is achieved in a number of ways, through:

"The Official Information Act 1982 and the Privacy Act 1993 where the presumption is public access to information and open decision making;

"Requirements to consult with the public annually on planned activities each year and report on those activities in annual reports;

"Enforcement of regulations by persons who do not have responsibility for determining those regulations;

"Purchasing of goods and services through contractual relationships with internal staff or the private sector.

All of these have the effect of mitigating the risk of corruption by making information statutorily available and by ensuring transparent public policy making and decision making.

Accountability is achieved when the person with authority to make or influence a decision about use of resources (inputs) is held also to be responsible for the effective delivery of the goods or services purchased with those resources (outputs and outcomes).

In NZ local government a hierarchy of accountability has been created:

1st tier - Mayor and Councilors accountable to the public

2nd tier - City Manager accountable to the Mayor and Councilors

3rd tier - Staff accountable for clearly defined results to the City

Manager

The Mayor and other elected representatives



ning of revolution but was established in 1375. Islamic councils of cities and municipalities are two observation and executive arms of urban management system and have important role in urban governing process.

The present research aims at identifying and analyzing the weakness and power of regulation of councils and urban management. The results show that councils have important effects on improvement of economic, social and cultural plans.

The accomplishment of the decentralization policy depends on how much responsibility and power was taken from the central government and was given to the city councils. The constitution give the people the right of determining their social destiny. Participation of people to determine their own political and social destiny will result in constancy of organization and principals like leadership, presidency, Khobregan council and parliament. The Islamic council aims at the participation of people in governing the social affairs. Islamic councils will result in participation in local scales.

The legal system of city will determine the urban planning and management. The municipality law is the principle legal document which considers all the aspects of urban management system, organization and municipality structure, municipality responsibilities and all the regulation needed. There fore in any country, the municipality act is one of the oldest laws in Iranian legislative history, approved more than one hundred years ago, taken by municipalities as the criteria for urban management.

Investigation the history of modern urban management shows that the modern era is coincident with urban policies. Urban management includes:

Organizing urban like and coordinating all parts, elements and organisms within the urban context. In Iran we have a 100 year of history for urban management.

Taking a look at constitution and councils and municipalities acts, one can understand the real importance of local government. But in any time the government tries to modify its acts, there will be more projection from the goals of urban management and their power has been decreased. The reasons can be the dependence of urban management on state resources, the weakness of urban and local organizations and centralized planning. As a

result, the government has grew irregular and non systematic and weakness of municipalities and councils.

The Principles of Governance and Management: Strategic Planning and Corporate Management

Angela Griffin

Urban Manager, World Bank

INTRODUCTION

The aim of the World Bank's new Urban and Local Government Strategy is to promote sustainable cities and towns that fulfill the promise of development for their inhabitants - in particular by improving the lives of the poor and promoting equity - while contributing to the progress of the country as a whole. Sustainable cities are first and foremost **LIVABLE; COMPETITIVE; BANKABLE; and WELL MANAGED AND WELL GOVERNED.**

A well managed and well governed city is one where there is representation and inclusion of all groups in the urban society; with accountability, integrity, and transparency of government actions in pursuit of shared goals; and with strong capacity of local government to fulfill public responsibilities based on knowledge, skills, resources and procedures that draw on partnerships.

There is now increasing pressure on governments at the sub-national level to perform new roles in their communities as a result of the global trends of globalization, decentralization, urbanization and the reform of government involving changes in roles of the public and the private sector.

Efficient and effective governance at sub-national levels requires an inter-governmental insitutional framework which clearly specifies the responsibilities of each level of government; provides the appropriate authority to coincide with the delegated responsibilities; and specifies and enforces a code of conduct. In is usual for central government to legislate for this framework and for the activities of sub-national governments to be restricted to the requirements of the legislation. Where the framework is based on democratic principles the legislation will provide for the election of community representatives to make decisions within the enabling legislative framework set for them. Some countries, like New Zealand, are more advanced than others in developing





in urban spaces.

So the endeavor is to regulate social relations, spaces in cities and societies based on the favorites of the underlying society. Therefore a great part of the history of city and urbanization focused on human behavior and investigation of cultural insights to discover the fundamentals of civilizations".

In the recent decades which have more important effects of culture, there is more need for cooperation of theorists, professionals and planners on cultural demands of society. A perfect society needs to define its cultural demands and to determine its real and fake intentions.

It has been proved that the quality and quantity of space has direct relation to the adjustment of type, quality and level of social relation. Camillo sitte states that "the size of space has effects on social relations. In smaller spaces, more intimacy exists".

The article aims at determination of the mutual relation of culture and social relations. Culture in different territory and spaces can have different effects.

Social capital; Lost ring in urban management

Dr. M. Niazi

M. Karakonak nasrabadi

The increasing development of urbanism is one of the main characteristics of our contemporary life. Nowadays more than go percent of population live in cities; cities provide their habitants with a happy and fair life. The developed countries have the same pattern for distribution of population. Immigration from villages to the cities and metropolitans is an inevitable phenomenon which has caused many problems to all developing countries. Although this is a usual phenomena but has resulted in many problems to those countries' economy and culture. So the municipalities as the main principles of urban management have important roles. The study aims at paying attention to the importance of social capitals in urban management and the municipalities. The article emphasis that social capitals are the most important factor in increasing and effectiveness of municipalities which can result in improvement of participation of citizens in urban affairs and consequently improvement of urban development.

Urban management has improved with the

improvement of cities all over the world. Nowadays we can see the emergence of new and innovative styles. There are many debates over the "future city" among the scientists and theorists. This indicates the serious concern of national managers to encounter the future problems professionally and with planning. So the "Favorable pattern of urban management" is the main question in front of managers. The evidences show that the consistent and qualitative development of services provided, depends on existence of "A system of integrated and provisionary urban Management" and "Knowing and challenging citizens". It will be possible to improve the different aspects of urban life using a comprehensive management. Unfortunately inefficient and separated affairs done by managers has resulted in no

From the other side the knowing and responsible citizens can have an equivalent effect. It should be noted that "citizenship" is a different concept to "habitant".

Unfortunately as a result of not improving the urban culture in cities, we see the habitants rather than citizens. In many cities in the world we see the comprehensive plans to improve citizenship culture.

Considering the environment and society, one can see integrated affairs that constitute the system to act in proper way and to reach perfection. That system is called human society. Nowadays in many developed countries, the endeavors are to maintain and improve a capital called "social capital". In the governmental system of those countries social capital is an important. This capital will result in consistency and economic, cultural and political power aroused from the context of society.

This is not a private capital that its defection will result in damages to the whole entity of the society.

Social capital is productive and more effective than economic and political capitals. The main principles of social capital are social trust, social participation and social cohesion.

Investigation the weakness and power of councils and urban management

H. Hatami Nejad

M. Amouzade

The foundation Islamic councils is to accomplish decentralization policy. The foundation of Islamic council was aimed from the begin-



An Introduction to Quarter Sustainable Development

H. Hatami Nejad
M. Ahmadian

Sustainable development is considered one of the recent solutions for cities which emphasizes on providing the human societies with their needs as much as possible without reduction of natural capitals for the next generations.

In recent years the environmental dominant views in sustainable development has been diminished and in return the effects are visible in social, economical, cultural and political affairs new horizon has been explored in the context of urban affair using this concept. The cities can not sustain neither without environmental resources nor without the support of internal elements in quarters. This has resulted in the creation of the quarter sustainable development concept. The article defines the quarter and its properties then investigates concepts like quarter organizing, social capital, creating capacity for quarter development, quarter identity, activation and consistency, sustainable neighborhood units to declare principal axis. The article also define spatial structure - place identity and social capitals as the goals of sustainable development of quarters and give some suggestions on it.

From the view of different schools, a number of definition was made about the development of quarters in the city. The endeavor was sometimes to reach the quarter development as the way to define the relation between quarter and city.

The emphasis of urban planning and management is on the low level of urban life. As the researchs in the recent decades show, they aim at developing policy making planning and urban management in the smallest unit of the city, ie. Quarters.

Quarters are the cells of urban life; so the accomplishment of sustainable development was possible only at the scale of quarter and as a result of the idea of Thing universally act locally. Sustainable quarter development is a new approach in quarter development.

The Importance of Urban Spaces in Cultural Interactions and Public Participation

Ismail Salehi

Nowadays, the citizenship has become a comprehensive activity and the best example of

human society perfection.

City, are the most condensed point of habitation on the earth. Le four quoted that "the destiny of human is determined neither in galaxies nor in villages but in cities". We know the cities as the cultural region and the urban spaces as a cultural product.

As Speinger says "the fact is that all the culture has been created in cities. The super human of second generation is an urbanist creature. This is the real criteria of history of the world. All the nations' government, politics and religions have been rooted from cities".

Therefore all the activities done by human, relied on culture. Architecture, urbanization are involved in spaces which all the activities are accomplished within. In fact these activities give meaning and concepts to those spaces and are dependent on the cultural characteristics of the habitants of those societies. This is the case especially for streets and squares.

Existence or absence of special activities in the street is the indicative of the comprehension of society from the streets and its elements.

According this definition, people determine their relation with spaces and elements to utilize them.

In another word, we call the city as a cultural region to define the skeletal and spatial exposures in city. Modernism in fact is an international and global style aroused from the structural tools according to new industrial society aiming at the evolution of moral and social structure of the society.

In recent century, modernism resulted in consistency of skeletal and spatial exposures of Architecture and urbanization.

Neglecting those exposures, we encounter the facts aroused directly from culture or natural environment. That is why the skeletal and spatial exposure of cities like Beijing, Isfahan and Chicago are distinguishable. In fact different "skeletal system" has resulted in different skeletal identity.

But the cultural system and social relation are inseparable. Culture is the result of social relation, ie. The existence and continuation of social relations results in the enforcement of values and culture determines how the social relation is formed.

Essentially the culture is the product of type and level of social relations which takes place





of people and human - oriented. That's why municipalities are far from the optimum point of cultural engineering. They neglect the cultural affairs and monument. Our universities pay less attention to the practical aspects. The urban management majors should be based on modern and current demands. There should be a college for municipalities. There should be a mutual understanding between the municipalities' needs and support of thoughts by universities.

Consequently we observe that municipalities' cultural activities were restrained to construction! By cultural engineering we have to manage and organize the people choices, processes and estimation. By this aspect we are not going to solve problems caused by government like immigration, economic disaster, and house mass production. Municipalities are not responsible for people's religion, sport and culture. But they have to propagate and improve the culture in the way that they can accomplish their duties. Examples are traffic culture, pollution, eroded textures, urban green space, etc. For all these areas we have to change and improve culture to observe big changes. It depends on the city and people.

For the case of collecting debris and waste; for instant when we say the wastes will be collected at 9:00 PM. We have not considered the people's cultures and habits because for instant, in Tehran people dine at 11:00 PM and we have to recollect the wastes 3 times a day.

The 21st century is the time for social interactions; having a social life in cities. It depends on the public participation. We have to expect the counterpart to do their responsibilities as well.

Municipalities have their own media, for instant, Hamshahri newspaper has many audiences and can be a proper tool.

Unfortunately municipalities have got wrong ways in recent years in performing the responsibilities of other institutes like education.

If we are talking about enormous engineering, we also can express this engineering to stage up down.

Any way our aims with this stage should be to express to another city. This aim has to participation of people. Participation of people can be accepted when the people know

everything. Our cultural making should aim at changing the municipality form service organization to social organization.

But our social researches in Tehran show that the people don't know anything about duties of municipality.

I am sure that activities of city management and municipalities are about social arrangement but we should encourage the people trust to us.

First we should start from quarters of city then about the city, because the people like a place of living rather than city.

Cultural Engineering, City, Participation

Mostafa Rostamkhani

In recent years, social participation has been introduced as the leading strategy in social development. It should be noted that Social participation can not be prescribed in the framework of rough and inflexible process and stages. The practical application of these strategies should be based on the corresponding situation of each society.

There are two kinds of confidence in a cultural city: Confidence of people on each other; and their confidence on urban managers. Social Capital, aroused by those confidences will empower the managers to achieve their goals and reduce the costs as a result of public participation. But the city without the cultural advantages, the lack of confidence between substantial elements of the society will result in the increase in governance costs and management will become a complicated affair.

To achieve the sustainable urban development, societies have turned to Municipalities as social organizations. Foundation of this social organization requires meaningful participation, decentralization and development of activities in general areas. Social capital is the main factor for this social organization and the main elements of social capital is participation, confidence and knowledge.

Finally achieving any cultural phenomenon requires preparation of the internal basis; because eternal efforts will not have permanent effects. Durability of any cultural movement depends on three factors: Law, Management and place. In case of municipalities' activities socio-cultural spaces (Space) Cultural engineering (Law) and Leadership centers (management) are the main three factors needs attention.



contacts with municipalities we have to review the way we treat this issue. Municipalities have to reinforce the social and cultural capabilities considering the emphasize of Islamic leader on cultural engineering and submission of this affairs to the superior council of cultural Revolution, it seems that this concept have to be taken seriously in urban management fields.

Municipalities as pioneers in contact with people and Organization of Municipalities as the conductor, supervisor and supporter of municipalities have to provide programs and plans under the supervision of SCCR in the field of activities of Municipalities. The programs evidently will be considered as the strategy for municipalities.

The lack of a responsible institute was felt in OMRM and was compensated by the formation of cultural, Information and publication institute (CIPI) and we will observe the vest activities of this institute in conducting, supporting, protecting and supervising the municipalities' activities in cultural areas.

Special Report

Cultural Engineering and Municipalities

H. Taebi

Because of the material and form concept of engineering, the description of cultural engineering have form related entity which needs paying more attention at its non-material concepts and recall the expression of organizing the space.

But we discuss the city and cultural engineering and its relation to municipalities. But we have to know the culture to investigate cultural engineering. We aim at discussing the culture as the fundamental of all social phenomenon.

In any case we try to consult and estimate the application in cities. Then we have to process and choose the best. This approach of decision making and interaction with phenomena is called culture process. For example political and economic culture. We have to obey the regulations of the societies.

Engineering is to define and determine the coordination of a phenomenon with respect to other phenomena in the society.

Engineering is the management of the elements of an event to reach the efficiency of the system. In case of culture, engineering is the estimation and processing of making deci-

sion and acting perfect.

Cultural engineering has three dimensions. 1- Culture process. 2- Culture structure and 3- Culture dimension for cultural engineering we require a reasonable and logic network to define, order and manage it. Defining the culture engineering in the framework of a culture model will give more convenience.

In the fundamentals of culture of society we encounter three main elements 1- Citizen, 2. City 3- Their relation within the context of culture.

Nowadays we discover new frontiers of science but we can not utilize them in favor of society. This can be as a result of our culture, which is in relation with city skeleton and material dimensions of people and their social affairs, behaviors and beliefs. Do we have to modernize the society habitants in order to have a modern society. Changes should be in forms or in behaviors.

We should avoid the stereotypes in cultural affairs we should use other cultures for development but there are many obstacles.

We need a definition to relate technologies, human beings and their behaviors. Do we do fine the behaviors based an the movement of technology process or based on cultural principles. This is the start of the challenge. We have principals with out consideration to work on it. At the time of the crisis we search for solution.

Cultural Engineering is in fact the path way map for development of a country.

We have to pay attention at the out comes of cultural activates, which is cultural engineering, the cultural programs in a cultural environment. But in case of implication, we never act based on an engineering discipline. The statistics are not right. Having no sense of engineering has resulted in astonishment in decision making area.

We have to consider the cultural engineering with great care. We have to make changes in behaviors and social needs.

The analysis of a change without regarding its effects on citizens and current activities is impossible. City is a collection of people and space and activities. The social considerations will be valid with the consideration of these elements.

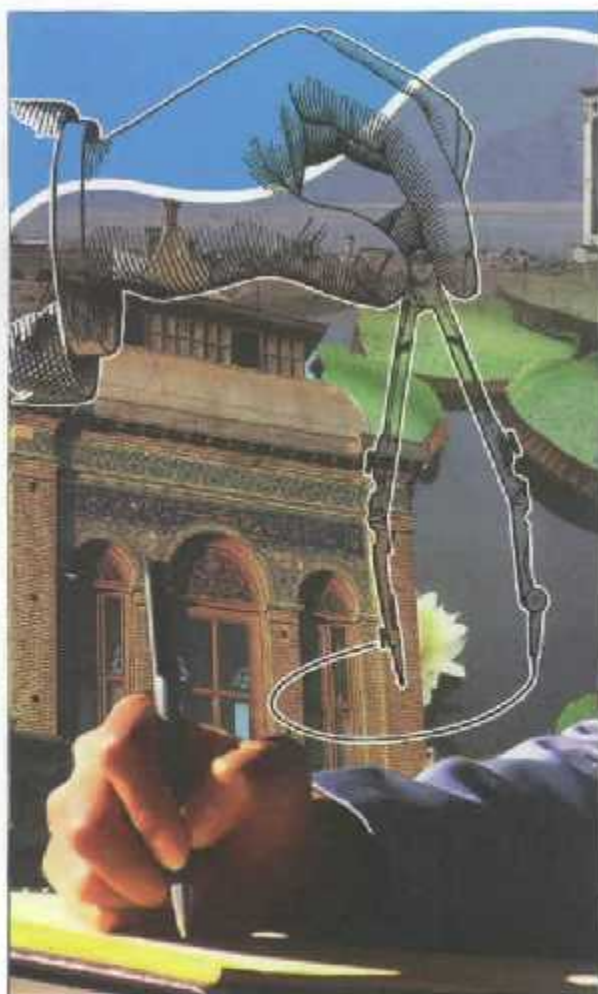
Cultural engineering is usually based on forms in our cities. Citizen - oriented thought has been recently contributed in our cities and the views have been directed to participation





- Note
- **Special Report: Cultural Engineering and Municipalities**
- **Cultural Engineering, City, Participation**
- **An Introduction to Quarter Sustainable Development**
- **The Importance of Urban Spaces in Cultural Interactions and Public Participation**
- **Social capital; Lost ring in urban management**
- **Investigation the weakness and power of councils and urban management**
- **The Principles of Governance and Management: Strategic Planning and Corporate Management**

Javad Pourtam



Note

One of the main issues in urban planning in developed countries is the participation in cultural and social activities which has been submitted to the municipalities. Social and cultural affairs are fundamental issues of cities on which paying attention will have great effects on development of cities.

To improve the life quality of the citizens, we have to modify the culture path and correct the social anomalies the theorists of urban planning and management think the physical construction of building and skeletal development of city is not sufficient for the ideal city. The way that city is used by its citizen has more effect on its improvement.

The instruction of citizenship rules and conducting in its correct path will result in an ideal city. In our country, municipalities have tried to accomplish the cultural issues during recent years. Unfortunately their presence was dependent on personal issues, to the extent that many municipalities have no social and cultural sub division. Many of them consider those affairs just as jobs to accomplish. Considering the amount of public

Contents

Notes	4
Special Report	
Cultural Engineering and Municipalities/ H. Taebi	5
Idea and Research	
Cultural Engineering, City, Participation/ M. Rostamkhani	14
Introduction to Sustainable Quarter Development/H. Hatami Nejad/M. Ahmadian	17
The Importance of Urban Spaces in Directing Cultural ... /I. Salehi	24
Social capital; Lost ring in urban management/M. Niazi, M. Karkonan	37
Legal Counselor/ J. Rezaei, F. Faghih Larijani	40
Administrative and Financial Counselor/ J. Rezaei	42
Municipalities in Documents	
One hundred years old Letter from the present time/A. Jalali	44
Councils and Participation	
Investigation the weakness and power of councils and urban management/ H. Hatami Nejad, M. Amoozade	46
The Concept of Sustainability in Contemporary Cities/ M. Akbarpour, S. Sotoude	54
Successful Mayor	
The Mayor who were a Poet	59
Who Will Govern London?/ M. Khansari	60
World Experience	
The Principles of Governance and Management ... / Translated by: T. Asgari	62
A Secure City, a balanced one	67
World Cities and Municipalities	
Tehran, London; in a view/ Managing City by Participation/Canada and policies ...	68
Instruction	
Methods for Determining Budget of Cities/A. Dadash Zadeh	73
The Souvenir	
A city in The Middle of Earth/ A. Nour Aghaee	77
Point Of View	
The Mosques and the Sociocultural Views/h. Ghafari	79
Report	
A Home for Your Presence/Z. Bayati- Conference on One Hundred Years of Municipality in Iran/M. Rostamkhani ...	81
Brief News	
The City Hall of Urumiye Becomes Museum/ The opening of 35 Urban Project/ Sanandaj Municipality Library/...	97
Organization News	
The president says: A good city should... /City Gardens...	101
Glance at Cities	
Urumiye /Bander Abbas/ Tehran/Sari/ Ghazvin	105
Urban Terms	
Cultural Engineering/ Javad Porvazi	106
Our Audience	107
Websites	108
New Publication	
Urban Indicators in Urban Management/ D. Jalali	109
Arable Part/ M. H. Saeedi	111
English Part/Javad Porvazi	129

شهرداریها

ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی
برنامه ریزی و مدیریت شهری

ماهنامه‌ی شهرداریها فراگیرترین مجله شهری در نهمین زاد نشر خود، شما فرهیخته‌ی گرامی را برای مشارکتی پژوهشی فرا می‌خواند. از شما می‌خواهیم تا با نوشتگان و مقالات پژوهشی خود بر گرد محورهای مصوب سال ۱۳۸۷ در هر چه پر بارتر شدن ماهنامه، گردانندگان این نشریه دیرین و وزین شهری را یاری بفرمایید.

ردیف	محورهای مصوب ماهنامه شهرداریها در سال ۸۷	ماه
۱	شهر و هویت شهرداری در تاریخ	خرداد
۲	شهر ها و مدیریت آب	تیر
۳	بازسازی و بهسازی بافت های فرسوده	مرداد
۴	ایران ۱۴۰۰ و جایگاه شهرداریها	شهریور
۵	تحقق شعارهای دولت نهم و شهرداریها	مهر
۶	مدیریت زیر ساخت های شهری	آبان
۷	شهر در شب	آذر
۸	چالش های اجتماعی شهر ها	دی
۹	شهرداریها و اصل ۴۴	بهمن
۱۰	محیط زیست شهری	اسفند

یادآوری:
(۱) برای چاپ شدن مقاله‌تان، هر محور را یکماه بیشتر برایمان بفرستید.
(۲) مقالات برگزیده برای چاپ حق التالیفی نیز خواهند داشت.

نشانی الکترونیکی: [shahrdariha@yahoo.com](mailto:(e.mail)shahrdariha@yahoo.com)

نشانی پستی: بلوار کشاورز، خیابان نادری، شماره ۱۵، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور



88

Shahrdariha

Monthly Journal of Information
Educational and Research on
Urban Management And Planning
No.88, May 2008

- Cultural Engineering and Municipalities
- Cultural Engineering, City, Participation
- Introduction to Sustainable Quarter Development
- The Importance of Urban Spaces in Directing Cultural interaction and Public Participation
- One hundred years old Letter from the present time
- Investigation the weakness and power of councils and urban management
- The Principles of Governance and Management
- Conference on One Hundred Years of Municipality in Iran

